

کتاب ارمیا

پیشگفتار

که با او خشونت می‌ورزد، او را به سته می‌آورد، او را آکنده می‌سازد، دچار عذاب روحی اش می‌کند، و تبعیت کامل از اراده اش را مطالبه می‌نماید. این نیرو به انزوای او نیاز دارد تا آن را همچون ابزاری برای عمل در میان قوم یهودا به کار گیرد. این نیروی سختگیر همانا کلام خدا بود. هیچ یک از انبیا مانند ارمیا، از کلام خدا و شیوه عمل آن، با چنین صراحة و دقیق دردناکی سخن به میان نمی‌آورند. این عبارت که می‌گوید: «کلام یهوه به من فرا رسید»، نزد ارمیا به فراوانی یافت می‌شود که هم مقدمه‌ای بر خطابه او است و هم توصیف کننده آن (ر.ک. توضیح ۲۰:۱). می‌فرماید: «آن هنگام که سخنان عرضه می‌شد، آنها را می‌بلعیدم» (۱۵:۱۶)؛ این سخنان با این که موجب وجود و شادی او می‌شود (۱۵:۱۶)، اما اثراتش اغلب ویرانگر است، چنان که می‌فرماید: «دلم در اندرونم شکسته، تمامی استخوان‌هایم حم شده؛ همچون آدم مست هستم، همچون آدمی که مغلوب باده شده، به سبب یهوه و به سبب سخنان مقدس او» (۲۳:۹). او این کلام امتحان کننده را که همچون «آتش» است (۲۳:۹)، فقط در بارقه‌های تنویری که گویی طی تجربیاتی فی

۱. تنهایی مرد کلام

ارمیا برای خواننده کتابی که نام او را بر خود دارد، همچون شخصیتی بسیار تنها نمودار می‌شود. «در کناری نشتم»: این اصطلاحی است که خود او به کار می‌برد تا نوع روابطش را با جامعه توصیف کند (۱۵:۱۷). همان کسانی که می‌باشند دورش را می‌گرفتند و تشویقش می‌کردند، یعنی اعضای خانواده اش، نه فقط او را در ک نکردند و به او محبت نشان ندادند، بلکه آزارش نیز دادند (۱۲:۶؛ ۲۰:۱۰)؛ او نه در جشن‌های عروسی ایشان شرکت می‌کرد، نه در مراسم سوگواری شان (۱۶:۵-۹). او هیچگاه رفاه و مسئولیت زندگی زناشویی را تجربه نکرد و هرگز پدر نشد (۱۶:۴-۴). او را به زندان افکنند، مورد بدرفتاری قرار دادند، و برخلاف میلش به مصر بردند؛ او عمر خود را در سرزمینی دوردست به پایان رساند، بی‌آنکه کسی خاطره‌ای از قبرش نگاه دارد.

اما در زمینه زندگی درونی اش اطلاعات خوبی در دست داریم. این را می‌دانیم که این تنهایی و انزوا نزد او، به هیچ وجه مربوط حالات سرشتی اش نمی‌گردد. این تنهایی از سوی نیروی بیرونی بر او تحمیل شده، نیروی

بخش‌ها، نبی به تلخی از انزوا و «بیگانگی» و پیوچی وضعیت شکایت می‌کند، اما در جواب، می‌شنود که این وضعیت اجتناب ناپذیر است و جزیی از رسالت نبوی اش می‌باشد. با این حال، این «اعترافات» یگانه گفت و گوها میان ارمیا و خداش نیست. گفت و گوها دیگری را در آغاز کتاب مشاهده می‌کنیم: صحنهٔ دعوتش به رسالت که طی آن، این مرد جوان به عبث می‌کوشد از نفوذ کلام طفره رود (۱۰:۴-۱:۱)؛ و نیز رؤیاهای نخستین که تشکیل دهندهٔ رسالت‌ش می‌باشد (۱:۱-۱۴). همچین می‌توان به بخشی اشاره کرد که در آن، نبی واداشته می‌شود بنیاد راستین حکم الهی در خصوص وضعیت جامعه یهودیان را تصدیق کند (۵:۱-۶). در بخشی دیگر، باز به عبث می‌کوشد خشکسالی‌ای را که در مملکت بیداد می‌کرد، متوقف سازد (۱۴:۱-۱:۱۵). در این گفت و گوها، کلام انسان با کلام خدا در حالت مبارزه قرار می‌گیرد، اما هر بار این کلام خدا است که غالب می‌آید. این گفت و گوها در هر شکل تاریخی که روی داده باشد (زیرا دشوار بتوان به عمق روان‌شناختی تجربهٔ نبی راه یافت)، به هر صورت گواه بر این است که کلام خدا دلمندی دائمی نی را تشکیل می‌داده است.

۲. وثاقت و درستی دعوت نبی

از میان تمام مشکلاتی که چنین شخصیتی را تکان می‌داد، کثرت گرایی معتقدات نبوی، قطعاً یکی از بارزترین آنها بوده است. منظور

نفسه پیش پا افتاده عرضه می‌شود، دریافت نمی‌دارد (ر.ک. ۱۱:۱-۱۴)؛ بلکه آن را در بارگاه خداوند آسمانی نیز می‌شود (۲۳:۱۸؛ ر.ک. ۵:۱ و توضیح)، یعنی در مکانی که او در مقام نبی حق ورود به آن را دارد. به علاوه، خداوند آن را بر لبانش می‌گذارد (۱:۹) و بر آن نظرارت می‌کند (۱:۱۲) تا از آن آتشی بسازد که قوم متمرد و نافرمان را از میان ببرد (۵:۱۴). گاه نیز به نظر می‌رسد که این کلام او را رها می‌کند و کمیاب می‌شود و برای اینکه بار دیگر بر او نازل شود، روزهایی طولانی او را چشم به راه نگاه می‌دارد (۷:۴۲). در زندگی این مرد، کلام همچون عاملی کلیدی، کانونی حکم‌فرما، بر هم زنده شادی، و نیز علت وجودی جلوه‌گر می‌شود؛ نوعی فرمانروای مستبد و خودکامه است که ظاهراً او را از خویشتن و همت‌وعانش بیگانه می‌سازد، تا بدینسان او را فی الواقع به قلب واقعیت فرو ببرد.

لذا درک می‌کنیم که ارمیا می‌بایست تلاشی دائمی کرده باشد تا این کلام را بر عهده بگیرد و خود را برای آن آماده سازد. آثار چنین تلاشی را در گفت‌گوهای متعدد که در سراسر کتاب مشاهده می‌شود، می‌یابیم؛ در این گفت و گوها، نبی با تندي با خدا در مورد معنی زندگی اش در مقام نبی بحث می‌کند. معروف‌ترین این گفت و گوها احتمالاً آن بخشی‌هایی است که مفسران امروزی، آنها را «اعتراف ارمیا» نامیده‌اند (۱۱:۱۸-۱۸؛ ۱۱:۱۸-۲۳؛ ۱۲:۱-۱۶؛ ۱۵:۱-۱۰؛ ۱۷:۲۰-۲۰؛ ۱۴:۱-۱۸؛ ۱۵:۱-۱۰؛ ۱۷:۱-۱۳؛ ۱۸:۱-۱۸؛ ۱۸:۷-۱۳؛ ۱۸:۱۸-۲۳). در این

حال، او نیز ممکن بود اشتباه کند، همان‌گونه که رقیبیش حنانیا می‌توانست اشتباه کند (۹:۶-۲۸)، خصوصاً با توجه به این امر که نظر حنانیا با نظر اکثریت قاطع مسئولان سیاسی و نظامی همسو بود (ر.ک. مطالب بعدی و ۴).

لذا مسئله اصالت و معنی دعوت متمایز او در کانون گفت و گوهای او با خدا قرار دارد. اگر الهام کننده پیام‌ها خدا است، پس چرا پیام آوران یک صدا نیستند؟ اگر ارمیا را خدا فرستاده، چرا او تنها کسی می‌باشد که مدعی حقانیتی است که فقط خودش دریافت می‌داشته (سرنوشت شخصی مانند اوریاوه، ر.ک. ۲۶:۲۰-۲۴)، که به دست یهودی‌قیم ترور شد، نمی‌توانست باعث تسلی ارمیا شود؟ اگر خدا به نبی خود مأموریتی داده، چرا وی باید متحمل مصائب شود، آن‌هم از سوی کسانی که می‌بایست او را با خوشوقتی همچون همقطار یا همچون نماینده ذیصلاح خدا بپذیرند، آن‌خدایی که در مقام سرور خود تکریم می‌کردد؟ آنچه که مورد سؤال است، هویت و درستی مکافهه است.

ارمیا سردرگمی خود را پنهان نمی‌سازد، تا آنجا که به خدمتش مربوط می‌شود، او خطابی در کار خود نمی‌یابد. مگر نه آنکه وفادارانه کلام را در وجود خود پذیرفته و آن را «بلعیده» بود (ر.ک. ۱۵:۱۶)؟ مگر نه آنکه همواره صداقت کامل داشته است (۱۷:۱۶b)؟ مگر نه آنکه برای همنوعان خویش، حتی برای دشمنانش، شفاعت می‌کرده، همان‌کاری که هر نبی راستینی می‌کند (۱۸:۲۰؛ ر.ک.).

این است که ارمیا یگانه کسی نبود که به نام یهوه سخن می‌گفت. خود کتاب ارمیا در زمینه فعالیت اشخاص دیگری شهادت می‌دهد که با عنوانی مشابه با عنوان او، و در کنار او، مدعی برخورداری از جایگاه و امتیازات انبیا بودند.

در این میان، می‌توان از این افراد نام برد: اوریاوه پسر شمعیاوه (۲۰:۲۶-۲۴)، حنانیا پسر عزور (فصل ۲۸)، اخاب پسر قولایا و صدقیا پسر معسیا (۲۹:۲۱)، و نیز انبیایی بی‌نام که در بخش‌های مختلف به آنان اشاره شده (۲:۸، ۲۶، ۳۰:۴:۹، ۵:۱۳، ۳۱:۶، ۱۴-۱۳:۷:۲۶؛ ۷:۲۶-۱۶؛ ۲۷:۱۶-۱۴)، یا مورد خطاب قرار گرفته‌اند (۲۳:۹-۴۰) یا ارمیا از آنان نام برد (۱۴:۱۳)، شاید هم حتی با تأیید (ر.ک. توضیح ۱۰:۴)؛ انبیا نیز در میان تبعیدیان بابل بودند.

از متن کتاب به طور خاص در می‌یابیم که ارمیا در آغاز هیچ تمایلی نداشت که خود را از همکاران نبی اش جدا و متمایز سازد (ر.ک. ۱۴:۱۳؛ ۱۴:۲۸؛ ۲۸:۶-۹؛ و نیز ۲۹:۱)؛ او هیچ دلیلی نمی‌دید که ایشان را یکبار «نبی دروغین» معرفی کند. ما در اینجا در مقابل جنبه‌ای بسیار ظریف از تنها و ازدواج ارمیا قرار داریم. به غیر از معیارهای اخلاقی که کاربردی ظریف دارند (۲۳:۱۴، ۱۷، ۲۲؛ ۲۹:۲۳)، او هیچگاه از معیارهای عینی برخوردار نبود تا راستی را از دروغ متمایز سازد، و پیام خاص خود را از پیام بسیاری دیگر ممتاز بنمایاند، یعنی همان‌هایی که از پیام خود با همان اطمینانی دفاع می‌کردد که او می‌کرد (با این حال، ر.ک. ۸:۲۸). به هر

ثانوی برخوردار باشد. در واقع، از این شرایط اطلاع دقیقی در دست نداریم و نتایجی که از برخی داده‌ها کسب می‌کنیم، آکثراً مبتنی است بر حدس و گمان.

بر اساس ۱:۱، نبی در اصل اهل عنانوت بود که شهرکی بوده نه چندان دور از اورشلیم؛ خانواده‌ای در آنجا صاحب املاکی بودند (فصل ۳۲: ر.ک. ۱۲:۳۷)؛ در ضمن، او از خانواده‌کهانی بود. برخی از این امر نتیجه گرفته‌اند که ارمیا احتمالاً از اعقاب دور ابیاتار کاهن، اهل شیلوه بود که در گذشته، سلیمان او را به عنانوت تبعید کرده بود (۱:۱-۲۷-۲۶:۲) ولذا تربیت مذهبی او در خانواده‌پدری، و نیز خاطرات نیاکان و مجاورت با سرحدات حکومت فروپاشیده شمالي، می‌توانسته بر سبک و محتواي پیام او اثر گذاشته باشد. اما در این زمینه قطعیتی وجود ندارد.

طبق ۲:۱، ارمیا در سال ۶۲۶ ق.م. زمانی که هنوز بسیار جوان بود (۱:۶)، به خدمت نبوت دعوت شد. از این اشارات می‌توان حدس زد که وی احتمالاً در حدود سال‌های ۶۴۵-۶۵۰ ق.م. ولادت یافته باشد. با این حال، نمی‌توان از نظر دور داشت که رقم مذکور در ۲:۱ (که در ۳:۲۵ تکرار شده)، در خصوص تاریخ دعوت ارمیا به رسالت، مبتنی است بر سنتی متأخر و اینکه این تاریخ باید حول و حوش سال‌های ۶۰۹-۶۰۸ بوده باشد.

این بدان معنا است که تعدادی از فرضیه‌های مربوط به سال‌های اولیه خدمت نبوی او، مبتنی است بر پایه‌هایی نسبتاً سست: ارمیا

۱۴:۱۳؛ ۱۷:۱۶؟ پس چرا باید دچار سرنوشت حزن انگیز شخصی تنها، فردی ناسازگار، و طغیانگری ابدی گردد؟

پاسخ خدا، بی‌چون و چرا، هیچ‌گونه توضیح و توجیهی به دست نمی‌دهد. تمامی مصائب او را خدا پیش بینی کرده؛ حتی به تدریج سخت تر نیز خواهد شد (۱۲:۵)؛ این پیام آوری که مورد اعتراض قرار دارد، چاره‌ای ندارد جز اینکه خویشتنداری پیشه کرده، به راه خود ادامه دهد (۱۵:۱۹-۲۱)، و فقط تلاشی شخصی به خرج دهد تا پیام خود را هر چه کوبنده‌تر سازد (۱۵:۱۹). اما تا آنجا که به سایر انبیا مربوط می‌شود، خداوندی که ایشان را مأمور نکرده (۱۴:۱۴-۱۶)، شیاد بودن آنان را بر ملا می‌سازد (۲۳:۱۶). برای برطرف کردن تردیدهایی که روح نبی را در هم می‌نوردد، تنها راهی که باقی می‌ماند، تکیه به این اطمینان عیث است که کسی که با او سخن می‌گوید، خدای زنده می‌باشد.

عمر ارمیا کفاف نداد که ببیند فاجعه‌ای که اعلام داشته بود، تحقیق یافته و سبب شده که مردمان یهودا به تقدیر خود بیندیشند؛ عده‌ای از علمای آگاه الهیات، نه فقط وحی‌های او را، بلکه سنت‌های مربوط به رسالت او را گردآوری کردند، و سرانجام او را همچون نبی واقعی خداوند مورد تصدیق قرار دادند (ر.ک. بخش ۵).

۳. چند داده در مورد شرح حال او

در مقایسه با این تنش بنیادین، شرایط بیرونی زندگی نبی می‌تواند فقط از جذبه‌ای

اطلاعات، با اینکه حاوی جزئیات است، شرح حال واقعی نبی را تشکیل نمی دهد - حتی ترتیب قرارگیری آنها در متن تیز، دقت ترتیب زمانی را زیر سؤال می برد؛ این اطلاعات فقط حالت مجموعه ای از رویدادهایی را دارا است که نحوه عملکرد «کلام» در زندگی نبی در میان قومی را به نمایش می گذارد که دشوارترین دوره تاریخ خود را طی می کند.

۴. خدمت «کلام» در طول زمان

نهایی و انزوایی که وجه مشخصه خدمت ارمیا از همان آغاز است، فقط ناشی از تجربه مذهبی متمایز کننده نیست، بلکه از محظوی پیامی ناشی می شود که به او سپرده شده است. این پیام دائماً مردمان یهودا را در مقابل نیستی قرار می دهد، در مقابل ورطه نابودی جامعه و نیز خلقت (ر.ک. ۲۳:۴-۲۶). انزوای ارمیا دارای بعدی سیاسی است چرا که وجود یا توقف وجود همه بستگی به پذیرش یا رد پیام او دارد. اگر انزوای او ادامه بیابد و مردمان یهودا در امتناع از گوش دادن لجاجت ورزند، نبی واقعاً تنها کسی خواهد بود که از این فاجعه فraigیر جان سالم می برد؛ اما بر عکس، اگر پیام نبی با نوعی از پذیرش رو به رو شود، خواهند توانست از فاجعه بپرهیزنند یا دست کم دچار جنبه ای تخفیف یافته از آن شده، از شکلی جدید از رفاه بهره مند گردند. پیام ناسازگار ارمیا، به گونه ای آمرانه، تصمیماتی بنیادین را ایجاب می کند. همان گونه که در مورد اکثر انبیا صدق می کند، برای ارمیا «کلام» ضرورتاً

احتمالاً از اصلاحات یوشیا در سال ۶۲۲ ق.م. با شادی استقبال کرده؛ حتی شاید با موقعه های خود، فعالانه در این کار شرکت داشته است (ر.ک. ۱۱:۱۱-۱۴)؛ این اصلاحات یوشیا که ارمیا احتمالاً اشاعه می داد (ر.ک. ۲۱:۱۱ و سایر «اعترافات» ارمیا).

لذا گزیری نیست جز آنکه بپذیریم که آگاهی ما در مورد مراحل آغازین خدمت ارمیا کمتر از آن است که مایلیم بدانیم. اما بر عکس، چند رویداد در مراحل بعدی زندگی او، با جزئیاتی قاطع، در بخش دوم کتاب شرح داده شده است. در سال ۶۰۸ ق.م. مشاهده می کنیم که او، در ورودی معبد، خطابه ای را ارائه می دهد که او را در شرایطی بسیار بد قرار می دهد (فصل ۲۶: ر.ک. ۷:۱). در سال های ۶۰۵-۶۰۴ ق.م. برای نخستین بار وحی های خود را منتشر می سازد، وحی هایی که تا آن زمان، فقط در حافظه اش محفوظ داشته شده بود - شاید هم در حافظه تعدادی از شنوندگان (فصل ۳۶). در سال ۵۹۴ ق.م. با سایر انبیا در گیر مشاجره می شود (فصل های ۲۷-۲۸)، و اندکی بعد، نامه ای برای تبعیدیان به بابل می فرستد که برای تحول و تکامل روحانی پراکنندگان یهود، نقشی تعیین کننده دارد (فصل ۲۹). و بالاخره، گفت و گوهایش با صدقیا پادشاه و خدمتگزارانش در طول محاصره اورشلیم در سال های ۵۸۸-۵۸۷ ق.م. و فعالیتش در میان رهایی یافتگان پس از سقوط شهر، موضوع فصل های ۳۷-۳۵ را تشکیل می دهد. باید توجه داشت که این

نمی‌گذارد. مگر آنکه اینان، پیش از آنکه دیر شود، به سوی خدا بازگشت کنند. ارمیا می‌داند که آن هشدار باور نکردنی که مأمور شده به هم میهنا نش اعلام کند، از هیچ اقبالی برای مواجهه با واکنشی مساعد برخوردار نیست. قوم و رهبرانشان بیش از حد به خود اطمینان دارند و متقادرند که نهادهایشان تزلزل ناپذیر می‌باشند (ر.ک. ۱۸:۱۸؛ ۸:۸). ایشان در موقع ضروری، می‌توانند به معبد که پناهگاه نهایی شان می‌باشد، و به تجاور زناپذیری همیشگی آن، توصل جویند (ر.ک. ۱۰:۷، ۴:۷). مضافاً، ارمیا پس از انجام تحقیقی جدی در میان طبقات مختلف مردم، لازم می‌بیند که تسليم واقعیت شود، این واقعیت که تمام قوم، رهبر و افراد تحت رهبری، ستمکیش و ستمکش، همگی دچار انحطاط اند (ر.ک. ۶:۱۵)، و به گونه‌ای درمان ناپذیر گمراه اند. آیا سیاهپوست می‌تواند پوست خود را عوض کند؟ آیا پلنگ می‌تواند رنگ پوست خود را تغییر دهد؟ و آیا یهودا، این سال‌ها دوره نسبتاً آرامی را تشکیل می‌داد، به جز جنگ مَجَدُو - اگر چنین چیزی اساساً وجود داشته! - که در نهایت گویا فقط برای یوشیا نابود کننده بود (ر.ک. ۲:۲۹، ۲۳:۲۹). درست در همین سال‌ها است که ارمیا وادر می‌شود پیامی کاملًا غریب را اعلام دارد؛ او طی اشعاری که نیروی خارق العاده در تداعی امور داشت، آمدن لشکری مقاومت ناپذیر را توصیف می‌کند که از شمال سر بر می‌آورد و یهودا و اورشلیم را فرو می‌گیرد (ر.ک. ۴-۶ فصل های ۴-۶)؛ این لشکر بی‌رحم امیدی برای مغلوبان باقی

کلامی است کامل و مطلق و تمامی جنبه‌های زندگی بشر را در بر می‌گیرد، چه جنبه‌های شخصی و چه جنبه‌های اجتماعی را. در خدمت ارمیا می‌توان سه دوره را تشخیص داد:

(الف) دوره نخست از دعوت ارمیا آغاز می‌شود (که تاریخش قطعی نیست) و تا حوالی سال ۶۰۵ ق.م. ادامه می‌یابد، یعنی زمان جنگ تعیین کننده کرکمیش. در دوره حکومت یوشیا که در سال ۶۰۹ ق.م. در گذشت، یهودا ابتدا دوره‌ای از آرامش را پشت سر گذاشت که نسبتاً با رفاه و کامیابی همراه بود. آشور از ستم راندن بر جهان باز ماند و استقلال زیادی نصیب یهودا شد؛ یوشیا از این امر بهره جست تا قلمرو حکومتش را توسعه بخشد و دست به هر نوع اصلاحاتی بزند. پس از مرگ او، مملکت یهودا برای چندین سال جذب مدار مصر می‌شود، بی‌آنکه یوغ آن را چندان سنگین احساس کند. برای یهودا، این سال‌ها دوره نسبتاً آرامی را تشکیل می‌داد، به جز جنگ مَجَدُو - اگر چنین چیزی اساساً وجود داشته! - که در نهایت گویا فقط برای یوشیا نابود کننده بود (ر.ک. ۲:۲۹، ۲۳:۲۹). درست در همین سال‌ها است که ارمیا وادر می‌شود پیامی کاملًا غریب را اعلام دارد؛ او طی اشعاری که نیروی خارق العاده در تداعی امور داشت، آمدن لشکری مقاومت ناپذیر را توصیف می‌کند که از شمال سر بر می‌آورد و یهودا و اورشلیم را فرو می‌گیرد (ر.ک. ۴-۶ فصل های ۴-۶)؛ این لشکر بی‌رحم امیدی برای مغلوبان باقی

حکومت، یعنی پادشاه سلسله داود می باشد. اما اقلیتی آمده اند تا به حاکمیت بابل تن در دهند، به این امید که استقلالی نسبی را در بطن امپراطوری نبوکدن نصر حفظ کنند. نام چند تن از اعضای گروه طرفدار بابل به واسطه کتاب ارمیا حفظ شده، یعنی اخیقام که پشتیبان نیزمند ارمیا بود (۲۶:۲۴)، و پرسش جدلیا که پس از سقوط اورشلیم به سمت حاکم ناحیه منصوب می شود، و باروک پسر نریا، یعنی همان شخصی که ارمیا را یاری داد تا انتشار وحی هایش را متحقق سازد. اشتباہ است که باروک را صرفاً «کاتب» ارمیا بپنداشیم، یعنی شخصیتی صرفاً در خدمت ارمیا، یا فردی در حد یادداشت کننده ای که خود را در اختیار ارمیا گذارد تا کار او را تسهیل کند. او در واقع یک «سوفر» بود، یعنی دبیر حکومت، لذا یکی از مقامات، در حد مهردار؛ لذا او شخصیتی نسبتاً بلند مرتبه بود، همان گونه که برادرش سرایا نیز سرانجام رئیس اردوگاه در دستگاه اداری بابلی ها گردید (ر.ک.

۵۱:۵۹). محبوبیت و شهرت باروک در واقع به گونه ای بود که اورا همچون یکی از رهبران گروه طرفدار بابل، و محرك واقعی وحی های ارمیا به شمار می آوردند (۳:۴۳).

بدینسان، راه حل های سیاسی بسیار روشن به نظر می رسد: یا باید با ورق آزادی بازی کنند - آزادی ظاهری، چرا که مصر اگر به یهودا کمک کند، دیگر هرگز حاضر به رها کردن آن نخواهد بود - و در صورت شکست، خطر از دست دادن همه چیز را بپذیرند، یا اینکه تن در دهند که جذب نظام سیاسی بابل شوند.

آشکار قرار دارد - زیرا که خدا، خدایی است نزدیک و آشنا (ر.ک. ۲۳:۲۳)، خدایی که قوم خود را رها نمی سازد. حرکت پرصلابت یهویاقیم پادشاه که بی دغدغه، طوماری را که حاوی این متون باور نکردنی است قطعه قطعه می کند، به وضوح بیانگر شکست موعظه ارمیا در طول این بخش نخست از رسالتش می باشد (ر.ک. ۳۶).

(ب) دوره دوم از ۶۰۵ ق.م. آغاز و تا به ۵۸۷ ق.م. ادامه می یابد، یعنی از جلوس نبوکدنصر بر تخت تا ویرانی اورشلیم؛ این دوره، مهم ترین دلمشغولی رسالت ارمیا را تشکیل می دهد. نبوت های او که مربوط به حمله نظامی می شد، به ناگاه تحقق می یابد. پادشاه بابلی ها مصمم بود که اراده خود را بر تمام حکومت های کوچکی که بر سر راه خود می یابد تحمیل کند؛ از این رو، بارها سوریه و فلسطین را با لشکر پیروزمند خود در می نوردد. این به معنی پایان استقلال یهودا بود. با این حال، مسئولان سیاست گذاری یهود نمی توانند بر سر اقداماتی که باید اتخاذ شود، به توافق برسند. اکثریت ایشان قاطعانه خواهان اتخاذ سیاستی هستند که منجر به بازیابی استقلالشان گردد؛ ایشان به مسئله اتحاد با مصر می اندیشند که همواره مایل بوده بابلی ها در فاصله ای امن، دور از خود نگاه دارند؛ همین گرایش به اتحاد، شامل همسایگان کوچکی نیز می شود که به همان شکل مورد تهدید بابلی ها قرار دارند. این سیاست سخت، به وضوح مورد تأیید رئیس

خواهد یافت، تا آن حد که دیگر وجود هیچ سلسله مراتبی به عنوان واسطه میان خدا و انسان ضرورت نخواهد داشت (۳۱:۳۱-۳۴)؛ این پیام حتی به فراسوی پیام مذکور در ۱۵:۳ و ۲۳:۶ می‌رود که طبق آن، خداوند قصد داشت قوم خود را به کمک اشخاصی رهبری کند که به طور کامل وقف او باشند. این پیام تحقق کامل عهد را در اورشلیم آسمانی مدنظر دارد.

ج) سومین دوره رسالت ارمیا، پس از سال ۵۸۷ ق.م. آغاز می‌شود، یعنی پس از ویرانی اورشلیم. اهمیت این دوره اغلب چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد زیرا از یاد می‌بریم که علی رغم تبعیدهایی که از سوی بابلی‌ها اعمال می‌شود (تبعیدهایی که فقط برخی از اقسام جمعیت را شامل می‌شد)، اکثریت اهالی یهودا در سرزمین خود باقی ماندند. در میان این جمعیت ره گم کرده، سه گرایش سر بر آورد. یکی که از سوی سردمداران گروه قدیمی طرفدار بابل، خصوصاً جدلیا تبلیغ می‌شد، این هدف را داشت که سرزمین را تحت حمایت بابل بازسازی کند. ارمیا به این دسته تعلق داشت. گروه دیگری به رهبری اسماعیل که مردی بی‌دغدغه و متکی به حمایت پادشاه عمونی‌ها بود، برخلاف گروه نخست، قصد داشتند پیکار را ادامه دهند و دست به اعمال توریستی بزنند (ر.ک. ۱۰:۴۱ و بالاخره ۱۱:۱۰). این تجربه خواهد رسید که تعهداتی را که قبل از دادند جلاهی وطن کنند و به مصر بروند.

ارمیا کاملاً بر خلاف میل خود، درگیر این مباحثات می‌شود. موضع او فاقد هرگونه ابهامی است؛ طبق موضوع او، باید برتری بابل را پذیرفت. اما نه به دلایل فرصت طلبانه، زیرا ارمیا فردی سیاسی نیست، بلکه به این دلیل که اراده خدا است. آنچه که خدا مشتاقش می‌باشد، وجود حکومتی مستقل و نیرومند در یهودا نیست که از سوی سلسله مراتبی دوگانه اداره شود، یعنی دستگاه مدنی و مذهبی، بلکه خدا مشتاق داشتن قومی است که به او وفادار باشد و به دعوت پدرانه او پاسخ مثبت دهد (ر.ک. ۲۲:۳ تا ۴:۴)، و در پی دفاع از حق، و زیستن در هماهنگی با هم باشد (ر.ک. ۱۳:۲۲؛ ۶:۵-۵:۲۳). و در دوره‌های قبلی (۳:۱-۵). در نزد او، وجه مشخصه گروه استقلال طلب، خوار شمردن تمامی ارزش‌هایی است که نزد خداوند گرامی می‌باشند؛ و در این میان، پادشاه مقصراً اصلی است (۱۷:۲۲-۱۳:۲۲). به همین سبب، خدا نابودی حکومت را تقدیر نموده است. خدا طرحی کاملاً نوین تدارک می‌بیند: او در نظر دارد در بطن امپراطوری بابل، جامعه‌ای دگرگون شده و متشكل از آنانی تشکیل دهد که به داوری او گردن می‌نهند، جامعه‌ای که دیگر دغدغه جلال خود را ندارد، بلکه آرزومند گسترش رفاه همگان است، چرا که کامیابی دیگران، شرط کامیابی خود او است (۲۹:۵-۷). این جامعه پس از بازگشت سعادتمدانه به سرزمین نیاکانش، سرانجام به این تجربه خواهد رسید که تعهداتی را که قبل از قبال خداوند داشت، اکنون در باطن خود

عمده کتاب، بخش هایی کوچکتر، و تأثیرات پیوسته و وحی های را می یابیم که ظاهراً از پیش به شکل برگه یا کتابچه هایی مستقل وجود داشته که بعداً در این کتاب بزرگ گردآوری شده اند. برای مثال، می توان به مجموعه هایی نظیر ۱۱:۲۲ تا ۸:۲۳ اشاره کرد که وحی های مربوط به «خاندان داود» را گرد هم می آورد؛ همچنین ۹:۲۳ تا ۴۰-۹ که «در مورد انبیا» است؛ ۱:۳۰ تا ۴۰:۳۱ تحت عنوان «کتاب» (۲:۳۰) که تفقد از اسرائیل احیا شده را اعلام می دارد. به علاوه، تأثیراتی نظیر فصل ۲؛ فصل های ۶:۴-۱۴ تا ۱:۱۵ وغیره را می توان جزو این جنگ های ارمیایی به شمار آورد که پیش از شکل گیری اثر نهایی وجود داشته اند.

در خصوص نگارش بخش اول کتاب (فصل های ۱-۲۵) ماجراهی طوماری که به دست باروک نوشته شد و یهودیان آن را از بین برد و مجدداً تحت شکلی بسط یافته تألیف شده («و بسیاری سخنان مانند آنها باز به آنها افزوده شد»، ۳۲:۳۶)، نقش مهمی در تحقیقات مفسران بازی می کند. این طومار حاوی وحی های تهدید کننده بود که پیش از سال ۶۰۵ ق.م. اعلام شده بود، و احتمال بسیار دارد که محتواش در مطالبی داخل شده باشد که اکنون در فصل های ۱-۲۵ کتاب ارمیا وجود دارد. مفسران برای تشخیص هویت این متون ذکاوت زیادی به کار برده اند، اما این تحقیقات منتهی به نتایجی متناقض گردیده و هیچ اتفاق نظری در حال حاضر وجود ندارد. عجالتاً بهتر است از تلاش برای

این گروه علی رغم وحی ارمیا که چنین اقدامی را نهی می کرد، طرح خود را به موقع اجرا گذاردند و نسی را با خود بردند و در سرزمین دوردست مصر، دیگر اثری از او باقی نماند.

۵. شکل کتاب

تقسیم بندی کلی کتاب ارمیا نسبتاً ساده است: ۱:۱ تا ۱۴:۲۵، شامل وحی ها و اعمال نمادین ارمیا است که بر علیه یهودا ادا می شد؛ ۱:۲۶ تا ۴:۴۵، شامل وحی های مربوط به نجات اسرائیل و یهودا و همچنین روایات مربوط به رسالت ارمیا می باشد؛ ۱:۴۶ تا ۶۴:۵۱ (همراه با مقدمه ای در ۳۸-۱۵:۲۵) شامل وحی هایی بر علیه ملت های بیگانه است:

۳۴-۱:۵۲، که ضمیمه ای تاریخی است که از ۲-پاد ۱۸:۲۴ تا ۳۰:۲۵ به عاریت گرفته شده (همراه با چند داده جدید) شامل سقوط اورشلیم می باشد.

در ترجمة یونانی، وحی های مربوط به ملت های بیگانه بلا فاصله بعد از ۱۳:۲۵ قرار گرفته است. این ترتیب احتمالاً بازتاب شکلی قدیمی تر طومار می باشد، زیرا مشاهده می کنیم که چندین کتاب نبوی (اش ۱-۳۹؛ حزقيال؛ حبقيوق؛ صفينيا) بر اساس طرحی سه بخشی شکل گرفته اند که در آن، وحی های مربوط به ملت ها، میان وحی های مربوط به مصائب اسرائیل و وحی های نجات اسرائیل قرار گرفته اند.

در داخل هر یک از این تقسیم بندی های

به هیچ روی قطعی نیست. نگارنده احتمالاً ارمیا را در مصر همراهی کرده (ر.ک فصل های ۴۳-۴۴) و از ۶:۴۳ پی می برم که باروک، این رهبر قدیمی گروه طرفدار بابل، همراه با ارمیا به زور به مصر برده شده است. لذا در آغاز تبعید، کتابچه ها و برگه ها و جنگ های پراکنده متعددی در دسترس بود، و علاوه بر اینها، احتمالاً سنت هایی شفاهی مربوط به ارمیا وجود داشت. گرداوری تمامی این مطالب در یک مجلد کار ویراستاری ناشناس می باشد. هویت این ویراستار بر ما پوشیده است؛ با این حال، او حضور خود را در اضافات بی شمار و تألیفات پیوسته (خطابه و یک یا دو روایت) و تفسیرهایی به سبک نگارنده تثنیه، نمودار می سازد؛ در زمینه این تفسیرها کمی پیشتر اشاراتی ارائه دادیم؛ اینها تقریباً در تمام فصل های کتاب به چشم می خورد. ویراستار نهایی کتاب ارمیا کاملاً وابسته به مکتب «تثنیه نگار» است؛ باید تصدیق کرد که فعالیت گسترده ادبی و الهیاتی در حوالی نیمه دوم قرن ششم ق.م. در فلسطین در جریان بوده؛ این فعالیت شامل اندیشه و تحقیق و نشر می شده و معطوف بوده بر جمع آوری اسناد و مدارک و تفسیر آنها و گرد آوردن آنها در مجلدهای فشرده، و استخراج نتایجی که برای درک بهتر تقدیر اسرائیل مهم بوده است.

بازسازی این «طومار اولیه» چشم پوشید. آنچه که موجب دشواری موضوع می شود، این است که فصل های ۱-۲۵، علاوه بر وحی های منظوم که اصالتشان در اثر تحقیقات متعدد اثبات شده، حاوی بخش های بسیار زیادی است که کم و بیش طولانی هستند و گاه فصلی کامل را تشکیل می دهند؛ این بخش ها به نظر می باشند و به دلیل واژگان و اندیشه الهیاتی شان، یادآور آثار ویراستاران تثنیه ای هستند که در طول دوره تبعید، تصویر تاریخی عظیمی را به نگارش درآورده اند که در شکل کنونی اش، در کتاب هایی توزیع شده که «کتاب های انبیای نخستین» نامیده می شوند (ر.ک). «مقدمه ای بر کتاب های نبوی»). این بخش ها در شکل فعلی شان، نمی توان همچون اثر شخصی ارمیا تلقی کرد و دست کم باید تصدیق کرد که معکوس کننده وحی های ارمیا هستند که ویراستاران متأخر بر آنها مجدداً کار کرده اند.

در بخش دوم کتاب، روایات مربوط به رسالت ارمیا معمولاً به باروک نسبت داده می شود. اورا به این علت نگارنده این بخش ها به حساب می آورند که آنها حاوی داده های دقیق است و بدون هیچ تردیدی، یادداشت های شاهد عینی رویدادها می باشد؛ همچنین به این دلیل که این بخش ها با وحی های شخصی خطاب به باروک خاتمه می پذیرد. این انتساب گرچه محتمل است، اما

کتاب ارمیا

- بر وی فرا رسید^c. ^۳ همچنین در روزگار
یهودیان، پسر یوشیا، پادشاه یهودا^e بر روی
فرا رسید، تا پایان سال یازدهم صد قیام، پسر
یوشیا، پادشاه یهودا^f، تا تبعید از اورشلیم
در ماه پنجم^g.
- ۱ سخنان^a ارمیا،
پسر حلقیا^b،
یکی از کاهنان عناتوت، در سرزمین
بنیامین^b.
- ۲ کلام بیوه در روزگار یوشیا، پسر آمون،
پادشاه یهودا، در سال سیزدهم سلطنت او^d،

۱۵:۵۲

^a منظور از «سخنان» فقط گفته‌های ارمیا نیست، بلکه برخی نقاط عطف زندگی و تاریخ روزگار او نیز هست؛ رسالت او در واقع
به گونه‌ای تنگاتنگ به این تاریخ مرتبط است. «سخنان» را می‌توان «اعمال» یا «تاریخچه» یا «گفتار و کارها و حرکات»
نیز ترجمه کرد. ر. ک. توضیحات لو ۶۵:۱؛ توضیحات اع ۰۰:۲۲.

^b عناتوت شهر لاویان در سرزمین بنیامین بود (یوش ۱۸:۲۱). خرابه‌های این شهر باستانی در مجاورت روستای فلسطینی عناته،
واقع در ۵ کیلومتری شمال اورشلیم واقع است. ر. ک. مقدمه کتاب، بخش ۳.

^c در مورد «روزگار یوشیا»، ر. ک. ۶:۳۶؛ ۲:۲۳؛ ۱:۱۵؛ ۲:۲۲. یوشیا (۱۶:۱۵-۲۲) از سال ۶۴۰ تا ۶۰۹ ق.م. سلطنت
کرد (۲-پاد ۲۴:۲۱ تا ۲۳:۳۰) به سال سیزدهم سلطنت او در ۳:۲۵ اشاره شده است. در خصوص همکاری احتمالی ارمیا با
اصطلاحات یوشیا، ر. ک. مقدمه کتاب.

^d این فرمول را به همین شکل، در آغاز برخی وحی‌ها یا مجموعه‌وحی‌ها، در ۱:۴؛ ۱:۴۷؛ ۱:۴۶؛ ۱:۴۷ و ۳۴:۴۹ مشاهده می‌کنیم (در
خصوص فرمول متناول تر، ر. ک. توضیحات ۳:۱۳). «کلام» شروع به آشکار کردن فعالیت شخصی خود کرد که همانا
فعالیت خود خداوند می‌باشد؛ سپس در قیال نبی فعال شد؛ در زندگی او جربان یافت، و به واسطه‌ای، در تاریخ (ر. ک.
توضیحات ۵:۱) و در لحظه‌ای معین از این تاریخ (ر. ک. مقدمه کتاب). در زمینه «کلام» که وسیله عمل الهی است، ر. ک.
یو ۳:۱ و توضیحات.

^e یهودیان (۶:۲۴ تا ۶:۲۳) بعد از حکومت کوتاه برادرش یهواخاز یا شلوم بر تخت نشست
(۱-تو ۱۵:۳) و به دست فرعون نکو به مصر تبعید شد (۲:۱۰-۱:۱۲؛ ۲:۲۳-۳:۳؛ حرق ۴:۱۹). با سلطنت او،
امیدهایی که در اثر اصلاحات یوشیا و انضمام بخشی از مملکت قدیمی شمال پدید آمده بود، بر باد رفت. یکی از
مدخلت‌های چشمگیر ارمیا برای لرزندان پایه‌های سست مذهبی که تمامی رفتار انسان را شامل نمی‌شد (فصل ۷)، در آغاز
سلطنت یهودیان رخ داد (فصل ۲۶)؛ میان نبی و این پادشاه خصوصی عمیق پدید آمد (فصل ۳۶) که به طور خاص در برخی
از وحی‌ها بیان شده است (برای مثال ۱۹:۱۳-۲۲، ۱۱:۲۱ تا ۱۱:۲۲).

^f صدقیا بر جای برادرزاده خود گنیا^h (۱:۳۷) یا یکنیا یا همان یهودیان که فقط از او سلطنت دسامبر ۵۹۸ تا ۱۶ مارس ۵۹۷
ق.م. سلطنت کرد (۲-پاد ۶:۲۴ تا ۶:۱۷) و به بابل تبعید شد (۲:۲۴-۲:۲۳؛ ۳:۳۱:۵:۲؛ ۳:۳۰-۲:۲۴)، بر تخت نشست. صدقیا در طول
«یازده سال» پادشاهی خود (مارس ۵۹۷ تا زوئیه ۵۸۷ ق.م. ر. ک. ۲:۲۴ پاد ۱۷:۲۴ تا ۷:۲۵)، به نظر نمی‌رسد که بیش از
یهودیان به پیام نبی گوش فرا داده باشد (۲:۳۷). با این حال، بر غبیت با او مشورت می‌کرد، و نیاز داشت به او تکیه کند، و
هرگاه که می‌توانست، او او حمایت به عمل می‌آورد (ر. ک. ۱:۱۰-۱:۱۱).

^g آیه ۳ آید بعدها اضافه شده باشد تا تمام طول خدمت ارمیا را شامل شود.

وحی‌هایی بر علیه یهودا

فراخوان نبی

گفتمن: «آه! خداوند یهوه، اینک من

سخن گفتن نمی‌دانم؛ چرا که طفل هستم!^۱

^۷ یهوه مرا گفت: «مگو: من طفل هستم!

زیرا به سوی تمامی آنان^m که تو را نزد اش^۶:۸-۷:۷

ایشان بفرستم، خواهی رفت، و هر آنچه تو

را امر کنم، آن را خواهی گفت.

^۸ در برابر ایشان هراسان مباش،

زیرا من با تو هستم تا تو را برہانمⁿ.

وحی یهوه^۰.

^۳ کلام یهوه به این مضمون به من فرا

رسید:^h

^۵ پیش از آنکه تو را در شکم [مادر]

شکل بخشم،

تورا می‌شناختمⁱ,

عاص: ۲:۳؛

یو: ۲۷:۱.

پیش از آنکه از رحم بپرون آیی،

تورا وقف کرده بودم^j,

تورا نبی برای ملت‌ها مقرر نموده بودم^k.

اش: ۱:۴۲

^h در مورد این فرمول یا شیوه بیان، ر.ک. به توضیحات ۱۳:۱۳.

ⁱ خالق کل هستی (۱۰:۱۶؛ ۱۰:۵۱) که انسان اول را شکل داد و حیات بخشید (پید ۷:۲) هر انسانی را از لحظه بسته شدن نطفه اش شکل می‌بخشد (۱۸:۶؛ مز ۳۳:۱۵؛ ۱۳:۱۳؛ ۱۰:۱۴؛ ۱۵:۳؛ ۱۳:۱۳؛ ۱۰:۱۴؛ ایوب ۱۰:۱۶-۱۲:۸؛ حک ۲:۲-۲:۱؛ مک ۷:۷-۷:۶). این عملی است مبتنی بر حکمت و معیت آن خدایی که آنان را که به وجود فرا می‌خواند، از پیش «می‌شناشد» و ایشان را به «شناختن» متقابل و به رابطه‌ای نزدیک با خود دعوت می‌کند (ر.ک. روم ۸:۲۹). این امر در مورد آنانی که (چه فرد چه گروه) مقدار است نقشی مهم تر در تحقق طرح الهی برای کل بشریت ایفا کنند، به شکلی خاص واقع می‌شود (پید ۱۸:۱۹؛ اش ۱:۱۸؛ ۲:۲۴؛ ۲:۲۱؛ ۴:۹؛ ۵:۱؛ ر.ک. امث ۲۲:۲-۲۳:۸).

^j نبی از سوی «قدوس اسرائیل» (۵:۵۱؛ ۲۹:۵؛ ۵:۵) تقدیس یا کنار گذاشته شده (۲:۳؛ ۱۲:۳؛ لاو ۲۰:۲۶؛ مز ۵:۱؛ غای ۱:۱۵) تا خدمت خاصی را به انجام برساند که به او صریحاً اعلام خواهد شد. این امر برای او مستلزم رابطه‌ای نزدیک با خداوند، و شناختی بلاواسطه از اندیشه او خواهد بود (لو ۱:۱۷؛ ۳:۱۷، ۱۷، ۱۹؛ ۲۵:۲-۲۶:۲؛ افس ۴:۱). شمشون (داور ۳:۵)، یعنی تعیید دهده (لو ۱:۱۵، ۱:۴۱) پولس (غلا ۱۵:۱؛ ۱۰:۱۵) و خصوصاً عیسی (لوقا ۳:۵؛ ر.ک. توضیحات ۱۰:۳۶؛ ۱:۱۰) نیز این چنین پیش از ولادت تقدیس و وقف شده بودند (ر.ک. امث ۲۳:۸).

^k این آمادگی غایی نبی است که از طریق دعوت خاص از او تحقق می‌یابد؛ پس از آنکه نبی در اثر طرح ازی خدا انتخاب می‌شود و پیش از ولادت وقف می‌گردد، اینک باید در خدمت خود استوار گردد (ر.ک. لو ۳:۲؛ ۲۲:۳) و رسالتش به او اعلام شود (ر.ک. آیات ۹ و ۱۰).

^l ارمیا لب به اعتراض گشوده، می‌گوید که هنوز به سن لازم نرسیده (۳۰ سال، ر.ک. لو ۳:۲؛ ۲۳:۳) تا بتواند فعالانه وارد زندگی اجتماعی شود (ر.ک. ۱: پاد ۳:۷؛ ایوب ۴:۲؛ ۳:۷). منظور او نیست که مانند موسی، سخنور خوبی نیست، بلکه می‌خواهد بگوید که حق بیان کلام را ندارد. اما این اعتراض نمی‌تواند در برابر خدایی که می‌تواند به هر که می‌خواهد کلام را عطا کند، تاب آورد (خروج ۱۱:۱۱-۱۲:۱؛ ۱:۱۸؛ ۳:۱۸-۲۰؛ ایوب ۲:۳؛ ۲۰:۲-۲۱؛ سمو ۱:۱۱؛ ۱:۱۲-۱۱:۴)؛ دانیال به زبان یونانی (۱:۱۳-۴:۵).

^m این عبارت به گونه‌های مختلف قرائت شده است. در ترجمه آرامی و در «قیمه‌هی» (؟)، «به هرجا» آمده. وولگات چنین قرائت می‌کند: «هر رسالتی که بر عهده ات بگذارم»؛ ترجمه‌ما مطابق است با ترجمه یونانی و «راشی» (ر.ک. آیه ۸). این هر سه ترجمه در آن واحد صحیح است، به این معنا که ارمیا در همه شرایط و در برابر هر کسی، استوار و راسخ باقی خواهد ماند (ر.ک. ۲:۲۶؛ ۱۲:۱۵-۱۲:۲۶، وغیره).

ⁿ هر گاه خدا رسالتی بر دوش کسی می‌گذارد، اورا مطمئن می‌سازد که همراه او است و «خدا - با» (عمانوئیل) می‌باشد: پید ۲:۲۶؛ ۲:۲۴؛ ۲:۲۸؛ ۲:۲۵؛ ۳:۱؛ خروج ۲:۱؛ داو ۶:۲؛ اش ۷:۱۴؛ ۱:۱۰؛ ۱:۴؛ ۱:۱۴؛ ۱:۱۰؛ مت ۲:۸-۱:۲۸؛ ۱:۱۹-۱:۲۸؛ ۱:۲۰؛ روم ۸:۴-۳:۱؛ در نظر ارمیا، خدا همانقدر که مالک قدرتمند عالم هستی است، مالک هر یک از عناصرش نیز می‌باشد (۱:۱۱)؛ و همانقدر که مالک تاریخ است (ر.ک. آیه ۱۰:۱۰-۱۰:۱۸)، مالک هر بشری نیز هست (۱:۱۱-۱:۲۰؛ ۳:۹-۳:۹؛ ۱۷:۱۷-۱۸:۱۸؛ ۴:۵-۵:۵).

^o در مورد این فرمول، ر.ک. توضیحات ۵:۹.

۱۸:۳-۱۴:۱
صف: ۲۰:۱۵

اما بر تو چیره نخواهد شد،
زیرا من با تو هستم
- وحی یهوه- تا تو را برهانم.

برای خدايان دیگر بخور سوزانده‌اند^w
و در برابر عمل دستان خود سجد
کرده‌اند.

۱۷:۲۲پ۲

۱۷:۶

اما تو، کمر خود را بیند و بایست!
به ایشان خواهی گفت

هر آنچه را که به تو امر کنم.

به سبب ایشان هراسان میاش،

و گرن، تو را در برابر ایشان هراس
خواهم ساخت.^x

۱۸:۱

و اینک امروز از تو شهری حصاردار
خواهم ساخت،

ستونی آهین،

حصاری برنجین

در مقابل تمام سرزمین:

اش: ۵:۰

جن: ۳:۸

میک: ۳:۸

(یعنی در مقابل) پادشاه یهودا، رؤسای
او،

کاهناش و مردم سرزمین^y.

۱۹:۱

با تو جنگ خواهد کرد،

محبت نخستین

۲

کلام یهوه به این مضمون به من ۳:۱۳

فرا رسید:

۲ برو، به گوش های اورشلیم فریاد برأور ۱۲:۳

(که) یهوه چنین سخن می گوید:
وفادری جوانی ات را براتی به خاطر حر ۱۶:۰

می آورم،
محبت دوران نامزدی ات را،
آن گاه که مرا در بیابان^z دنبال می کردی، تث:۲:۷

در سرزمینی که در آن نمی کارند.
۳ اسرائیل [ماشیلک] مقدس^a یهوه بود،
نوبر حصاد او؛

جمله آنان که از آن می خوردند، مجرم هو ۲۰:۲

می شدند،

w ارمیا همانند هوشع (هو ۱:۱۵:۲؛ ۱۳:۴؛ ۲:۱۱)، اغلب این عمل و سنت بت پرسنی را تقییع می کند (این امر ۱۸ بار در این کتاب ذکر شده که ۸ مرتبه آن در فصل ۴۴ یافت می شود). در کتاب ارمیا، اصطلاح «بخور سوزانده» به عنوان روشی برای عبادت خداوند، فقط در ۱۸:۳۳ به کار رفته است، اما این بخش احتمالاً مربوط به دوران بعد از ارمیا است.

x ر.ک. ۲:۱۰. خداوند آنانی را که به او اعتماد نمی کنند رها می سازد (ر.ک. اش ۹:۷؛ مت ۱۳:۲؛ ۲۵:۱۳)؛ ایمانی راسخ سبب پدیدآیی اطمینانی عظیم می گردد (ر.ک. توضیحات اع ۱۳:۴؛ ۳۱:۲۸).

y این اصطلاح در آن زمان، به مجموع شهروندانی اشاره می کرد که از تمام حقوق مدنی پرخوردار بودند و وظایف خاصی نیز شامل حالشان می شد: ایشان می توانستند در امور اجتماعی مداخلت کنند - پاد ۲:۲۳؛ ۲۴:۲۱ - پاد ۲:۳۰؛ ر.ک. ۲-۲۱؛ پاد ۱:۱۴ و همچنین موظف به انجام خدمت نظام بودند (۲:۵۲).

z ارمیا همانند هوشع (هو ۲:۱۶:۲)، به دوره بیابان از دیدگاه معجزاتی که خدا به عمل آورد می نگرد، نه از دیدگاه سرکشی های اسرائیل (حرق ۱۳:۲؛ مز ۷:۷۸؛ ۱۰:۹۵؛ ۴۰:۱؛ او فقط به وفاداری ایشان در پیروی از «راهنمایشان» در آن زمین لم پریز («سرزمینی که در آن نمی کارند») توجه می کند: در چارچوبی چنین خشک و خشن، حضور الهی با قوت بیشتری حکمفرما بود و عبادت خدا می بیرا به تر (ر.ک. ۲:۲۲:۷؛ عا ۲:۵:۵؛ مذہب نیز در مقایسه با خیانت هایی که از همان آغاز استقرار و جایگیری در کتعان حاکم شد ناب تر بود (آیات ۲۰-۲۸)، و این جایگیری درست همان چیزی بود که رکابیان رد کردند (فصل ۳۵).

a قرائت تحت اللفظی: «چیز مقدس برای یهوه» (ر.ک. ۱:۱۱؛ ۱۵:۳۱؛ ۹:۲۳؛ ۴۱:۳۱؛ ۳۰:۲۵؛ ۲۳:۳۱؛ ۳۰:۲۵؛ خروج ۳۶:۲۸). فقط خداوند می تواند آن را مورد استفاده قرار دهد (ر.ک. ۲:۳۶؛ مز ۱۰:۵).

در سرزمینی خشک و تاریک،
در سرزمینی که هیچکس از آن عبور
نمی‌کند
و جایی که هیچ انسانی در آن ساکن
نمی‌شود؟»
^۷ شمارا به سرزمینی از باغ‌ها داخل ^{۱۸-۱۳:۳۲} ساختم تا از میوه‌ها و موادیش بخورید،
اما چون داخل شدید، سرزمین مرا
ناپاک کردید
و میراث مرا نفرت انگیز ساختید.
^۸ کاهنان نگفتند:
«کجا است یهوه؟»
آنان که شریعت را نگاه می‌دارند، مرا ^{۱۴:۲۱۲}
نشناختند^e،
چویانان^f به من بی وفا بودند،
انبیا^g به واسطهٔ بعل نبوت کردند،

(و) دچار بلا می‌گردیدند^b
- وحی یهوه.

^{۱۲:۳} بارا رها کردن چشمۀ آب زنده^c
^۴ ای خاندان یعقوب و ای تمامی
خانواده‌های خاندان اسرائیل، کلام یهوه را
بشنوید:

^۵ یهوه چنین سخن می‌گوید:
پدران شما در من چه بی عدالتی یافتند
که از من دور شدند،
(و) به دنبال «بطالت» رفتند
و خودشان نیز بطالت شدند^d
^۶ و نگفتند: «کجا است یهوه
که ما را از سرزمین مصر برآورد،
که ما را در بیابان هدایت کرد،
در سرزمینی پر از صحراءها و آبکندها،

^b محبت خداوند باعث می‌شود که او کسانی را که خاصانش را لعنت می‌کنند، تحمل نکند (پید: ۱۲:۳؛ اعد ۲۲-۲۴)؛ او خاصانش را در سختی‌ها محافظت می‌کند (پید: ۳:۳۵؛ حک: ۱۰:۱۱-۱۲)، و هر که را که برآنان دست بگذارد (۲:۱۰-۲:۱۵)؛ و توضیحات: پید: ۱۷:۱۲؛ ۱:۲۰؛ ۷: ۵:۳۵؛ ۱۰:۱۰-۱۴)، یا هر کس را که رسالتی را که خداوند خودش موقعًا تعیین کرده، مورد سوء استفاده قرار دهد، مجازات می‌کند (ر.ک. اش: ۱۰:۵-۱۹:۴؛ زک: ۱۵:۱؛ ر.ک. توپیحات زک ۱:۱۱).
^c این وحی (آیات ۱۳-۴) بروزه اتهامات اسرائیل را باز می‌کند؛ اسرائیل آن «همسری» است که متفهم است کسی را که همه چیز او بود رها کرده (آیات ۲-۳) کسی را که «چشمۀ آب زنده» بود (آیه ۱۳)، و اینکه به دنبال سراب‌ها رفته است (ر.ک. آیه ۱۸). خداوند در آغاز ثابت می‌کند که نه او (آیه ۵) بلکه ایشانند (آیات ۸-۶) که خطاکاراند. اتهاماتی که او وارد می‌سازد (آیه ۹) به شکل مقایساتی بسط می‌یابد که برای اسرائیل طاقت فرسا است (آیات ۱۰-۱۳)؛ مجازات ایشان (وحی بعدی) چیزی جز نتیجهٔ ارتداد خودشان نیست (آیات ۱۷، ۱۹)؛ آری، به راستی که ایشان از راه منحرف شده‌اند (ر.ک. آیه ۱۸).

^d انسان به هر آنچه دل بینند، به شباhtش در می‌آید (هو: ۹:۱۰؛ ۲:۸-۱۵؛ ۱۸:۱۳۵)؛ قرن: ۱۸:۳. در این آیه، ارمیا، پس از میکاه (میک: ۱۱:۳)، خیانت مسئولان اصلی قوم عهد را افشا می‌کند؛ او نخست از خیانت کاهنان شروع می‌کند که نخست رسالت‌شان، نگاه‌داری و تفسیر مفاد عهد، و دادن رهنمودهای الهی بود (۱۸: ۱۰-۱۱؛ اعد ۲:۲۱؛ نت ۳:۲۱؛ ۹:۱۳-۱۳:۳۳؛ ۲:۲۷؛ ۷: ۶:۳؛ ۲:۲۶؛ ۷: ۱۰:۳؛ حرق: ۷: ۲۶؛ هو: ۳: ۶؛ ملا: ۲: ۲؛ بنسی: ۱۷:۳۵؛ ۲: ۲۶؛ ر.ک. اش: ۳:۲؛ توپیحات ۸: ۱۶). در زمینهٔ کاهانت در اسرائیل، ر.ک. مقدمه‌لاویان. «نگاه می‌دارند» = قرائت تحت اللفظی: «در دست حرکت می‌دهند» که اشاره‌ای است به روش‌های درخواست مشورت از خدا، ر.ک. توپیحات خروج: ۲: ۲۸؛ ۳: ۳۰؛ ۱: ۱۴-۱۳: ۱۶-۲۲. «چویانان» که همان «بزرگان» در میک ۱۱:۳ می‌باشد، به پادشاهان اشاره دارد که در بخش مربوط به پادشاهان (۱: ۲۱ تا ۸: ۲۳) بیشتر در مورد آنان بحث می‌شود.

^g این بدترین خیانت است که در آیات دیگر نیز افشا شده (یعنی ۱: ۳؛ ۵: ۱؛ ۱۳: ۶؛ ۳: ۱؛ ۸: ۱۳: ۶؛ ۱۰: ۱؛ ۱۴: ۱-۱۵: ۱؛ ۱۵: ۹-۸؛ ۲: ۲۹؛ ۲: ۲۸)، خصوصاً در بخشی که علیه انبیا است (۴: ۲۳-۹: ۳۷). شباهت این آیه با ۱۳: ۲۳ (همچنین ر.ک. ۱-پاد ۱۸)، ظاهراً حاکی از آن است که ارمیا در اینجا نه فقط انبیای یهودا را که همدورة او می‌باشند، بلکه انبیای شمال را نیز مدد نظر دارد. در ۱۸: ۱۸ در کنار گروه کاهنان و انبیا، به گروه حکیمان نیز اشاره شده که قابلیت این را دارند که

۱۲ ای آسمان‌ها، از این امر متحیر
باشید،
بلر زید و کاملاً حیران باشید
- وحی یهوه.
۱۳ زیرا قوم من دو کار بد مرتكب شده هو ۱۰:۱۰ است:
ایشان مرا، چشمۀ آب زنده را، رها ۱۷:۲
کرده‌اند
تا برای خود آب انبارها بسازند،
آب انبارهای ترک دار
که آب را نگاه نمی‌دارند!

به دنبال آنانی رفتند که به هیچ کار
نمی‌آیند!
۱۱:۲ اسمو ۲۱:۱۲
۹ به این سبب است که بار دیگر شما را
به جنایت متهم خواهم ساخت
- وحی یهوه -
۱۰ پسران پسرانتان را نیز به جنایت متهم
خواهم ساخت.
۱۱ پس به جزیره‌های کتیم^h گذر کنید و
ببینید،
به قیدار^j بفرستید و خوب دقت کنید؛
ببینید آیا چیزی مانند این وجود دارد!
۱۲ آیا ملتی خدایان خود را معاوضه
می‌کند^k؟
۷:۵ - با اینکه آنها خدا نیستند.
۱۳ اما قوم من «جلال»^l خود را معاوضه
کرده است
۸:۶ اش ۹:۴۴ با چیزی که به هیچ کار نمی‌آید!

درد و تلخی

۱۴ آیا اسرائیل برده‌ای خریداری شده
است
یا خانه زاد^m?
چرا تبدیل به غنیمت شده است?

مسائل را درست تبیین کنند، و اعتقادات عمومی و درس‌های تجربی را به موقع ابراز دارند، و نسبت به امور نگرشی درست داشته باشند؛ ایشان به واسطه همین قابلیت‌ها، می‌توانند مانع گمراهم قوم شوند (امت ۱۸:۲۹).

۱۵ در نسخ خطی عربی و وولگات، فقط آمده: «پسرانتان را...»
«کتیم» در آن زمان نه فقط به مردمان قبرس، بلکه به تمامی اهالی کناره‌های بخش شرقی حوزه مدیترانه اشاره داشت (ر.ک.).
توضیحات اعد ۲۴:۲۴ و توضیحات اش ۱۰:۲۳.

۱۶ «قیدار» قبیله‌ای است در شمال عربستان (ر.ک. توضیحات اش ۱۶:۲۱) که در ۲۸:۴۹ نیز آن را باز می‌یابیم.
۱۷ مذهب نهادی دولتی بود و چنان واسطه به زندگی مردم بود که تغییر خدایان تقریباً غیرقابل تصور می‌نمود؛ اما افروزن به مجموعه خدایان ملی امری بود که با رغبت انجام می‌شد. نعمان که یکی از نخستین گروندگان به خدای حقیقی بود و عهد عتیق ماجراهی او را برای ما نقل می‌کند، این ضرورت را احساس می‌کرد که هر گاه می‌خواست خداوند را عبادت کند، مخفیانه از کشور خود خارج شود (۲-پاد ۱۷:۵ و توضیحات).

۱۸ خداوند برای قوم، گرانبهاترین بود؛ او ارزش واقعی ایشان بود، سرچشمه زندگی شان (ر.ک. آیه ۱۳)، اساسی ترین جنبه شخصیت ایشان و نیز هر فردی، یعنی جلال ایشان (مز ۶:۸؛ ایوب ۹:۱۹؛ ۲۰-۲۹) یا جگر آنان (به عربی «کاؤد») که مشابه «کاؤد» = جلال است و گاه با آن اشتباه می‌شود، ر.ک. توضیحات مرا ۱۱:۲ ور. ک. مز ۷:۶؛ ۹:۱۶؛ ۱۳:۳۰؛ ۲:۱۰:۸، ر.ک. توضیحات عا ۸:۶ در حالی که غیریهودیان بی‌چون و چرا به خدایانشان که «به هیچ کار نمی‌آیند» این چنین چسیده‌اند، اسرائیل به خدا که «جلالشان» می‌باشد، خیانت کرده‌اند. در مورد خدای واقعی که جلال قوم خود می‌باشد، ر.ک. در عهد جدید: ۲-قرن ۱۸:۳؛ کول ۱: ۱۱-۱-پطر ۴:۴.

۱۹ ر.ک. پید ۱۴:۱۴؛ ۱۷:۱۷، ۲۳، ۱۳-۱۲:۱۷؛ ۲۷؛ لا ۱۱:۲۲. منظور برده یا غلامی است که با پول خریداری نشده، بلکه در خانه اریاب، همچون برده زاده شده است. در دسر چنین برده‌ای کمتر است. آیات ۱۷-۱۴ گویی در حکم پرانتز است؛ آیه ۱۸ که آن را می‌توان به راحتی بعد از آیه ۱۳ آورد، روابطی را میان اسرائیل و مصر مفروض می‌گیرد که با روابط مذکور در آیه ۱۶ متفاوت است (جنگ نکوی دوم در سال ۶۰۹ ق.م.?).

۱۸ و اینک چه کار داری که راه مصیر را
در پیش می گیری
تا آب شیحور^۹ را بنوشی؟
و چه کار داری که راه آشور را در پیش
می گیری^{۱۰}
تا آب «رود»^{۱۱} را بنوشی؟
۱۹ بادا که بدکاری ات تو را اصلاح کند،
بادا که ارتداد^{۱۲} تو را تنبیه کند.
پس بدان و ببین که چقدر بد و تلخ است
که یهوه، خدایت، را رها کنی
و از من ترسان نباشی^{۱۳}
- وحی خداوند یهوه لشکرها.

۱۵ شیربچگان بر علیه او می‌غرنده،
صداب آورده اند؛
سرزمین او را به ویرانی سپرده اند،
شهرهایش سوزانده شده، سکنه‌ای
ندارد.

۱۶ حتی پسران نوف و تحفنيس^۰ سر تو را تراشیده اند!

۱۷ آیا این بر تو واقع نشده
از این سبب که یهوه، خدایت، را ترک
کرده‌ای،^{۷۵}
در آن زمان که او تورا در راه هدایت
می‌کرد؟^{۷۶}

n منظور شیرهای کوچک نیس، بلکه مقصود شیرهایی است که در اوج قدرت جوانی خود هستند، در خصوص تصویر غرش شیر (۱۲:۸)، ر.ک. توضیحات اش، ۵:۲۹.

۰ «نوف» و «تحفیس» نام های عبری شهرهایی است که به یونانی «ممفیس» و «دافنه» خوانده می شود. «تحفیس» در کنار دریاچه «منزاله»، بین «تائیس» و «پلور» (در شرق دلتای نیل) واقع شده است. درخصوص «نوف» (حرق: ۱۳:۳، ۱۶) همان ممفیس، در کنار نیل در نزدیکی قاهره یا «موف» (هو: ۹:۶) و «تحفیس» (۷:۴:۹؛ حرق: ۱۸:۳۰)، ر.ک. به توضیحات ۱۴:۴۶ و توضیحات اش ۱۳:۱۹.

p. ک. توضیحات ۴۵:۴۸ و ۳:۶ مز ۸۰:۱۴. ترجمه احتمالی دیگر: «پوست سرت را کنده‌اند».

۱۵) این کشور کوچک در معرض این وسوسه بود که به یکی از این دو قدرت بزرگ، یکی واقع در جنوب غربی و دیگری واقع در شمال شرقی، تکیه کند، و همواره میان آنها در کشاکش بود. اینبایا در نقطه مقابل، موقعه‌می کردند که یهودا فقط باید به خداوند تکیه کند (ر.ک. آیه ۱۳: حرق ۱۶:۲۹ و توضیحات، و قبل از هر ۵:۱۳:۷ و توضیحات ۸:۱۱ و ۱۴:۲ و توضیحات ۱۲:۲ و توضیحات ۱۳:۲۰)، اشعیا همواره با اتحاد با مصر مخالفت کرده بود (توضیحات اش ۲:۲۰ و توضیحات ۲:۲۸)، اتحادی که در نهایت برای حرقیا بسیار گران تمام شد. ناخوم که به دوره ارمیا نزدیکتر بود، شکنندگی قدرت آشور را اعلام می داشت (ر.ک. نا ۱:۹ تا ۳:۲ و توضیحات). در روزگار ارمیا، وضعیت اساساً مانند گذشته باقی ماند، با اینکه شرایط تغییر کرده بود. در شمال، بابل می رفت تا جای نینوا را بگیرد، و در جنوب، پس از فاجعه سال ۶۶۳ ق.م. که طی آن سلسله نوبیایی فرو پاشید، ایجیای ملی به واسطه سایی ها، سلسه ۲۶، تحقق یافت؛ در برخی از دوره ها، تمام امیدهای یهودا در این سلسله تبلور می یافت (آیه ۳۷)، زیرا این سلسله توانسته بود مصر را از بوغ آشور راهی دهد.

۸ منظور از «رود فرات است (پید ۳۱: ۲؛ خروج ۲۳: ۳۱، وغیره) که «رود بزرگ» نیز نامیده شده است (پید ۱۵: ۱۸؛ تث ۱: ۷؛ یوشع ۴: ۱)؛ این رود بر سر «راه آشور» قرار دارد (ر. ک. اش ۷: ۲۰) که شهرهای بزرگش (نینوا، کالح، آشور) در امتداد رود دیگری، دورتر از این یک، قرار دارد، یعنی رود دجله (دان ۴: ۱۰).

t علاوه بر این: ۱:۱۴؛ ۷:۱۰؛ ۵:۱۵ کلمه قطع در ارمای پیدا میشود. ار. ۲:۲۲؛ ۳:۵؛ ۷:۱۴؛ ۶:۵؛ ۲:۲۲؛ ۳:۵؛ ۸:۶؛ ۳:۷؛ ۱۱:۱۲. **u** **قرائت تحت الفظی:** و نه لرزشی (در مقابل) من نزد تو» مظبور همانا فقدان ترس خداوند است که اصل حکمت می باشد: **ث:۴؛ ۶:۱؛ ۹:۲؛ ۱۰:۱؛ ۲۰:۱؛ ۲۸:۱؛ ۲۸:۶**. یک روز، خداوند جامعه «بازگشتی ها» را در این حالت ترس که **د:۱؛ ۳:۲؛ ۷:۱؛ ۱۱:۱؛ ۱۲:۱** کردند، در عدم اساس است، استوار خواهد ساخت (۳۲:۴۰).

<p>۱۰-۹:۸۰ مز</p> <p>۲۱ اما من با مرغوب ترین ^y تاک ها تو را</p> <p>دراز کشیدی و رو سپیگری کردی ^x!</p> <p>و زیر هر درخت سبزی</p> <p>۱۲ آری، بر روی هر تپه مرتفع</p> <p>گفتش: «خدمت نخواهم کرد!»</p> <p>بندهایت را گستاخی،</p> <p>۱۳ آری، از دیرباز ^w یوغ خود را شکستی،</p> <p>۱۴:۴۸ نساخته ام،</p> <p>۱۵ چگونه توانی گفت: «خود را ناپاک</p> <p>- وحی خداوند یهوه.</p> <p>۱۶:۱۷ خطایت در برابر من چسبیده است</p> <p>به کار ببری،</p> <p>۱۷:۹۰ ایو:۹۰ آگرچه برای خود نمک قلیا را به فراوانی</p> <p>۱۸:۲۲ ایو:۹۰ آگرچه خود را با اشنان پاک سازی،</p> <p>به تاکی حرام زاده؟</p>	<p>رد استدللات متهم ^v</p> <p>۱۹:۱۱ مت: ۵:۵</p> <p>۲۰ آری، به نهالی فاسد تبدیل شدی،</p> <p>۲۱:۲۲ تی:</p>
---	--

۷ در این وحی، تصاویر فراوانی از بی بند و باری باور نکردنی قوم عهد به چشم می خورد، تصاویری که گاه فاقد نظم است. از ورای این تصاویر، می توان حالتی را حس کرد که مدت ها مهار شده بود، اما سرانجام به نقطه‌ انجشار می رسد؛ «شدت احساسات از انسجام تصاویر سنگین تر می نماید» (توضیحات هو ۲:۱). در اینجا است که بار دیگر شاهد از سرگیری دعوی می باشیم (ایه ۲۸، ر.ک. آیه ۲۶)، که از ابتدای فصل آغاز شده بود (ر.ک. توضیحات آیه ۴) و اغلب نیز تکرار می شود (مثلًا آیه ۳:۵ و آیه ۱:۵-۹).

W یعنی از زمان ورود به سرزمین موعود (ر. ک. توضیحات آیه ۲)، یا حتی پیش از آن، از زمان خروج (حزر ۲۰: ۲۳؛ اع ۷: ۵۱). ارمبا مکراراً به فساد اسرائیل (مثلاً ۶: ۲۷-۲۸؛ ۸: ۳۰-۳۱؛ ۱۳: ۲۳) و به ناطاعتی ایشان اشاره می کند؛ این ناطاعتی سبب می شود که ایشان کمترین قید و بندی را تحمل نکنند، و هر چه را که مانع بر سر راه هووس هایشان قرار می دهد، خدمت در بردگی تلقی کنند. در ایدجا نماد ازدواج هوشع را باز می یابیم، یعنی «زنی بی وفا که راه بازگشتن ندارد» (مقدمه هوشع)، ر. ک. به توضیح بعدی.

X قوم اسرائیل بر این تصور بودند که می‌توانند هم‌اند سایر ملت‌ها (ر.ک. توضیحات آیه ۱۱)، عبادت بعل های سرزمینی را که به تصرف درآورده بودند، در کنار عبادت خداوند خود انجام دهند؛ اعتقاد بر این بود که این بعل‌ها می‌توانند سبب حاصل خیزی زمین گردند؛ عبادت بعل‌ها در مکان‌های صورت می‌گرفت که بادآور حاصل خیزی بود (درختزارهایی که همیشه «سبز» بود)؛ ۶:۳:۲؛ ث-۱۲:۲؛ و توضیحات-۱: پاد-۲:۲۳:۱؛ پاد-۲:۲۳:۱؛ اش-۱:۰:۷؛ اش-۲:۹؛ اش-۵:۷؛ حرق-۵:۷؛

۶:۶؛ هو-۴:۳؛ ر.ک. توضیحات-۱: پاد-۲:۳؛ این عبادت با اعمالی همراه بود که انبیا آنها را مخالف احکام الهی می‌شماردند (ر.ک. هو ۱۵:۲). خداوند چنین اشتراکی را نمی‌پذیرد (ر.ک. توپن [مخفف توضیحات/آرمان] نا ۲:۱؛ بع-۴:۸-۴). قوم او باید برای همه چیز به او چشم بدوzenد، حتی برای حاصل خیزی زمینشان (مقادمه هو و توضیحات-۹:۱۴؛ ر.ک. ار-۳:۳؛ ۱۶:۱۱)؛ هر عمل بت پرستانه، خاصه عبادت این بعل‌های منفور که خداوند نمی‌خواهد حتی نامشان بر زیان آورده شود (هو ۱۹:۲)، بی وفاتی و خیانت به «شهرش» (آیه ۲:۵؛ اش-۵:۵؛ هو ۱۸:۲)، وزنایی به حساب می‌آید که اغلب در حد روسپیگری توصیف شده است (۱:۴-۳؛ ۲:۷؛ ۳:۱؛ ۵:۷؛ ۷:۵؛ ۸:۷؛ ۹:۷؛ ۱۰:۴؛ هو ۷:۲؛ حرق-۱۶:۲؛ ر.ک. مت ۱۲:۹؛ ۱۶:۴؛ مر-۸:۳؛ یو-۸:۴؛ بع-۴:۳).

y. فرایت تحت الفظی به: «سرخ»، «لعل گون»، یا «سورق»، این نام گذاری شاید به این اشاره دارد که این نهال‌ها از «وادی سورق» می‌آمد (داور ۴:۱۶)؛ ر.ک. پید ۴۹:۱۱؛ اش ۲:۵؛ ۱۶:۸. در مورد تاک که نماد قوم عهد می‌باشد، ر.ک. توضیحات اش ۱:۵.

Z احتمالاً منظور «دره‌ای» است که اورشلیم را از غرب و جنوب احاطه می‌کرد و از دوراژه «وادی» می‌شد به سوی آن رفت (توضیحات نوح ۱۳:۳، ۱۳:۲، ۱۵:۲-۱۵:۹ توافق ۷:۳۱-۳۱:۷) و به نام وادی ابن هنوم ۱۹:۶؛ ۳۲:۳۵؛ ۳۵:۳۲؛ ر.ک. توضیحات یو ۸:۱۵ شناخته شده است. در مورد مراسم مذهبی نفرت انگیز که این دره محل نمایش آنها بود، ر.ک. توضیحات ۲- پاد ۱۰:۲۳. این دره تبدیل خواهد شد به نیاد ملعون ترین مکان: توضیحات مت ۵:۲۲.

و کاهنان و انبیایشان،
۲۷ (آن) که به چوب می گویند: «تو
تث:۶:۱۷ تک:۱۳:۱۷ پدر من هستی!»
و به سنگ (می گویند): «مرا تو
گزده ای!»
زیرا ایشان پشت خود را به من
برگردانده اند
و نه روی خود را.
آنگاه، به وقت تیره بختی شان می گویند:
«برخیز و ما را نجات ده!»
۲۸ پس کجایند خدایانی که برای خود
ساخته ای؟
بادا که برخیزند، اگر می توانند تورا به
وقت تیره بختی ات نجات بخشند!
زیرا خدایانت، این یهودا
به تعداد شهرهایت می باشند!
۲۹ چرا مرا به جنایت متهم می کنید؟
شما همگی نسبت به من بی وفا بوده اید
- وحی یهوه.

ماده شتر سبک که قدم هایش با هم
تلاقی می کنند^a،
هو:۹:۲۴ ماده الاغ وحشی که به صحراء خو
گرفته،
در شدت میلش، هوا را نفس می کشد؛
شهوت او را چه کس باز خواهد داشت؟
هر که او را بجوید، نیازی ندارد خود را
درمانده سازد؛
او را در ماهش می یابند^b.
۲۵ مراقب باش که پایت، کفشه خود را
گم نکند
(و) گلویت تشنه نگردد.
اما تو می گویی: «نه! بی فایده است!
من بیگانگان^c را دوست می دارم
و می خواهم در پی شان بروم.»
۲۶ به آن سان که دزد چون گرفتار آید،
شرمسار گردد،
به همان سان، شرمسار خواهند گشت
آنان که از خاندان اسرائیل اند،
ایشان، پادشاهانشان، بزرگانشان،

^a تصویر بی ثباتی و بولهوسی (ر. ک. توضیحات آیه ۲۰) و نیز تصویر تشویش و نگرانی.

^b منظور یا «ماه» میل جنسی اوست که طی آن، الگان نر دچار زحمتی در یافتن او نمی شوند زیرا که او خودش به استقبال ایشان می آید، یا آخرین «ماه» بارداری اوست که می توانند به راحتی او را غافل گیر کنند، زیرا در آن زمان دیگر مانند دوره میل جنسی اش، غیر قابل دسترس نیست.

^c «بیگانگان» احتمالاً در وهله نخست، اشاره به مردان دارد، مانند ۹:۵، ۸:۳۰، ۲:۵۱؛ آش ۷:۱ و غیره. همچنین می تواند دلالت کند بر خدایان مانند ۱۳:۳ (ر. ک. مز ۴:۲۱-۱۰:۸۱). منظور همیشه بی وفای اسرائیل نسبت به «شوهر» خود می باشد (آیه ۲)، موضوعی که دائمًا افشا می شود (ر. ک. توضیحات آیه ۲۰؛ ر. ک. حزق ۱۶:۳۲). این «بیگانگان» هر چقدر هم فریبنده باشد (ر. ک. حزق ۲۳)، رفتارشان نمی بایست در نظر اسرائیل پستدیده بیاید.

^d اشاره ای جدید به عبادت در مکان های بلند (ر. ک. توضیحات ۱- پاد ۲:۳) که در آنجا ستون های مقدس، نماد خدایانی بود که از سوی خداوند رد شده بودند (تث ۷:۵؛ ۱۶:۲۲-۲۱). در خصوص پدر بودن خدایان نسبت به پیروانشان، ر. ک. اعد ۱۱:۲؛ ملا ۲:۲۹.

^e ترجمة یونانی حاوی این جمله اضافی است: «و قربانی هایی که به بعل تقدير می شود، به تعداد کوچه های اورشليم است»؛ ر. ک. ۱۳:۱۱؛ هو ۱۱:۸. یوشیا با قدرت بر علیه کثرت و تعدد مکان های عبادت اقدام کرد، چرا که می توانست منجر به شرکت شود، ر. ک. توضیحات تث ۱۲:۵.

تا به دنبال عشق بگردی!
به همین سبب است که راه‌های خود را
آشنا ساختی
حتی با بدی!
۳۴ خون موجودات بی گناه را
که به هنگام جرم ایجاد رخنه^۱ گرفتار
نکرده بودی،
تا به دستان^k می‌یابند!
اما با تمام اینها
۳۵ می‌گویی: «من بی گناهم،
خشم او بی گمان از من برگشته است». ۵:۳
اینک با تو وارد داوری می‌شوم،
از این سبب که می‌گویی: «گناهی
نکرده‌ام». ۳:۳۰
۳۶ چقدر برایت کم ارزش استⁿ (?)
که راهت را تعییر دهی!
از مصر نیز سرخورده خواهی شد،
اش ۱۳:۴۸

اعلام جرم^f
۳۰ پسران شما را بیهوده زدم؛
ایشان^g درس را نپذیرفتند؛
شمشیرتان^h انبیای شما را دریده است،
همچون شیری ویرانگر.
۳۱ شگفتا از این نسل شما! کلام یهوه را
ببینید.
آیا من برای اسرائیل، بیابان بوده‌ام؟
یا سرزمهینی با تاریکی غلظی؟
چرا قوم من می‌گویند: «ما آزادیم،
دیگر به سوی تو نخواهیم آمد»?
۳۲ آیا دختر جوان زینت خود را فراموش
می‌کند،
یا عروس، کمربندهای خود را؟
اما قوم من مرا فراموش کرده است^j
از روزهای بی شمار پیشین!
۳۳ راه‌های خود را چه خوب آماده می‌سازی

^f این فراخوانی است جدید و عاجل برای توجه به این حقیقت که ایشان خداوند را به شدت رد کرده‌اند، گرچه آن را انکار می‌کنند (آیه ۳۵). او دیگر نمی‌تواند بیش از این تحمل کند که ایشان در رفتار خود نسبت به خداوند، چنین می‌توجهی واعی یا ساختگی نشان دهدند.

^g ترجمه یونانی: «شما نمی‌پذیرید».

^h ترجمه‌های یونانی و سریانی: «شمشیر».

ⁱ این خطاب احتمالاً توضیح کاتبی است که می‌خواسته اهمیت «کلام یهوه» را برای هر دوره خاطرنشان سازد و روش کند که آن را باید مجددًا در کرد («ببینید»)؛ ر. ک. توضیحات ۱۰:۱۴. زر، که هو ۱۵:۲ و تیث ۱۴:۸.

^k این ممکن است به این معنا باشد که این جنایات در ملاء عام صورت گرفته (مسودات داوید و ر. ک. ترجمه یونانی در خصوص «روی دستانت»). یا بر عکس، ممکن است به این معنا باشد که جنایت در خفا انجام گرفته است (آرامی، تفسیر «قیمه‌ی»).
۱ این عبارت، ترجمه‌ای است فرضی از متنی ناقص. در ضمن، بر اساس قرائت «قیمه‌ی»، این عبارت را به آیه بعدی متصل کرده‌ایم.

^m واژه عبری که در اینجا به کار رفته، اصطلاحی است متداول در واژگان مربوط به گناه: معنی آن چنین است: «به هدف نخوردن» (توضیحات مرا ۶:۴)؛ ر. ک. داور ۲۰:۱۶؛ مز ۳۹:۲ (در اینها، معنی آن «دور شدن» می‌باشد) و در امثال ۳۶-۳۵:۸ در معنای مقابله «یافتن» به کار رفته است.

ⁿ یا: «چگونه به انحراف می‌روی».

۲ چشمان خود را به سوی کوه های بر هنه
بر افزار و ببین:

چه جایی هست که خود را تسلیم نکرده
باشی؟

بر سر راه ها برای آنان می نشستی،
همچون زن عرب در بیابان،
و سرزمین را آلوده ساختی

با روپیگری خود و با بد کاری خویش.

۳ لذا رگبار باز داشته شده
و باران بهاری نبارید.

و تو پیشانی روپی داشتی:
از سرخ شدن امتناع ورزیدی.

آیا حتی در آن هنگام به سوی من فریاد
نمی کردی که

«بدر من! تو دوست جوانی ام می باشی!»
آیا او [کینه] را برای همیشه نگاه

خواهد داشت؟

آیا [خشمش] را تا به نهایت حفظ
خواهد کرد؟

تو چنین سخن می گفتی
و بدی را گستاخانه به عمل می آوری!

همچنان که از آشور شدی.^۰

^{۱۹:۱۳} از آنجا نیز بیرون خواهی آمد،
و دستانت بر سرت خواهد بود،

^۲ زیرا یهوه آنان را که بر ایشان اعتماد
داشتی، رد کرده است،
و با آنان توفیق نخواهی یافت.

روپی نامدار

^۱ [کلام یهوه] به این مضمون p به

من فراسید:

اگر مردی زن خود را طلاق دهد
و این زن پس از ترک وی،

از آن مرد دیگری باشد،
آیا می تواند به سوی وی باز گردد؟

چنین زنی

آیا تماماً آلوده نیست؟

^{۷:۲} اما تو که با فاسقان بسیار روپیگری

گرده ای،

آیا به سوی من باز خواهی گشت؟

وحی یهوه.

۰ ر. ک. توضیحات آیه ۱۸. اما این آیه ۳۶ به موقعیتی اشاره دارد که آشکارا مربوط به دوره ای بعد از فروپاشی مملکت آشور می گردد.

p این اصطلاح عبری، در متون مدرن و در وسط متن، معمولاً با علامت «:» نشان داده می شود.

۹ طبق رسم روزگار، بر مرد جایز نبود که زنی را که طلاق داده بود و به ازدواج مرد دیگری در آمده بود، مجدداً به همسری بگیرد؛ اگر چنین می کرد، باعث می شد که بر «زمین» (یعنی سرزمین) خطأ وارد شود (تث ۲۴:۲۰-۲۱).

۱۰ ر. ک. تث ۴:۲۰؛ اش ۵:۱۴؛ اعد ۳۳:۳۳؛ مز ۱۰:۶؛ مز ۱۳:۳۳.

۸ خدا نبی تواند قوم خود را که «مکروه» شده (تث ۲۴:۲۰) و خود را تسلیم خدایان دیگر کرده، بپذیرد. اما با این حال، چنین پذیرشی برای آنانی که حاضرند آبروی خود را ز دست بدهند، مجدداً میسر خواهد بود (آیات ۱۳:۳، ۲۵، ۲۶؛ لو ۱۵:۱۸-۱۹؛ مز ۱۳:۱۸-۱۹).

t و از گان مذهبی سنتی (ر. ک. آیه ۱۹ و خروج ۲۲:۴؛ تث ۳:۲۲؛ هو ۶:۶؛ هو ۲:۶؛ ملا ۱:۱۱) که می تواند بیانگر ایمانی اصیل باشد، اما در واقع، در پس خود، بی نظمی و ارتادادی واقعی را بنهان می سازد؛ این حالت مانع از آن است که ایشان نسبت به واقعیت هشیار گرددند (ر. ک. توضیحات ۲:۳۰) و توبه کنند؛ نشانه های مجازات آشکار است اما ایشان مایل به خواندن آن نیستند؛ ر. ک. توضیحات آیه ۶.

۱۱ چه کسی سخنان این بیان می کند؟ مردم که اعتمادی سهل را به بخشایش الهی ابراز می دارند، مانند هو ۱:۶-۳؛ ۳:۱ یا نبی که مردم را به این توبه صمیمانه که فاقدش می باشد، فرا می خواند (ر. ک. دنباله آیه)؟

۱۲ می توان این گونه نیز استنباط کرد: «اما تو از گفتن بدی و عمل کردن به آن باز نمی ایستی»؛ ر. ک. ۲۱:۲.

خداؤند از روی امانتش، اسرائیل توبه کار را باز خواهد گرداند^b

۱۱ یهوه مرا گفت: اسرائیل مرتد خود را
عادل تر از یهودای خیانت پیشه نمایاند
است.^c ۱۲ برو این سخنان را به سوی شمال
فریاد بزن. بگو:
۱۸:۳ باز گرد، ای اسرائیل مرتد - وحی یهوه -
۱۴:۳ چهره ای سختگیر به شما نخواهم نمود^d،
زیرا نیکخواه می باشم - وحی یهوه -
۱۰-۲:۳ [کینه] را برای همیشه نگاه نمی دارم.
۵:۳ ۱۳ فقط خطایت را تصدیق کن:
۳۱:۳ تو نسبت به یهوه، خدایت، بی وفا
بوده ای
۲۵:۲ با گام هایی شتابان به سوی بیگانگان
رفتی،
زیر هر درخت سبز؛
و صدای مرا نشنیدید!
۶:۲۹-۲:۱۴ هو
۱۴ باز گردید، ای پسران مرتد،
- وحی یهوه -
زیرا صاحب شما منم.
شما را خواهم گرفت،

اسرائیل مرتد

و یهودای خیانت پیشه^w

- ۲:۱ ۶ در روزگار شاه یوشیا، یهوه مرا گفت:
آیا دیدی اسرائیل مرتد^x چه کرده است?
۲۰:۲ بر روی هر کوه مرتفع و زیر هر درخت سبز
می رفت؛ در آنجا روسپیگری کرده است.
۷ به خود می گفتم: پس از انجام تمام اینها،
به سوی من باز خواهد گشت؛ اما باز
نگشت! خواهش، یهودای خیانت پیشه
[این را]^y دید؛ او دید که من برای تمام
زنگاری هایی که اسرائیل مرتد کرده بود،
او را بیرون کردم و طلاق نامه اش را به او
اش ۱:۵ دادم^z. اما خواهش، یهودای خیانت پیشه،
نترسید؛ او نیز رفت و روسپیگری کرد!^۹ و
با روسپیگری پرهیا هویش، سرزمین را
۲۷:۲ آلوده ساخت^۷؛ با سنگ و با چوب زنا کرد.
۱۰ و حتی پس از تمام اینها، خواهش،
یهودای خیانت پیشه، با تمام دل خویش به
۱۳:۷ هو سوی من باز نگشت، بلکه با دروغ^a -
وحی یهوه.

^w برای ایماندار، بد بختی ها تبدیل به فراخوان هایی به بازگشت می شود، فراخوان هایی که خطاب به همه است (ر.ک. لو ۱:۱۳-۵ و توضیحات؛ نا ۳:۶ وغیره). بد بختی های اسرائیل درسی بود برای یهودا؛ اما اغلب دشوارتر است که انسان به جای اندیشیدن به بد بختی های خود، به بد بختی های دیگران بیندیشد (ر.ک. حرقیال (فصل های ۱۶ و ۲۳) مقایسه میان دو خواهر را بسط خواهد داد.

^x مرتد: اسم خاص قوم برگزیده شد. ر.ک ۱۱:۸ و ۱۲:۸.

^y منظور سقوط سامره و تبعید مملکت شمالی در ۷۲۱-۷۲۲ ق.م است (۲- پاد ۱۷).

^z ترجمه ما میتی است بر قرائت ترجمه های سریانی، آرامی، و وولگات. با قرائت فعل با حروف صدادار متفاوت، می توان چنین ترجمه کرد: «خود زمین نیز آلوده شده است».

^a یهودا در خیانت و بی وفایی و دروغ زندگی می کند. همه چیز در او نادرست است، حتی ادعاهایی که در مورد وابستگی اش، خطاب به خداوند ابراز می دارد؛ ۲۳:۲، ۲۷، ۳۵؛ ۴:۳، ۸:۸.

^b ارمیا دعوت می شود تا با قدرت کلام نبوتی خود، به نوعی این بخش از قوم را که در شمال از میان رفته اند، باز آفرینی کند.

^c تحتاللفظی: «چهره خود را بر شما نخواهم افکند» مظظر از چهره، حضور خدا است، و این حضور دیگر سنتگینی تهدید را به همراه خواهد داشت.

ملت‌ها در آنجا گرد خواهند آمد^e، و دیگر لجاجت^f دل بدکار خود را پیروی نخواهند کرد.

^{۱۸} در آن روزها، خاندان یهودا به سوی خاندان اسرائیل خواهد رفت، و با هم از سرزمین شمال، به سرزمینی که ارت پدران شما ساختم، خواهند آمد.

بازگشت فرزند مُسرف و من به خود گفتم:

چگونه تو را در میان پسران قرار دهم^g
و سرزمینی از لذت‌ها به تو بیخشم،
میراثی که گوهر گوهرهای^h ملت‌ها باشد؟

^{۱۹} به خود گفتم: مرا «پدر من» خواهد خواندⁱ،
^{۲۰} و از عقب من منحرف نخواهی شد.
^{۲۱} اما به آن سان که زنی به همسر خود خیانت می‌کند،

یکی را از یک شهر، دو نفر را از یک خانواده،

و شما را به صهیون باز خواهیم گرداند.
^{۱۵} به شما چوپانانی مطابق دلم خواهم بخشید،
^{۱۶} که شما را با دانش و فطانت خواهند چرانید.

گردھمايى همگانى نزد پادشاه عظمى

^{۱۶} و آنگاه که در سرزمین کثیر شده،
بارآور شده باشید، در آن روزها - وحی یهوه - دیگر درباره صندوق عهد یهوه سخن خواهند گفت، و به ذهن کسی خطور نخواهد کرد، و آن را به یاد نخواهند آورد، برای آن افسوس نخواهند خورد، و صندوق دیگری نخواهند ساخت.^d

^{۱۷} در آن زمان، اورشلیم را «تحت سلطنت یهوه» خواهند نامید؛ تمامی

^d در مورد تاریخ دقیق ناپدید شدن صندوق عهد چیزی نمی‌دانیم. معبد به دست چندین فاتح غارت شد: فرعون شیشق (۱- پاد ۲۶-۲۵:۱۴)، یوآش اسرائیلی (۲- پاد ۱۴:۱۴)، نبوکدنصر (۲- پاد ۹:۲۵، ۱۳-۱۷:۱۷-۱۳، ۱۳:۵۲) از (۱۷-۱۳:۱۷). نیز ر.ک. داستانی که در ۲-۲ مک ۵:۲ نقل شده است.

^e متن عبری چنین آمده: «... گرد خواهند آمد، به نام یهوه، در اورشلیم». ما در این ترجمه یونانی، این عبارت را حذف کرده‌ایم. خداوند با تملک معبد خویش در صهیون، نام خود را در آنجا ساکن خواهد ساخت (۷:۱۰، ۷:۱۱، ۵:۱۲، ۱:۲۱ وغیره).

^f در عبری، این کلمه را می‌توان به ریشه‌های مختلف مربوط ساخت: بر حسب این ریشه‌ها می‌توان معانی گوناگون اخذ کرد: پرخاشگری (آرامی)، رؤیاهای باطل، سختی دل، کشش، یا طرح‌ها. همین اصطلاح را در ۷:۱۳، ۹:۲۴؛ ۷:۱۳؛ ۸:۸؛ ۱۰:۱۳؛ ۱۲:۱۸؛ ۱۲:۲۳؛ ۱۷:۲۳؛ تث ۱۸:۲۹؛ مز ۱۳:۸۱ بازمی‌یابیم.

^g این گونه نیز می‌توان برداشت کرد: «چگونه تو را در ردیف پسران قرار دهم؟» (ر.ک. توضیحات اش ۱:۲؛ در اینجا اسرائیل به دختر تشبیه شده و دختران حقی در ارت و میراث نداشتند، جز در موارد استثنایی (اعد ۷، ۴:۴۷).

^h تحتاللفظی: «پرشکوه ترین میراث ملت‌ها: اگر نقطه گذاری ماسورت‌ها را دقیق تر رعایت کنیم، چنین قرائت خواهیم کرد: «میراثی پرشکوه، تمام شکوه ملت‌ها». اکثر ترجمه‌های کهن و تفسیرهای قدیمی، چنین برداشت کرده‌اند: «میراثی پرشکوه (مطلوب) برای لشکریان ملت‌ها».

ⁱ طبق قرائت ترجمه‌های یونانی و سریانی: «خواهید خواند». ماسورت‌ها مانند ترجمه آرامی و ولگات، این فعل را با ضمیر دوم شخص مفرد مؤنث قرائت کرده‌اند. ر.ک. توضیحات هو ۱:۱۱.

و بادا که خجالتمنان ما را بپوشاند؛
زیرا که در حق یهوه، خدامیان، گناه
ورزیده اینم،
هم ما و هم پدران ما،
از جوانی مان تا به امروز،
و به صدای یهوه، خدای خویش گوش
نکردیم!

۱۰ خواهند ساخت ^۰ آنگاه ملت ها در او خود را مبارک
ایشان را ایمان و ایمان باشد ^{۱۶:۵}
مت:۵ اش ۶:۵ ایمان باشد ^{۱۳:۶}
اگر با وفاداری و انصاف و عدالت ^{۱۶:۱۲}
به حیات یهوه سوگند یاد کسی،
۱۲ بگریند ^{۱۳:۶}
نیازی نخواهی داشت که از برابر ^{۱۲:۲}
ایگر «کثافتات» ^{۱۱} خود را از میان ببری،
باید که نزد من باز گردی. ^{۱۲:۳}
یهوه ^۴ ای اسرائیل، اگر باز گردی - وحی

احماد، کاما

^۳زیرا یہوہ با مردمان یهودا و با اور شلیم
چنین سخن می گوید:

۱۱:۵ به همان سان شما به من خیانت کرده اید، ای خاندان اسرائیل - وحی یهوه.

۲۱ بر روی کوه های بر هن، فربادی شنیده می شود،

(یعنی) زاری و استغاثه های پسران اسرائیل؛ ۴:۵ ۱۸:۹:۳۱

و یهود، خدای خوبش را از یاد برده‌اند.
۲۲ باز گردید، ای پسران مرتد؛
من ارتدادهای شما را شفا خواهم
بخشید.

- لبیک؛ به سوی تو می آیم،
زیرا یهوه، خدای ما، توبیه^k.

۲۳ آری، دروغ هستند، تپه ها
و غرش کوه ها^۱

آری، نجات اسرائیل
از بدهی خدای ها است!

۲۴ شرم^m، از دوران جوانی ماد
عابرات را از راه خود بگیرند.

[گوشنادان ایشان و گاوان ای
لشنهان ز نه لشنهان ز

۷-۶: عن
۲۵ در شرم خویش بخواهیم

ک ترجمة احتمالی دیگر: «آری، یهوه، خدای ما، توفی».
۱ اشاره به آیین‌های بت پرستی که پریها و همراه با عیش
۱۴:۸ هه.

m اشاره‌ای است به نام بعل، ر.ک. هو:۹ ۱۰. برای اجتناب از تلفظ نام خدایان ملت‌ها (ر.ک. هو:۲ ۱۹) آن را با اصطلاحاتی تقدیم کنید.

n اشاره به تپ‌ها است؛ د. ک. توضیح در ۱۶:۱۸؛ خوح ۲۰:۳.

۵۰ اگر در اینجا و در مصرع بعدی، حرف صدادار نادرست را مفروض

۵ اگر در اینجا و در مقصود بعدی، حرف صدای نادرستی را مفروض گیریم و آن را این چنین اصلاح کنیم، نکته‌ای معادل با پیدا شده است: «... داشتند خواهد شد...».

p آیه ۲ را به این شکل نیز می‌توان بـداشت کـد: «به حیات بـهـوـه

ساخت...»

۹ بخشی که در آنها خداوند و نبی به تناوب مطالبی را بیان می‌دارند.

خداوند هجوم سیاهی سهمگین را اعلام می دارد که از شمال می آید (آیات ۷-۳، ۹، ۱۸-۱۱، ۲۲، ۲۸-۲۷) و نبی، سخنان او را انکاس می دهد، خواه از طریق اندرز دادن به قوم (آیه ۸)، خواه از طریق شفاقت برای ایشان (آیه ۱۰)، و خواه با ایاز

1942

⁷ شیری^{۱۱} از بیشه اش برآمد،
ویرانگر ملت‌ها به راه افتاده است؛
از اقامت گاه خود خارج شده
تا سرزمین تورا به ویرانه تبدیل کند؛
شهرهایت ویران خواهند شد، بدون
سکنه.
⁸ به سبب این، پلاس در بر کنید،
زاری کنید و زوزه بکشید؛
زیرا شدت خشم یهوه
از ما روی بر نتافته است!

هو:۱۲:۱۰: زمین‌های بایر را برای خود آماده کشت
مت:۱۶:۵: کنید
و بر روی خارها بذر مپاشید.
⁹ خود را برای یهوه ختنه کنید، قَلَفَة دل
خود را دور سازید^{۱۲}،
ای مردمان یهودا و ای ساکنان اورشلیم،
مبادا که خشم من به سان آتش، شعله ور
شود
و بسوزاند و کسی نباشد که خاموش
کند،
به سبب شرارت کارهایتان!

سرگردانی عمومی

⁹ بنا بر این، در آن روز - وحی یهوه -
دل پادشاه فرو خواهد ریخت،
و دل بزرگان (نیز)؛
کاهنان مبهوت خواهند شد
و انبیاء، متغير.
۱۰ گفته: «آه، ای خداوند یهوه،
به راستی که تو این قوم و اورشلیم را
خوب فربیب داده ای
چرا که گفتی: از صلح برخوردار خواهید
بود
حال آنکه شمشیر به گلوی ما رسیده
است^{۱۳}.

اعلام خطر در یهودا

۱۱ آن را در یهودا ندا کنید،
و در اورشلیم اعلامش نمایید!
در سرزمین گرنا^{۱۴} بنوازید،
و با آواز بلند فرباد برآورید و بگویید:
گرد آید و داخل شویم
به شهرهای حصاردار.
۱۲ از جانب صهیون نشانه ای برافرازید،
پناهگاهی بجویید و توقف ننمایید!
چرا که سوربختی را من از شمال^{۱۵} خواهم
آورد،
و مصیبتي گران را.

درد و اندوهش (آیات ۱۱-۱۹) و نیز حیرت خود (آیات ۲۳-۲۶). ترتیب این شهرها به صورت گفت و گو، با خصلت بینایی رسالت ارمیا سازگاری دارد، زیرا او همواره در کشاکش گفت و گو میان انسان و خدا قرار دارد.
۱۳ در خصوص ختنه قلب که فکر و اراده انسان را برای اجرای وظایفشان آماده می‌سازد، ر. ک. ث. ۱۶:۱۰ و توضیحات: ۳۰:۶؛ توضیحات روم ۲:۲۹؛ توضیحات فی ۲:۳ و در خصوص ختنه گوش، ر. ک. ۱۰:۶ و توضیحات.
۱۴ ر. ک. توضیحات اش ۱۳:۲۷؛ توضیحات زک ۱۴:۹.

^{۱۱} مصیبیت عموماً از شمال می‌آید (ر. ک. ۱۱:۶؛ ۱۲:۱۵؛ ۱۲:۱۵؛ ۱۳:۳؛ توضیحات یول ۲۰:۲). در اینجا، مانند ۱۳:۱، ۱۵:۱-۱۶:۱، دقیقاً شخص نیست که به کدام تهدید اشاره می‌شود. ارمیا برای یادآوری آن، کافی است آنچه را که از لشکریان آشور یا سکایی می‌داند، به کار برد؛ ر. ک. توضیحات ۴:۲۰.

^{۱۲} ر. ک. توضیحات اش ۱۵:۲، ۱۵:۵؛ ۱۶:۶؛ ۱۹:۴۹؛ ۴:۵۰؛ ۴:۵؛ توضیحات اش ۲:۵.

^{۱۳} ارمیا یا هنوز بر این باور است که انبیایی که صلح و آرامش را اعلام می‌کنند، فرستادگان راستین خداوند هستند (ر. ک. توضیحات ۱۳:۱ و ۱۳:۲)؛ یا اینکه واکنش‌های قوم را که از سوی این انبیای دروغین فربیب خورده‌اند، برخود می‌گیرد. طبق برخی نسخ خطی ترجمه‌های یونانی و عربی، این جمله را «انبیای» آیه قبل بیان می‌دارند تا خداوند را به فریبکاری متهمن سازند.

^{۱۷} به مانند نگهبانان مزرعه، اورشلیم را
احاطه می کنند،
^{۱۹، ۱۷:۲}
^{۱۷:۱۰۷}
زیرا که بر علیه من طغیان کرده است -

^{۱۸} وحی یهوه.

^{۱۸} رفتارت و کارهایت
این را برایت به ارمغان آورده است؛
این شرارت تو است، چه تلح!
به چه سان دلت را فرا گرفته است!

دلشکستگی نبی در برابر بدیختی های سرزمین

^{۱۹} احسایم، احسایم! لر زانم!

جدارهای قلبم!

قلبم در درونم ناله سرداده است؛
خاموش خواهم شد.

زیرا صدای گرنا را شنیده ام،
هیاهوی نبرد را.

^{۲۰} فرباد می زند «مصیبت روی مصیبت»
^{۲۶:۷}
چرا که سراسر سرزمین ویران شده،
خیمه هایم به ناگاه ویران شده است،

و چادرهایم در یک آن.

^{۲۱} تا به کی نشانه را خواهم دید
و صدای گرنا را خواهم شنید؟

رأی الهی

^{۲۲} زیرا قوم من دیوانه اند،

مرا نمی شناسند؛

پسран ابله اند

^{۷:۸:۲۱:۵}
^{۲۸:۳۲}
^{۱۱:۲۷}
^{۶:۴}
^{۵:۸:۲}
^{۲۵:۲۴}

آخرین اندرزها به اورشلیم تهدید شده

^{۱۱} در آن زمان، به این قوم و به اورشلیم خواهند گفت:

^{۱۵:۱۳}
^{۱۵:۵۱}
بادی سوزان از کوه های برنه،
در بیابان، به سوی دختر قوم من^W به راه

افتاده

نه برای باد دادن و نه برای پاک کردن؛

^{۱۲} بادی شدید از برای من می آید^X.

اکنون خودم داوری ها را بر علیه آنان
اعلام خواهم داشت.

^{۹:۳۸}
^{۹:۳۸:۱۳}
اینک او همچون ابر بر می آید،

ارابه هایش همچون تنبد بادند،

^{۵:۲}
^{۵:۲:۸}
^{۱۹:۴}
(و) اسبانش تندر از عقاب ها!

وای بر ما زیرا از میان رفتیم!

^{۸:۴}
^{۸:۴:۳}
^{۱۶:۱}
^{۱۶:۱:۱۸}
^{۱۶:۱:۱۸:۱}
دل خود را از بدی بشوی، ای اورشلیم،
تا نجات یابی.

تا به کی در بطن تو مسکن خواهند گزید
اندیشه های گناه آلود تو؟

^{۱۵} زیرا شایعه ای آن را از دان (تا به این
سو) ندا می دهد،

تیره بختی را از کوه افراییم (تا به این
سو).

^{۱۶} آن را در یهودا خبر دهید،

آن را بر علیه اورشلیم اعلام دارید^Y.

محاصره کنندگانی از سرزمینی دور دست
^{۱۵:۵}
فرا می رسند

و بر علیه شهرهای یهودا صدا می دهند.

W ر.ک. .۱۷:۱۴؛ ۱۱:۸؛ ۲۶:۶؛ ۶:۹؛ ۲۳-۲۱، ۱۹، ۱۱:۸.

X یعنی اینکه «به خدمت من در می آید».

Y تحتاللفظی: «(فرمان ها را) بر علیه اورشلیم اعلام دارید».

و آسمان در آن بالا، تاریک خواهد شد؛ اش.۵۰:۳
زیرا سخن گفته‌ام و پشیمان نخواهم شد،
تصمیم گرفته‌ام و از آن باز نخواهم اعد.۲۳:۱۹

و بی خرد؛
در بدی کردن ماهرند،
اما نیکی کردن را نمی‌دانند.^z

گشت.

صهیون را عاشقانش فریفته‌اند
از صدایی که سواران و تیراندازان به
پا می‌کنند

تمامی سرزمین می‌گریزد؛
به جنگل‌های انبود داخل می‌شوند،
به صخره‌ها بر می‌آیند،
تمامی شهرها رها شده،
در آنها سکنه‌ای نیست.
۷:۴

۳۰ پس تو^c چه خواهی کرد؟
آنگاه که ارغوان بر تن کنی،
آنگاه که با زیورهای طلا خود را بیارایی،
آنگاه که چشمان را با سرخاب انبساط
دهی،

بیهوده است که خود را زیبا سازی!
آنان که [برای تو] می‌سوختند، خوارت
می‌شمارند

و در پی جانت هستند.
۳۱ آری، فریادهایی همچون [زنی] در
حال درد زایمان، به گوش می‌رسد
نااله‌هایی همچون دختر جوانی در حال
وضع حمل:

بازگشت به هرج و مرج^a
به زمین نگاه می‌کنم، و اینک هرج و
مرج است،

و به سوی آسمان‌ها: دیگر روشنایی خود
را ندارند.

۲۴ کوه‌ها را می‌نگرم، و اینک می‌لرزند،
و تمام تیه‌ها تکان خورده‌اند.

۲۵ می‌نگرم، و اینک انسانی نیست،
و جمله پرنده‌گان آسمان گریخته‌اند.

۲۶ می‌نگرم، و اینک باغ میوه، بیابان
شد،

و همه شهرهایش ویران شده است
در برابر یهوه،
در برابر شدت خشم او.

داور:۵:۵
نج:۱:۵
مزء:۳:۴

لاو:۲۶:۳
مزء:۳۴:۱۰
شده،

نج:۱:۸
نج:۱:۶

خدا بر آن شده تا قومش را مجازات کند

۲۷ زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید:

تمامی سرزمین ویرانه خواهد بود،

اما قلع و قمع نخواهم نمود.^b

۲۸ به سبب این، سرزمین در سوگواری
خواهد بود

۱۰:۵

۴:۱۲

^z «نیکی کردن» به معنی جستجوی خدا است (عا.۶:۴، ۱۴:۵) (حک.۷:۸) که بدون آن نمی‌توان مقبول خدا واقع شد (حک.۲۸:۷، ۱۲:۷) و راه‌های او را درک کرد (۱۱:۹:۱۰:۱۰:۱۴) (هز.۱۰:۱۰:۴:۳۰).

^a پس از سر و صدای شدید فاجعه (آیات ۱۹-۲۱) ارمیا در رؤیایی نبوتی، بازگشت هولناک هرج و مرج اولیه را مشاهده می‌کند (پید.۱:۲:ر.ک. توضیحات نا.۷:۲).

^b این فعل، با تغییر در حرف صدادارش، می‌تواند تبدیل به تأییدی مثبت گردد، یعنی: «آری، قلع و قمع خواهم نمود». این جمله با مضامون متن ترجمه ما همراهگ می‌ماند.

^c متن عبری موجود، در اینجا حاوی عبارت «ویران شده» می‌باشد که در ترجمه یونانی نیست. شاید چنین عبارتی، توضیحی باشد که جایش در این متن چندان مناسب نیست.

ایشان را قلع و قمع کردی، و از پذیرفتن
درس امتناع کردند؛
روی خود را از صخره سخت تر حرز ۸:۳
ساخته اند،
از بازگشت کردن امتناع ورزیده اند.
و من می گفتم: « فقط کوچکان
دیوانه وار عمل می کنند؛
زیرا طریق یهوه را نمی شناسند، «حق»^k
خدای خود را.
پس نزد بزرگان خواهم رفت و با ایشان
سخن خواهم راند؛
زیرا که ایشان طریق یهوه را می شناسند، میک ۱:۳
«حق» خدای خود را.
اما ایشان نیز بوغ را شکسته اند،
بندها را گسخته اند.
به این سبب است که شیر جنگل به
ایشان حمله می کند،
گرگ بیابان ایشان را نابود می سازد، هو ۷:۱۳
پلنگ در برابر شهراه‌ایشان در کمین
است؛
هر که از آنها خارج شود، تکه تکه
می شود.

اینها فریادهای دختر صهیون^d است که
نفسش برنمی آید اش ۱:۱۵، ۸:۸
مرا ۱:۱۰، ۸:۸
(و) دست‌های خود را دراز می کند (و
می گوید):
«آه! وای بر من! چرا که جانم در برابر
قاتلان درمانده می شود». اش ۱:۱۷

اعلام رأی محکومیت پس از تحقیق

^۱ در کوچه‌های اورشلیم بگردید،
بینید و بدانید:

در میدان‌هایش جستجو کنید^e
تا بلکه انسانی^f را بیابید،

اگر کسی باشد که راستی را به عمل آورد
و صداقت را بجوید^g،
و من [شهر] را خواهم بخشید^h.
۲:۴

حتی آنگاه که می گویند: «سوگند به
حیات یهوه»،

آن نیز برای این است که سوگندی دروغ
یاد کنند.

۳ ای یهوه، مگر نه اینکه دیدگان تو به
سوی صداقتⁱ معطوف است؟

۴ تو ایشان را زده‌ای، و نلرزیدند،

ر.ک. ۲:۶، ۲۴:۴۶؛ ۲۴:۵۰؛ ۲۲:۴؛ ۲۲:۵۱؛ ۳۳:۵۱؛ توضیحات^j ۱۱:۶.

^e گویا خدا فرشتگان را مخاطب قرار می دهد و ایشان را مأمور بازرسی می کند (ر.ک. پید ۱۸:۱۶-۲۱-۱۶:۲۱-۲۱؛ حزق ۹:۹)؛ نبی نیز به شورای فرشتگان در آسمان پذیرفته می شود ۲:۲-۱۹:۲۲؛ اش ۶:۷؛ عا ۷:۳ و توضیحات. به این جهت است که ارمیا فراخوانده می شود تا در تحقیق در مورد مجرمیت اورشلیم شرکت کند، تحقیقی که خدا می خواهد پیش از اعلام قطعی رأی خود انجام شود (ر.ک. ۶:۲۷-۷:۵؛ پید ۱۱:۱۸-۷:۵).

^f «ایشان» واقعی آن است که به راستی عمل کند، چه در رفتار شخصی خوبیش و چه در فعالیت‌های اجتماعی اش. خداوند در وهله اول چنین چیزی از او می طلبید (میک ۸:۶)، ر.ک. ۲۳:۹ و توضیحات ۱۳:۲۲.

^g به چنین انسانی است که می توان اطمینان کرد، چرا که رفتارش، به خاطر راستی و امانتش، موجود اعتماد است. ر.ک. خروج ۲۱:۱۸؛ نخ ۷:۲؛ یو ۳:۲۱ و توضیحات.

^h در مورد انسان عادلی که انبوھی از گناهکاران را نجات می بخشد، ر.ک. پید ۲۰:۱۸؛ ۳۳-۲۰:۱۸؛ اش ۵:۳؛ حزق ۳:۲۲-۲۲:۱؛ یو ۲:۱ و توضیحات.

ⁱ یا «امانت و وفاداری» ر.ک. توضیحات آیه ۱.
ز.ر.ک. توضیحات ۶:۳.

^j این کلمه می تواند به «نظمی» که خدا می خواهد برقرار سازد دلالت داشته باشد (ر.ک. ۷:۸).

شاخه رَزْهایش را قطع کنید
چرا که از آن یهوه نیستند.
^{۱۱} زیرا خاندان اسرائیل و خاندان یهودا
^{۲۰، ۸:۳} جز خیانت به من، کاری نکرده اند
- وحی یهوه.
^{۱۲} ایشان یهوه را انکار کرده اند،
به او گفته اند: «او نه!
و به ما هیچ بدی نخواهد رسید،
شمیر و قحط را نخواهیم دید;
^{۱۳} انبیا چیزی جز باد نیستند
و «کلام»ⁿ در ایشان نیست».
^{۱۴} به این سبب، یهوه چنین سخن
می‌گوید،
خدای لشکرهای:
^{۱۵} اج به ایشان چنین خواهد شد،
^{۱۶} اجاز این رو که این را گفته اند:
اینک من سخنان خود را به سان آتش
در دهانت قرار خواهم داد،
و این قوم چوبی خواهد بود
که [این آتش] آن را خواهد بلعید.

۹:۱
۱۷:۱۰:۵
حرق
مکاف

زیرا خطاهایشان بی شمار است
۱۵:۳۰ و ارتقادات هایشان بسیار.

هرزگی اخلاقی

^۷ پس چگونه تو را بیخشم?
۱:۵ پسانت مرا ترک کرده اند،
^{۱۶:۱} به چیزی سوگند یاد کرده اند که خدا
نیست.
^{۱۱:۲} من ایشان را سیر کرده بودم، ایشان
^{۱۳:۲۳} مرتکب زنا شده اند
^{۱۸:۱۹} و خانه روسپی را محاصره می کنند.
^{۲۰:۲۳} ^{۲۷:۱۳} ^{۲۱:۲۲} (این) اسب های نر شکم سیر و هرزه،
هر یک برای زن همسایه اش شیشه می زند.
^۹ و به سبب این، نباید مجازات کنم!
- وحی یهوه^۱
و از چنین ملتی
آیا جان من نباید انتقام بکشد؟

کلام خداوند بلا منازع است

^{۱۰} بر بامهایش برآید و ویران سازید،
اما بالکل قلع و قمع مکنید^m،
۸:۳۹ ۲۷:۴

^۱ این شیوه بیان، گُواه بر این است که پیام از جانب خداوند می آید. لذا استفاده نادرست از آن امری است بسیار جدی (حرق ۹:۱-۱۳؛ ر.ک. ار ۳۱:۲۳). این فرمول به طور خاص در ارمیا به کرات به کار رفته، خواه در شکل ساده اش مانند اینجا (۱۶۴ بار)، خواه با برخی اضافات مربوط به نام خدا مانند: ۱۵:۲، ۲۲:۲، ۱۸:۴۶، ۱۸:۴۹، ۵:۴۹ (۱۱ بار). این فرمول در ترجمه یونانی کمتر به کار رفته؛ در آن، این فرمول کمیاب تر، تقریباً به یک شکل به کار رفته اند، یعنی فرمول «یهوه می‌گوید» (ر.ک. ۱۵:۶ و توضیحات) و نیز فرمول مجلل آغازین «یهوه چنین سخن می‌گوید» (ر.ک. ۲۱:۶ و توضیحات). این اصطلاح که مشخصه واژگان نبوی است و فقط در یونس و حقوق یافت نمی شود، در سایر کتاب های نبوی در زمینه مداخلت انبیا به چشم می خورد. این اصطلاح خواه در جریان وحی می آید، خواه در خاتمه آن، و خواه بسیار به ندرت در آغاز وحی (۲۱:۹؛ زک ۱:۱۲؛ مز ۱:۱۱۰).

^m این مجازاتی است که منجر به انها کامل نمی گردد: آیه ۱۸: ۱۱:۳۲۰؛ ۱۱:۲۶؛ ۴۴:۲۶؛ حرق ۲۰:۱۱ تا ۲۲:۱۲؛ ر.ک. ۱- قرن ۱۰: ۱۳:۱۰.

ⁿ تحتاللفظی: «سخن گفتن در ایشان نیست». این اشاره ای است به فرمول آغاز وحی ها. قرائت ترجمه یونانی: «کلام خداوند در ایشان یافت نمی شد».

^۰ کلمه «چنین»، نخستین کلمه وحی های نبوی را که معمولاً مصیبتی را اعلام می کنند، از سر می گیرد (ر.ک. ۸:۲۸).

وارد ساخته است؟» به ایشان بگو: «همان گونه که شما مرا ترک کرده و خدایان بیگانه را در سرزمین خود خدمت کرده اید، به همان شکل بیگانگان را در سرزمینی که از آن شما نیست، خدمت خواهید کرد».

**نظام آفرینش به سبب شناخت
نادرست عمل الهی بر هم می خورد**

۱۰ این را در خاندان یعقوب ندا کنید و در یهودا اعلام نمایید و بگویید: ۲۱ پس به این گوش فرا دهید، ای قوم ابله و بی عقل: ایشان چشم دارند و نمی بینند، گوش دارند و نمی شنوند! ۲۲ آیا از من نمی ترسید؟ - وحی یهوه - آیا در برابر من نمی لرزید، ۹ که شن را برای حد دریا قرار داده ام، ۱۰ حدی ابدی و غیرقابل عبور؟^{۱۰} موج هایش به حرکت در می آیند، اما ناتواند^{۱۱} می خروشند (یا: می غرند)، اما از آن ۶ عبور نمی کنند.

۱۳ اما این قوم دلی سرکش و نامطیع ۵ دارند، ۷:۱۱ هو دور شده اند و رفته اند؛ ۱۴ در دل خود نگفته اند: «از چه سبب، یهوه، خدای ما، تمام اینها را بر ما

ایشان با شمشیر و قحط و تبعید مواجه خواهند شد

۱۵ اینک بر علیه تو خواهم آورد ملتی دوردست را، ای خاندان اسرائیل - وحی یهوه - ملتی است زورآور، ملتی است کهن، ملتی که زبانشان را نمی دانی و نمی فهمی چه می گویند.
۱۶ ترکش او به سان قبری است گشاده^P، همگی ایشان مردمانی هستند شجاع.
۱۷ او حصادت و نانت را از میان خواهد برد، پسранت و دختران را از میان خواهد برد، گوسفندان و گاوانت را از میان خواهد برد، درخت مو تو و درخت انجیرت را از میان خواهد برد، شهرهای حصاردارت را به شمشیر ویران خواهد ساخت که بر آنها اعتماد داری.
۱۸ با این حال، حتی در آن روزها - وحی یهوه - شما را بالکل قلع و قمع نخواهی نمود.
۱۹ و آنگاه که به تو گویند: «از چه

P تیوهای بی شمار آنان، مرگی حتمی را به همراه می آورند.
۹ این همان نکته ای است که در ۱۹:۲ به چشم می خورد و با کلمه دیگری در زبان عربی بیان شده است: ر.ک. آیه ۲۴ و توضیحات ۱۹:۲.

۱۲ اشاره ای است به تجلی خاص قدرت مطلق خدا که دریا را، فقط به واسطه سدی شنی، در محدوده خود نگاه می دارد.
۸ در اصل، به جای «موج هایش»، ضمیر سوم شخص به کار رفته. در عربی، این ضمیر به صورت جمع است و به «موج های دریا» اشاره دارد؛ در ترجمه های یونانی و سریانی، این ضمیر به صورت مفرد است و به دریا دلالت دارد.

حتی مستمندان را ادا نمی کنند.
و به سبب این، نباید مجازات کنم!

۸:۹:۹:۵
۲۹
- وحی یهوه -
و از چنین ملتی
آیا جان من نباید انتقام بکشد؟

در طریق نادرستی

۳۰ امری حیرت انگیز و هولناک
هو ۱۰:۶
در سرزمین رخ می دهد:
۳۱ انبیا دروغ^۷ را نبوت می کنند
و کاهنان طبق میل خود حکومت می کنند^۸.
میک ۱۱:۲
یو ۱۹:۳
و قوم من این را دوست می دارد!
اما در آخر چه خواهید کرد؟

آغاز حمله به اورشلیم

۴ در بیرون از اورشلیم، ای پسران
پوش ۲۸:۱۸
بنیامین،
پناهگاهی بجویید^۹.
در تقویع^{۱۰} کرنا بتوانید،
بر بیت هکاریم^{۱۱} نشانه ای برافرازید!
زیرا از شمال^{۱۲} تیره روزی تهدید می کند
و مصیبتی عظیم.

که باران را می دهد، باران پاییزی را
و باران بهاری را، در وقتی،
که هفته های معین برای حصاد را برای ما
نگاه می دارد».

۲۵ خطاهای شما این را بر هم زده است،
گناهانتان شما را از این موهاب محروم
ساخته است.

۲۶ زیرا در قوم من، بد کارانی یافت
می شود که در کمین می نشینند، پنهان
همچون شکارچیان پرندگان، دام ها آماده
می کنند، انسان ها را گرفتار می سازند.
۲۷ بدان سان که قفس پر است از
پرندگان^{۱۳}،

به همان سان خانه های ایشان پر است از
تقلب؛

به همین سبب است که توانمند و
دولتمند می گردند؛

۲۸ ایشان فربه اند و درخشند.
حتی از حدود بدی نیز فراتر می روند؛
عدالت را به جا نمی آورند،
عدالت برای یتیم را، و کامیاب
می شوند^{۱۴}!

^t ترجمه دیگر بر اساس ترجمه آرامی: «به سان مرغی دانی که پر از مرغ است».

^{۱۱} اشاره ای است به رسوایی روش هایی ظالمانه که در عین حال، کمیاب است (ر.ک. مز ۷۳:۷۳).
۷ ر.ک. ۲۰:۲۷:۹:۶:۲۹:۶

^w تحتاللفظی: «کاهنان بر روی دستان خود می بذیرند»: این فعل در داور ۱۴:۶ در معنای مشابه به کار رفته است. ترجمه های دیگر: «کاهنان در پهلوهای خود سلطه می رانند» یا با اندکی تصحیح: «کاهنان تحت اقتدار خود، رهنمودهایی می دهند».

^x ارمیا قبل از مردم را دعوت کرده بود که در اورشلیم بنای بگیرند (۶:۵-۶:۴) اما اکنون که خود اورشلیم نیز مورد حمله قرار گرفته (۳:۱-۳:۴)، باید در مناطقی جنوبی تر پنهان گرفت.

لا از این شهرک نام برده شده، نخست به این علت که در جنوب اورشلیم واقع شده بود (ر.ک. توضیحات ۱:۱): اما علت دیگر آن است که نام آن با فعل «زنگ بزنید» (تیقوعه) شباخت دارد.

^z محل این قریه را که در باغ ها مخصوص بود، نمی توان مشخص کرد (ر.ک. نج ۱۴:۳ و توضیحات).
^a در شمال کوهی بود که مجمع خدایان کنعانی شمرده می شد (اش ۱۳:۱۴ و توضیحات)، و مشابه و قرینه کوه صهیون، شهر پادشاه عظیم، بود (مز ۴:۴ و توضیحات). از این بلندی های شمال بود که مصیبت می رفت تا بر اورشلیم وارد آید (۱۳:۱-۱۳:۲:۶؛ ۲:۴؛ ۱۵ وغیره).

<p>در برابر من دائمًا بیماری و زخم (هست)! بگذار که اصلاح شوی، ای اورشلیم، مبددا که جانم از تو کنده شود و از تو ویرانه ای سازم، زمینی غیرمسکون. یهوه لشکرها چنین سخن می‌گوید: خشش چینی کن، خوش چینی کن همچون تث ۲۱:۲۴ درخت مو، باقی اسرائیل را؛ دست خود را باز آور به سان خوش چین بر شانه ها. «با چه کس باید سخن گفت، به چه کس باید هشدار داد، تا گوش فرا دهند؟» اینک گوش ایشان نامختون است؛ نمی‌توانند توجه کنند؛ اینک کلام یهوه برای ایشان تبدیل شده به رسایی: آن را نمی‌خواهند! اما من از خشم یهوه مملو هستم؛ از باز داشتن آن خسته شده ام! آن را بر طفلي در کوچه خواهم ریخت و بر حلقه جوانان؛ زیرا مرد وزن گرفته خواهند شد، سالخورده و آن که از روزها آگدید است. خانه هایشان به دیگران منتقل خواهد شد، </p>	<p>۳۱:۴ ۲:۶ ۲۳:۱۷ ۱۲:۹ ۷:۴ ۹:۴ ۲۱:۷:۲۲ ۹:۴ ۲۷:۵۱:۷:۲۲ ۸:۳۹</p> <p>۲ نابود می‌سازم آن دربا و لطیف را. دختر صهیون را؛ به سوی او می‌آیند چوپانان با گله هایشان؛ در برابر او، از همه سو، چادرهای خود را بر پا کرده اند، هر یک، سهم خود را می‌چراند. ۴ با تقدس بر علیه او وارد جنگ شوید، بر پا! وسط ظهر بر آییم. وای بر ما! زیرا روز به پایان می‌رسد، زیرا سایه های عصر طولانی می‌شود. ۵ بر پا! شب بر آییم و کاخ هایش را ویران سازیم.</p>
	<p>داوری یهوه بر شهر محاصره شده</p> <p>۶ زیرا یهوه لشکرها چنین سخن می‌گوید: درختانش را فرو کویید، در مقابل اورشلیم خاکریزها^b بر پا نمایید. ۷ وای بر شهر دروغ! در بطن او، همه چیز ستم است. ۸ بدان سان که چاه آب خود را می‌جوشاند، ۹ به همان سان او شرارت خود را می‌جوشاند؛ ۱۰ در آنجا جز خشونت و ویرانی چیزی به گوش نمی‌رسد،</p>
	<p>b ترجمه احتمالی دیگر: «جاده ای به سوی اورشلیم بسازید». ر.ک. ۳۲:۱۹ - پاد ۲۴:۳۲ و توضیحات ۲-۳۲:۱۹.</p> <p>c ترجمه احتمالی دیگر: «این شهری است که تسليم شده است». سنت یهود این عبارت را این چنین استنباط کرده است: «شهری که گناهش مجازات شده است».</p> <p>d این گونه نیز می‌توان استنباط کرد: «بادا که دستت بار دیگر به سیدها باز گردد» (تا باز میوه هایش را ببری).</p> <p>e تحتاللغی: «با که سخن بگویم، (بر علیه) چه کس شهادت دهم تا گوش فرا دهند؟</p> <p>f «گوش نامختون» قادر به شنیدن صدای خدا نیست؛ ر.ک. توضیحات ۴:۴.</p>

شمره دسیسه چینی‌های قوم

^{۱۶} یهوه چنین سخن می‌گوید: ^{۲۸:۱۴} لوح بر سر راه‌ها بایستید و ببینید، از جاده‌های باستانی^h اطلاع کسب کنید: ^{۱:۳۹:۹} بنسی:۸ راه درست کدام است؟ در آن سالک شوید ^{۲۹:۱۱} مت:۱۱ و برای جان خود آرامی خواهید یافت.

اما ایشان گفتند: «در [آن] سالک نخواهیم شد».

^{۱۷} برای شما دیدبانان بر انگیختم! ^{۱۴:۴۲} ایشان صدای کرنا باشید!

اما ایشان گفتند: «مراقب نخواهیم بود».

^{۱۸} از این سبب، ای ملت‌ها، گوش فرا دهید، و بدان، ای جامعه که چه چیز انتظار آنان را می‌کشد.

^{۱۹} ای زمین، گوش فراد: ^{۱:۳۲} تث:۱۱ اینک من تیره بختی ای به سوی این قوم می‌آورم، شمره افکارش را؛ ^{۷:۶} غلام:۳ چرا که به سخنان من توجه نکردند، و شریعت مرا خوار شمردن!

مزارع و زن‌ها، جملگی، زیرا که من دست خود را دراز خواهم نمود

بر علیه ساکنان سرزمین - وحی یهوه. ^{۱۳} زیرا در میان آنان، از کوچکترین ^{۱۱:۵} اش گرفته تا بزرگترین، همگی سودی نادرست به دست می‌آورند، و از نبی گرفته تا کاهن، همگی دروغ را به جا می‌آورند.

^{۱۴} ایشان شکستگی قوم مرا به سهل انگاری درمان می‌کنند و می‌گویند: «آرامش! آرامش!» ^{۱۰:۴} ^{۱۳:۱۴} ^{۱۷:۲۳} و آرامشی نیست.

^{۱۵} آیا از اینکه مرتکب کراحت شده‌اند، شرمسارند؟

اما ایشان شرم هم ندارند، حتی نمی‌دانند چگونه سرخ شوند. ^{۲:۳} به این سبب است که در میان آنانی خواهند افتاد که می‌افتد، آن هنگام که ایشان را مجازات کنم، ^{۸:۹} خواهند لغزید، ^g یهوه می‌فرماید.

^g این شیوه بیان (ر.ک. توضیحات ۹:۵ و ۲۱:۶) در خاتمه یا در وسط وحی می‌آید (و استثنائی در آغاز، ۱۱:۱۵)، تا شهادت دهد که این وحی از جانب خدا صادر شده است.

^h تحت‌اللفظی: «جاده‌های همیشه». منظور تجربه نسل‌های گذشته است که در کلام خدا تعلیم یافته بودند (ر.ک. ۱۵:۱۸) مز (۲۴:۱۳۹).

^۱ اشاره به انبیایی است که موظف به اعلام مجازات بودند؛ ایشان نخستین کسانی بودند که می‌بایست مجازات را مشاهده کنند و مردم را به توبه دعوت نمایند: حرق ۱-۱۶:۳؛ ۲۱-۲۱:۹-۱؛ ر.ک. اعد ۳:۲۳؛ اش ۱۲-۶:۲۱؛ هو ۸:۹؛ حب ۱:۲. ^۲ زاین ترجیمه‌ای است تحت‌اللفظی از متنی دشوار؛ بعضی این مصطلح را این چنین استنباط می‌کنند: «و بدان ... که در آنان چه هست» که در این صورت، منظور گناهی است که قبلًا بدان اشاره شد. یا شاید هم طبق ترجمه‌ما، مجازات‌هایی است که در اثر این گناه نازل می‌شود، یا «جامعه» اسرائیل دعوت می‌شود تا از توطئه‌هایی که نزد ملت‌ها چشیده می‌شود، آگاهی و هشیاری یابد. ترجمه‌یوتانی چنین قرائت می‌کند: «به سبب این، ملت‌ها شنیده‌اند و نیز آنان که گله‌های خود را می‌چرانند».

ملتی عظیم از انتهای زمین سر بر
کارم می آید،
اش:۱:۱۱؛ ۲۳:۴۳ بخوری که از سبا^k می آید، به چه
و دارچین گرانبها که از سرزمینی
دوردست (می آید)؟

قربانی های سوختنی شما مقبول من
عبر:۵:۱۰؛ ۱۴:۱۲ نیست

و قربانی های ذبحی شما خواهیند من
نمی باشد.

دامهای سر راه

به این سبب یهوه چنین سخن
می گوید:^l

اینک برای این قوم موانع قرار خواهم
داد

که بر آنها خواهد لغزید؛
پدران و پسران همگی با هم،
همسایه ها و دوستان از میان خواهند
رفت.

ویرانگر در راه است

یهوه چنین سخن می گوید:

اینک از سرزمین شمال قومی فرا
حرز:۱۴:۱۶؛ ۳۸:۱۶ می رسد،

در مورد «سیا»، ر.ک. توضیحات اش ۶:۶۰. در مورد بخور، ر.ک. توضیحات خروج ۳۴:۳۰؛ لاو ۱۳:۱۶ و توضیحات -
خداآنده یک بار دیگر (ر.ک. توضیحات ۳:۴)، توسل به ظواهر مذهب و سنت های عمیق را افشا می کند.
۱ یا: «اینک آنچه که یهوه می گوید» (ر.ک. ۳:۴؛ ۳۵:۲۳؛ ۱:۱۳؛ ۳۷:۲۵؛ ۱۵:۲۵)؛ این فرمولی است که پیام های خداوند را
آغاز می کند و کابرد آن نزد ارمیا بسیار فراوان است (۷۸ بار در شکل ساده اش؛ به علاوه ۲۰ بار با عبارت الحاقی «خدای
لشکرها»). در ترجمه یونانی کمتر به کار رفته است.

^m به عبارتی دقیق تر، اشاره به سلاحی است به شکل داس که دسته ای بلند دارد.

ⁿ نصوبی است از دلسزی و نومیدی (۴۳:۵۰، ر.ک. ۴:۳۸).

^o ر.ک. توضیحات ۱۱:۴

^p ر.ک. ۳۴:۲۵؛ حرق ۲۷:۳۰؛ یو ۳:۵-۶. این فراخوانی است غایی برای بازگشت و توبه؛ ر.ک. توضیحات یون ۳:۵؛
توضیحات متی ۲۱:۱۱.

پرسنیش یهوه از این دروازه‌ها داخل می‌شود.^۳ یهوه اشکرها، خدای اسرائیل، ۱۱:۱۸ چنین سخن می‌گوید: رفتار و کارهای خود را اصلاح کنید و من شما را در این مکان ساکن خواهم ساخت.^۴ به این سخنان عا:۵ دروغین^۵ اعتماد نکنید که «اینجا است^۶ معبد یهوه، معبد یهوه، معبد یهوه!^۵ اما چنان‌چه رفتار و کارهای خود را به راستی^۷ اصلاح کنید، چنان‌چه راستی را به واقع در^۸ حق یکدیگر^۸ به جا آورید،^۹ چنان‌چه از^{۱۰} غریب و يتیم و بیوه بهره کشی نکنید، چنان‌چه در این مکان خون بی‌گناه را نریزید،^{۱۱} چنان‌چه به دنبال خدایان دیگر برای^{۱۲} تیره بختی خود نروید،^{۱۲} آنگاه شما را در^{۱۳} این مکان ساکن خواهم ساخت^{۱۰} در سرزمینی که از دیرباز و برای همیشه به^{۱۴} پدران شما داده‌ام.^{۱۵} اما اینک شما به سخنان دروغینی^{۱۶} اعتماد می‌کنید که به هیچ کار نمی‌آید.^{۱۷} دزدی، قتل، ارتکاب زنا، سوگند دروغ،^{۱۸} بخور سوزاندن برای بعل، رفتن به دنبال^{۱۹} تث^{۲۰} ۶۴:۲۸

حرز ۲۲-۱۸:۲۲ اسرائیل، فلز تصفیه نشده^{۲۷} من تو را در قوم خویش قرار داده‌ام تا آن را بیازمایی^۹،^{۲۸} تارفتار ایشان را بشناسی و بیازمایی.^۹ همه سرکش‌اند^{۱۰} و افترا زنده:^{۲۹} ایشان برج یا آهن‌اند و همگی فاسد.^{۲۹} دم (آهنگری) خرنس می‌کشد،^{۲۹} سرب در اثر آتش تماماً ناپدید می‌شود؛^{۲۵:۱} بیهوده تصفیه می‌کنند، تصفیه می‌کنند،^{۲۷:۶} تفاله (آن) زدوده نمی‌شود.^{۲۳:۱۳} اش^۱ «نقره دفع شده» این است نامی که بر آنان گذاردۀ اند؛^{۲۲:۱} زیرا که یهوه ایشان را دفع کرده است.

ارمیا در دروازه معبد، مردم را سرخوردۀ می‌سازد^{۱۰}

^۱ کلامی که از جانب یهوه به این
مضمون به ارمیا فرا رسید: ^۲ بر
دروازه خانه یهوه بایست؛ در آنجا این کلام
را فریاد بزن و بگو؛ به کلام یهوه گوش
سپارید، ای تمامی اهالی یهودا که برای

۱ این گونه نیز می‌توان استنباط کرد: «بزرگان سرکشان».
۲ سخنرانی بر دروازه معبد (۱:۷ تا ۳:۸) در سال ۶۰۸ ق.م. انجام شد: موقعیت آن و عوایقیش در فصل ۲۶ شرح داده شده است.

۳ با این حال، این مکان نیز هست که متن این سخنرانی به دست مؤلف‌های بسط داده شده باشد تا تمام موضوعات مهم موعظه‌های ارمیا در آن گردآوری شود؛ این موضوعات عبارتند از: بطلات اعتماد کورکورانه به معبد و به نهادهای مذهبی به جای اطاعت راستین از احکام خدا (آیات ۱-۱۵)، ممنوعیت وساطت برای قوم زیرا خدا ایشان را علی رغم مناسک مذهبی شان مجازات می‌کند (آیات ۱۶-۲۰)، امتناع سرخشنانه قوم از احترام به اراده خدا که بر کوه سینا و نیز به وساطت انبیا مکشف شده (آیات ۲۱-۲۸)، و شدید بودن مجازات (۲:۸ تا ۲۹).

۴ آکبلا و وولگات چنین قرائت می‌کنند: «تا بتوانم با شما ساکن شوم». ترجمه‌ما مبتنی است بر متن عبری (به جز چند نسخه خطی) و ترجمه یونانی. این امر در آیه ۱۲ نیز صدق می‌کند.

۵ ر. ک. آیه ۸: توضیحات ۲۵:۱۳.

۶ این ترجمه سه حرف است که تصور می‌شود مخفف عبارت «این مکان» باشد.

۷ تحت اللفظی: «میان یک شخص و یارش».

۸ ر. ک. توضیحات آیه ۳.

مکانی که به شما و نیز به پدران شما
داده ام، همان کاری را خواهم کرد که به
شیلو کردم.^{۱۵} شما را از روی خود دور
خواهم انداخت، همان‌گونه که همه^{۱۶}
برادرانتان، تمامی اعقاب افراییم را دور
انداختم.^{۱۷}

خداؤند دیگر گوش فی دهد...
^{۱۸} و تو، به نفع این قوم دعا مکن، به نفع
ایشان نه فریادی ادا کن و نه دعایی؛ نزد من تث^{۱۹}
وسائلت منما، زیرا گوش نخواهم داد.
^{۲۰} آیا نمی بینی در شهرهای یهودا و در
کوچه های اورشلیم چه می کنند؟^{۲۱} پس ران
چوب جمع می کنند، پدران آتش بر
می افروزنند، زنان خمیر می سازند تا برای
ملکه آسمان^{۲۲} شیرینی درست کنند، و برای
خدایان دیگر هدایای ریختنی می ریزنند، تا
مرا به خشم آورند.^{۲۳} اما آیا واقعاً مرا به
خشم می آورند؟ - وحی یهوه - آیا خودشان

خدایان دیگری که نمی شناسید لا،^{۲۴} اسپس
می آید و در این خانه که به نام من خوانده
شده^{۲۵}، در برابر من حاضر می شوید و
می گویید: «نجات یافته ایم!» به این منظور
که تمام این مکروهات را به جا آورید!^{۲۶}
آیا در نظر شما این غار راهزنان^{۲۷} است،
این جانه که به نام من خوانده شده است?
مت^{۲۸} من نیز آن را به روشنی می بینم^{۲۹} - وحی
یهوه.

پس به مکان من در شیلو بروید که
قبلانام خود را در آنجا ساکن ساخته بودم،^{۳۰}
و ببینید به سبب شرارت های قوم
اسرائیل، به آن چه کرده ام.^{۳۱} و اینک،
از آنجا که تمام این کارها را مرتکب
می شوید - وحی یهوه - از آنجا که بدون
خشتنگی با شما سخن گفتم و گوش
نگرفتید، از آنجا که شما را خواندم و
جواب ندادید،^{۳۲} به خانه ای که به نام من
خوانده شده و به آن اعتماد دارید، و به

y یعنی خدایانی که بر سر راهتان قرار نگرفته بودند و شفقت آنان را تجریه نکرده بودید: ر.ک. ۱۹:۴-۳؛ ۳۲:۳-۴؛ ۱۷:۳-۲. z وقتی انسان جایی را که خدا برگزیده، به نام او می خواند، این کار در حکم این است که آن مکان را متعلق به حضور خدا اعلام می کند و آن را تحت حاکمیت احصاری او قرار می دهد. لذا خدا حق دارد ایجاب کند که اشخاص برای حضور در آنجا،
شرابیط خاصی را رعایت کنند (ر.ک. مز ۱۵).

a همان‌گونه که راهزنان پس از ارتکاب دزدی در غاری پناه می گیرند، به همان‌گونه اسرائیلیان تصور می کنند که در معبد امنیت می یابند علی رغم اینکه رفتارشان نسبت به صاحب این مکان اهانت آمیز است. اما خداوند تمام زندگی ایشان را «می بیند» و می خواهد در آن حضور داشته باشد، و به ایشان خبر می دهد که تمام شور و شوق مذهبی شان چیزی جز «تزوير» نیست (۱۵:۱۱) و هدف آن سریوش گذاشت بر بی عدالتی هایشان می باشد (ر.ک. توضیحات ۲۰:۶).

b یعنی «من نیز شما را در آنچه که تصور می کنید پناهگاه دزدان است، می بینم» (ر.ک. مز ۱۳:۱۲). c این فرمولی است که در تنشیه برای معبد اورشلیم به کار رفته است (تث ۱۲:۱۱؛ ۱۴:۱۱؛ ۲۳:۱۱؛ ۲۶:۲؛ ۱۱:۲؛ ۲:۲۶؛ ۱:۹؛ ۱:۱). ر.ک. تث ۲:۲؛ ۱:۵؛ ۲:۹؛ ۳:۹ - پاد ۳:۳). قرائت و لگات: «در جایی که نام من ساکن است» ر.ک. توضیحات آیه ۳.

d شهر شیلو (ر.ک. توضیحات یوش ۱:۱۸) و مکان مقدس آن که خدمتگزاران آن شاید نیاکان ارمیا بودند (ر.ک. مقدمه)، در حدود سال ۱۰۵۰ ق.م. به دست فلسطینیان ویران شد. خداوند مسئولیت این ویرانی را که در اثر خطاهای اسرائیل صورت گرفت، بر عهده می گیرد (ر.ک. مز ۷:۸؛ ۵:۶؛ ۷:۷-۶).

e اشاره به تبعید اسرائیلیان شمال (۲۲ ق.م.). f منظور الهه ایشان (عشتاروت یا آستارته) می باشد که خصوصاً در بین النهرین «ملکه آسمان» نامیده می شد و با سیاره زهره (ونوس) همسان انگاشته شده است (ر.ک. ۱۷:۴-۱۹).

رفتند و نه به جلو^۱. از روزی که پدران شما از مصر بیرون آمدند تا به امروز، خدمتگزاران خود، انبیا را به سوی شما فرستادم؛ هر روز بدون خستگی آنان را گسیل داشتم.^۲ اما ایشان مرآ نشینیدند و گوش فرا ندادند؛ پس گردن خود را سخت ساختند و بیش از پدران خود بدی کردند.^۳ تمامی این سخنان را به ایشان بگو، و ایشان به تو گوش نخواهد سپرد؛ آنان را خواهی خواند و تو را پاسخ نخواهد گفت.^۴ پس به ایشان بگو: «اینک ملتی که به صدای یهوه، خداش، گوش فرا نداد، و درس را نپذیرفت. صداقت از میان رفته و از دهان ایشان بریده شده است».

میوه‌های تlux انحرافات مذهبی

موی خود را بتراش و دور بیفکن، بر کوه‌های برهنه سرود عزا سر بد؛^۵ زیرا یهوه پس زده و دور افکنده نسلی را که او را به خشم آورده است.^۶ زیرا پسران یهودا آنچه را که در نظر من بد است، به جا آورده اند. وحی یهوه. ایشان «کنافات» خود را در خانه ای که به نام من خوانده می‌شود، گذارده اند، تا آن را نجس سازند؛^۷ مکان بلند^k توفّت را

نیستند، برای شرم‌ساری روی خودشان؟^۸ به همین سبب، خداوند یهوه چنین سخن می‌گوید: اینک خشم من و غصب من بر این مکان فرو خواهد ریخت، و بر مردمان و بر حیوانات، بر درختان صحراء و میوه‌های زمین، خواهد سوزاند و خاموش نخواهد شد!^۹

...زیرا قوم گوش فی دهن

یهوه لشکرها، خدای اسرائیل، چنین سخن می‌گوید: قربانی‌های سوختنی خود را به قربانی‌های ذبحی خود بیفرایید و گوشت آن را بخورید!^{۱۰} زیرا در روزی که پدران شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم، به ایشان درباره قربانی‌های سوختنی و همچوئی‌های ذبحی هیچ حکمی به ایشان ندادم.^{۱۱} اما این است چیزی که به ایشان حکم کردم؛ به ایشان گفتم: به صدای من خروج^{۱۲} گوش فرا دهید؛ آنگاه من خدای شما خواهم بود، و شما قوم من خواهید بود و در تمامی طریقی که به شما امر نمایم، سلوک خواهید کرد، تا سعادت نصیبتان گردد.^{۱۳} اما ایشان نشینیدند و گوش فرا ندادند؛ ایشان طبق مشورت‌های خودشان سلوک نمودند، طبق لجاجت دل بدکارشان؛ ایشان به عقب

g در قربانی سوختنی، تمام قربانی که به خدا تقدیم می‌شد، در آتش می‌سوخت. اما خداوند قربانی‌های سوختنی اسرائیل بی‌وفا را نمی‌پذیرد؛ لذا به او پیشنهاد می‌کند که گوشت قربانی را که قرار بود بسوزد، بخورد، همان طور که گوشت قربانی‌های ذبحی را می‌شد خورد.

h. ر. ک. توضیحات اش ۱۱:۱؛ توضیحات عا ۲۵:۵؛ مز ۱۸:۵۱.

i این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «ایشان پشت خود را به من بر گردانند، به جای اینکه روی خود را بر گردانند». زتحت‌اللفظی: «نذیره خود را بتراش. نترابیدن مو نزد نذیره‌ها نشانه تخصیص و وقف به خدا بود، ر. ک. اعد ۵:۶، ۹:۱۳، ۵:۱۳، ۷:۱۷، ۱:۱۷:۱۶، ۱:۱۷:۱۶. اسرائیل دیگر قوم وقف شده بیود (ر. ک. آیات ۱:۱۵؛ ۲:۳۰).

j ر. ک. توضیحات ۱- پاد ۲: در اینجا بیشتر مبنظر پشته‌ای است که بر قبرها بنا می‌کردند و مربوط می‌شد به نیایش‌های بت پرستانه - کلمه «توفت» (نیز در ۱۹:۶-۱۴) احتمالاً به معنی «اجاق» یا «قربانگاه» می‌باشد (ر. ک. توضیحات اش ۳۳:۳۰). در خصوص «وادی ابن هنوم» ر. ک. توضیحات ۲:۲۳.

دفن؛ آنها بر روی زمین تبدیل به کود خواهد شد.^۳ و برای بقیه، مرگ بر زندگی ارجح خواهد بود، (برای) آنان که از این قیار بد ایوی^۴ باقی خواهند ماند، در تمامی مکان‌هایی که ایشان را برآنم - وحی یهوه اشکرها.

لجاجت بی مانند

^۴ به ایشان خواهی گفت: یهوه چنین سخن می‌گوید:
آیا کسی می‌افتد بدون اینکه برخیزد؟^۱ روم ۱۱:۱۱
آیا کسی روی بر می‌تابد بدون اینکه باز گردد؟^۲

^۵ از برای چه این قوم مرتد شده است؟
از برای چه اورشلیم ارتدادی بی‌انتها شده است؟^۳ ۳۱:۲

ایشان در فربت پای می‌شارند،
از بازگشتن امتناع می‌ورزنند.^۴
^۵ من دقت کردم و شنیدم:
آنچه را که شایسته نیست می‌گویند،
حتی یکی هم از شرارتش توبه نمی‌کند
و می‌گوید: «چه کرده‌ام!»
جملگی به مسیرهای خود^۶ باز می‌گردد،
به سان اسبی که به نبرد هجوم می‌برد.^۷
حتی لک لک نیز در آسمان
موسم‌های خود را می‌شناسد:
قمری و پرستو و کلنج
زمان آمدن خود را ملاحظه می‌کنند.^۸
و قوم من «حق» یهوه را نمی‌شناسند.^۹ ۳۲:۶-۱۰:۶

بنابرده اند که در وادی ابن هنّوم واقع است، تا پسران و دختران خود را در آتش بسوزانند، چیزی که امر نکرده بودم و به ذهن خطور نکرده بود.^{۱۰} از این سبب، اینک روزهایی فرا می‌رسد^{۱۱} - وحی یهوه - که دیگر نخواهند گفت «توفت» یا «وادی ابن هنّوم»، بلکه «وادی قتل عام»، و در اثر نبود جا، در توفت دفن خواهند کرد.^{۱۲} ۳۳ جنازه‌های این قوم برای پرنده‌گان آسمان و برای حیوانات زمین خوارک خواهد شد،^{۱۳} و بی‌آنکه کسی آنها را مضطرب سازد.^{۱۴} و من از شهرهای یهودا و از کوچه‌های اورشلیم فریاد وجد و فریاد شادی را، و سرود داماد و سرود عروس را محو خواهم ساخت؛ زیرا که سرزمین تبدیل به ویرانه خواهد شد.^{۱۵}

^۱ در آن زمان - وحی یهوه -
استخوان‌های پادشاهان یهودا را از مقبره‌های ایشان خارج خواهند ساخت،
استخوان‌های بزرگان [سرزمین] را،
استخوان‌های کاهنان را، استخوان‌های انبیا را و استخوان‌های ساکنان اورشلیم را.^{۱۶} آنها را در برابر خورشید پهن خواهند کرد، در برابر ماه و در برابر تمامی «لشکر»^{۱۷} آسمان‌ها که آنها را دوست داشتند، آنها را خدمت کردنده و در پی آنها رفته‌اند، با آنها مشورت کردنده و آنها را پرستیدند.^{۱۸} (این استخوان‌ها) را نه جمع خواهند کرد و نه

^۱ این فرمولی است در سبک نبوی که بر ویژگی خطاناپذیر پیام تأکید می‌گذارد؛ این عبارت اشاره به این دارد که وقایعی که اعلام شده، در آستانه فرا رسیدن است. در ارمیا، ۱۵ بار این اصطلاح به کار رفته و هر بار، با عبارت «وحی یهوه» همراه است.

^m بدینسان، محل عبادات در اثر تجمع اجساد نجس می‌شود.

ⁿ ترجمه‌ما مبتنی است بر متن عبری خوانده شده. در متن مکتوپ چنین آمده: «هر یک طبق میل خویش منحرف می‌شود». در نظر ارمیا و نیز اشعیا (اش ۳:۱)، اسرائیل آنچه را که برای درک عمیق «حق» و حقایق الهی لازم بود دریافت کرده بوده است؛ با این حال، درک غریبی حیوانات در سطح خودشان از دک قوم اسرائیل بیشتر است.

«آرامش! آرامش!»
و آرامشی نیست.
۱۲ آیا از اینکه مرتکب کراحت شده‌اند
شرم دارند؟
اما ایشان شرم هم ندارند
و نمی‌دانند چگونه سرخ شوند.
به همین سبب است که در میان آنان که
می‌افتد خواهند افتاد،
(و) به هنگام مجازاتشان، خواهند
لغزید، یهوه می‌فرماید.

۱۲:۲۳

کلام و کلام ...
^۸ چگونه می‌توانید بگویید: «ما حکیم
هستیم

و شریعت یهوه با ما است؟»
و اینک قلم دروغگوی کاتبان P
از آن دروغی ساخته است!
^۹ حکیمان را شرم خواهد پوشاند،
ایشان هراسان و گرفتار خواهند شد.
اینک ایشان کلام یهوه را خوار
شمرده‌اند،
و چه حکمتی است حکمت ایشان؟^۹

«زیر چوب رها شده‌او»

۱۳ آن هنگام که می‌خواهم نزد ایشان درو صفحه ۲۱
کنم - وحی یهوه -
انگوری بر روی تاک نیست، حب:۳
انجیری بر درخت انجیر نیست، اش:۱
و برگهایشان پژمرده شده.^۱
۱۴ چرا در اینجا بمانیم؟ گرد آید و به
شهرهای حصاردار داخل شویم ۵:۴
تا در آنجا هلاک شویم، ۱۴:۹
چرا که یهوه، خدای ما، ما را هلاک مر:۳۱، ۱۵:۳۱
می‌سازد ۱۹

بی توجهی انبیا و کاهنان

^{۱۰} به همین سبب است که همسرانشان را
به دیگران خواهدم داد،
مزرعه هایشان را به فاتحان:
زیرا از کوچکترین گرفته تا بزرگترین،
همگی سودی نادرست به دست می‌آورند؛
از نبی گرفته تا کاهن
همگی دروغ را به جا می‌آورند.
^{۱۱} ایشان شکستگی دختر قوم مرا به
سهل انگاری درمان می‌کنند^۵ و می‌گویند:
۲۱:۸

P گویا منظور ارمیا، فعالیت کاتبان در تبدیل کتاب تثنیه به قانون حکومتی می‌باشد، فعالیتی که می‌بایست به طور خاص در احکامی که با قلم فلزی بر روی سنگ حک می‌شود ظاهر شود (یعنی روش اعلانات در قدیم). در ۳۱:۳۱، ارمیا اعلام می‌دارد که خداوند خودش احکام خود را در عمق وجود ما خواهد نوشت. به این ترتیب، هر نوع امکان تحریف از سوی کسانی که تحت سلطه روح خدا نیستند، برطرف می‌شود.

^۹ تحت‌اللفظی: «حکمت به آنان چه ربطی دارد؟» کلام خدا در قلب حکمت و آزادی قرار دارد (ر.ک. یو:۸-۳۱:۳۲): لذا وقتی ایشان کلام خدا را که همیشه زنده است خوار می‌شمارند تا آن را منجمد سازند و کم و بیش تحریف کنند (آیه ۸)، در این صورت حکمت‌شان فرو می‌پاشد و آزادی واقعی را از دست می‌دهند (ر.ک. یو:۸-۳۴:۸)، خصوصاً که این کلام از سوی شخصی چون ارمیا اعلام می‌شود.

۱۲ آیات ۱۰-۱۲ با چند اختلاف، مشابه ۶-۱۲-۱۵ می‌باشد.
۸ ر.ک. توضیحات ۱۱:۴.

^{۱۰} در متن عبری، مصرع دیگری پس از این مصرع آمده که بسیار مبهم است. ترجمه‌های احتسابی آن چنین می‌توانند باشد: «آنها را به کسانی که می‌گذرند، خواهمن داد»، یا «آنها را خواهمن داد که ببرند» یا «به آنان غارتگرانی داده ام که غارت‌شان می‌کنند» ما طبق ترجمه یونانی، این مصرع اضافی را حذف کرده‌ایم.

- از چه سبب مرا با بت هایشان به خشم
آورده اند،

۸:۱۰ با «بطالت های» بیگانه؟

۲۰ «حصاد گذشت، قابستان تمام شد،

اما ما نجات نیافته ایم!»

۲۱ از شکستگی دختر قوم^W، من خرد^۴، من خود^۶؛
شده ام،

اندوه گینم، بهت مرا فرو گرفته.

۲۲ آیا در جلعاد روغن بلسان دیگر

نیست؟

آیا در آنجا پژشك دیگر نیست؟

پس چرا زخم دختر قوم نمی تواند التیام

یابد؟

۲۳ چه کس سر مرا به آب تبدیل خواهد

ساخت

و چشمانم را به چشمۀ اشک،

تا اینکه روز و شب گریه کنم

برای قربانیان دختر قوم؟

۱۷:۱۳ مرا - ۱۹:۱ سهو - ۱۶:۱

حقیقت از میان رفته^۶

۹ آه! کاش که در بیابان منزلگاهی^{۱-۴} یا^{۱۹:۵}
برای مسافران می داشتم!

قوم خویش را رها می کرم

و از اینجا می رفتم، به دور از ایشان!

زیرا ایشان همگی زنا کارند

۱۰:۲۳:۸-۷:۵

و به ما آب زهرآلود می نوشاند،
زیرا به یهوه گناه ورزیده ایم.

۱۵ منتظر آرامش بودیم، و هیچ چیز نیکی

نیست!...

۲۵:۷ زمان شف، و اینک وحشت!

۱۶ از دان (به این سو) غرش اسبانش به

گوش می رسد؛

از صدای شیهۀ اسبان جنگی اش

تمام زمین می لرزد؛

۱:۲۴ فرا می رسند و می درند سرزمین را

و هر آنچه را که آن را پر می کند،

شهر و آنان را که در آن ساکن اند.

۸:۴۶ ۱۷ زیرا اینک مارها و افعی ها بر علیه

شما می فرستم

که در مقابل آنها افسونی نیست؛

شما را خواهند گزید - وحی یهوه -

۱۱:۸ حک و شفایی نخواهد بود!^۷

شکایت نبی

۱۸ ۱۸ ب محنت مرا فرا می گیرد،

قلیم به درد آمده.

۱۹ ۱۹ اینک فریاد وحشت دختر قوم من^۷

از سرزمینی دور دست بر می آید:

۲۰ ۲۰ آیا یهوه دیگر در صهیون نیست؟

۲۱ ۲۱ «پادشاهش» دیگر در آنجا نیست؟»

^۶ «شفایی نخواهد بود. محنت مرا فرا می گیرد» ترجمه اصلاح شده متنی است مخدوش.

⁷ ر. ک. توضیحات ۱۱:۴.

⁸ ر. ک. توضیحات ۱۱:۴.

^X در ترجمه های یونانی و وولگات، این آیه در آغاز فصل ۹ آمده است. به همین دلیل، شماره گذاری این دو ترجمه برای دنباله فصل ۹، نسبت به متن عبری یک رقم جلوتر است.

^Y در راستای ۱:۵-۳ و ۲۸:۷، نبی (آیات ۱-۵) و خود خداوند (آیات ۸-۶ و آیه d۲ و آیه b۵) به تناوب سخن می گویند تا بر نبود هر نوع حقیقت و راستی در روابط انسان ها دل بسوزانتد (ر. ک. اش ۱۵:۵-۳؛ مز ۲:۷-۵؛ ۱۲:۳-۵؛ ۳:۱۴؛ ۲:۵-۳؛ ۲:۱۹؛ ۱۲:۱۹؛ ۲:۴-۲؛ بنی ۲:۲۶-۲۴).

از شناختن من سر باز می زند - وحی یو ۱۱:۳
بهوه^c.

خداؤند مداخلت خواهد کرد
از این سبب، بهوه لشکرها چنین سخن
می گوید:
اینک ایشان را تصفیه و آزمایش خواهم
کرد؛
زیرا در برابر شرارت^d ایشان^e چه توانم
کرد؟

زیانشان تیر مهلهک است^f،
سخنان دهانشان جز فریب نیست؛
با دوست خود درباره آرامش سخن
می گویند،
اما در دل خود برایش دامی مهیا
می سازند.
و به سبب این، نباید مجازاتشان
کنم؟
وحی بهوه -
و از چنین ملتی
آیا جان من نباید انتقام بکشد؟

(و) دسته ای خائن.
۲ زبان خود را همچون کمان می کشنده؛
آنچه بر سرزمین فرمان می راند
دروغ است و نه صداقت^z،
زیرا از جنایت به جنایت می روند،
و مرا نمی شناسند!
- وحی بهوه^a.
۳ هر یک از شما از دوست خود بر حذر
باشد
و هیچ کس به برادر خود اعتماد نکند؛
چرا که هر برادر کاری جز از میان بردن
انجام نمی دهد
و هر دوستی افترا زنان می رود.
۴ هر کس دوست خود را فریب می دهد
و حقیقت را نمی گویند،
زبان خود را آموخته اند تا دروغ را ادا
کند؛
بدی می کنند،
^b (و) قادر به بازگشت نیستند.
خشونت روی خشونت! فریب روی
فریب^b!

Z سنت یهود، متن عبری را این چنین استنباط کرده: «زیانشان را برای دروغ همچون کمان خم می کنند و ترقی شان در سرزمین، برای حقیقت نیست». ترجمه ما میتوانی است بر ترجمه یونانی.

a در ترجمه یونانی، «وحی بهوه» حذف شده. شاید لازم باشد متن عبری را این چنین تعبیر کرد: «و خداوند را نمی شناسند» ر.ک. توضیحات آیه ۵.

b ترجمه ما مطابق با ترجمه یونانی است. سنت متاخر یهود، کلمات را به شکل دیگری تقسیم بندی کرده: «(انتهای آیه ۴) در تباہی، خود را خسته می سازند. (آیه ۵) مسکن تو در وسط فریب است. در فریب، از شناختن...» c در ترجمه یونانی، «وحی بهوه» حذف شده. شاید لازم باشد متن عبری را چنین تعبیر کرد: «از شناختن یهوه سر باز می زند». ر.ک. توضیحات آیه ۲.

d کلمه «شرارت» بر اساس ترجمه های آرامی و یونانی افروده شده است.

e قرائت عبری: «دخلتر قوم من». ر.ک. توضیحات ۱۱:۴.

f در اینجا، موضوع آیات ۲-۵ تکرار می شود.

g این فعل (ر.ک. ۹:۵، ۲۹) بیانگر مداخلت الهی است به منظر برقراری نظم، خواه با مجازات کردن و مطالبه حساب، خواه با ظاهر کردن روشی ملائم تر، یعنی نشان دادن نگرانی خود برای خاصاش (۱۵:۱۵؛ ۲۷:۲۷؛ ۲۲:۲۷؛ ۱۰:۲۹؛ ۳۲:۱۰). این فعل به علت معنی چندگانه اش (ر.ک. توضیحات خروج ۱۶:۳؛ توضیحات عا ۲:۳؛ توضیحات لو ۶۸:۱) چند بار با عباراتی متراوف با «توجه داشتن» ترجمه شده است (ر.ک. ۲:۲۳ و نیز ۱۲:۲۳ و توضیحات).

بودم ترک کرده‌اند؛ صدای مرا گوش
نگرفتند و مطابق آن سلوک نکردند؛^{۱۳} اما
لجاجت دل خود را پیروی کردند، در پی^{۱۷:۳}
بعل‌ها که پدرانشان آنها را به ایشان اش^{۲:۶۵}
شناساندند.^{۱۴} به این سبب، یهوه لشکرها،^{۱۵:۲۳}
خدای اسرائیل، چنین سخن می‌گوید:
اینک به این قوم^۱ افسنتین خواهم خوراند،
و آب مسموم به آنان خواهم نوشاند. مکا:^{۸:۱}
ایشان را در میان ملت‌هایی پراکنده^{۲۴:۱۳}
خواهم ساخت که نه خودشان می‌شناختند و
نه پدرانشان، و شمشیر را به دنبال ایشان^{۱۴:۱۵}
خواهم فرستاد تا آن زمان که آنان را بالکل^{۳۷:۴۹}
قلع و قمع کنم!

دعوت از زنان نوحه سرا

^{۱۶} یهوه لشکرها چنین سخن می‌گوید:
توجه کنید! زنان نوحه سرا را بخوانید^k،^{۱۲:۵}
و بادا که بیایند!
ماهرترین آنان را خبر کنید، و بادا که
بیایند!^{۱۷}
باشد که بستابند و بر ما ناله‌ها ادا
کنند؛
بادا که چشمانمان از اشک آکنده شود^{۲۳:۸}
و از پلکانمان آب جاری گردد!
^{۱۸} زیرا صدای ناله از صهیون شنیده
می‌شود:
«چگونه از میان رفتیم،
شرمسار گشته ایم!

حکیم است آنکه علت مصیبت را درک کند^h

^۹ بر روی کوه‌ها، گریه و ناله را طین
افکن سازید
و بر چراغاه‌های بیابان، سرود عزا را!
چرا که سوخته‌اند، کسی از آنجا
نمی‌گذرد
و صدای گله‌ها در آنجا به گوش
نمی‌رسد؛
از پرندگان آسمان گرفته تا به بهایم
همه گریخته‌اند، همه رفته‌اند.^{۴:۱۲:۲۵:۴}
^{۱۰} از اورشلیم توده‌ای از سنگ خواهم
ساخت،^{۳۷:۵۱:۱۸:۲۶}
پناهگاه شغال‌ها؛

و از شهرهای یهودا ویرانه‌ای خواهم
ساخت،

بدون هیچ ساکنی.

^{۱۱} کدام است آن انسانی که اندکی
حکمت دارد

تا این را درک کند؟

کدام است آنکه دهان یهوه با او سخن
گفته باشد

تا آن را انتشار دهد؟

از برای چه سرزمین هلاک شده،

همچون صحراء سوخته،

بدون هیچ رهگذری؟^{۲۵:۵:۳:۳}

^{۱۲} یهوه می‌گوید: به این سبب که
شريعت مرا که در برابر ایشان قرار داده

r. ک. توضیحات^{۳:۶}.

^۱ ر. ک. توضیحات^{۳:۵۰}. ایه^۱ تا^۲ زیاد روشن نیست که در این قسمت به کدام اتفاق تاریخی اشاره می‌شود. احتمالاً به هجوم
نبوکد نصر طبق^۲ پا^{۱:۲۴}.

ز عبارت «این قوم» که حالت توضیحی دارد، در متن عبری وجود دارد، اما در ترجمهٔ یونانی نیست.

^k خداوند زنان نوحه سرا را فرا می‌خواند زیرا نیست به مصائب قوم خود بی تقاضت نیست؛ شفقت او در این مرثیهٔ تکان دهنده
تجلى می‌یابد. خداوند نهایت تلاش خود را کرد تا فرزندانش را از مصیبت دور نگاه دارد، اما وقتی ایشان راه سقوط را
انتخاب کردند، او اینک رنج و محنت ایشان را شدیداً احساس می‌کند.

شناخت خدا، یگانه حکمت واقعیⁿ

۲۲ یهوه چنین سخن می‌گوید:
امث:۳؛۳۰:۲۱
جای:۹:۱۱
بنسی:۲۲:۱۰
حکیم به حکمت خود نبالد،
شجاع به شجاعت خود نبالد،
(و) دولتمند به دولت خود نبالد!
۲۳ اما آنکه می‌بالد، به این ببالد
که هوشمندی دارد و مرا می‌شناسد.
زیرا من یهوه هستم که وفاداری را به
عمل می‌آورم،
وانصاف وعدالت را بر روی زمین؛
زیرا این است آنچه دوست می‌دارم
- وحی یهوه.

ختنه جسمانی، انسان را از مجازات دور نگاه نمی‌دارد

۴۳ اینک روزهایی می‌آید - وحی یهوه -
۸:۹ که در آن هر ماختتونی را که نامختتون است
مجازات خواهم کرد: ^{۲۴} بر علیه مصر، و بر
علیه یهودا، و بر علیه ادوم، و بر علیه پسران
عمون، و بر علیه موآب، و بر علیه «شقیقه -
تراشیده هایی» که در صحراء ساکن اند؛
زیرا همه ملت ها نامختتون اند، و تمامی
خاندان اسرائیل در دل، نامختتون اند.^p

زیرا سرزمین را ترک می‌کنیم،
چرا که مسکن هایمان را فرو
افکنده اند.^۱

^{۱۹} پس ای زنان، کلام یهوه را گوش
گیرید،

و گوشتان کلام دهان او را دریافت کند؛
به دختران خود ناله را تعلیم دهید

و هر یک از شما، سرود عزا را به دوست
خوبیش:

^{۲۰} «مرگ از پنجه هایمان برآمده است،
به قصرهایمان داخل شده است،
کودک را از کوچه نابود کرده،
جوانان را از مکان های عمومی.

^{m۲۱} جنازه های مردم در کشتزارها افتاده
است،

به سان کود،
^{۲:۸} به سان بافه ای که در پس درو کننده رها
شده باشد،

^{۲۶:۵} و کسی نیست که [آنها] را جمع کند!»

¹ قرائت ترجمه یونانی: «مسکن های خود را رد کرده ایم». می‌توان همراه با مفسران یهود، متن حروف صدادار را مانند یونانی این چنین استنباط کرد: «از مسکن هایمان دور افکنده شده ایم».

^m در متن عبری، این آیه با این عبارت آغاز می‌شود: «سخن بگو! اینک وحی یهوه». این فرمول در ترجمه یونانی نیامده و ما نیز آن را تیاورده ایم. این فرمول به ترتیت برای آغاز وحی به کار می‌رود؛ ر. ک. توضیحات ۹:۵.

ⁿ شناخت خداوند به معنی ملاقات با خدایی است که در زندگی انسان ها مداخلت می‌کند و ایشان را به راه وفاداری و دستگیری از یکدیگر، راستی و انصاف، و عدالت رهنمون می‌گردد.

^۰ اشاره به قبایل عرب است (۳۲:۲۵؛ ۲۳:۴۹). که برای بربدین مو و ریش خود، رسومی را به جا می‌آوردند که در اسرائیل ممنوع بود (لاو ۲۷:۱۹). این قبایل، مانند نیای خود اسماعیل (پید ۲۳:۱۷)، رسم ختنه را رعایت می‌کردند، همان گونه که در زمان ارمیا، در میان سایر اقوام مذکور در این آیه، متناول بود.

^p در این دو آیه، ارمیا تأیید می‌کند که خداوند تمام این ملت ها، و نیز یهودا را، با اینکه ختنه شده اند، مجازات خواهد کرد. بخش پایانی («زیرا همه ... در دل نامختتون اند») احتمالاً توضیحی متاخر می‌باشد: از آنجا که رسم ختنه جز در میان یهود، در میان سایر اقوام رواج خود را از دست می‌داد، این توضیح می‌کوشد، با اشاره به ۴:۴ (ر. ک. توضیحات)، تأیید ارمیا را با این وضعیت جدید انطباق دهد؛ ثث ۶:۳۰؛ ۱۶:۱۰.

۶ هیچ کس^b همچو تو نیست، ای یهود؛
تو عظیمی

و نام تو در قوت، عظیم است.
کیست که از تو ترسد،
ای پادشاه ملت ها؟

آری، این است آنچه که تو را سزد؛
زیرا که در میان تمامی حکیمان ملت ها
و در تمامی مملکت های ایشان،

هیچ دس همچو بود بیست.
 ۸ جملگی بدون استشنا ابله اند و احمق،
 تعلیم‌شان بطالت^۱ است؛ چوب است،
 نقره کوبیده شده که از ترشیش آورده^۹
 شده^{۱۰}

روم ۲۷:۱۶
 زکر ۲:۱۰
 حک ۲۲:۱۴

۳۱

و طلای او فارز،
اثر تندیس ساز و دست های ریخته گر،
که با ارغوان بینفس می پوشانندش و با
ارغوان سرخ:

اثر صنعت گران، تمام اینها!
۱۰ اما یهود خدایی است حقیقی^t،
او خدایی است زنده

و پادشاه ابدیت.
چون به خشم آید، زمین به لرزه آید،
و ملت ها را یارای تحمل غضب او
نیست.

در برابر خداوند خدا، بتها چه
هستند؟

۱۰ ۴:۲
اکلامی را که یهود خطاب به شما
می فرماید گوش گیرید، ای خاندان اسرائیل.

^۲ یہوہ چنین سخن می گوید:

طريق ملت‌ها را نیاموزید،
و از علائم آسمان نهراسید؛

حکم ۱۷: زیرا از آنها ملت‌ها می‌ترسند.

۳ زیرا هراس قوم‌ها بطال است؛
از چوبی است که در جنگل می‌برند،
اثری، که با اسکنه با دست‌های تندیس.

۹۰۱: ساز ساخته شده؛

با نقره و طلا، به آن زیبایی می بخشنده،
با میخ ها و چکش ها آن را تشبیت
می کنند

۵ آنها همچون مترسک در مزرعهٔ خیار نامه ار ۶۹ هستند

و سخن نه که

باید حملشان کرد زیرا راه نمی‌روند.
از آنها مترسید، زیرا ضرری نتوانند
مز ۴:۱۱۵

رسانیده،

حرب ۱۸:۲ حیر رستم بیر در نواسنیست.

۹) متن عبری را بر اساس تفسیر ربی‌ها، این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «با توجه اینکه هیچ کس همچو تو نیست...»

۲۱ این واژه (یعنی «بطلت») از جا ۲:۱، ر. ک توپیچات آن) گاه برای اشاره به بت‌ها به کار رفته است، خصوصاً در ۱:۸-۱:۹.

که در عبری، متصل به واژه «بطالت» است، یادآور آرایه ۳ می باشد که روشنی بیان می دارد که مفهوم آن همین است (بیز ر.ک. آیه بعدی). ق.ت.ل: «این است تعلیم بطالت‌ها»، یعنی اگر بگذاریم آنها ما را تعلیم دهند، نتیجه اش چنین خواهد بود.

محلی ناشناخته که در دان : ۵ نیز ذکر شده. در ارامی و سریانی: اوپیر، ر. ک. ۱- پاد ۲۸:۴ و توضیحات.

این دونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «... در حقیقت جدا است». بنی با استفاده از سیک جدی توئسته های دوره پس از تبعید بر علیه بت پرسنی، خداوند و بتها را در مقابل قرار می‌دهد: بتها که هیچ‌اند، یا تقریباً هیچ‌اند، بپروان خود را به انحطاط اخلاقی

روانی و جسمانی سوق می دهند (آیه ۸: ر. ک. آیات ۲-۳) حال آنکه یهود، خدای حقیقی است که می توان به او اعتماد کرد؛ او مؤمنان خود را به سوی حیات رهنمای می گردد.

**به سبب ترک خداوند، همه چیز
فرو می‌پاشد**

۱۷ ای دختر محاصره شده^W،
بار سفرت را از زمین جمع کن!
۱۸ ازیرا یهوه چنین سخن می‌گوید:
اینک این بار، ساکنان سرزمین را
به سان فلاخن پرتاب خواهم کرد؛
از نزدیک ایشان را خواهم فشرد،
تا [مرا] بیابند^X.

۱۹ وای بر من به سبب شکستگی ام!
علاج ناپذیر است جراحت من!
و من می‌گفتم:
این رنج من است، آن را تحمل خواهم
نمود.

۲۰ خمیمه ام ویران شده
و تمام طناب‌هایم گسیخته است.
پس‌رانم مرا ترک گفته اند: دیگر نیستند^Y
کسی نیست که خمیمه ام را بگستراند
و پرده‌هایم را بر پا دارد.

۲۱ زیرا که چوپانان احمق بودند
و یهوه را نجستند؛
به همین سبب است که کامیاب نشدند،
و تمام گله شان پراکنده شده است.

۲۲ به شایعه گوش دهید! اینک فرا
می‌رسد!

۱۱ اینک درباره آنها خواهد گفت:

«خدایانی که آسمان و زمین را نساخته اند،
اینها از زمین و از زیرآسمان ناپدید
خواهند شد^U.»

۱۲ او زمین را با قوت خوبیش ساخته،
جهان را با حکمت خود برقرار نموده،
و با هوشمندی خوبیش آسمانها را
گسترد است.

۱۳ اگر آوا دهد،

خروش آبها در آسمان است؛
ابرها را از اقصای زمین برمی‌آورد،
برق‌ها را برای باران پدید می‌آورد،
باد^۷ را از خزانه‌های خوبیش می‌کشد.

۱۴ هر بشری ابله است، به سبب نبود
دانش،

هر ریخته‌گری شرمسار است از تندیس
خوبیش؛

زیرا آنچه می‌ریزد، دروغ است،
در آن دمی نیست.

۱۵ بطالت هستند، اثرب مضحك،
در زمان مکافاتشان هلاک خواهند شد.

۱۶ سهم یعقوب این چنین نیست:
همه چیز را «او» شکل بخشیده است،
و اسرائیل قبیله میراث او است،
یهوه لشکرها نام او است.

۱۱ آیه ۱۱ توضیحی است حاشیه‌ای به زبان آرامی، خطاب به ملت‌ها.

۷ فرائت یونانی: «نور»

W به نظر می‌رسد که نبی اورشلیم محاصره شده را مورد خطاب قرار می‌دهد. اما بخشی از سنت یهود، این آیه را به گونه‌ای کاملاً مقاومت استیباط می‌کند. طبق این استیباط، نبی بالل را مهاطب قرار می‌دهد و به او می‌گوید: «ای تو که در مکانی حصاردار ساکنی، دیگر سنگینی جهان‌گشایی خود را برزمین وارد می‌باور». ^{۱۷-۲۳}

X فرائت ترجمه یونانی و وولگات: «تا یافت شوند». معنی این مصرع را با قطعیت نمی‌توان تعیین کرد و تفسیر علمای یهود از آن بسیار گوناگون است: آنانی که ترجمة ما را تأیید می‌کنند، آن را مقدمه‌ای برآیه بعدی به شمار می‌آورند. این فرض را نیز می‌توان در نظر داشت که کلمه «گناه» (یا «مجازات گناه») در معنی مصرع مستتر است (ر. ک. پید ۱۶:۴۳).

Y ترجمه یونانی چنین فرائت می‌کند: «فرزندانم و چارپایانم دیگر نیستند». سنت دیگری نزد علمای یهود، به جای «چارپایان»، شکلی از فعل مفرد را فرائت می‌شود: «ایشان از من بیرون آمدند».

زیرا یعقوب را دریده‌اند،
او را دریده‌اند، او را قلع و قمع
کرده‌اند،
اقامتگاهش را ویران ساخته‌اند.^b

مجازات عدم وفاداری به عهد^c

۱۱ اکلامی که از سوی یهوه به این
مضمون به ارمیا فرا رسید: ^۲ با
مردمان یهودا و ساکنان اورشلیم سخن
بگو: ^d به ایشان خواهی گفت: یهوه،
خدای اسرائیل، چنین سخن
می‌گوید: ملعون باد کسی که به سخنان این ^e تث:
«عهد» گوش نگیرد، ^f (سخنانی) که به
پدران شما امر فرمودم، در روزی که ایشان
را از سرزمین مصر ببرون آوردم، از کوره
آهن: به ایشان گفتم: صدای مرا گوش ^۷:
^{۲۷:۱۰} یو:

هیاهوی عظیمی از سرزمین شمالی می‌آید
تا از شهرهای یهودا
مکانی ویران بسازد، پناهگاه شغالها.

دعای نبی

۲۳ می‌دانم، ای یهوه،
که طریق انسان از آن او نیست،
(و) نه از آن کسی که راه می‌رود،
هدايت گام‌های خوبش!
۲۴ مرا اصلاح فرما، ای یهوه، اما بر
حسب عدالت،^Z ^{۲:۳۸} ^{۹:۲۰} ^{۱۶:۷}
نه بر حسب خشمت، چرا که ممکن است
مرا خوار سازی!^a
۲۵ غضبیت را بر ملت‌هایی بریز
که تو را نمی‌شناسند،
و بر قبایلی که نام تو را نمی‌خوانند.

^Z یعنی «مطابق میزان» یا طبق هنجارها.

^a ترجمه یونانی، این آیه را به صورت جمع قرائت کرده: «ما را اصلاح فرما، ... ما را خوار سازی». در واقع، بیشتر محتمل است که بتوان این درخواست (و خاصه درخواست آیه بعدی) را در دهان قوم گذاشت تا در دهان خود نبی. در این دعا، از خدا درخواست شود که در اصلاح خاصان خود، رعایت میزان و هنجار را بکند (ر.ک. توضیحات ۱۵:۵؛ ۱۱:۳۰). «عدالت» (یا میزان و هنجار)، جایگاه خاصی در کتاب مقدس دارد (بید ۱۳:۳۳؛ اش ۴:۲۲؛ ۱۷-۱۶:۴؛ امش ۳-۲:۴۵؛ ۱۷-۱۶:۳۰؛ ۱۷:۳۰-۲۷:۳۱؛ ۳:۱۹؛ ۳:۳؛ ۲۸-۲۷:۳۱؛ ۱۱:۱۲؛ مت ۴:۵؛ ۲۸:۱۱؛ ۳۰-۲۹:۱۱؛ ۲۸:۲۷؛ ۲:۳؛ ۲۳:۵؛ ۱۲:۳؛ ۲:۳؛ ۱۶:۳؛ ۸:۵). در ضمن، از یهویاقیم انتقاد شده که طرح هایش خارج از هنجار بوده است (۱۴:۲۲).

^b این دعا (که با مز ۷-۶:۷۹ موازی است) یکی از درخواست‌های متعدد از «خدایی غیور و انتقام‌گیرنده» است (نا ۲:۱ و توضیحات) تا به نفع خاصانش که خوار شده اند مداخلت کند (ر.ک. ۳۲ و توضیحات: ۱۴:۱۲؛ ۱:۲۵؛ بول ۲:۴). این نوع درخواست‌ها در مزامیر بسیار به چشم می‌خورد. دلمنشغولی برای جلال خدا که الهام بخش چنین دعاهاست، در بنسی ۱۷-۱:۳۶ (ر.ک. مز ۱۳:۹ ۲۲-۲۱) و دلمنشغولی برای ستایش او در کتاب یونانی استر، فصل ۱۰، به روشنی مشاهده می‌شود.

^c متن موجود در ۱۱-۱:۱۱ احتمالاً الگوی موعظه‌ای است که بدست مؤلفان تثنیه‌ای این کتاب نگاشته شده است (ر.ک. مقدمه) اگر سال بعثت نبی را ۶۲۶ ق.م. بدانیم، می‌توان تصور کنیم که این متن متکی است بر برخی اطلاعات مربوط به زندگی او. ارمیا در زمان یوشیا، احتمالاً در ترویج اصلاحات پادشاه شرکت جسته بود، اصلاحاتی که می‌تمنی بود بر کتاب «عهد» که در معبد یافت شده بود؛ اما بعدها احتمالاً در اثر شکست این اقدامات دچار دلسردی شده بود.

^d در متن عبری، این آیه این چنین آغاز می‌گردد: «مفاد این عهد را بنشوید» در این ترجمه، ما بر اساس ترجمه یونانی و سریانی و تارگوم، این بخش را حذف کرده‌ایم. «عهدی» که به اسرائیل بیشنهاد شده بود، مستلزم تعهدی از جانب ایشان بود؛ این تعهد خودش یا سخنی بود به تعهد اولیه خداوند (ایه ۵): ر.ک. توضیحات خروج ۵:۱۹.

^e قرائت متن عبری: «به ایشان خواهید گفت». ترجمه ما مطابق ترجمه یونانی و سریانی و آرامی است.
^f ر.ک. توضیحات تث ۲۰:۴.

است.^{۱۰} ایشان به خطاهای پدران اولیه شان باز گشته اند که از گوش گرفتن به صدای من سر باز زندند؛ آنان نیز به دنبال خدایان دیگر رفته‌اند تا آنها را خدمت کنند. خاندان ۳:۴۴:۱۰:۱۳
اسراطیل و خاندان یهودا «عهد» مرا شکسته‌اند، عهدی که با پدرانشان بسته ۳۲:۳۱
بودم.^{۱۱} به همین سبب، یهوه چنین سخن می‌گوید: اینک بر ایشان مصیبتی خواهم آورد که نخواهند توانست از آن بیرون آیند؛^{۱۰:۱۴-۱۱:۱۹}
نzed من فریاد برخواهند آورد و به ایشان گوش نخواهند گرفت.^{۱۲} شهرهای یهودا و ساکنان اورشلیم خواهند رفت تا به سوی خدایانی فریاد برآورند که برای آنها بخور ۱۶:۱
سوزانند، اما آنها نخواهند توانست ایشان را در زمان مصیبتشان رهابی دهند.^{۱۳}
زیرا به تعداد شهرهایت، ای یهودا،
تعداد خدایانت می‌باشد!
به تعداد کوچه‌های اورشلیم،
تعداد قربانگاهایی است که آماده کرده‌اید تا برای بعل بخور بسوزانید!^{۱۴}
و تو، به نفع این قوم دعا مکن، به نفع ایشان نه فریادی ادا کن و نه دعایی، زیرا آن زمان که به سبب^k مصیبتشان نzed من فریاد برآورند، گوش نخواهمن گرفت.

گیرید و مطابق هر آنچه که به شما امر می‌کنم، عمل نمایید^{۱۵}؛ آنگاه قوم من خواهید بود، و من خدای شما خواهم بود.^{۷:۲۴}
تث:۴:۲۰؛^۵ بدینسان، به سوگند خود وفا خواهم کرد^{۷:۷}
حر:۱۱:۱۴ که برای پدران شما یاد کردم تا سرزمینی را به ایشان بدهم که در آن شیر و عسل جاری است، چنان که امروز [شده است]. پاسخ تث:۱۱:۹-۸:۱۰^{۱۰:۵}
دادم و گفتم: «آمين!^h ای یهوه». ^{۲:۲}
^۶ یهوه مرا گفت: این سخنان را در شهرهای یهودا و در کوچه‌های اورشلیم فریاد بزن؛ بگو: سخنان این «عهد» را گوش گیرید و به آنها عمل کنید.^{۷:۷}
پدران شما، در روزی که ایشان را از سرزمین مصر برآوردم، با صلاحت هشدار دادم و تا به امروز به ایشان بدون خستگی با این سخنان هشدار داده‌ام: «صدای مرا گوش گیرید!»^{۱۵:۳۵} اما ایشان نشنیدند و گوش نسپارندند؛ ایشان هر یک مطابق لجاجت دل بدکار خود سلوک کرده‌اند. آنگاه تمامی سخنان این «عهد» را برآتان وارد ساختم، سخنانی که امر فرموده بود که بدان‌ها عمل کنند و ایشان عمل نکرند.ⁱ
^۹ یهوه مرا گفت: نzed مردمان یهودا و نzed ساکنان اورشلیم، توطئه‌ای یافت شده

g. ک. توضیحات مت ۷:۲۴.

h یعنی: «آری».

^۱ هسته آیات ۱۴-۱ را احتمالاً^j آیه ۶، و بخش آخر آیه ۸، و آیات ۹-۱۲ تشکیل می‌دهد. در واقع، چند جمله (آیات ۷-۸) در ترجمه یونانی وجود ندارد، و آیات ۵-۲ نیز به نظر می‌رسد که مجموعه‌ای از فرمول‌های تشبیه‌ای باشد. این امر برای برخی از مفسران نشانه‌ای است از همکاری ارمیا با اصلاحات یوسفی و شکست نهایی آن (اما ر. ک. مقدمه). متن فعلی می‌تواند بازتاب امیدها و نامیدی‌های ناشی از این اصلاحات باشد؛ به این ترتیب که در آغاز، نبی به عهد سینا اشاره کرده، از معاصران خود می‌خواهد که نسبت به آن متعهد گرددند (آیات ۲-۸: ر. ک. ۲-۲۳: پاد ۳:۶-۷)؛ مدتی بعد، پس از ۶۰۹ ق.م. مشاهده می‌کند که اوضاع بدتر از گذشته شده است (آیات ۹-۱۴، ر. ک. آیات ۱۵-۱۷)؛ اما ر. ک. مقدمه.

ز قرائت متن عبری: «تعداد قربانگاه‌هایی است که برای «شرم» بریا کرده‌اید، قربانگاه‌هایی برای سوزاندن هدایا برای بعل». در این حالت، برای «شرم»، ر. ک. توضیحات ۳:۲۴. ترجمهٔ ما مبتنی است بر قرائت ترجمهٔ یونانی.^k

ترجمهٔ ما مبتنی است به دسته‌ای از نسخ عربی. برخی نسخ دیگر چنین قرائت می‌کنند: «زیرا آن زمان که به هنگام مصیبتشان...»

ارمیا از سوی اعضای خانواده اش تهدید می شودⁿ

۱۸ یهوه مرا آگاه ساخت و من می دانم؛ ۱-۱۴ پا:۵
 آنگاه تو کردار ایشان را به من نشان
 دادی.^{۱۹} و من همچون بره ای دست آموز
 بودم که برای ذبح می برند، و نمی دانستم اش ۷:۵۳
 که بر ضد من طرح هایی در سر
 می پروراندند: «درخت را در شیره اش
 ویران سازیم، آن را از زمین زندگان
 برکنم، و نامش را از بادها محو سازیم!»^p
 بنی ۱۰:۹ مز:۱۳؛ ۱۱:۴ اما [تو] این یهوه لشکرها که با
 عدالت داوری می کنی،
 که دل ها و گرده ها را کاوش می نمایی،^m ۱-۲ سا:۴؛ ۲:۲۳ مکا:۲۳
 کاش انتقام تورا از آنان ببین؛
 چرا که داد خود را به تو سپرده ام.^۹
 ۲۱ به همین سبب، چنین سخن می گوید
 یهوه بر علیه مردمان عناتوت که در پی جان ۲۷:۲۹

خداآوند درخت زیتون خود را می زند

۱۵ محبوبه مرا در خانه من چه کار است!^{۱۱:۷}
 اش ۱۲:۱ او دست به تزویر یازیده است.

آیا نذرها و گوشت های مقدس
 مصیبت را از تو دور خواهند ساخت؟

اگر چنین می شد، می توانستی وجد
 نمایی.^۱

۱۶ «درخت زیتون سبز با قامتی زیبا»^{۱۰:۵۲}
 این نامی است که یهوه به تو داده بود.

او به صدای هیاهوی عظیم
 برگ هایش را به آتش می کشد،

شاخه هایش می سوزد.

۱۷ یهوه لشکرها که تو را کاشهه بود، بر
 علیه تو (سخنان) بد گفته است، به سبب

آن بدی که خاندان اسرائیل و خاندان

یهودا مرتکب شده اند، تا با سوزاندن ۷:۲۵

بخار برای بعل، مرا به خشم آورند.^m

۱ این مصرع به صورت میهم منتقل شده است. سنت یهود در قبال مفهوم آن موضعی نامشخص دارد. برخی دیگر این مصرع را چنین ترجمه کرده اند: «آیا در این شرایط می توانستی از آن رهایی یابی؟»

m بعضی دیگر چنین ترجمه کرده اند: «با سوزاندن بخار برای بعل، به او (یعنی به یهوه) اهانت کرده اند». ر. ک. (مقدمه).

۲ این بخش (۱۸:۱۱ تا ۱۲:۶) شامل نخستین عناصری است از آنچه که به «اعترافات ارمیا» معروف است (ر. ک. مقدمه). این اعترافات چیزی بیش از یادداشت های شخصی نبی است: آنها وارد موعظه او می شود و گواهی است برای نکته که پیام آور خداوند بودند به چه بهایی تمام می شود (آیه ۱۹:۱۶-۱۵، ۱۰:۶-۵، ۱۸:۱۸-۱۷، ۱۰:۰، ۱۸:۱۸-۱۷، ۱۰:۱-۱۴، ۱۸:۹). دعوت نبی که ب هدور از هر گونه جاه طلبی های شخصی است، رسالتی است کاملاً وابسته به اراده آمرانه و متغیر شخصی دیگر (۹:۷-۶:۱؛ ر. ک. ۲۰:۷-۹). نبی واقعی به هنگام اجرای رسالت خود، چیزی از خود ندارد که انجام دهد (۲۳:۶، ۲۲:۱؛ ر. ک. ۲۳:۱۶) و به طور کامل تحت هدایت تصمیم غیرقابل پیش بینی الهی است (۲۸:۲۸، ۱۲:۲۴، ۱۲:۳-۱۲:۲۴؛ ر. ک. توضیحات ۱:۹). تصور براین است که محرك توطئه خویشان ارمیا (آیات ۱۸-۱۹، ۱۹-۲۱، ۲۱-۱۲:۴) همانا همکاری او با اصلاحات یوشیا بوده باشد (ر. ک. آیات ۲-۸). مردمان عناتوت و خصوصاً کاهنان خانواده ا او، احتمالاً با سرکوب شدن آیین محلی شان مخالف بودند. اما این ماجرا احتمالاً بیشتر مربوط به دوره حکومت یهودیاکیم می باشد، مثلاً بعد از انتقاد تلح نبی از آیین عبادی که در معبد اورشلیم به جا آورده می شد (فصل های ۷ و ۲۶). در این صورت، ارمیا قاعدها در عناتوت پناه گرفته و اغتشاشی که به وجود آورده بود، گریبان او را در انزوا نیز گرفت. این مجموعه شاید از عناصر متعلق به دوره های مختلف تشکیل شده باشد و الزاماً بر حسب ترتیب زمانی شان مرتب نشده اند. مثلاً جای تعجب است که چرا بخشی که در آن ارمیا سرخوردگی خود را از کامیابی بدکاران ابراز می دارد (۱۲:۱-۲)، بعد از بخشی قرار دارد که در آن، خداوند به او اعلام می دارد که مخالفانش به زودی مجازات خواهند شد (۱۱:۱۱-۲۱:۲۳).

۳ قرائت ترجمه یونانی: «آنگاه کارهای ایشان را کشف کردم».

p منظور امتحان کردن احساسات و افکار انسان است. ر. ک. ۱-۱۲:۲۰؛ ۱۰:۱؛ ۱۷:۱؛ ۲۶:۲؛ ۲:۱؛ ۱-۲۸:۲۸؛ ۹:۱۰-۱۰:۷ مز:۱۶؛ ۷:۷؛ ۱۰:۲۶؛ ۱-۱۰:۷ تو:۱-۱۰:۷.

۴ ر. ک. توضیحات ۲۰:۱۲.

دل مرا می کاوی، آن نزد تو است.
ایشان را بکش، همچون گوسفندان به
کشتارگاه،
ایشان را برای روز کشتار ذخیره نگاه
دار.^{۷:۲۲}

^۴ تا به کی سرزمین در سوگواری خواهد
بود
و تمام علفهای مزارع خشک خواهد بود؟
به سبب بدکاری ساکنان آن است
که چارپایان و پرندگان^۱ هلاک
می شوند.
^۵ زیرا می گویند:
«اوراهای ما را نمی بیند».^۸

^۵ گردویدن با پیادگان تو را خسته
می کند،
چگونه با اسبان رقابت خواهی کرد؟
و اگر در سرزمین که در آرامش است،
احساس امنیت نمی کنی،
در پریشی انبوه اردن چه خواهی کرد؟^۹

^۶ چرا که حتی برادرانت و خانه پدرت،
خود ایشان به تو خیانت می کند،
خود ایشان، پشت تو، با تمام گلو فریاد
بر می آورند!^{۱۰}

۱۲:۲۴ تو هستند و می گویند: «اگر می خواهی به
دست ما نمیری، نباید به نام یهوه نبوت
کنی». ^{۲۲} به همین سبب، چنین سخن

۸:۹ می گوید یهوه لشکرها: اینک ایشان را تنبیه
خواهم کرد: جوانانشان به شمشیر خواهند
مرد؛ پسران و دخترانشان در اثر قحط
خواهند مرد.

^{۲۳} کسی برای آنان باقی نخواهد ماند،
زیرا مصیبتی به سوی مردمان عناوت خواهم
آورد، همانا سال عقویتشان را.

^{۱۲} ^۱ تو بیش از آن عادلی، ای یهوه،
که تو را به جنایتی متهم سازم؛

با این حال درباره داوری ها است که
می خواهم با تو سخن گویم.

چرا سرنوشت بدکاران کامیاب است?
^{۱۱} ^۲ چرا در آرامش اند تمام مرتكبان خطای
خیانت؟

^۳ آنان را می کارد و ریشه می دواند،
بزرگ می شوند و میوه می آورند.
تو نزدیک دهان ایشان می باشی،
اما دور از گرده های^۱ ایشان.

^۴ ^۱ و تو، ای یهوه، مرا می شناسی و مرا
می بینی،

۲ منظور اشاره به دل است.

۸ ر. ک. توضیحات ۲۵:۱۰.

۶ ر. ک. ۲۵:۴:۳:صف ۱.

۷ ترجمة ما مبتنی است بر ترجمه یونانی. قرائت عبری: «آینده ما را نمی بیند».

۸ آیات ۵-۶ شامل پاسخ خداوند است به شکایت های مذکور در آیات ۱-۴. خداوند نه فقط نمی کوشد به نمی خود اطمینان بیخشش، بلکه به او اعلام می کند که مشکلات بزرگتری انتظارش را می کشد.

۹ ر. ک. ۱۹:۴۹. این مensus را بخشی از سنت این چنین استنباط کرده است: «آن گاه که اردن بالا آید»، یعنی وقتی که رود اردن طغیان کند. منظور این است که «اگر کوچکترین سختی را نمی توانی تحمل کنی، چگونه سخت های شدیدتر را متتحمل خواهی شد؟» «در پریشی انبوه اردن» منظور وفور گیاهان اطراف رود اردن است که متنزلگاه حیوانات وحشی بود.

۱۰ این بخش از آیه را نمی توان با اطمینان ترجمه کرد. بخش عمده سنت یهود و نیز ترجمه یونانی، این چنین قرائت می کنند: «خود ایشان پشت سر تو، مردمان بسیاری را احضار می کنند. این آیه اگر بعد از ۱۸:۱۱ بیاید، بیشتر قابل درک خواهد بود.

بی آنکه کسی به این امر اعتنا کند.
۱۱:۴
۱۰:۴۶
۵:۳۴ اش
۲۵:۴۲ اش
۱:۵۷
۱۱:۴
زیرا یهوه شمشیری دارد که می درد
از یک انتهای زمین تا انتهای دیگر؛
برای هیچ بشری آرامش نیست!
۱۳ گندم کاشته اند و خار درو کرده اند؛
بدون نفعی، خود را خسته ساخته اند؛
از برداشت خود شرمزار باشید،
به سبب شدت خشم یهوه.

به ایشان اعتماد مکن
آنگاه که به تو سخنان نیکو می گویند.

خداؤند میراث خود را رها می کند^a

^۷ خانه خود را رها نموده ام،

میراث خود را رد کرده ام،

آنچه را که جانم عزیز می داشت

به مشت دشمنانش سپرده ام.

^۸ میراث من برایم همچون شیری در بیشه

بود،

او بر علیه من صدا داده است:

به همین سبب نسب به او کینه دارم.

^۹ آیا میراث من پرندۀ ای است رنگارنگ

که پرندگان درندۀ احاطه اش می کنند؟

۳۷:۱۷ لوه

بروید، گرد آیید، ای تمام چارپایان

مزارع،

^{۱۰} برای خوردن گوشت مازاد بیایید.

اش ۹:۵۶ اش
۹:۳۳:۷ اش
۱۰ چوبانان بسیار، به تاکستان من زیان

۳:۶ رسانده اند،

قلمرو مرا لگدمال کرده اند،

از قلمرو لذات من

۹:۳

بیابانی ویران ساخته اند؛

^{۱۱} آن را به ویرانه ای تقلیل داده اند،

سوگوار است، ویران در برابر من؛

تمام سرزمین خراب شده،

^a درسی به ملت‌ها^a
۴ چین سخن می گوید یهوه بر علیه تمام همسایگان بد من که به میراثی که قوم اسرائیل را وارت آن ساخته ام، دست ۱۰:۱ می زنند: اینک آنان را از روی زمینشان برخواهم کند، و خاندان یهودا را از میان ایشن برخواهم کند.^{۱۵} اما پس از کنند آنان، بار دیگر بر ایشان رحم خواهی فرمود ۱-۱۰:۸-۱۱ پا
و هر یک را به میراث خود، و هر یک را به ۱۴:۲۹ حز سرزمین خود باز خواهیم گرداند.^{۱۶} و اگر بخواهند طریق‌های قوم مرا بیاموزند، آن ۲:۱۰ سان که به نام من سوگند یاد کنند، به ۷:۲۳ حیات یهوه، همان گونه که به قوم آموختند که به بعل سوگند یاد کنند، در میان قوم من

۱۳:۷-۱۲ خداوند لب به شکایت می گشاید زیرا رنج می کشد از اینکه باید میراث خود را به ویرانگران بسپارد (ر.ک. هو ۹:۸-۱۱) این قطعه شعر درست بعد از گله ارمیا قرار داده شده (۶-۱۱:۱۲) شاید به این علت که آن را نوعی پاسخ به گله نبی به حساب می آوردند. در این صورت، می توان چین استدلآل کرد که خدا از اینکه باید بشر را مجازات کند رنج می برد، چرا که بر هر حال، ایشان را دوست می دارد: به همین دلیل، در اجرای مجازات تأخیر می کند.

ر. ک. توضیحات هو ۱:۸؛ توضیحات زک ۹:۱-۱۰؛ تقرن ۹:۳.

۱۰:۱۱ این وحی تکمیل کننده ۲۵:۱۰ (ر. ک توضیحات) در خصوص رفتار خداوند در قبال ملت‌ها است و تأیید می کند که او قطعاً برای همه انسان‌ها، عملی نجات بخشی را پی می گیرد. ر. ک. ۳:۱۷-۲۱؛ ۱۶:۱۹-۲۱؛ توضیحات ۲۳:۲۳ و توضیحات ۲۶:۴۶؛ توضیحات اش ۱۹:۱۶-۲۵؛ توضیحات عا ۷:۹.

آنچه که یهوه مرا امر فرموده بود، رفتم و آن را در نزدیکی فرات پنهان کردم.
⁶ باری، پس از روزهای بسیار، یهوه مرا گفت: «بر پا بایست! به فرات برو و از آنجا کمربندی را که تو را امر فرموده بودم که پنهان سازی باز برگیر». ۷ من به فرات رفتم، زمین را گندم و کمربند را از مکانی که آن را پنهان کرده بودم باز برگرفتم. و اینک کمربند خراب شده بود؛ دیگر به هیچ کاری نمی‌آمد.
کلام یهوه به این مضمون به من فرا رسید: ۸ «یهوه چنین سخن می‌گوید: تکبر یهودا و تکبر عظیم اورشلیم را به همین شکل خراب خواهم ساخت. ۹ این قوم شرور که از گوش سپردن به سخنان من امتناع می‌ورزند، و مطابق لجاجت دل خود» ۱۰:۱۱ ۱۷:۳

بنا خواهند شد. ۱۷ اما چنانچه گوش نگیرند، آن ملت را برخواهم کند؛ آن را برخواهم کند و هلاک خواهم ساخت. و حی یهوه.

درسی از کمربند^c

۱۳ ۱ یهوه با من چنین سخن گفت:
«برو و برای خود کمربندی کتانی بخر؛ آن را برگرد هایت بیند و در آب آن را فرو مبیر». ۲ من مطابق کلام یهوه کمربند را خریدم و برگرد هایم بstem.
۳ کلام یهوه بار دوم به این مضمون به من فرا رسید: ۴ «کمربندی را که خریده ای و بر کمرت تو است برگیر و سپس بر پا بایست! به فرات^f برو و در آنجا آن را در شکاف صخره ای پنهان ساز». ۵ من مطابق

^b این نکته می‌تواند دو معنی داشته باشد: بازسازی شدن و برخورداری از نسل (ر.ک. پید: ۲:۱۶؛ ۳:۳۰) و این امر از طریق قرار گرفتن در میراث خداوند میسر می‌گردد.

۵ این عمل نمادین در حکم مثلی است که با حرکات بیان می‌شود و یادآور رابطه میان خداوند و قومش می‌باشد. اول جذب قوم از سوی خدا و وابستگی او را به این قوم می‌بینیم (ر.ک. توضیحات آیه ۱۱): دوم، گستینگی و قطع رابطه می‌آید (در اثر خطای قوم)؛ سوم، تجزیه و تحریب است که هم به مجازات الهی اشاره دارد (آیه ۹) و هم به عواقب این قطع رابطه؛ با نهایت تعجب مشاهده می‌کیم که این امور «پس از روزهای بسیار» جامه عمل می‌پوشند. چنین اعمال و حرکاتی نمادین، هم برای عاملین آن و هم برای تماساگران احتمالی شان، نه فقط ارزشی تصویری داشتند، بلکه واقعاً متصمن و قایع آینده بودند. با توجه به این نکته است که می‌توان واکنش شخصی به نام فشحور در ۲:۲۰ را درک کرد، چرا که حرکت نمادین ارمیا بسیار سنگین و سخت بود. نیز ر.ک. ۶۴-۲۷؛ ۲۸-۴۳؛ ۳۲؛ ۲:۲۸-۴۳؛ ۱۳-۸:۵۱؛ ۱۱:۵۹-۶۰.

^d ۶ یعنی اینکه نباید آن را بشوید. عرق بدن و چرک و کثافت باعث خرابی سریع پارچه می‌شود.

۷ این فرمول اغلب آغازگر تشریح آن چیزی است که خداوند بر نمی‌مکشوف ساخته (۱:۱، ۱۱، ۱۳، وغیره)؛ نیز آغازگر اعلام پیام‌هایی است که نمی‌موظّف است از سوی خدا بیان دارد (۱:۲ وغیره). این امر خصوصاً در مورد کتاب‌های حزقيال و ارمیا و زکريا و حجی صدق می‌کند. این فرمول می‌تواند مانند اینجا حاکی از بیان راز خود نمی‌در مورد ملاقاتش با کلام زنده خداوند باشد (۱:۱ وغیره)، یا می‌تواند شهادت ویراستار در مورد این امر در زندگی نمی‌باشد (۱۲:۲۸ وغیره). ساختار جمله قولیاً بر خود کلام و عمل آن تأکید می‌گذارد (ر.ک. توضیحات ۲:۱). در اینجا شخصیت یافتن کلام مشخص تر است زیرا این فرمول هم ارزش است با فرمول آیه ۱ (ر.ک. ۱۹:۷) که در آن، فعل فعل خود خداوند است (ر.ک. توضیحات ۲۱:۶).

^f ۸ شاید منظور «وادی فرات» باشد که با عناوت، یک ساعت پیاذه فاصله دارد. اما کلمه عربی «پرات» عوّولاً در کتاب مقدس به رود فرات اشاره درد. این اشاره به رود فرات از ورای فراء، عنصر دیگری را به این قیاس می‌افزاید. اما چگونه باید این را تفسیر کرد؟ آیا باید آن را اشاره‌ای دانست به اتحادها و ائتلاف‌های بیگانه (ر.ک. توضیحات ۱۸:۲) یا به اعتقادات اختلاطی آشوری - بابلی؟ یا همچون اشاره‌ای به تبعید؟ اما تبعید باعث «پوسیدگی» تبعید شدگان نخواهد شد زیرا که به ایشان وعده آینده‌ای با سعادت داده می‌شود؛ لذا ایشان «به کار خواهند آمد» (ر.ک. فصل‌های ۲۴ و ۲۹). اما دست کم می‌توان در تمثیل کمربندی که در کنار فرات می‌پرسد، اشاره‌ای به مشکلات تبعید را مشاهده کرد.

را از مستی پر خواهم ساخت، و پادشاهانی
را که بر تخت سلطنت داده می نشینند،
انبیا را، کاهنان را، و تمامی ساکنان
اورشليم را.^{۱۴} ایشان را به هم کوفته، خرد
خواهم ساخت، پدران و پسران را نیز- وحی آش.^{۱۵}
یهوه - نه شفقت خواهم کرد، نه رحمت و نه
ترحم: ایشان را نابود خواهم ساخت».

پیش از آنکه خیلی دیر شود، گوش فرا دهید

^{۱۶} گوش کنید، گوش فرا دهید، متکبر

مشوبد، زیرا یهوه سخن گفته است.
^{۱۷} یهوه، خدای خود را جلال دهید،
پیش از آنکه ظلمات فرا رسد،
و پیش از آنکه پایهایتان برخورد
به کوه های شامگاهان.
^{۱۸} روشنایی را انتظار خواهید کشید،
و آن را به تاریکی تبدیل خواهد نمود،
و از آن ابری سیاه خواهد ساخت.

^{۱۹} سلوک می کنند، و به دنبال خدایان دیگر
می روند تا ایشان را خدمت کنند و
پیرستند، بادا که چون این کمریند باشند
که دیگر به هیچ کاری نمی آید!^{۲۰} زیرا به
جز^{۲۱} آن سان که کمریند به کمر انسان بسته
می شود، به همان سان من تنها خاندان
یهودا را به خود بسته بودم^g. وحی یهوه - تا
ایشان برای من قومی باشند، آوازه ای،
افتخاری، و جلالی؛ و ایشان گوش
خر^{۲۲} نگرفتند!

ظرف غضب^h

^{۲۳} این کلام را به ایشان خواهی
گفت: یهوه، خدای اسرائیل، چنین سخن
می گوید: «هر سبوی باید از شراب پر
شود». و اگر تورا گویند: «آیا نمی دانیم
که هر سبوی باید از شراب پر شود؟»^{۲۴} به
ایشان خواهی گفت: یهوه چنین سخن
می گوید: اینک جمله ساکنان این سرزمین

^g پیوند (بسته شدن) قوم به خداوند وابسته است به پیوندیکه خداوند قبلا با قوم خویش به وجود آورده بود هر حکم دیگری در این پیوند خلاصه می شود و از آن بر می خیزد، یعنی ترس و خدمت و محبت و توجه به کلام او، حفظ احکامش، سلوک در طریق های او، و بیروی او (تث ۲۰:۱۰؛ ۲۲:۱۱؛ ۱۳:۵؛ ۲۰:۳۰). آنانی که به خداوند می پیوندند، مالک سرزمین موعود می شوند (تث ۱۱:۱۱)، کامیاب می گردند (۲-پاد ۷-۶:۱۸)، از حیات برخوردار می شوند، حال آنکه کسانی که به دنبال بعل می روند نابود می گردند (تث ۳:۴-۴:۲۰)، این پیوند وابستگی، در واقع، مستلزم الصاق تمام وجود انسان است (ر.ک. پید ۲۲:۲) و نیز روح او (مز ۹:۶۳؛ ر.ک. پید ۳:۳۴ و توضیحات مرا ۱۱:۱)؛ وجود خداوند، حیات و تحرک شخصی و صمیمی ناشی از آن را در شخص تجدید می کند (۱۶:۳۸)، و این امر سبب می شود که انسان به اراده او (مز ۱۱:۱۹) و نیز به عبادت واقعی یعنی عبادت در تمام شفونات زندگی، ملخص و وابسته شود (ر.ک. روم ۱:۱۲ و توضیحات). از اینجا است که می توان به اهمیتی که برای این وابستگی به خدا قائل شده اند بی برد، اهمیتی که در مز ۲۸:۷۳ تجلی یافته است: «سعادت من این است که به خداوند پیوندم». نیز ر.ک. ۱- قرن ۱۷:۶.

^h ر.ک. روم ۲۲:۹ و توضیحات. ارمیا پیش از آنکه به این تصویر بپردازد و آن را مورد بهره برداری قرار دهد، یک ضرب المثل عادی به کار می برد که بی چون و چرا مورد پذیرش شیوندگانش می باشد. اما ایشان درک نمی کنند این ضرب المثل، وقتی از زبان خداوند بیان می شود، که به طور کامل در معرض باده غضب خدا قرار بگیرند (ر.ک. ۱۵:۲۵ تا فصل ۲:۲۹؛ ۲۲:۲۳؛ عو ۱۶: نا ۱۱:۳؛ حب ۱۶:۲ و توضیحات؛ مکا ۱۶) نبی با دنبال کردن تصویر سیو، می بیند که ایشان مست شراب اند و تلوتلو می خورند و با برخورد به یکدیگر، با صدای بلند در هم می شکنند.

ر.ک. ۶:۲ و توضیحات ایوب ۳:۵.

بر توریس بگمارند؟
آیا درد تورا فرو نخواهد گرفت
به سان زنی که می زاید؟
۲۲ و اگر در دل خود گویی:
«چرا این امر بر من واقع می شود؟»
به سبب بزرگی خطایت می باشد که
دامنهای ردايت مکشوف شده،
و پاشنه های های کوفته شده است.ⁿ
۲۳ آیا کوشی^o می تواند پوست خود را حب
عرض کند
و پلنگ خال های خود را؟
و شما، آیا ممکن است بتوانید نیکی
کنید؟
شما که به بدی کردن خو گرفته اید!
۲۴ من ایشان را پراکنده خواهم ساخت،
مانند کاهی^p که در اثر باد صحراء
می روید.
۲۵ این است قسمت تو، سهمی که برایت
وزن شده
از سوی من - وحی یهوه.
از آنجا که مرا فراموش کرده ای
تا به دروغ اعتماد کنی^q.

۱۷ اگر به این گوش فرا ندهید،
جانم در خفا خواهد گریست
به سبب تکبر [شما]:
اشک از چشم جاری خواهد شد،
چرا که گله یهوه به اسارت خواهد رفت.
۱۷:۱۴
۳۶:۴۸

اینک مجازات بی وفا یی

۱۸ به پادشاه بگویید و به بانوی بزرگ آن در جای پست نشینید^k،
زیرا که از سرتان^l فرو افتاده است
تاج جلالتان.

۱۹ شهرهای نگب مسدود شده
و کسی نیست که بگشايد!
یهودا یکسره تبعید شده،
به طور کامل تبعید شده است.

۲۰ چشمان خود را برافراز، ای اورشلیم،
و ببین آنان را که از شمال فرا می رسند.
کجا است گله ای که به تو داده شده بود،
گوسفندان جلالت؟

۲۱ چه خواهی گفت آن گاه که کسانی را
که خود اداده بودی تا نزدیکانت باشند^m،

از احتمالاً یهودیان و مادرش؛ ر. ک. توضیحات ۱: ۳. ملکه مادر، آن زمان که پسرش جوانتر بود، قطعاً نقش مهمی ایفا می کرده است.
ک. اش ۶۲: ۳: حز ۱۶: ۱۲: ۱: ۲۳: ۴: ۴۲: ۹: ۳۱: ۱۶: ۹: ۴: امث ۴: ۳۱.

m در ترجمه‌ها، از سنگینی متن کمی کاسته شده است ترجمه تحت اللفظی: «... تا نزدیکانت باشند و ایشان به سمتبدیل می‌شوند» (ر.ک. عا:۶ ۱۲:۶). می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «به ضرر خودت، ایشان را خوداده بودی که دوستانت باشند و قدرت را به دست بگیرند» (ر.ک. ۱- باد:۲۰ ۱۲:۱۹).

n) تحت الفظى: «پاشنه هایت مورد خشونت واقع شده است». این احتمالاً روشی مؤدبانه است برای مطلبی خلاف ادب.

۵) یعنی شخصی از سرزمین «نوب» یا حبشه. منظور سیاهپوست میباشد.

کار، داشت ۱۶:۵:صف ۱:۱

۵ همانند ۲۸ و ۳۱، منظور دروغ بعل هایا بتها (توضیحات ۵: ۳۱؛ ۱۰: ۱۶؛ ۱۹: ۱۶) و عبادت آنها است (۲۳: ۳)، ارمیا این دروغ را افشا می کند، همانظور که به افشاگری دروغ بودن عبادت در خود معبد می پردازد (۴: ۷)، و به افشاگری هنوز ادعای دروغین در مورد وفاداری به خداوند (۳: ۱۰) و توضیحات، و دروغ ها و سوگندهای دروغ در زندگی اجتماعی (۷: ۹؛ توضیحات ۶: ۱۳؛ ۶: ۸؛ ۱۰: ۲۳؛ ۱۴: ۴؛ ۱۶: ۴)، منحرف کردن کلام خدا (۸: ۸)، نادرستی رفتار کاهنان و انبیا (۱: ۹؛ ۳: ۷؛ ۱۴: ۴)، انبیاگری که

<p>ایشان به نزد منبع‌ها می‌رسند، آب نمی‌یابند^۱، و با ظرف‌های خالی باز می‌گردند؛ شرمسار و پریشان، سر خود را می‌پوشanند.^۲</p> <p>۳:۳ یول:۱۱</p> <p>کشتکاران، شرمسار، سر خود را می‌پوشanند.</p> <p>۵ آری، حتی گوزن ماده در صحراء، بچه‌های خود را رها می‌کند، چرا که سبزی ای نیست، ۶ و گور خران که بر کوه‌های بر هنره ایستاده‌اند، هوا را مانند شغال‌ها استنشاق می‌کنند؛ چشم‌انشان ضعیف می‌شود^۷</p> <p>۴:۵ مز:۳۴:۱۰۷</p> <p>۷ اگر خطاهایمان بر علیه ما شهادت می‌دهد، ای یهوه، به خاطر نامت عمل کن! زیرا که ارتدادهای ما بسیار است، ما در حق تو گناه کرده‌ایم.</p> <p>۲:۱۴ دان:۳</p>	<p>۲۶ من به نوبه خود، دامن‌های ردایت را تا به چهره ات بلند خواهم کرد مکا:۱۶:۳</p> <p>۲۷ زناکاری‌ها و شیهه‌هایt را، روسپیگری مفتضح تورا، بر روی تپه‌ها، در مزارع، آنها را دیده‌am، «کثافتات» را!</p> <p>۸:۵ ۲۰:۲</p> <p>۱۸:۱۶ ۱۴:۴ ۵:۸</p> <p>نمی‌سازی!^۱ اما تا به کی؟ درباره خشکسالی.^۸</p> <p>۲:۱</p>
--	---

خشکسالی

۱۴

آنچه که کلام یهوه بود، به ارمیا
درباره خشکسالی.^۸

درخواست

۲ یهودا سوگوار است

۳ و دروازه‌هایش ویران می‌شود؛
۴:۱۲
۴:۱۱
۴ مرا آنها تاریک اند و بر زمین قرار گرفته اند

۵ و فریاد اورشلیم برمی‌خizد.

۶ بزرگانش زیردستان خود را به سر آب
۷ می‌فرستند؛

به نام «دروغ» نبوت می‌کنند (۳:۵؛ ۶:۲۰؛ ر.ک. ۸:۲) یا اینکه به نام خداوند به دروغ چیزهای نادرست و رؤیاها و

خواب‌های غلط نبوت می‌کنند (۱۴:۲۳، ۲۶-۲۵:۲۳؛ ۲۱:۲۹، ۱۰:۲۷؛ ۲۲:۲۹، ۲۶-۲۵:۲۳؛ ۱۴:۱۴) و کاری می‌کنند که مردم به

تکیه‌گاه‌های نادرست اعتماد کنند (۱۵:۲۸؛ ۳۱:۲۹؛ ۱۵:۲۹؛ ر.ک. ۳۷، ۱۸:۲). همچنین ر.ک. ۱:۵.

۸ متن عبری مبهم است. قرائت ترجمه یونانی و لاتین: «افسوس، ای اورشلیم، تو نمی‌خواهی با پیروی از من، خود را طاهر

سازی...»

۹ این آیه کتاب مقدسی عنوان ویراستاری بخش ۱:۱۵ تا ۱:۱۵ را تشکیل می‌دهد. این بخش، گفت و گویی طولانی است میان
نبی و خدایش. پس از تشریح خشکسالی و دعای نبی که از طرف قوم ادا می‌شود (۴:۹-۱۱)، خداوند پاسخی منفی می‌دهد
(۱۰:۱۴). به دنبال آن، گفت و گویی درباره شفاعت و موضعه سایر انبیا می‌آید (۱۴:۱۶-۱۱)، و بعد از آن، دعاوی جدید
که بخشی از آن از طرف جامعه ادا می‌شود (۲۲-۱۹:۱۴)؛ و بالاخره پاسخ نهایی خداوند را می‌پاییم (۴-۱:۱۵). موقعیت
اصلی که باعث نگارش این بخش شده، حادث شده خشکسالی ای سخت بود؛ اما به مصائب دیگری نیز اشاره رفته است،
خصوصاً چنگ (۱۴:۱۷-۱۸).

۱۰ در ارمیا ۱۳:۲ همان کلمه بود که استفاده کرد: تا برای خود اب انبارها بسازند، اب انبارهای ترک دار که اب را نگاه نمیدارند.

۱۱ این تصویر بیانگر سرخوردگی و دلسردی شدید است. (۱۲:۶؛ ۳۰:۱۵؛ سمو:۱۱:۲۳؛ ۸:۲؛ ۱۱:۱۱)

و با طاعون، ایشان را قلع و قمع خواه
کرد.
 ۱۳ آنکه: «آه، ای خداوند یهوه، اینک
انبیا به ایشان می‌گویند^۷: «شمیر را
نخواهید دید و قحطی نخواهید داشت،
زیرا به شما در این مکان، آرامشی^۸ استوار
عطای خواهم کرد». ^۹ یهوه مرا گفت: آنچه
که انبیا به نام من نبوت می‌کنند، دروغ
است؛ من ایشان را نفرستاده ام، به ایشان
امر نکرده ام، و با ایشان سخنی نگفته ام.
 رؤیایی دروغین، فال بینی نیست، فربی دل^{۱۰}
خودشان، این است آنچه که ایشان برای
شما نبوت می‌کنند!^{۱۱} به این سبب، یهوه
بر ضد انبیایی که به نام من نبوت می‌کنند
چنین سخن می‌گوید، حال آنکه من ایشان
را نفرستاده ام، و می‌گویند: «شمیر و
قحط، چنین چیزها در این سرزمین نخواهد
بود»؛ این انبیا با شمشیر و با قحط بالکل
نابود خواهند شد!^{۱۲} اما مردمانی که آنان
برای ایشان نبوت می‌کنند، آنان در اثر
قحط و شمشیر، در کوچه‌های اورشلیم
افکنده خواهند شد، بی آنکه کسی باشد
که دفنشان کند، ایشان را، زبانشان را،
پسرانشان را، و دخترانشان را. من
شارترشان را بر ایشان فرو خواهم ریخت.^{۱۳}
مز:۷

۱۴:۸ ای یهوه، ای امید اسرائیل،
تو که ایشان را در زمان تنگی نجات
می‌بخشی،
چرا در سرزمین باید همچو بیگانه باشی،
همچو مسافری که شب را خیمه می‌زند؟
 ۱۴:۹ چرا باید همچو مردی حیران باشی،
همچو قهرمانی که قادر به نجات دادن
نیست؟
 با این حال، تو ای یهوه، در میان ما
می‌باشی،
 ۱۴:۱۰ و ما به نام تو خوانده شده ایم^{۱۴}：
 ما را رها مکن!
 تث:۲۸ اش:۴۳

حکم بدون فرجام

۱۵ یهوه در مورد این قوم چنین سخن
می‌گوید: آری، ایشان پرسه زدن را دوست
دارند؛ پای خود را باز نمی‌دارند. اما یهوه
از ایشان راضی نیست؛ اینکه او خطاهای
آن را به یاد خواهد آورد و گناهانشان را
مکافات خواهد رساند.^{۱۵} یهوه مرا گفت:
به نفع این قوم، برای خیریت ایشان دعا
مکن.^{۱۶} اگر روزه بدارند، به فربیادشان
گوش نخواهم گرفت^{۱۷}: اگر قربانی
سوختنی و هدیه آردی تقدیم کنند، از آنها
۱۶:۶ راضی نخواهم شد؛ اما با شمشیر و با قحط
۱۷:۶ هو

W. ر. ک. ۱۶:۱۵ و توضیحات ۷:۱۰

X. در مورد ارتباط میان شکایت و روزه، ر. ک. یوی؛ مز:۶۹.

Y. ر. ک. توضیحات ۶:۱۴؛ ۶:۱۱؛ ۶:۳۳؛ ۱۱:۶؛ ۱۰:۴.

Z. ر. ک. ۱۶:۱۶؛ ۷:۲۹؛ ۶:۳۳؛ ۱۱:۶؛ ۱۰:۴.

ذهن می‌آورد: مفهوم کمال (R. K.)، این کلمه را می‌توان «کامیابی» نیز ترجمه کرد. واژه عربی «شالوم» مفاهیم ذیل را به
ذهن می‌آورد: مفهوم کمال (R. K.)، «تبغید کامل»؛ مفهوم آسایش و به روزی (۱۴:۶؛ ۱۵:۸؛ ۱۵:۱۰؛ ۱۹:۱۴؛ ۱۹:۱۳)؛
۱۷:۲۳ ۱۷:۲۳؛ ۱۵:۳۰؛ ۱۲:۴۳؛ ۴:۳۸) ناشی از روابط اجتماعی کاملاً متعادل؛ مفهوم صلح (۹:۲۸) که در اینجا در مقابل «جنگ و
قطخطی و طاعون» است؛ ۱۰:۴؛ ۱۰:۶؛ ۱۲:۷؛ ۹:۵؛ ۳۴:۱۲، ۵:۱۲، ۷:۹) و در نتیجه آن، مفهوم دوستی (۲۰:۲۰؛ ۳۸:۱۰). نیز R. K.
توضیحات ۱- پاد ۵:۲۶.

۲۱ به خاطر نام خویش، خوار مساز،
مز: ۲۲:۳۶
۱۱:۲۵ سرافکنده مکن تخت سلطنت جلالت را؛
۱۲:۱۷ به یادآور! عهدت را با ما مگسل.

۲۲ در میان «بطالت های»^c ملت ها، آیا
کسی هست که باران بیاراند؟
آیا آسمان است که رگبار می دهد؟
آیا تو نیستی، ای یهوه، خدای ما؟
به این سبب، به تو امید می داریم؛
زیرا تو هستی که همه اینها را انجام
می دهی.

۲۴:۵
ایوب:۵
نامه ابر:۵۲
اع:۱۴

مجازات تغییرناپذیر

۱۵ یهوه مرا گفت: حتی اگر موسی و
سموئیل در برابر من می ایستادند^d، مز: ۹:۶
جان من به سوی این قوم [بر نمی گشت].
ایشن را از (مقابل) «روی» من دور بینداز
۱۴:۱۱ و باشد که بروند!^e و اگر به تو گویند: «به
کجا برویم؟» به ایشان بگو: یهوه چنین
سخن می گوید:
آنکه برای مرگ است، به مرگ!
آنکه برای شمشیر است به شمشیر!
آنکه برای قحط است، به قحط!
آنکه برای اسارت است، به اسارت!
۳ من بر ایشان چهار دسته منفور را خواهم
گماشت - وحی یهوه - شمشیر را برای حز
۲۱:۱۴

۱۲:۱۴
۱۱:۴۳
مک:۱۰:۱۳

درخواست جدید

۱۷ این کلام را به ایشان بگو^a:
بادا که از چشم‌انم اشک جاری شود،
بادا که شب و روز مجال نداشته باشند؛
زیرا شکستگی عظیمی است که آن
باکره، دختر قوم من، با آن شکسته شده
است^b،

جراحتی بی نهایت لاعلاج!
۱۸ اگر به صحراء بیرون روم،
اینک قربانیان شمشیر؛
اگر به شهر داخل شوم،
اینک رنج های گرسنگی.

آری، حتی نبی، حتی کاهن،
سرزمین را می پیمایند و هیچ نمی فهمند.
۱۹ آیا به راستی یهودا را پس زده ای؟
آیا جانت از صهیون بیزار شده است?
۲۲:۵:۱۱ چرا ما را زده ای بی آنکه برایمان شفایی
باشد؟

۱۸:۱۵ چشم انتظار آرامش بودیم، و هیچ چیز
نیکو!...

۱۵:۸ زمان شفا، و اینک هراس!
۲۰ ای یهوه، ما شرارت خود را
دان:۹:۱۹-۴:۱۹ می شناسیم،
خطای پدرانمان را؛
۷:۱۴ زیرا در حق تو گناه کرده ایم.

^a دعای شفاعت نبی (آیات ۱۹-۲۲) در اینجا بعد از یادآوری مصائبی ذکر شده که بر قوم فرومی آید (آیات ۱۷-۱۸). این یادآوری همچون وحی ای از سوی خداوند بیان شده است. این می توان به معنی آن باشد که خداوند خودش نیز از دیدن در هم کوفگی قومش رنج می برد، ر.ک. توضیحات ۱۶:۹؛ ۱۶:۷؛ ۱۷:۱۳.

^b ر.ک. توضیحات ۱۱:۴؛ ۱۱:۱۸؛ ۱۳:۱۸؛ ۱۳:۲۱؛ ۴:۳۱؛ ۱۱:۴۶؛ ۱۱:۴۶؛ ۱۱:۴۶.

^c ر.ک. توضیحات ۸:۱۰

^d ارمیا در احاطه نمایندگان قومش می باشد (ر.ک. آیه ۲) اما خودش نیز مأمور است تا با شفاعت های خود، نماینده ایشان در حضور خداوند باشد (ر.ک. توضیحات آیه ۱۹). اما دیگر دیر شده و خداوند هر شفاعت کننده ای را رد می کند (ر.ک. توضیحات عا ۷) حتی اگر کسی در مقام موسی (خروج ۱۱:۳۲؛ ۱۱:۳۴؛ ۹:۳۴؛ ۲:۱۱؛ اعد ۲:۱۱ وغیره) یا سموئیل بوده باشد (۱- سمو ۲:۱۱-۱۰:۸؛ ۲۳-۱۹:۱۲؛ بنیسی ۱۶:۴۶). سنت در شخص ارمیا، شفاعت کننده ای آسمانی را مشاهده می کند (۲- مک ۱۶-۱۲:۱۵)، در ردیف فرشتگان (ر.ک. ایوب ۲۳:۳۳ و توضیحات: دان ۱۳:۱۰ و توضیحات: خنخ حشی ۵:۳۹).

به سبب رفتار بد ایشان که از آن بر نمی گردد.^g

^۸ بیوه هایش را افزون تر از ریگ دریا ساخته ام:^h

بر مادران و جوانان جنگجو، در میانه ظهر،^{۴:۶}

ویرانگری را آورده ام.

اضطراب و وحشت را به ناگاه بر ایشان فرود آورده ام.

^۹ آن زن که هفت جوان جنگجو زاده بود، ضعف می کند و جان را تسليم می نماید؛ آن گاه که هنوز روز بود، خورشیدش غروب کرده است، او شرمدار و پریشان است.

و آنچه که از ایشان بر جای ماند، آن را به شمشیر خواهم سپرد، در حضور دشمنانشان - وحی یهوه.

رسالت ارمیا علی رغم شکایت هایش، تأیید می شود^۱

^{۱۰} وای بر من، ای مادر من که مرا زاده ای من که مرد مجادله و مرد منازعه برای تمام سرزمین هستم.^{۱۴:۲۰}

کشن، سگ ها برای کشیدن، پرنده گان آسمان و حیوانات زمین را برای دریدن و نابود کردن.^۴ من از ایشان وحشتی برای تمام ممالک زمین خواهم ساخت،^e به سبب نج^{۹:۲۴} منسی، پسر حزقيا، پادشاه یهودا، برای تمام آنچه که در اورشلیم کرده است.

خدا اورشلیم را رها کرده چون اورشلیم خدا را رها کرده است

^۵ زیرا چه کس بر تو شفقت خواهد داشت، ای اورشلیم،^{۱۴:۱۳}

و چه کس بر تو دل خواهد سوزاند؟^{۷:۳}

چه کس از راه خویش منحرف خواهد شد^{۲۱:۶}

تا از وضع تو خبر گیرد!^f

^۶ این تو هستی که مرا پس زده ای - وحی یهوه -

تو به عقب رفته ای؛
آنگاه دستم را بر علیه تو دراز کردم و نابودت ساختم؛^{۲۵:۵۱:۱۲:۶}

از ترجم کردن خسته بودم!

^۷ ایشان را در دروازه های سرزمین،^{۲۲:۴۴}

با غربال باد داده ام؛^{۸:۷}

از فرزند محروم کرده ام و نابود ساخته ام قومم را،

^e این تهدید کاملاً به سیک ارمیا است (ر. ک. ۲-۲۱: ۹:۲۴؛ ۱۸:۲۹؛ ۱۸:۳۴)، اما موضوع هایش (ر. ک. ۴:۲۲) با چارچوب کتاب همخوان نیست. در واقع، برای ارمیا، خطاهایی که موجب مکافات می شود، فقط خطاهای پدران نیست، بلکه ناتویه کاری فعلی شنوندگانش می باشد (۱۶: ۱۰-۱۳ وغیره؛ ر. ک. ۳۰-۲۹: ۳۱).

^f تحتاللفظی: «برای کسب اطلاع از آرامش»؛ ر. ک. توضیحات ۱۳: ۱۴.

^g در اینجا موضوع مجازات و دعوت به بازگشت مطرح می شود (۳۵: ۹-۱۱؛ ۱۲: ۱۴-۱۷؛ ر. ک. توضیحات ۶: ۴). منظور در اینجا جوانانی است که کشته می شوند یا به هنگام جنگ در مزها، به اسارت در می آیند (ر. ک. اش ۳: ۱۶؛ نا ۳: ۱۳).

^h این تصویری است کلاسیک برای اشاره به تعداد انبوه (ر. ک. ایوب ۶: ۳؛ ر. ک. مز ۷: ۷۸). اغلب تصریح می شود که منظور ریگ های «کناره» دریا است (بید ۲۲: ۱۷؛ یوش ۱۱: ۴ وغیره) ر. ک. ۲۲: ۳۳.

ⁱ آیه های ۱۰-۲۱ بخشی جدید از «اعترافات» است (ر. ک. مقدمه، قسمت اول؛ توضیحات ۱۱: ۱۸؛ ۱۷: ۱۲؛ توضیحات ۲۰: ۷) که در آن قطعاتی از وحی ها گنجانده شده است (آیات ۱۱ و ۱۲-۱۴).

^{۱۴} کاری خواهم کرد که دشمنان را
خدمت کنیⁿ
در سرزمینی که نمی شناسی؛
زیرا که آتشی در بینی من افروخته
شده^۰،
و بر روی شما خواهد سوت.^p
^{۱۵} تو این را می دانی^q!
ای یهوه، مرا به یاد آور^r، از من مراقبت
نمای
و انتقام مرا از آزار کنندگانم بگیر؛
با شکیبایی خویش، مگذار که مرا بر
دارند^s؛
بدان که برای تو است که متحمل
رسوایی می شوم.^t
^{۱۶} آن هنگام که سخنان عرضه می شد^۱،
آنها را می بلعیدم،

نه قرض داده ام و نه قرض گرفته ام،
[با این حال] همگان مرا نفرین
می کنند.
^{۱۱} ای یهوه، به راستی آیا تو را برای
نیکی خدمت نکرده ام[؟]
آیا برای دشمن نزد تو وساطت
نکرده ام^k،
به هنگام مصیبتش، به هنگام
پریشانی اش[؟]
^{۱۲} آیا آهن آهن شمال می شکند
و برج را[؟]
^{۱۳} ثروت و گنجهايت را
به یغما خواهم سپرد،
نه در مقابل پرداخت، بلکه برای تمام
گناهان^m،
در تمامی خطه ات.^{۱۶:۱۴}
^{۸:۱۴}

ز متن این آیه در شرایط مناسبی نیست. ما بر اساس ترجمه یونانی بازسازی کرده ایم. با تغییر اعراب دو کلمه، می توان چنین استنباط کرد: «گفتم: ای یهوه، تو را به بهترین وجه خدمت کردم: آری، برای دشمن نزد تو وساطت کردم، به هنگام...» ر.ک. ۲۰:۱۸. این آیه را به این دو شکل نیز می توان استنباط کرد: «یهوه گفت: سوگند می خورم، آنجه که از تو باقی می ماند، برای سعادت است»، یا «آری، تو را برای خیریت آزاد می کنم».

^k متن این آیه ابهام انگیز است و فکر مفسران را بسیار مشغول ساخته است. بعضی از ایشان، «دشمن» را نبوزدان تلقی می کنند، بعضی دیگر، یهودیانی که مخالف ارمیا بودند. آکیلا و ولگات این گونه استنباط کرده اند: «من با تو بر علیه دشمنان متعدد شده ام». ترجمه احتمالی دیگر: «سوگند می خورم، کاری می کنم که دشمن از تو تقاضا کند، به هنگام...»

^q این بخش از آیه ۱۵، از نظر معنی به این بخش مربوط می شود. این عبارت در ترجمه یونانی نیامده است. آیا این خداوند است که به این شکل مجازات سختی را که از شمال می آید (ر.ک. ۱:۶؛ توضیحات ۶:۴) و قاطعیت کسی را که مأمور اعلام آن می باشد (ر.ک. آیه ۲۰) به یاد می آورد؟ یا این شکایت خود نبی است که انگاری می گوید: چگونه می توانم به مقاومت قومی سخت دل به سان سخت ترین فلزات و به سان برخی، خاتمه دهم؟

^m ر.ک. اش ۱:۱۵؛ مز ۳:۵۲؛ مز ۱۳:۴۴. ترجمه احتمالی دیگر: «این است مزد تمامی خطاهایت». ⁿ ترجمه مانطبق است با برخی نسخ خطی، و ترجمه های یونانی و سریانی: ر.ک. ۱:۱۷. قرائت سایر نسخ خطی عبری: «دشمنان را عبور خواهم داد (!)».

^۰ تحت اللطفی: «آش از بیان می جهد» ر.ک. ۴:۱۷؛ تث ۳:۳۲؛ مز ۹:۱۸. ^p یا طبق چند نسخه خطی، و مانند ۴:۱۷ «برای ابد خواهد سوت.» ^r ر.ک. توضیحات ۸:۹.

^s یعنی اینکه «به سبب شکیبایی ات (در حق دشمنان یا در تحقیق تهدیدهایت، ر.ک. ۱۵:۱۷)، مرا (از روی زمین) بر مدار». ^t تحت اللطفی: «آن هنگام که سخنان یافت می شد (قابل یافتن بود)؛ منظور کلامی است که خداوند مستقیماً خطاب به او می فرمود (ر.ک. ۹:۱) و شاید هم کلام مکتوب خدا.

خدای اسرائیل؛ اینک از این مکان، در مقابل چشمان شما و در روزگار شما، فریاد وجود و فریاد شادی را، و آواز داماد و آواز عروس را نابود خواهم ساخت.
 ۱۰:۲۵
 اش۴:۸-۱۰:۲۵
 ۱۱:۲:۵۸
 ۱۲:۵:۸
 ۱۳:۵:۲-۱۷:۵:۲
 ۱۴:۱:۳-۱۷:۱:۳
 ۱۵:۶:۷-۱۹:۵:۵
 ۱۶:۶:۲-۱۷:۶:۲
 ۱۷:۱:۷-۱۷:۳:۱
 ۱۸:۶:۲-۱۸:۶:۲
 ۱۹:۵:۵-۱۹:۵:۶
 ۲۰:۴:۲-۲۰:۴:۲

و چون همه اینها را به این قوم اعلام کنی و تورا گویند: «به چه سبب یهوه درباره تمام این مصیبت بزرگ بر ضد ما سخن گفته است؟ خطای ما چیست و چه گناهی در حق یهوه، خدایمان، مرتكب شده ایم؟^c به ایشان خواهی گفت: به این سبب است که پدران شما رها کرده اند - وحی یهوه - و در پی خدایان دیگر رفته اند و آنها را خدمت کرده اند و در مقابل آنها سجده نموده اند؛ و مرا و شریعت مرا رها کرده اند و آن را حفظ ننموده اند!^d اما شما بدتر از پدران خود کرده اید، و اینک هر یک از شما لجاجت دل شرور خود را پیروی می کنند، آن چنان که مرا نشستود.^e
 ۱۳:۳
 ۱۴:۱:۷-۱۷:۱:۷
 ۱۵:۶:۲-۱۵:۶:۲
 ۱۶:۶:۲-۱۶:۶:۲
 ۱۷:۶:۲-۱۷:۶:۲
 ۱۸:۶:۲-۱۸:۶:۲
 ۱۹:۶:۲-۱۹:۶:۲
 ۲۰:۶:۲-۲۰:۶:۲
 ۲۱:۶:۲-۲۱:۶:۲
 ۲۲:۶:۲-۲۲:۶:۲
 ۲۳:۶:۲-۲۳:۶:۲
 ۲۴:۶:۲-۲۴:۶:۲
 ۲۵:۶:۲-۲۵:۶:۲
 ۲۶:۶:۲-۲۶:۶:۲
 ۲۷:۶:۲-۲۷:۶:۲
 ۲۸:۶:۲-۲۸:۶:۲
 ۲۹:۶:۲-۲۹:۶:۲
 ۳۰:۶:۲-۳۰:۶:۲
 ۳۱:۶:۲-۳۱:۶:۲
 ۳۲:۶:۲-۳۲:۶:۲
 ۳۳:۶:۲-۳۳:۶:۲
 ۳۴:۶:۲-۳۴:۶:۲
 ۳۵:۶:۲-۳۵:۶:۲
 ۳۶:۶:۲-۳۶:۶:۲
 ۳۷:۶:۲-۳۷:۶:۲
 ۳۸:۶:۲-۳۸:۶:۲
 ۳۹:۶:۲-۳۹:۶:۲
 ۴۰:۶:۲-۴۰:۶:۲
 ۴۱:۶:۲-۴۱:۶:۲
 ۴۲:۶:۲-۴۲:۶:۲
 ۴۳:۶:۲-۴۳:۶:۲
 ۴۴:۶:۲-۴۴:۶:۲
 ۴۵:۶:۲-۴۵:۶:۲
 ۴۶:۶:۲-۴۶:۶:۲
 ۴۷:۶:۲-۴۷:۶:۲
 ۴۸:۶:۲-۴۸:۶:۲
 ۴۹:۶:۲-۴۹:۶:۲
 ۵۰:۶:۲-۵۰:۶:۲
 ۵۱:۶:۲-۵۱:۶:۲
 ۵۲:۶:۲-۵۲:۶:۲
 ۵۳:۶:۲-۵۳:۶:۲
 ۵۴:۶:۲-۵۴:۶:۲
 ۵۵:۶:۲-۵۵:۶:۲
 ۵۶:۶:۲-۵۶:۶:۲
 ۵۷:۶:۲-۵۷:۶:۲
 ۵۸:۶:۲-۵۸:۶:۲
 ۵۹:۶:۲-۵۹:۶:۲
 ۶۰:۶:۲-۶۰:۶:۲
 ۶۱:۶:۲-۶۱:۶:۲
 ۶۲:۶:۲-۶۲:۶:۲
 ۶۳:۶:۲-۶۳:۶:۲
 ۶۴:۶:۲-۶۴:۶:۲
 ۶۵:۶:۲-۶۵:۶:۲
 ۶۶:۶:۲-۶۶:۶:۲
 ۶۷:۶:۲-۶۷:۶:۲
 ۶۸:۶:۲-۶۸:۶:۲
 ۶۹:۶:۲-۶۹:۶:۲
 ۷۰:۶:۲-۷۰:۶:۲
 ۷۱:۶:۲-۷۱:۶:۲
 ۷۲:۶:۲-۷۲:۶:۲
 ۷۳:۶:۲-۷۳:۶:۲
 ۷۴:۶:۲-۷۴:۶:۲
 ۷۵:۶:۲-۷۵:۶:۲
 ۷۶:۶:۲-۷۶:۶:۲
 ۷۷:۶:۲-۷۷:۶:۲
 ۷۸:۶:۲-۷۸:۶:۲
 ۷۹:۶:۲-۷۹:۶:۲
 ۸۰:۶:۲-۸۰:۶:۲
 ۸۱:۶:۲-۸۱:۶:۲
 ۸۲:۶:۲-۸۲:۶:۲
 ۸۳:۶:۲-۸۳:۶:۲
 ۸۴:۶:۲-۸۴:۶:۲
 ۸۵:۶:۲-۸۵:۶:۲
 ۸۶:۶:۲-۸۶:۶:۲
 ۸۷:۶:۲-۸۷:۶:۲
 ۸۸:۶:۲-۸۸:۶:۲
 ۸۹:۶:۲-۸۹:۶:۲
 ۹۰:۶:۲-۹۰:۶:۲
 ۹۱:۶:۲-۹۱:۶:۲
 ۹۲:۶:۲-۹۲:۶:۲
 ۹۳:۶:۲-۹۳:۶:۲
 ۹۴:۶:۲-۹۴:۶:۲
 ۹۵:۶:۲-۹۵:۶:۲
 ۹۶:۶:۲-۹۶:۶:۲
 ۹۷:۶:۲-۹۷:۶:۲
 ۹۸:۶:۲-۹۸:۶:۲
 ۹۹:۶:۲-۹۹:۶:۲
 ۱۰۰:۶:۲-۱۰۰:۶:۲
 ۱۰۱:۶:۲-۱۰۱:۶:۲
 ۱۰۲:۶:۲-۱۰۲:۶:۲
 ۱۰۳:۶:۲-۱۰۳:۶:۲
 ۱۰۴:۶:۲-۱۰۴:۶:۲
 ۱۰۵:۶:۲-۱۰۵:۶:۲
 ۱۰۶:۶:۲-۱۰۶:۶:۲
 ۱۰۷:۶:۲-۱۰۷:۶:۲
 ۱۰۸:۶:۲-۱۰۸:۶:۲
 ۱۰۹:۶:۲-۱۰۹:۶:۲
 ۱۱۰:۶:۲-۱۱۰:۶:۲
 ۱۱۱:۶:۲-۱۱۱:۶:۲
 ۱۱۲:۶:۲-۱۱۲:۶:۲
 ۱۱۳:۶:۲-۱۱۳:۶:۲
 ۱۱۴:۶:۲-۱۱۴:۶:۲
 ۱۱۵:۶:۲-۱۱۵:۶:۲
 ۱۱۶:۶:۲-۱۱۶:۶:۲
 ۱۱۷:۶:۲-۱۱۷:۶:۲
 ۱۱۸:۶:۲-۱۱۸:۶:۲
 ۱۱۹:۶:۲-۱۱۹:۶:۲
 ۱۲۰:۶:۲-۱۲۰:۶:۲
 ۱۲۱:۶:۲-۱۲۱:۶:۲
 ۱۲۲:۶:۲-۱۲۲:۶:۲
 ۱۲۳:۶:۲-۱۲۳:۶:۲
 ۱۲۴:۶:۲-۱۲۴:۶:۲
 ۱۲۵:۶:۲-۱۲۵:۶:۲
 ۱۲۶:۶:۲-۱۲۶:۶:۲
 ۱۲۷:۶:۲-۱۲۷:۶:۲
 ۱۲۸:۶:۲-۱۲۸:۶:۲
 ۱۲۹:۶:۲-۱۲۹:۶:۲
 ۱۳۰:۶:۲-۱۳۰:۶:۲
 ۱۳۱:۶:۲-۱۳۱:۶:۲
 ۱۳۲:۶:۲-۱۳۲:۶:۲
 ۱۳۳:۶:۲-۱۳۳:۶:۲
 ۱۳۴:۶:۲-۱۳۴:۶:۲
 ۱۳۵:۶:۲-۱۳۵:۶:۲
 ۱۳۶:۶:۲-۱۳۶:۶:۲
 ۱۳۷:۶:۲-۱۳۷:۶:۲
 ۱۳۸:۶:۲-۱۳۸:۶:۲
 ۱۳۹:۶:۲-۱۳۹:۶:۲
 ۱۴۰:۶:۲-۱۴۰:۶:۲
 ۱۴۱:۶:۲-۱۴۱:۶:۲
 ۱۴۲:۶:۲-۱۴۲:۶:۲
 ۱۴۳:۶:۲-۱۴۳:۶:۲
 ۱۴۴:۶:۲-۱۴۴:۶:۲
 ۱۴۵:۶:۲-۱۴۵:۶:۲
 ۱۴۶:۶:۲-۱۴۶:۶:۲
 ۱۴۷:۶:۲-۱۴۷:۶:۲
 ۱۴۸:۶:۲-۱۴۸:۶:۲
 ۱۴۹:۶:۲-۱۴۹:۶:۲
 ۱۵۰:۶:۲-۱۵۰:۶:۲
 ۱۵۱:۶:۲-۱۵۱:۶:۲
 ۱۵۲:۶:۲-۱۵۲:۶:۲
 ۱۵۳:۶:۲-۱۵۳:۶:۲
 ۱۵۴:۶:۲-۱۵۴:۶:۲
 ۱۵۵:۶:۲-۱۵۵:۶:۲
 ۱۵۶:۶:۲-۱۵۶:۶:۲
 ۱۵۷:۶:۲-۱۵۷:۶:۲
 ۱۵۸:۶:۲-۱۵۸:۶:۲
 ۱۵۹:۶:۲-۱۵۹:۶:۲
 ۱۶۰:۶:۲-۱۶۰:۶:۲
 ۱۶۱:۶:۲-۱۶۱:۶:۲
 ۱۶۲:۶:۲-۱۶۲:۶:۲
 ۱۶۳:۶:۲-۱۶۳:۶:۲
 ۱۶۴:۶:۲-۱۶۴:۶:۲
 ۱۶۵:۶:۲-۱۶۵:۶:۲
 ۱۶۶:۶:۲-۱۶۶:۶:۲
 ۱۶۷:۶:۲-۱۶۷:۶:۲
 ۱۶۸:۶:۲-۱۶۸:۶:۲
 ۱۶۹:۶:۲-۱۶۹:۶:۲
 ۱۷۰:۶:۲-۱۷۰:۶:۲
 ۱۷۱:۶:۲-۱۷۱:۶:۲
 ۱۷۲:۶:۲-۱۷۲:۶:۲
 ۱۷۳:۶:۲-۱۷۳:۶:۲
 ۱۷۴:۶:۲-۱۷۴:۶:۲
 ۱۷۵:۶:۲-۱۷۵:۶:۲
 ۱۷۶:۶:۲-۱۷۶:۶:۲
 ۱۷۷:۶:۲-۱۷۷:۶:۲
 ۱۷۸:۶:۲-۱۷۸:۶:۲
 ۱۷۹:۶:۲-۱۷۹:۶:۲
 ۱۸۰:۶:۲-۱۸۰:۶:۲
 ۱۸۱:۶:۲-۱۸۱:۶:۲
 ۱۸۲:۶:۲-۱۸۲:۶:۲
 ۱۸۳:۶:۲-۱۸۳:۶:۲
 ۱۸۴:۶:۲-۱۸۴:۶:۲
 ۱۸۵:۶:۲-۱۸۵:۶:۲
 ۱۸۶:۶:۲-۱۸۶:۶:۲
 ۱۸۷:۶:۲-۱۸۷:۶:۲
 ۱۸۸:۶:۲-۱۸۸:۶:۲
 ۱۸۹:۶:۲-۱۸۹:۶:۲
 ۱۹۰:۶:۲-۱۹۰:۶:۲
 ۱۹۱:۶:۲-۱۹۱:۶:۲
 ۱۹۲:۶:۲-۱۹۲:۶:۲
 ۱۹۳:۶:۲-۱۹۳:۶:۲
 ۱۹۴:۶:۲-۱۹۴:۶:۲
 ۱۹۵:۶:۲-۱۹۵:۶:۲
 ۱۹۶:۶:۲-۱۹۶:۶:۲
 ۱۹۷:۶:۲-۱۹۷:۶:۲
 ۱۹۸:۶:۲-۱۹۸:۶:۲
 ۱۹۹:۶:۲-۱۹۹:۶:۲
 ۲۰۰:۶:۲-۲۰۰:۶:۲
 ۲۰۱:۶:۲-۲۰۱:۶:۲
 ۲۰۲:۶:۲-۲۰۲:۶:۲
 ۲۰۳:۶:۲-۲۰۳:۶:۲
 ۲۰۴:۶:۲-۲۰۴:۶:۲
 ۲۰۵:۶:۲-۲۰۵:۶:۲
 ۲۰۶:۶:۲-۲۰۶:۶:۲
 ۲۰۷:۶:۲-۲۰۷:۶:۲
 ۲۰۸:۶:۲-۲۰۸:۶:۲
 ۲۰۹:۶:۲-۲۰۹:۶:۲
 ۲۱۰:۶:۲-۲۱۰:۶:۲
 ۲۱۱:۶:۲-۲۱۱:۶:۲
 ۲۱۲:۶:۲-۲۱۲:۶:۲
 ۲۱۳:۶:۲-۲۱۳:۶:۲
 ۲۱۴:۶:۲-۲۱۴:۶:۲
 ۲۱۵:۶:۲-۲۱۵:۶:۲
 ۲۱۶:۶:۲-۲۱۶:۶:۲
 ۲۱۷:۶:۲-۲۱۷:۶:۲
 ۲۱۸:۶:۲-۲۱۸:۶:۲
 ۲۱۹:۶:۲-۲۱۹:۶:۲
 ۲۲۰:۶:۲-۲۲۰:۶:۲
 ۲۲۱:۶:۲-۲۲۱:۶:۲
 ۲۲۲:۶:۲-۲۲۲:۶:۲
 ۲۲۳:۶:۲-۲۲۳:۶:۲
 ۲۲۴:۶:۲-۲۲۴:۶:۲
 ۲۲۵:۶:۲-۲۲۵:۶:۲
 ۲۲۶:۶:۲-۲۲۶:۶:۲
 ۲۲۷:۶:۲-۲۲۷:۶:۲
 ۲۲۸:۶:۲-۲۲۸:۶:۲
 ۲۲۹:۶:۲-۲۲۹:۶:۲
 ۲۳۰:۶:۲-۲۳۰:۶:۲
 ۲۳۱:۶:۲-۲۳۱:۶:۲
 ۲۳۲:۶:۲-۲۳۲:۶:۲
 ۲۳۳:۶:۲-۲۳۳:۶:۲
 ۲۳۴:۶:۲-۲۳۴:۶:۲
 ۲۳۵:۶:۲-۲۳۵:۶:۲
 ۲۳۶:۶:۲-۲۳۶:۶:۲
 ۲۳۷:۶:۲-۲۳۷:۶:۲
 ۲۳۸:۶:۲-۲۳۸:۶:۲
 ۲۳۹:۶:۲-۲۳۹:۶:۲
 ۲۴۰:۶:۲-۲۴۰:۶:۲
 ۲۴۱:۶:۲-۲۴۱:۶:۲
 ۲۴۲:۶:۲-۲۴۲:۶:۲
 ۲۴۳:۶:۲-۲۴۳:۶:۲
 ۲۴۴:۶:۲-۲۴۴:۶:۲
 ۲۴۵:۶:۲-۲۴۵:۶:۲
 ۲۴۶:۶:۲-۲۴۶:۶:۲
 ۲۴۷:۶:۲-۲۴۷:۶:۲
 ۲۴۸:۶:۲-۲۴۸:۶:۲
 ۲۴۹:۶:۲-۲۴۹:۶:۲
 ۲۵۰:۶:۲-۲۵۰:۶:۲
 ۲۵۱:۶:۲-۲۵۱:۶:۲
 ۲۵۲:۶:۲-۲۵۲:۶:۲
 ۲۵۳:۶:۲-۲۵۳:۶:۲
 ۲۵۴:۶:۲-۲۵۴:۶:۲
 ۲۵۵:۶:۲-۲۵۵:۶:۲
 ۲۵۶:۶:۲-۲۵۶:۶:۲
 ۲۵۷:۶:۲-۲۵۷:۶:۲
 ۲۵۸:۶:۲-۲۵۸:۶:۲
 ۲۵۹:۶:۲-۲۵۹:۶:۲
 ۲۶۰:۶:۲-۲۶۰:۶:۲
 ۲۶۱:۶:۲-۲۶۱:۶:۲
 ۲۶۲:۶:۲-۲۶۲:۶:۲
 ۲۶۳:۶:۲-۲۶۳:۶:۲
 ۲۶۴:۶:۲-۲۶۴:۶:۲
 ۲۶۵:۶:۲-۲۶۵:۶:۲
 ۲۶۶:۶:۲-۲۶۶:۶:۲
 ۲۶۷:۶:۲-۲۶۷:۶:۲
 ۲۶۸:۶:۲-۲۶۸:۶:۲
 ۲۶۹:۶:۲-۲۶۹:۶:۲
 ۲۷۰:۶:۲-۲۷۰:۶:۲
 ۲۷۱:۶:۲-۲۷۱:۶:۲
 ۲۷۲:۶:۲-۲۷۲:۶:۲
 ۲۷۳:۶:۲-۲۷۳:۶:۲
 ۲۷۴:۶:۲-۲۷۴:۶:۲
 ۲۷۵:۶:۲-۲۷۵:۶:۲
 ۲۷۶:۶:۲-۲۷۶:۶:۲
 ۲۷۷:۶:۲-۲۷۷:۶:۲
 ۲۷۸:۶:۲-۲۷۸:۶:۲
 ۲۷۹:۶:۲-۲۷۹:۶:۲
 ۲۸۰:۶:۲-۲۸۰:۶:۲
 ۲۸۱:۶:۲-۲۸۱:۶:۲
 ۲۸۲:۶:۲-۲۸۲:۶:۲
 ۲۸۳:۶:۲-۲۸۳:۶:۲
 ۲۸۴:۶:۲-۲۸۴:۶:۲
 ۲۸۵:۶:۲-۲۸۵:۶:۲
 ۲۸۶:۶:۲-۲۸۶:۶:۲
 ۲۸۷:۶:۲-۲۸۷:۶:۲
 ۲۸۸:۶:۲-۲۸۸:۶:۲
 ۲۸۹:۶:۲-۲۸۹:۶:۲
 ۲۹۰:۶:۲-۲۹۰:۶:۲
 ۲۹۱:۶:۲-۲۹۱:۶:۲
 ۲۹۲:۶:۲-۲۹۲:۶:۲
 ۲۹۳:۶:۲-۲۹۳:۶:۲
 ۲۹۴:۶:۲-۲۹۴:۶:۲
 ۲۹۵:۶:۲-۲۹۵:۶:۲
 ۲۹۶:۶:۲-۲۹۶:۶:۲
 ۲۹۷:۶:۲-۲۹۷:۶:۲
 ۲۹۸:۶:۲-۲۹۸:۶:۲
 ۲۹۹:۶:۲-۲۹۹:۶:۲
 ۳۰۰:۶:۲-۳۰۰:۶:۲
 ۳۰۱:۶:۲-۳۰۱:۶:۲
 ۳۰۲:۶:۲-۳۰۲:۶:۲
 ۳۰۳:۶:۲-۳۰۳:۶:۲
 ۳۰۴:۶:۲-۳۰۴:۶:۲
 ۳۰۵:۶:۲-۳۰۵:۶:۲
 ۳۰۶:۶:۲-۳۰۶:۶:۲
 ۳۰۷:۶:۲-۳۰۷:۶:۲
 ۳۰۸:۶:۲-۳۰۸:۶:۲
 ۳۰۹:۶:۲-۳۰۹:۶:۲
 ۳۱۰:۶:۲-۳۱۰:۶:۲
 ۳۱۱:۶:۲-۳۱۱:۶:۲
 ۳۱۲:۶:۲-۳۱۲:۶:۲
 ۳۱۳:۶:۲-۳۱۳:۶:۲
 ۳۱۴:۶:۲-۳۱۴:۶:۲
 ۳۱۵:۶:۲-۳۱۵:۶:۲
 ۳۱۶:۶:۲-۳۱۶:۶:۲
 ۳۱۷:۶:۲-۳۱۷:۶:۲
 ۳۱۸:۶:۲-۳۱۸:۶:۲
 ۳۱۹:۶:۲-۳۱۹:۶:۲
 ۳۲۰:۶:۲-۳۲۰:۶:۲
 ۳۲۱:۶:۲-۳۲۱:۶:۲
 ۳۲۲:۶:۲-۳۲۲:۶:۲
 ۳۲۳:۶:۲-۳۲۳:۶:۲
 ۳۲۴:۶:۲-۳۲۴:۶:۲
 ۳۲۵:۶:۲-۳۲۵:۶:۲
 ۳۲۶:۶:۲-۳۲۶:۶:۲
 ۳۲۷:۶:۲-۳۲۷:۶:۲
 ۳۲۸:۶:۲-۳۲۸:۶:۲
 ۳۲۹:۶:۲-۳۲۹:۶:۲
 ۳۳۰:۶:۲-۳۳۰:۶:۲
 ۳۳۱:۶:۲-۳۳۱:۶:۲
 ۳۳۲:۶:۲-۳۳۲:۶:۲
 ۳۳۳:۶:۲-۳۳۳:۶:۲
 ۳۳۴:۶:۲-۳۳۴:۶:۲
 ۳۳۵:۶:۲-۳۳۵:۶:۲
 ۳۳۶:۶:۲-۳۳۶:۶:۲
 ۳۳۷:۶:۲-۳۳۷:۶:۲
 ۳۳۸:۶:۲-۳۳۸:۶:۲
 ۳۳۹:۶:۲-۳۳۹:۶:۲
 ۳۴۰:۶:۲-۳۴۰:۶:۲
 ۳۴۱:۶:۲-۳۴۱:۶:۲
 ۳۴۲:۶:۲-۳۴۲:۶:۲
 ۳۴۳:۶:۲-۳۴۳:۶:۲
 ۳۴۴:۶:۲-۳۴۴:۶:۲
 ۳۴۵:۶:۲-۳۴۵:۶:۲
 ۳۴۶:۶:۲-۳۴۶:۶:۲
 ۳۴۷:۶:۲-۳۴۷:۶:۲
 ۳۴۸:۶:۲-۳۴۸:۶:۲
 ۳۴۹:۶:۲-۳۴۹:۶:۲
 ۳۵۰:۶:۲-۳۵۰:۶:۲
 ۳۵۱:۶:۲-۳۵۱:۶:۲
 ۳۵۲:۶:۲-۳۵۲:۶:۲
 ۳۵۳:۶:۲-۳۵۳:۶:۲
 ۳۵۴:۶:۲-۳۵۴:۶:۲
 ۳۵۵:۶:۲-۳۵۵:۶:۲
 ۳۵۶:۶:۲-۳۵۶:۶:۲
 ۳۵۷:۶:۲-۳۵۷:۶:۲
 ۳۵۸:۶:۲-۳۵۸:۶:۲
 ۳۵۹:۶:۲-۳۵۹:۶:۲
 ۳۶۰:۶:۲-۳۶۰:۶:۲
 ۳۶۱:۶:۲-۳۶۱:۶:۲
 ۳۶۲:۶:۲-۳۶۲:۶:۲
 ۳۶۳:۶:۲-۳۶۳:۶:۲
 ۳۶۴:۶:۲-۳۶۴:۶:۲
 ۳۶۵:۶:۲-۳۶۵:۶:۲
 ۳۶۶:۶:۲-۳۶۶:۶:۲
 ۳۶۷:۶:۲-۳۶۷:۶:۲
 ۳۶۸:۶:۲-۳۶۸:۶:۲
 ۳۶۹:۶:۲-۳۶۹:۶:۲
 ۳۷۰:۶:۲-۳۷۰:۶:۲
 ۳۷۱:۶:۲-۳۷۱:۶:۲
 ۳۷۲:۶:۲-۳۷۲:۶:۲
 ۳۷۳:۶:۲-۳۷۳:۶:۲
 ۳۷۴:۶:۲-۳۷۴:۶:۲
 ۳۷۵:۶:۲-۳۷۵:۶:۲
 ۳۷۶:۶:۲-۳۷۶:۶:۲
 ۳۷۷:۶:۲-۳۷۷:۶:۲
 ۳۷۸:۶:۲-۳۷۸:۶:۲
 ۳۷۹:۶:۲-۳۷۹:۶:۲
 ۳۸۰:۶:۲-۳۸۰:۶:۲
 ۳۸۱:۶:۲-۳۸۱:۶:۲
 ۳۸۲:۶:۲-۳۸۲:۶:۲
 ۳۸۳:۶:۲-۳۸۳:۶:۲
 ۳۸۴:۶:۲-۳۸۴:۶:۲
 ۳۸۵:۶:۲-۳۸۵:۶:۲
 ۳۸۶:۶:۲-۳۸۶:۶:۲
 ۳۸۷:۶:۲-۳۸۷:۶:۲
 ۳۸۸:۶:۲-۳۸۸:۶:۲
 ۳۸۹:۶:۲-۳۸۹:۶:۲
 ۳۹۰:۶:۲-۳۹۰:۶:۲
 ۳۹۱:۶:۲-۳۹۱:۶:۲
 ۳

خطایشان از دیدگانم مخفی نمی‌ماند.
۱۹:۳۲
۱۸:۷ هو
۱۸:۹۰ به مزد ^m
ایشان خواهم پرداخت، زیرا با جنازه‌های «کشافتشان» به سرزمین من اهانت کرده‌اند و میراث مرا به «کراحت‌های» خویش پر ساخته‌اند.

انتشار شناخت خداوند در سراسر جهان^۰

ای پهوه، قوت من و قلعه من،
و پناهگاه من در روز تنگی،
به سوی تو ملت‌ها خواهند آمد
از اقصا نقاط زمین، و خواهند گفت:
پدران ما چیزی جز دروغ به ارث نبردند،
و بطالتی ^P که به هیچ کار نمی‌آید.
آیا انسان می‌تواند خدایان بسازد؟
اما اینها خدایان نیستند!
۲۱ به همین سبب، اینک من ایشان را خواهمن شناسانید،

^۱ پس از تهدید در مورد تعیید، این نیاز احساس شده که وعده‌هایی در اینجا گنجانده شود؛ این وعده‌ها مربوط به ۸:۷-۲۳ می‌شود که تعییر چندانی نیز در آن داده نشده است.

^۲ آنچه که در جاهای دیگر گفته می‌شود که مستقیماً به دست خداوند انجام می‌پذیرد (حرق ۱۳:۱۲؛ ۲۰:۱۷؛ ۴:۲۹ و توضیحات؛ ایوب ۶:۱۹)، در اینجا به دست فرستادگان او تحقق می‌یابد (ایه ۱۶: ر. ک. حب ۱۵:۱).
۲۱:۱۹-۲۰؛ مز ۱۳:۹؛ بنی ۱۷:۱۵، ۲۰-۱۹؛ ۲۳:۲۰-۲۱).

^۳ در متن عبری، در اینجا اصطلاح «ابتدا» یا «اول» آمده و به این ترتیب، امیدی برای وقایع بعدی باقی می‌گذارد. این اصطلاح در ترجمه یونانی نیست.

^۴ ترجمهٔ ما متنطبق است با استنباط ترجمه آرامی؛ ر. ک. ۱۷:۱؛ اش ۴:۲۰؛ زک ۶:۹؛ ۷:۶۱. مکا ۱۸:۶. ترجمه‌های یونانی و وولگات این چیزی استنباط کرده‌اند: «کاری خواهم کرد که جنایت مضاعف و خطای خود را پرداخت کنند»، ر. ک. ۱۳:۲؛ ۱۱:۱۲-۱۲:۱۶.

^۵ متن عبری به شکل دیگری نقطه‌گذاری می‌کند: «... به سرزمین من اهانت کرده‌اند. میراث مرا با جنازه‌های کشافتشان و با کراحت‌های خویش پر ساخته‌اند». «کشاف» و «کراحت» در اینجا به بت‌ها اشاره دارد، ر. ک. ۲:۲۷؛ ۱۳:۲۳-۲۷:۱۳؛ پاد ۱:۲۷:۴-۶. در مورد نجس شدن سرزمین، ر. ک. لاو ۱۸:۲۴-۳۰؛ ۳۰:۲۶؛ ۳: حرق ۳۶:۱۸.

^۶ ر. ک. ۱۷:۳؛ توضیحات ۱۲:۱۴.

^۷ ر. ک. توضیحات ۱۰:۸؛ ۳:۲۲.

^۸ ر. ک. ۱۱:۲. ترجمه‌های قدیمی بر اساس بخشی از سنت یهود، این چنین قرائت می‌کنند: «آیا انسان‌ها می‌توانند برای خود خدایان بسازند، آنها که خدایان نیستند؟ (نیز ر. ک. حک ۱۵:۱۶-۱۷)».

بازگشت^۱

^۹ به این سبب، اینک روزهایی می‌آید - وحی یهوه - که دیگر نخواهند گفت: «سوگند به حیات یهوه که بنی اسرائیل را از سرزمین مصر برآورده!» ^{۱۰} بلکه: «سوگند به حیات یهوه که بنی اسرائیل را از سرزمین شمال و از تمام سرزمین‌هایی که ایشان را به آنها رانده بود، برآورده است!» ایشان را به زمینشان که به پدرانشان داده‌ام، باز خواهم گرداند.

تمام مقصرين گرفته خواهند شد^{۱۱}

^{۱۲} اینک صیادان بیشمار خواهم فرستاد - وحی یهوه - و ایشان را صید خواهند کرد: بعد از آن، شکارچیان بی شمار خواهم فرستاد، و ایشان را از هر کوهی و هر تپه‌ای، و از شکاف‌های صخره‌ها شکار خواهند کرد. ^{۱۳} زیرا چشمانم بر تمام رفتار ایشان است؛ آن از من پنهان نیست^k، و

به یغما خواهم داد،
مکان های بلند گناهت را^t
در تمامی خطه ات.
^{۱۴} تو از دست خواهی داد میراث^v را
که به توداده بودم.
کاری خواهم کرد که دشمنانت را خدمت^w تث ۲۸:۲۸
کنی^{۱۵}
در سرزمینی که نمی شناسی؛
زیرا آتشی که در بینی ام برافروخته اید
برای همیشه خواهد سوت^x.

آنچه که فریب می دهد و آنچه که
فریب نمی دهد^y
^۵ یهوه چنین سخن می گوید^z،
ملعون باد کسی که بر انسان اعتماد^{۳:۱۴}
می کند^۲
و گوشت را قوت خویش می سازد^{۲:۲۶}،
اما دلش از یهوه دور می شود!

این بار، به ایشان خواهم شناسانید
دست خود و قدرت خویش را،
و خواهند دانست که نام من یهوه^{۳:۳۵}
می باشد!^{۱۳:۵}

گناهکاران دیرینه در اثر خشم
خدا از اموالشان محروم می شوند
۱۷ ^{۱۷} گناه یهودا با قلمی فلزی نوشته
ایو ۲۴:۱۹^۱ شده،
با نوکی از الماس بر لوح دلshan حک
شده^{۲:۲۲}
۲ و بر شاخ های قربانگاه هایشان^۲
بر ستون های یادبودشان و بر تیرهای
مقدسشان،
بر هر درخت سبزی،
بر تپه های مرتفع،
^۳ بر کوه ها، در دشت^{۳:۲۹}
اش ۱:۲۰^۲
تروت را و تمامی گنجهایت را

۱ قرائت برخی نسخ خطی دیگر: «قربانگاه هایتان». در مورد «شاخ های قربانگاه ها»، ر.ک. توضیحات خروج ۲:۲۷. خطای قوم غیرقابل انکار است و در کثرت مکان های عبادت بت ها ظاهر می شود (ر.ک. آیات ۲-۳؛ ۱۱-۱۳؛ توضیحات ۲۷:۱) و در اعماق وجود هر شخص ریشه دارد. در نتیجه، خداوند برای تجدید «نهد»، باید رهنمودهای خود را در همین اعماق ثبت کند (۳:۳۱-۳۲:۳). ر.ک. حرق ۲۵:۳۶-۲۷). در خصوص تصویر «لوح دل»، ر.ک. امش ۳:۷-۲:۳-۲. قرن ۳:۳-۶. تث ۳:۹-۶.

۲ تحتاللغظی: «کوه نشین در دشت». ترجمهً ما میتوانی است بر تفسیر مفسران یهود.
۳ متن عبری را می توان این چنین نیز استنباط کرد: «مکان های بلندت را به یغما خواهم داد، به سبب خطابی که در تمامی خطه ات (انتشار می یابد). بعضی نیز به پیروی از ترجمة آرامی و بخشی از سنت یهود که دو کلمه عبری را جایه جا می کنند، این آیه را چنین ترجمه می کنند: «تروت ها و تمامی گنج هایت را به یغما خواهم داد، به سبب خطای مکان های بلندت». دسته دیگری از مفسران یهود چنین استنباط کرده اند: «مکان های بلندت که در خط ا درست شده اند...».

۴ این متنی است معماً گونه که مفسران یهود و نیز آکبلا و وولگات این چنین ترجمه می کنند: «تو آن «غفو» بزرگ را به جا خواهی آورد، تنها، دور شده از میراثی که به توداده ام» طبق این ترجمه، ایشان چون قانون «غفو» را طبق اقتضای تورات به جا نیاورده اند (تث ۱:۱۵-۹)، میراث خود را نیز از دست می دهند.

۵ با فرض اینکه کلمه ای در متن عبری دچار خدشه شده، می توان بر اساس تث ۳:۱۵، این عبارت را این چنین ترجمه کرد: «تو میراث را از خویش خلع ید خواهی کرد» (یعنی از حق خود بر میراث دست خواهی کشید).

۶ ر.ک. توضیحات ۱:۱۵-۱۴.

۷ در امتداد وحی پیشین، موضوع امنیت کاذب و واقعی (ر.ک. توضیحات ۲:۱۸؛ اش ۳:۳۰؛ ۱۵:۳۰؛ ۳:۱؛ ۱:۳۱) بار دیگر بسط می یابد (آیات ۸-۵)، اما به شکلی جهان شمول تر که به موضوع دو طریق مرتبط می گردد (تث ۱:۱۵-۱۵:۳۰-۱:۲۰؛ مز ۱:۱۵-۱:۱۸؛ ایش ۴:۱۹-۱:۱۸). دو ضمیمه (آیات ۹-۱۰ و ۱۱) این را تکمیل می کند.

۸ این فرمول در ترجمه یونانی نیامده، و همچنین آیات ۴-۱.

۹ تحتاللغظی: «بازوی خود را از گوشت (بشر) می سازد».

تا به هر کس مطابق رفتارش بدhem،
مطابق ثمرة اعمالش.
^{۱۹:۳۲}
^{۱۸:۱۸}
^{۳:۱۴}
^{۳۰:۳}

۱۱ کبکی که بر تخمی که نگذارد
می خوابد،
همچنان است آن کس که شروت را با
نادرستی کسب کند؛
^{۲۴:۵۵}
^{۲:۳۹}
^{۸:۲۸}

در وسط روزهایش باید آن را رها
سازد
و در آخر، او چیزی جز شخصی بی عقل^c ^{۲۰:۱۲}
نیست.

دعا^d

۱۲ تخت سلطنت جلال، که از آغاز در ^{۲۱:۱۴}
مکانی بلند قرار داشت،
مکان قدس ما!^e ^{۷:۵۰}

۱۳ ای امید اسرائیل، ای یهوه،
جمله آنان که تورا رها می کنند، شرمیار ^{۱۹:۵:۱۳-۲}
خواهد گشت،
آن که از تو^f دور می شوند، از سرزمین
ریشه کن خواهد شد!^g ^{۱۰:۳-۱۲}

^۶ او همچون سرو کوهی در صحراء است
و آمدن سعادت را نمی بیند؛
در مکان های سوخته، در بیابان اقامت
می کند،
در شوره زاری که در آن ساکن نمی شوند.
^{۱۳:۳۴}
^{۲:۱۷}
^{۶:۱۴}

^۷ فرخنده باد کسی که به یهوه اعتماد
می کند
و اعتمادش یهوه می باشد!
^{۹:۳۴}
^{۱:۳۸۴}
^{۲۰:۱۶}
^{۱۵:۳۴}
^{بنسی}

^۸ او همچو درختی است که نزد آبها
کاشته شده
و ریشه هایش را به سوی جریان (آب)
می فرستد؛
چون گرما فرا می رسد، نمی ترسد
و برگ هایش سبز باقی می ماند؛
از خشکسالی نگران نمی شد
و از میوه دادن غافل نمی ماند.
^{۱۲:۴۷}

^۹ دل^a خائن است، بیش از هر چیزی،
و شفانایپذیر: چه کس آن را می شناسد؟
^{۱:۱۷}

^{۱۰} من، یهوه، دل را تقتیش می کنم
و گرده ها^b را می کاوم،
^{۲:۲۱}
^{۱۲:۳۴}
^{۱-۳}
^{عرب}

ر. ک. بنسی ۱۷:۶-۲۱. ^a

ب. ر. ک. ۲۰:۱۱-۱. ^b

پاد:۸ مز:۳۹:۱۳۹. ^c

یا «دیوانه»، اما در معنایی که در توضیحات ایوب ۱۰:۲ آمده است.

د لاقل از آیه ۱۴، بخش جدیدی از «اعتراضات ارمیا» را می یابیم (ر. ک. توضیحات ۱۸:۱۱). مانند قطعه بعدی

(۲۲)، در این بخش توالی احساساتی متضاد که دل ارمیا را ریش می سازد، ظاهر می شود. نبی که از اعلام بی وقمه پیام مجازات دلزده شده (آیه ۱۶:۱۵-۱۷:۱۵، ۹:۲۰-۲۰:۱۸، ۱۸-۱۴)، ر. ک. توضیحات ۲۰:۲۰، و آماده است تا خوش بینی سایر انبیا را پیدا کرد (۱۰:۴)، و به خاطر رنج های کنونی و آتی قومش پر از دلسوزی است (۱۷:۲-۱۸:۸). این نقطه ای می رسد که آرزوی تحقق آنی تهدیدات الهی را می کند (۱۵:۱۵) و خواهان شرمیار و مصیبت دشمنان خودش (۲۳-۲۱:۱۸) و نیز دشمنان قومش (۱۰:۲۵ و توضیحات ۲۵:۱۰) را می خواهد که بد کاران نابود شوند (۱۲:۳). این انتظار ناشی است از رها ساختن خود در دست های خداوند (۱۱:۲۰-۲۰:۱۳-۱۱)، ایمانی که شامل جنبه های دیگری نیز می باشد (ر. ک. آیات ۱۴-۱۳)، ایمانی که شامل جنبه های دیگری نیز می باشد (ر. ک. خصوصاً توضیحات ۱۲:۱۴)؛ او هم چنین تصدیق می کند که در اثر این صیمیت با خداوند، از شادی عمیقی برخوردار شده است (۱۵:۱۶).

ر. ک. ۱۷:۳. ^e توضیحات مکا ۱۹:۱۱.

f قرائت عبری: «از من». ترجمه ما مبتنی است بر وولگات.

g تحت اللطفی: «در سرزمین ثبت شده اند»، یعنی «در سرزمین بی بازگشت» که اقامت گاه مردگان باشد و محلش در اعماق زمین پنداشته می شد (ر. ک. توضیحات یون ۷:۲). در لو ۲۰:۱۰ اصطلاحی متضاد را می یابیم: «در آسمان ها ثبت شده است».

سَبَّتْ، روز استراحت برای خداوند^k

^۹ یهوه این چنین با من سخن گفت: برو

و بر دروازه پسران قوم^۱ بایست که

پادشاهان یهودا از آنجا داخل می شوند و از

آنچا خارج می شوند، و بر تمامی

دروازه های اورشلیم.^{۲۰} به ایشان خواهی

گفت: به کلام یهوه گوش فرا دهید، ای

پادشاهان یهودا و ای تمامی یهودا، و همگی

شما، ای ساکنان اورشلیم که از این

دروازه ها داخل می شوید.^{۲۱} یهوه چنین

سخن می گوید: خود را نگاه دارید - به

حاطر زندگی خودتان - از حمل بار در روز

سبت و داخل کردن آن از دروازه های

اورشلیم.^{۲۲} در روز سبت باری از خانه های

خود خارج مسازید، و هیچ کاری مکنید.

روز سبت را تقدیس نمایید، مطابق آنچه

که به پدران شما امر فرمودم.^{۲۳} اما ایشان

گوش نکردند و گوش نسپردند؛ گردن خود^{۵:۱۹}

را سخت ساختند تا گوش فرا ندهند و^{۲:۳:۵}

درس را نیاموزند.

^{۲۴} اگر به راستی به من گوش فرا دهید -

وحی یهوه - و در روز سبت باری از

دروازه های این شهر داخل نسازید، و اگر

روز سبت را تقدیس نمایید و در آن هیچ

کاری نکنید، ^{۲۵} آنگاه از دروازه های این

چرا که یهوه، چشمۀ آب زنده را رها کرده اند.

^{۱۴} شفایم ده، ای یهوه، و شفا خواهم

یافت،

^{۱۸:۳۱}
^{۷:۵۲}
^{۳:۱۰۳}

^{۳:۱۴۷}

مرا نجات بخش و نجات خواهم یافت؛

زیرا تو ستایش من هستی.

^{۱۵} اینک ایشان به من می گویند:

«کجا است کلام یهوه؟ بادا که

برسد^h!»

^{۱۶} اما من تو را برای بدی نشتا باندم،

روز مهلك را آرزو نکردم،

تو این را می دانی! آنچه که از دهانم

بیرون می آمد

در برابر «روی» تو بود.

^{۱۰:۲۱}

^{۱۷} برای من وحشت میباشد،

تو، ای پناهگاه من در روز مصیبت!

^{۱۸} باشد که آزار کنندگان شرمسار

گردنند،

^{۱۵:۱۵}
^{۱:۱۲۰}

و من شرمسار نگردم!

^{۴:۳۵}

بادا که ایشان هراسان شوند،

و من هراسان نشوم!

روز مصیبت را بر ایشان بیاور،

و ایشان را به شکستگی مضاعف

بشکن!ⁱ

h. ر. ک. توضیحات اش ۱۹:۵.

۱. ر. ک. ۲۰:۱۸ و توضیحات ۱۱:۱۵. متن عربی بسیار مبهم است. بر اساس ترجمه آرامی، می توان چنین قرائت کرد: «نشتا بیدم

تا به دنبال تو چویان نباشم» (یعنی امتناع نکردم که به دنبال چویان باشم). قرائت ترجمه یونانی: «از دنبال کردن تو خسته

نشدم»، قرائت وولگات: «بریشان نشدم از اینکه به سان چویان تورا دنبال کنم».

۲. ر. ک. توضیحات ۱۸:۱۶.

k خروج ۲۳:۱۶. بسط این موضوع که به نج ۱۳:۱۵-۲۲ نزدیک است، تنها بخش از کتاب ارمیا است که در آن از سبّت سخن به

میان آمده است. این امر بیشتر تجلی تفکری «کهانتی» از شخصی مانند حرقیال است (۲۰:۲۰؛ ۲۶:۲۲؛ ۲۴:۴۴...): نیز

ر. ک. اش ۲:۵۶؛ ۶:۵۸؛ ۱۳:۱۳.

۳. یعنی دروازه ای که بیش از بقیه مورد استفاده است.

زیر دست کوزه گر [رخ می دهد]، ظرفی
دیگر می ساخت، بر حسب آنچه که مورد
پسندش بود که بسازد.

^۵ کلام یهوه به این مضمون به من فرا

رسید: ^۶ این خاندان اسرائیل، آیا من

نمی توانم مانند این کوزه گر در حق شما

عمل نمایم؟ - وحی یهوه. آری، همان گونه

که گل رس در دست کوزه گر است، شما

ایو.^۷ ای خاندان اسرائیل، در دست من

نمی باشد. ^۸ گاه بر علیه ملتی و بر علیه

ملکتی سخن می گویم برای بر کنند و

کوییدن و هلاک ساختن؛ ^۹ اما اگر این ملتی

که بر علیه آن سخن گفته ام، از شرارت ش باز

گردد، آنگاه از بدی ای که تدبیر کرده بودم ^{۱۰}

که به او برسانم، پشیمان می شوم.^{۱۱} و گاه

بر علیه ملتی و بر علیه مملکتی سخن

می گویم برای بنا کردن و کاشتن^{۱۲} اما اگر

[این ملت] آنچه را که در نظر من بد است

انجام دهد، به گونه ای که به صدایم گوش

فرا ندهد، آنگاه از نیکی ای که درباره اش

سخن گفته بودم که برایش انجام دهم،

پشیمان می شوم.^{۱۳}

^{۱۴} و اکنون با مردمان یهودا و با ساکنان

اورشلیم به این مضمون سخن بگو: یهوه

^{۱۵} چنین می گوید: اینک من بر علیه شما

مصيبتی شکل می بخشم و بر علیه شما

ظرحی می ریزم. پس هر یک، از راه بد

خوبی بازگشت کنید، و رفتار تان و

^{۱۶} زک: ۲۶:۵:۲۵

^{۱۷} ۱۳:۲۶:۵:۲۵

^{۱۸} ۱۵:۳۵

^{۱۹} ۴:۱

شهر، پادشاهانی که بر تخت سلطنت داده

می نشینند داخل خواهند شد، سوار بر

ارابه ها و بر اسیان، هم ایشان و هم

^{۲۰} بزرگانشان، هم مردمان یهودا و هم ساکنان

اورشلیم. این شهر برای همیشه مسکون

^{۲۱} خواهد بود، ^{۲۲} و از شهرهای یهودا و از

حوالی اورشلیم خواهند آمد، از سرزمین

بنیامین، از زمین های هموار و از کوهستان

و از نگب، و قربانی سوختنی و قربانی

ذبحی، و هدیه آردی و بخور خواهد آورد،

^{۲۳} و قربانی ستایش را به خانه یهوه خواهد

آورد.

^{۲۴} اما اگر از گوش فرا دادن به من و

تقدیس روز سبت امتناع ورزید و به هنگام

دخول از دروازه های اورشلیم در روز سبت،

باری حمل کنید، آنگاه آتشی بر

^{۲۵} دروازه هایش بر خواهم افروخت؛ و

قصرهای اورشلیم را خواهد بلعید و

^{۲۶} خاموشی نخواهد پذیرفت.

خاک رس و کوزه گر^m

^۱ کلامی که از سوی یهوه به این

۱۸

مضمون به ارمیا فرا رسید: ^۲ «بر پا

بایست! به خانه کوزه گر فرود آ و در آنجا

سخنام را به تو خواهم شنوانید» ^۳ به خانه

^{۲۹} کوزه گر فرود آدم، و اینک او با چرخ کار

می کرد. ^۴ و چون ظرفی که می ساخت

خراب می شد، همان گونه که برای گل رس

^m خود خداوند از نبی می خواهد که نزد کوزه گر برود (آیه ۱)، و خود خداوند نیز معنای نمادین اموری را که او مشاهده می کند، بر او آشکار می سازد (آیه ۵)؛ ابتکار عمل در دست ارمیا نیست و او هیچ چیزی را به واسطه هوشمندی بشری اش کشف نمی کند. این است آنچه که خداوند بر او مکشوف می سازد؛ کوزه گر صاحب و مالک مواد خود می باشد؛ او می تواند ظرفی را که مطابق طرحش نیست خراب کند و ظرفی دیگر بسازد. به همان شکل، خداوند نیز می تواند حاکمانه قوم ها را بر پا دارد و از میان ببرد. آیات ۷-۱۲ این نماد را با اندکی تفاوت تعبیر می کند و شاید بعدها اضافه شده باشد.

تا در راه های تنگ ره بسپارند،
بر راهی که ترسیم نشده،
^{۱۶} تا سرزمین خود را تبدیل به ویرانه
سازند،
^{۱۷} به ریشخند، برای همیشه.^P
هر کس که از کنار او بگذرد، حیرت
خواهد کرد
و سرخواهد جنband.
^{۱۷} به سان باد شرقی، ایشان را پراکنده
خواهم ساخت
از برابر دشمن.
در روز شور بختی شان،
پشت خود را به ایشان نشان خواهم داد،
نه «روی» خود را.^۹

«آیا نیکی را با بدی پاسخ گویند؟»

^{۱۸} ایشان گفته اند: «بیایید تدبیرها بر
علیه ارمیا بیندیشیم؛ زیرا کاهن تعلیم کم
نخواهد آورد، و حکیم مشورت، و نبی
کلام.^۸ بیایید او را با زبان خودش بزنیم و
^{۷،۲:۹}

اعمالتان را اصلاح نمایید.^{۱۲} اما ایشان
^{۲۵:۲} خواهند گفت: «بی فایده است! ما
می خواهیم افکار خود را دنبال کنیم، و هر
یک مطابق سرخشتی دل بد خویش عمل
^{۱۷:۳} خواهیم نمود».

خطایی هولناک

^{۱۳} به این سبب، یهوه چنین می گوید:
^{۱۱-۱۰:۲} از ملت ها سؤال کنید:
چه کس چنین چیزی شنیده است?
او کارهای بسیار زشت مرتكب شده
است،

^{۲۱،۴:۳۱} آن باکره اسرائیل!
^{۳۰:۵} آیا برف لبنان

صخره های سریون را رها می سازد؟
یا آب های کوهساران خشک می شود
(آن آبهای) گوارا و جاری؟ⁿ

^{۱۵} اما قوم من مرا از یاد برده اند!
^{۳۲:۲} برای «نیستی» بخور سوزانده اند،
^{۱۶:۱} در راه های خویش لغزش خورده اند،
^{۱۱:۲} بر جاده های کهن،^۹

ⁿ متن لطمہ دیده و تا حدی به کیک حدس و گمان بازسازی شده است. «سریون» (تث:۳:۶؛ مز:۲۹:۶) نامی است که مردم صدون به کوه حرمون داده بودند. قرائت ترجمه یونانی: «آیا زیری از سنگ محروم شود یا برف از لبنان؟ آیا آبی که در اثر باد برده می شود، می تواند مقاومت کند؟» قرائت ترجمه آرامی: «همان گونه که امکان ندارد آب برفری که بر صحراهای لبنان نازل می شود باز ایستد، به همان گونه بارانی که می بارد و آبی که از چشممه می جوشد، باز نخواهد ایستاد». ^۰ تحتاللفظی: «جاده های همیشگی» ر.ک. دد. ۱۶:۶

^P تحتاللفظی: «به سوت زدن، برای همیشه». این سوت زدن و تکان دادن سر بیشتر بیانگر حیرت و وحشت است تا تقبیح یا تحقیر (ر.ک. مرا:۲:۱۵)؛ این حرکات همچنین به منظور دور کردن تأثیرات نحس و شیطانی اجنم می شد.
^۹ این پاسخی است به ۲۷:۲ (تیزر. ک. ۱۵:۴)، قرائت عبری: «من پشت سر را می بینم و نه صورت را» (یعنی اینکه ایشان در حال فرار هستند، ر.ک. خروج ۲۷:۲۳). مطابق قرائت ترجمه های یونانی و آرامی و سریانی و وولگات و مفسران یهود، فعل عبری «یدن» را در وجه سببی قرائت کرده ایم.
^{۱۰} ر.ک. توضیحات ۱۲:۱۷.

^۸ تحتاللفظی: «تعلیم (به عبری: تورات، ر.ک. توضیحات اش ۳:۲) نزد کاهن از میان نخواهد رفت، نه مشورت نزد حکم، و نه کلام نزد نبی». معاصران ارمیا بر این باورند که در نقش سه گانه کاهنان و حکیمان و انبیاء، وسیله ای در دست دارند برای شناخت اراده خدا در هر زمان (ر.ک. توضیحات ۸:۲؛ مرا:۹:۲). فکر می کنند می توانند ارمیای نبی و پیامرش را رد کنند یا آنکه لطمہ ای بخورند. اما ر.ک. مز ۸:۲۲-۱۱:۲. بعضی از متربجمان، این آیه را چنین استنباط کرده اند: «اگر کاهن نباشد تعلیم از میان نمی رود، اگر حکیم نباشد...»

چرا که چاهی برای گرفتن حفر کرده اند
مز:۶ مز:۱۴۰:۶
و دام های زیر پایه ایم پنهان ساخته اند.
۲۳ اما تو، ای یهوه، تو آگاهی
از جمیع طرح های مهلك ایشان بر علیه مز:۱۲ مز:۱۳:۱
من.
خطای ایشان را میامرز،
و گناهشان را از برابر خویش محو مساز!
بادا که در برابر تو بلغزند
و به هنگام خشمت، بر علیه آنان عمل
نمای!

**سختدلی ایشان را مصیبت
مکافات خواهد داد**

۱۹ آنگاه یهوه [به ارمیا] گفت: برو و
سبویی از گل رس بخرا. همراه
خود، مشایخ قوم و چند کاهن بردار،^۲ و به
سوی وادی این هنوم که در مدخل دروازه
«خرده سفال»^۷ است خارج شو. در آنجا.
سخنای را که به تو خواهم گفت، فریاد
زده،^۳ خواهی گفت: ای پادشاهان یهودا و
ای ساکنان اورشلیم، به کلام یهوه گوش فرا
دهید. یهوه لشکرها، خدای اسرائیل چنین
سخن می گوید: اینک بر این مکان مصیبی
۵:۴۵

به هر یک از سخنانش توجه کنیم.^t
۱۹ ای یهوه، به من توجه فرما،
مز:۳ و بشنو صدای آنان را که مرا به جنایت
متهم می سازند.
۲۰ آیا نیکی را با بدی پاسخ گویند
که چاهی^۸ می کنند تا زندگی [را از من
بگیرند][؟]
به یادآور که من در برابر تو ایستادم^v
تا درباره ایشان نیکوبی بگویم^w
تا خشم تورا از ایشان برگردانم.^x
۱۱:۶ ۲۱ به این سبب، پرسانشان را به قحطی
بسپار
و آنان را به قدرت شمشیر رها ساز.
مز:۹ بادا که زنانشان از فرزند و شوهر محروم
گردند!
بادا که مردانشان قربانی طاعون شوند و
بمیرند!
۲۰:۹ بادا که جوانانشان در جنگ به شمشیر
زده شوند!
۲۲ بادا که فغان از خانه هاشان بیرون
آید،
آن گاه که به ناگاه غارت گران را بر
ایشان می آوری.

^t ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های یونانی و سریانی. قرائت متن عبری: «اورا با افتراهای نابود کنیم و به سخنانش هیچ توجهی نکنیم».

^u ر ک مز:۱۶:۷:۵۷:۷:۱۱۹:۷:۸۵:۱۱۹:۷:۲۷:۲۶ و ...

^v ر. ک. توضیحات ۱۹:۱۵.

^w یا «قا برای ایشان سعادت بطلیم».

^x ر. ک. ۱۶:۷: توضیحات ۱۱:۱۵؛ توضیحات ۰:۱۲:۲۰.

۷ این دروازه، مانند دروازه «دره» (ر. ک. توضیحات ۲۳:۲) و دروازه «تباله» (بح:۳) که احتمالاً باید آن را با همین دروازه یکی دانست، ظاهراً مشرف به دره این هنوم بود. پس حرکت نماینی که در آیه ۱۰ توصیف می شود (ر. ک. توضیحات ۱:۱۳)، در مقابل این دره انجام شده است؛ ویراستاران در اینجا با تغییراتی اندک، سخنای را که بر علیه این مکام ملعون بیان شده و قبل از ذکر گردیده (۷:۳۰ تا ۸:۳)، تکرار کرده اند.

چیز ارزشمندی را که دارد تسلیم خواهم اش^{۶:۳۹}
نمود؛ و تمام گنج های پادشاهان یهودا را به
دست دشمنانشان تسلیم خواهم کرد؛ ایشان
آنها را غارت کرده، خواهند گرفت و به
بابل خواهند برد.^۷ اما در مورد تو، ای
فسحور، و تمام ساکنان خانه ات، شما به
اسارت خواهید رفت؛ به بابل خواهی رسید
و در آنجا خواهی مرد، و در آنجا دفن خواهی
شد، تو و تمام دوستانت که برای آنان دروغ
را نبوت کرده ای!^۸

خداوند بدون رقت جنگ را
برمی انگیزد...^k
^۷ تو مرا فریفتی، ای یهوه، و فریب
خوردم،
^{۷:۱} مرا گرفتی و پیروز شدی!
تمامی روز موضوع خنده می باشم،
همگان مرا استهzaء می کنند.
^{۸:۴۴}
^{۸:۳۱}
^{۸:۵} زیرا هر بار که سخن می گویم باید حکم
هیاهو کنم

مصطفیت به دست پادشاه بابل خواهد آمد

^{۶:۲۰} ^۱ فحشور کاهن، پسر امیر، رئیس
ناظران خانه یهوه، شنید که ارمیا
این چیزها را نبوت می کند. ^۲ فسحور دستور
داد تا ارمیا نبی را بزنند و او را در دروازه
^{۳۵:۱۵} «عالی بنیامین» که در خانه یهوه^h است، در
کنده^g بگذارند. ^۳ اما روز بعد، فسحور
دستور داد تا ارمیا را از کنده برگیرند،
ولیکن ارمیا به او گفت: «یهوه دیگر تو را با
نام فسحور نخواهد خواند بلکه با نام
^{۱۰:۲۰} «ماگور - مسابب» [وحشت از هرسو].
^۴ زیرا یهوه چنین سخن می گوید: اینک تو
را به وحشت تسلیم خواهم کرد، تو و همه
^{۱۲:۳۱} دوستانت را؛ ایشان به شمشیر دشمنانشان
خواهند افتاد، و چشمانت این را خواهد
دید! و تمام یهودا را به دست پادشاه بابلⁱ
تسلیم خواهم نمود و او آنان را به بابل تبعید
خواهد کرد و به شمشیر خواهد زد.^j تمام
ثروت های این شهر، تمام عایدات آن، و هر

^h بدیسان این دروازه را از دروازه شهر که به همین نام وجود دارد، متمایز می سازند (۱۲:۳۷؛ ۷:۳۸).
^g کلمه عبری می تواند به تیری اشاره کند که مجرم را به آن می بستند و می اویختند، گاه نیز شاید وارونه. از متن مشخص است
که این عمل در ملاع عموم صورت می گرفت (ر.ک. ۲۶:۲۹).
ⁱ این نام سرنوشت ساز برای نخستین بار در اینجا از سوی ارمیا به کار می رود. شاید بلافضله بعد از نبرد کرکمیش به سال ۶۰۵
ق.م. (ر.ک. توضیحات ۲:۴۶) باشد که نبی هویت این دشمنان مشهور را که از شمال می آیند، افشا می کند؛ ر.ک.
توضیحات ۶:۴.
^j ر.ک. توضیحات ۳۱:۵. این فسحور که کاهن و نبی بود (با فسحوری که منصب مذهبی نداشت فرق دارد، توضیحات ۱:۲۱)،
احتمالاً در همان سال ۵۹۷ ق.م. به تبعید رفت، زیرا در سال ۵۹۴ ق.م. می بینیم که مسئول محافظان معبد، کاهنی است به نام
صفنبیا، پسر معسیا که خود نیز پس از یهوبادع به این مقام رسیده بود (۲۶-۲۵:۲۹). منظور از «رئیس ناظران»، فرمانده
محافظان یا نبروی انتظامی عبید است.
^k آیات ۱۸-۷ آخرین عناصر «اعتراضات ارمیا» است (ر.ک. توضیحات ۱۲:۱۷). این عناصر بیش از پیش به ۱۵:۱۰-۲۱
نزدیک می شود (ر.ک. توضیحات آیه ۱۴)؛ اما در آیات ۷-۹، شهادتی اصلی در مورد مصائب مریوط به رسالت نبوی وجود
دارد (ر.ک. توضیحات ۱۱:۱۸). نبی با آزادی بسیار، خداوند را مسئول قلمداد می کند و اساساً به او می گوید: «مرا فریب
دادی و حالا دچار چنین وضع اسف باری شده ام (آیات ۸-۷). اما مقاومت کردن دیگر ممکن نیست، زیرا کلام تو در من
نیرویی است قابل انفجار (آیه ۹)». ر.ک. ۲۹:۲۳؛ ۱۴:۵؛ ۸:۳.

به همین سبب است که آزارکنندگانم
خواهند لغزید

به جای اینکه پیروز شوند.

از اینکه موفق نشده‌اند، کاملاً خجل
خواهند شد:

شرمساری ابدی و فراموش نشدنی!

۱۲ اما [تو] ای یوهه لشکرها، که عادل را
تفتیش می‌کنی،
که گرده‌ها و دل^{۱۱} را می‌بینی،
کاش که انتقام تو را از آنان بینم!
چرا که داد خود را به تو سپرده‌ام.^۰

^{۱۲} برای یوهه بسراید،
یوهه را بستایید،
زیرا از دست بدکاران
جان مستمند را رهایی داده است.

«چرا از بطن مادر بیرون آمدم؟»
^{۱۳} لعنت بر آن روز
که در آن زاده شدم!
آن روز که مادرم مرا زایید،
بادا که فرخنده نباشد!

^{۱۴} لعنت بر آن کس که برای پدرم خبر
آورد و گفت:

و فریاد کنم به خشونت و به ویرانی!^۱
زیرا که کلام یوهه برای من^m
رسوایی و استهزاء است تمامی روز.^{۲۰}

^۹ گفتم: دیگر از او ذکری به میان نخواهم
آورد

و دیگر به «نام» او سخن نخواهم گفت.
اما آن در دلم همچون آتشی سوزان بود،
محبوس در استخوان‌هایی؛^{۱۹-۱۸:۳۲}
از خودداری خسته شدم^{۱۱:۶}
و دیگر قادر به آن نبودم.^{۸:۳}

^{۱۰} زیرا سخنان شرارت‌آمیز از مردم
می‌شنیدم:
«وحشت از هر سو!^{۱۴:۳۱}
افشا کنید! اورا افشا خواهیم کرد!^{۱۴:۴۶}

^{mm} همه دوستان نزدیکم
در کمین بودند که بیفتم:
«شاید فریب بخورد و بر او پیروز شویم،
از او انتقام خواهیم گرفت.»

...اما او نزدیک می‌ماند
^{۱۱} اما یوهه همچو قهرمانی با هیبت با من
است،

^۱ این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «باید درخواست کمک کنم و فریاد بزنم: «خشونت، ستم!» به دلیل بدرفتاری‌هایی که
بالاصله بر نی وارد می‌آید (ر.ک. ۲:۲۰)، شاید چنین برداشتی درست باشد.

^m تحتاللفظی: «از آنجا که کلام یوهه به من فرا رسید...». ر.ک. ۳:۲۵؛ توضیحات ۱۳:۱۳.

^{mm} تحتاللفظی: «مردمان آرامش من»: ر.ک. توضیحات ۱۳:۱۴.

ⁿ ر.ک. توضیحات ۱۱:۲۰.

^۰ ارمیا می‌داند که هر جرمی باید مجازات شود و هر عمل بدی با رنج مكافات خواهد شد (ر.ک. توضیحات ۱۰:۲۵) و
توضیحات ۱۷:۱۲)؛ این اصل تعادل اعمال باید در همه جا و در همه وقت بر رفتار مقابله میان اعضای جامعه حاکم باشد. اما
ارمیا خودش اقدام به عمل تنبیه‌ی نمی‌کند؛ او این امر را به خداوند واگذار می‌کند (ر.ک. تث ۳:۳۵؛ ۳۲:۲۰؛ روم ۱۲:۱۹).
عیسی و به تعبیت از او، استیفان، تلویحاً این اصل را تصدیق خواهند کرد، اما برای اعدام کنندگان خود دست به شفاعت
خواهند زد (لو ۲:۲۳؛ اع ۷:۶؛ ۳:۳۴؛ نیز ر.ک. ارمیا در ۱۷:۱۶؛ توضیحات ۱۱:۱۵).

^p ایوب ۳:۲۳. آیات ۱۴-۱۸ (نیز ر.ک. ۱۵:۱۰) ممکن است الهام بخش فصل ۳ ایوب بوده باشد. در مقابل این سخنان مردی
که دیگر توان خود را از دست داده، باید آورده، یعنی پاسخ خداوند به ۱۵:۱۰؛ ۱۵:۲۱-۱۹:۲۱ را.

می جنگد؛ شاید یهوه تمام کارهای شگفت
انگیز خود را برای ما تجدید کند، طوری
که این شخص از نزد ما دور شود». مز ۵، ۱۰۵

^۳ ارمیا به ایشان گفت: «با صدقیا چنین سخن خواهید گفت: ^۴ این چنین سخن می گوید یهوه، خدای اسرائیل: اسلحه جنگ که در دست دارید و با آنها با پادشاه بابل و کلدانیانی که شما را محاصره کرده اند می جنگید، اینک آنها را از بیرون دیوارها باز آورده، در میان این شهر گرد خواهم آورد^۵. من خودم با دستی دراز شده و با بازویی نیر و مند ^۶ بر علیه شما خواهم جنگید، با خشم و غضب و غیظی عظیم؛ ^۷ ساکنان این شهر را، از انسان گرفته تا حیوان، با طاعونی سخت خواهیم زد و از آن خواهند مرد. ^۸ پس از آن - وحی یهوه - صدقیا، پادشاه یهودا، و خدمتگزارانش و جمعیتی که بعد از طاعون و شمشیر و قحط در این شهر مانده باشند، ایشان را به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل، و به دست دشمنانشان، و به دست آنانی که قصد جانشان را دارند، تسلیم خواهیم نمود؛ او ایشان را با لبّه تیز شمشیر خواهد زد^۹ و

«برایت پسری زاده شد»،
[و] اورا سرشار از شادی کرد.
^{۱۶} بادا که این شخص همچون شهرهایی باشد

که یهوه بدون پیشمانی واژگون ساخت؛
بادا که بامدادان فریادها بشنود
و هیاهویی به گاه ظهر!
^{۱۷} زیرا مرا از همان بطن مادر نمیراند؛
آنگاه مادرم گور من می بود
و بارداری اش برای همیشه به دراز
می کشید!
^{۱۸} پس چرا از بطن مادر بیرون آمدم
تا رنج و محنت را بینم،
و روزهایم در خجالت تلف شود؟

در مورد پادشاهان یهودا^{۱۹} پاسخی به صدقیا^{۲۰}

^{۲۱} کلامی که از سوی یهوه به ارمیا فرا رسید، آن هنگام که صدقیا پادشاه، فشحور، پسر ملکیا^{۲۱}، و صفتی کاهن، پسر مَعْسِیا^{۲۲} را نزد او فرستاد تا [به او] بگوید: ^{۲۳} «از یهوه برای ما مشورت نما، زیرا نبوکدنصر، پادشاه بابل، بر علیه ما

^{۲۴} این مجموعه ای است از وحی های مختلف درباره آخرین پادشاهان یهودا. در بخش نتیجه گیری (۱:۲۳ - ۸:۲۳)، خداوند اعلام می دارد که برای قومش چوبیان (۴:۲۳) یا بلکه چوبیانی (۶-۵:۲۳) مهیا می سازد که تجسم عدالت خودش بوده، و بالاخره «(مطابق داش) خواهد بود (ر.ک. ۱۵:۳) - نتوی متابه در حرق ۳۴ یافت می شود.

^{۲۵} ر. ک. توضیحات ۱: ۳:۳۷.

^{۲۶} این شخصیت را (ر.ک. ۱:۳۸) ناید با کاهنی به همین نام که پسر امیر بود (۱:۲۰، ر.ک. توضیحات ۶:۲۰) اشتیاه کرد.

^{۲۷} این شخصیت را در ۲۵:۲۹؛ ۲۳:۳۷؛ ۲۴:۵۲؛ ۲۳:۵۲ نیز می باییم.
^{۲۸} متن مهم است. این عبارت می تواند به دو معنا باشد: یکی اینکه خدا اسلحه اسرائیلیان را بر می گرداند و در میان شهر گرد می آورد؛ یا اینکه خدا اسلحه ایشان را منحرف می سازد. بعضی نیز این گونه برداشت کرده اند که خدا کلدانیان را در وسط شهر گرد خواهد آورد، ر.ک. ۳:۳۹.

^{۲۹} ر. ک. توضیحات ۱: ۱۷:۳۲؛ تث ۳:۴؛ اش ۱:۴۴؛ ۱۲:۴؛ ۱۲:۴۴؛ ۸:۶۲؛ ۸:۸۹؛ مز ۱۱:۸۹.

^{۳۰} تحتاللطی: «او ایشان را با دهان شمشیر خواهد زد». مطابق ۳:۳۴، صدقیا «در آرامش خواهد مرد» (ر.ک. ۵:۳۲): این امر باعث ایجاد این فکر می شود که این آیه که مجموعه ای از فرمول هایی است نه چندان اصیل، ممکن است توضیح ویراستار باشد، ر.ک. «مقدمه».

مبادا که خشم مانند آتش شعله ور شود
و بسوزاند و کسی نباشد که خاموش
کند،
به سبب شرارت اعمالتان!
۱۳ من اینک به ضد تو هستم، ای دختری
که ساکن وادی هستی،
ای صخره دشت^۲ - وحی یهوه -
شما که می گویید: «چه کسی بر ما فرو
خواهد آمد،
چه کس به عزلت گاههای ما داخل خواهد
شد؟»
۱۴ من بر ضد شما مجازات را به جا
خواهم آورد
مطابق ثمرة اعمالتان - وحی یهوه -
در جنگلش^۳ آتش خواهم افروخت،
و تمامی حوالی اش را خواهد سوزانید.
۱۵:۵۰ نا:۲۴:۲۰
۳۱:۵۰ نا:۲۴:۲۰
۵:۱۶

^۱ یهوه چنین سخن می گوید: به خانه^a
۲۲ پادشاه یهودا فرود آب؛ در آنجا این
کلام را خواهی گفت؛ ^b بگو: ای پادشاه
یهودا که بر تخت سلطنت داود می نشینی،
به کلام یهوه گوش فرا ده، تو و
خدمتگزارانت و قومت که از این دروازه ها
داخل می شوید. ^۳ یهوه چنین سخن

نسبت به آنان بدون ترحم و بدون شفقت و
بی رحم خواهد بود». ^{۱۴:۱۳}
۵:۱۵
۵:۱۶
^۸ و به این قوم بگو: «یهوه چنین سخن
می گوید: اینک در مقابل شما راه حیات و
راه مرگ را قرار می دهم.^x آن کس که در
این شهر بماند، با شمشیر و با قحط و با
طاعون خواهد مرد؛ آن کس که از آن خارج
شود و به جانب کلدانیانی برود که شما را
محاطره کرده اند، خواهد زیست و زندگی
خود را به غنیمت خواهد برد.^۹ زیرا
«روی» خود را به سوی این شهر ثابت نگاه
داشته ام برای شوربختی و نه برای
خوببختی - وحی یهوه - و آن به دست
پادشاه بابل تسلیم خواهد شد که آن را با
آتش خواهد سوزاند».

پادشاهان، قصرهایشان، و شهرشان

^{۱۱} و برای خاندان پادشاه یهودا:
و به کلام یهوه گوش فرا دهید،
^{۱۲} ای خاندان داود!
یهوه چنین سخن می گوید:
از بامداد عدالت را به اجرا درآورید
و ستمکش را از دست ستمگر رهایی
^{۱۳:۳:۲۲}
^{۴:۴}
^{۲:۷}
^{۶:۶}
^{۱:۲،۶}
دهید،
۵:۱۷

ر. ک.

^x تحتاللفظی: «زندگی اش برایش تبدیل به غنیمت خواهد شد»، مانند ۲:۳۸؛ ر. ک. ۱۸:۳۹؛ ر. ک. ۵:۴۵. در این مجموعه وحی ها که مربوط به خانواده سلطنتی است، این عبارت باید اشاره ای باشد به کاخ پادشاه (مانند ۷-۶:۲۲) و
نه به اورشلیم در کلیت آن. دشمن که از سمت شمال می آید (ر. ک. توضیحات ۶:۴)، برای رسیدن به کاخ که در آن سوی
معبد قرار داشت، می بایست یک سرازیری را طی کند. صخره ای واقعی، جلو دشت (یعنی محوطه معبد) را می گرفت و
مشرف بر وادی قدرون بود.

^a منظور از «جنگل» احتمالاً (مانند ۷-۶:۲۲) اشاره ای است به ستون ها و چوبکاری های دیوارهای کاخ، ر. ک. ۱- پاد ۷:۲. بعضی از مترجمان پیشنهاد کرده اند که بر اساس قرائت متفاوت ترجمه یونانی در ۴:۴۶، مصرع بعدی این چنین ترجمه شود:
«و تمامی چوبکاری هایش را خواهد سوزانید».

^b قصر سلطنتی نسبت به معبد در ناحیه ای پست قرار دارد، ر. ک. توضیحات ۱۳:۲۱؛ ۱۰:۲۶؛ ۱۲:۳۶؛ ۲:۱۲-۱۱. پاد ۵:۲۰.

^۸ ملت‌های بسیار از کنار این شهر خواهند گذشت، و مردمان به یکدیگر خواهند گفت: «از چه سبب یهوه با این شهر چنین کرده است؟»^۹ و خواهند گفت: «به این سبب که عهد یهوه، خدای خویش را رها کردند، و در برابر خدایان دیگر سجده کرده، آنها را خدمت کردند.»^{۱۰}

^{۱۱} در مورد شَلُوم^{۱۲} مگرید برای آن کس که مرده است و بر او دل مسوزانید.^{۱۳} تو ایشان، هم ایشان، و هم

بگرید، بگرید برای آن کس که رفته است؛
چرا که دیگر او را بازنگشتی نخواهد بود، زادگاه خویش را نخواهد دید.
^{۱۴} زیرا این چنین سخن می‌گوید یهوه درباره شَلُوم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، که در جای پدرش یوشیا سلطنت کرده است: آن کس که از این مکان بیرون رفته، به آن باز نخواهد گشت؛^{۱۵} زیرا در مکانی که به آن تبعید شده، در آنجا خواهد مرد، و این سرزمین را دیگر نخواهد دید.

۱۶:۲۱ می‌گوید: انصاف و عدالت را به جا آورید؛
۱۶:۷ ستمکش را از دست ستمگر رهایی دهید؛
۱۶:۲۲ خرو و یتم و بیوه زن را آزار مرسانید و با آنان شدت مکنید؛ و خون بی گناه را در این مکان مربیزید.^{۱۷} زیرا اگر به راستی این کلام را به جا آورید، آنگاه از دروازه‌های این خانه، پادشاهانی که بر تخت سلطنت داد و
۱۷:۲۲ می‌نشینند داخل خواهند شد، سوار اربابها و بر اسبابان، هم ایشان، و هم خدمتگزارانشان، و هم قوشان.^{۱۸} اما اگر به این سخنان گوش فرا ندهید، به (ذات) خویش سوگند^{۱۹} - وحی یهوه - این خانه تبدیل به ویرانه خواهد شد.

^{۲۰} زیرا یهوه درباره خانه پادشاه یهودا چنین سخن می‌گوید:

۲۰:۹ تو برای من یک جلعاد^d بودی،
۲۰:۱۰ قله‌ای در لبنان؛

۲۰:۱۱ سوگند که از تو بیانی خواهم ساخت،
۲۰:۱۲ شهری غیرمسکون.

^{۲۱} ۲۱:۶ بر علیه تو ویرانگرانی اختصاص خواهم داد،
۲۱:۷ اش

۲۱:۸ هر یک را با ابزارهایش؛

۲۱:۹ سدرهای مرغوبت را فرو خواهند کوفت
۲۱:۱۰ و آنها را در آتش خواهند افکند.

^c خداوند برای اینکه استحکام عزم خود را بیان کند، نمی‌توانست سوگند یاد کند مگر به خودش (۱۳:۴۹؛ پید ۱۶:۲۲؛ اش ۱۳:۴۹؛ ۲۳:۴۵؛ عبر ۱۳:۶؛ عبر ۱۳:۶؛ عا ۱۴:۵۱؛ عا ۸:۶)، یا به حیات خود (۱۴:۵۱؛ عا ۲:۴؛ مز ۳۶:۸۹؛ یا به نام عظیم خود ۲۶:۴۴)، یا به دست راست و بازوی نیزمند خویش (اش ۸:۶۲)، و به وفاداری و امانت خود (مز ۵۰:۸۹).

^d جلعاد و لبنان هر دو نماد فراوانی و زیبایی بودند؛ اشاره به جنگل‌های جلعاد (ر.ک. ۲-سمو ۶:۱۸؛ ۹-۸) و لبنان، شاید اشاره‌ای باشد به چوبکاری‌های خانه پادشاه (ر.ک. توضیحات ۲۱:۲۱).

^e ر.ک. توضیحات ۳:۱. آیه‌های ۱۰-۱۱ به منزله توضیح آیه ۱۰ به شکل نظری باشد. این وحی سه ماه پیش از رویداد مجدد بیان شده است (۶۰:۹ ق.م.، ر.ک. ۲-پاد ۲۹:۲۳). عزای ملی برای یوشیا هنوز بیان نیافنه بود که ارمیا مردم را به سوگواری برای رفتن کس دیگری فرا می‌خواند. - شَلُوم نام دیگر یهوآ حاز می‌باشد، مانند یدیدیا - سلیمان (۲-سمو ۱۲:۲۵)، عزیزا - عزیزا (توضیحات ۲-پاد ۱۵:۱۳)، الیاقیم - یهوبیاقیم (۲-پاد ۲۳:۳۴)، متیا - صدقیا (۲-پاد ۲۴:۳۷).

۱۹:۳۱ آنگاه خجل و شرم‌سار خواهی بود
۱۲:۷ از تمایم شرارت.^۴
۲۳ ای تو که در لبنان ساکنی،
و در سدرها لانه داری^۷
۷:۲۲ آن هنگام که دردها بر تو آیند، چه ناله‌ای خواهی کرد،
لرزشی، به سان زنی که می‌زاید.
۱۴:۴۲ حر.

در مورد کُنیا هو^w
۲۴ به حیاتم سوگند - وحی یهوه - حتی اگر کُنیا هو، پسر یهوی‌اقیم، پادشاه یهودا، انگشتی بر دست راستم می‌بود، حتی از آنجا او را برابر می‌کنم!^x! ^{۲۵} تو را به دست آنانی که قصد جانت را دارند خواهم سپرد، به دست آنانی که از ایشان می‌ترسی، به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل، و به دست کلدانیان.^{۲۶} تو و مادرت را که تو را زاده است، به سرزمین دیگری خواهم افکند که در آنجا زاده نشده‌اید، و در آنجا خواهید^۲- پا.
۱۵:۲۲؛ ۱۳:۱۶؛ ۰۵:۲۲؛ ۰۳:۲۲

«ای سرورم، افسوس! افسوس، ای اعلیحضرت^۰!»^{۱۹}
تدفین خر، تدفین او خواهد بود؛
او را کشیده، خواهند انداخت
به آن سوی دروازه‌های اورشلیم.^۲
۱۳:۱۷-۲ سمو

دختر نامطیع غمزده^۹
۲۰ به لبنان بر آن و فریاد برآور،
در باشان صدا بزن،
از اباریم^r فریاد بزن؛
زیرا جمله عاشقانت^s له شده‌اند!
۲۱ به هنگام آسودگی ات با تو سخن:
گفتی: «گوش نخواهم داد». ^{۱۲:۱۸}
از جوانی ات رفتارت این چنین است؛
تو به صدای من گوش فرا ندادی.^t ^{۱۹:۳۱}
۲۲ همهٔ چویانانت را باد خواهد فرستاد
که بچرند،
عاشقانت به اسارت خواهند رفت؛ ^{۲۰:۲۲}

۰ اینها عیناً اصطلاحات مراسم نوحه‌خوانی و عزاداری است: ر. ک. ۳۰:۱۳ - پاد ۵:۳۴. ۳۰:۳۶. اما ظاهراً هیچ امر غیرعادی به هنگام مرگ او رخ نداده است (ر. ک. ۲:۲۴ - پاد ۶:۲۴ و خصوصاً ترجمه یونانی ۲-۷ تو ۸:۳۶ که تصریح می‌کند که یهوی‌اقیم با پدرانش دفن شد). اما شاید نبوکدنصر قبر او را هتك حرمت کرده، و بقایای جسد او را پراکنده گرده باشد، ر. ک. ۱:۱-۲ و توضیحات اش ۱۹:۱۴. نیز ر. ک. ۲:۸ - تو ۶:۳۶.

۹ اورشلیم که به شکل شخص معروف شده (ر. ک. حرق ۱۶)، دعوت شده تا به رفع ترین قله‌ها برآید تا پریشانی خود را فریاد زند، پریشانی ای که مجازات بی و فایی خودش می‌باشد. اگر این وحی مربوط به اورشلیم، در مجموعهٔ وحی‌های پادشاهان و در کنار وحی مربوط به یهوداکین قرار داده شده، احتمالاً به این علت است که به «چویانان» (آیه ۲۲)، و نیز ظاهراً به تبعید ق. م. اشاره می‌کند.

۱۰ ر. ک. توضیحات اعد ۱۲:۲۷. قرائت برخی از ترجمه‌های دیگر: «همه جا فریاد برآور». طبق تفسیر یهود، ر. ک. ۳۲:۴۹، و ترجمه‌های یونانی و سریانی: «از آن سوی دریاها فریاد کن»؛ قرائت وولگات: «به رهگذران...».

۱۱ «عاشقانت» احتمالاً اشاره به خدایان بیگانه نیست (هو ۲:۷-۸؛ زک ۱۳:۱۵؛ ر. ک. توضیحات ار ۲:۲۰ و ۲۵)، بلکه به متحدین یهودا در مبارزه‌اش بر علیه بابل (ر. ک. ۱۴:۳۰؛ حرق ۱۶:۳۳، ۳۶-۳۷؛ مرا ۱۹:۱).

۱۲ ر. ک. توضیحات ۲۰:۲ قرائت ترجمه یونانی (قرائت دیگر متن حرو بی صدا): «به سبب تمام آنان که تو را دوست می‌دارند».

۱۳ تصویری شاعرانه برای اشاره به تکبر اورشلیم و خانه‌های زیبایش از چوب سدر.

۱۴ در مورد کُنیا هو (با یکنیا یا یهوداکین)، ر. ک. توضیحات ۳:۱.

۱۵ تحتاللفظی: «تو را از آن برخواهم کند». در مورد تصویر انگشتی، ر. ک. توضیحات حجی ۲:۲۳.

هستید که گوسفندان مرا پراکنده ساختید،
و آنها را راندید، و نسبت به آن هیچ
توجهی نشان نداده اید. بسیار خوب! من به
شارات اعمالتان توجه نشان خواهم داد، بر ۲۲:۲۳
علیه شما - وحی بهوه.

^۳ و من بازمانده گوسفندانم را از تمام
سرزمین هایی که ایشان را به آنها رانده ام
گرد خواهم آورد، و ایشان را به چراگاهشان ^{۶:۲۴}
باز خواهم گرداند؛ آنان ثمر آورده، کثیر ^{۱۹:۳۰}
^{۱۵:۳} خواهد شد. ^۴ بر سر آنان شبانانی بر خواهم
انگیخت که ایشان را خواهند چراند؛ دیگر
خواهند ترسید و هراسان خواهند گشت،
و از ایشان چیزی کم خواهد شد ^b - وحی
بهوه.

^۵ اینک روزهای می آید - وحی بهوه - ^{۲-سمو:۷}
که در آن برای داود جوانه ای عادل ^c بر
خواهم انگیخت؛ ^{۳:۵}
در مقام پادشاه فرمان خواهد راند و با ^{۶:۹}
حرزم عمل خواهد کرد،
و انصاف و عدالت را در سرزمین به علم
خواهد آورد.

^۶ در روزگار او، یهودا نجات خواهد ^{۳۷:۳۲}
یافت و اسرائیل در امنیت ساکن خواهد شد؛
و این است نامی که با آن او را خواهند
خواند: ^{۴:۱۰} «یهوه - عدالت - ما^d.»

^a ملا:۳:۲۰
^b روم:۴:۱۰

مرد. ^۷ و اما درباره سرزمینی که آرزوی ^y
بازگشت به آن را دارند، به آنجا باز
نخواهند گشت.

^۸ آیا این مرد، گُنیاهو، ^{۱۱:۱۹}
ظرفی است قابل تحقیر و خرد شده، ^{۳۸:۴۸}
یا شی ئی که هیچ کس آن را نمی خواهد؟ ^{۱۳:۳۱}
چرا افکنده شده اند، او و اعقابش، ^{۱۴:۲۱}
افکنده شده در سرزمینی که ^{۱۸:۱۰}
نمی شناختند؟

^۹ ای زمین! ای زمین! ای زمین! ^{۲۰:۲۹}
به کلام یهوه گوش فرا ده ^z.
^{۱۰} یهوه چنین سخن می گوید:
نام این مرد را این چنین ثبت کنید:
«بی اولاد، مردی که در روزگار خود

توفيق نمی یابد»؛ ^{۲۲:۲۲}
چرا که از اعقاب او هیچ کس توفيق ^{۳:۳۶}
نخواهد یافت ^{۱-توا:۳۱}
که بر تخت سلطنت داود جلوس کند
و بار دیگر در یهودا سلطه براند.

گله رها شده بار دیگر چوبانانی نیکو
می یابد ^a

^{۱۱} ^۱ وای بر چوبانانی که گله چراگاه مرا ^{۲۱:۱۰}
هلاک ساخته، پراکنده می سازند - ^{۶:۵}
وحی یهوه. ^۲ به این سبب است که یهوه،
خدای اسرائیل، بر علیه چوبانانی که قوم مرا
می چراند چنین سخن می گوید: این شما

^y ر. ک.؛ ۱۶:۲۷؛ ۱۵:۲۸؛ ۱۵:۲۹؛ ۳۱:۲۹.

^z تحتاللفظی: «ای سرزمین، این سرزمین، ای سرزمین، ای سرزمین، گوش فرا ده». می توان از خود پرسید که آیا این فراخوان که مضمون متن را بر هم می ریزد، در جای خود قرار دارد یا نه. اما هیچگاه نمی توان به اصطلاح شک کرد (ر. ک. ۳۱:۲).

^a ر. ک. توضیحات ۱:۲۱

^b یادآوری سعادت مربوط به دوران مسحایی، ر. ک. ۱۵:۳؛ ۱۴:۲۹؛ ۱۰:۳۰؛ ۱۰:۳.

^c «جوانه» یا «شاخه» ر. ک. زک ۸:۳ و توضیحات: ۱۲:۶؛ اش توضیحات ۲:۴. «عادل» یا «شرعی»، ر. ک. به آنچه که
بالافصله در مورد اعمال این پادشاه و نام او گفته شده است.

^d وقتی «چوبانان» در وظایف خود قصور می ورزند، (ر. ک. توضیحات ۱۳:۲۲)، خداوند خودش امور را در دست می گیرد

و به سبب سخنان مقدس او.^h
 ۱۰ چرا که سرزمین پر است از زناکاران،^۱
 آری، به سبب این مردمان، سرزمین در
 عزا است،^۲
 ۲۸:۴ مرتع های صحراء خشک شده اند -
 مسیر ایشان بدی را دنبال می کند،
 ۴:۱۲ و رشدتشان، آنچه را که مناسب نیست.
 ۱۱ آری، حتی نسبی، حتی کاهن،
 بی دین اند،
 شرارت ایشان را تا به «خانه» خود مرا^۳:۴:۱۳
 یافته ام
 - وحی یهوه.

۱۲ به همین سبب طریق ایشان برای ایشان
 به سان زمینی لغزنده خواهد شد؛
 ۶:۳۵ در ظلمات رانده خواهند شد
 و در آنجا خواهند افتاد.
 ۱۶:۱۳ زیرا بر آنان مصیبتی خواهم آورد،
 در سال مجازات ایشان^k - وحی یهوه.

^{e۷} به این سبب، اینک روزهای می آید -
 وحی یهوه - که در آن دیگر نخواهد گفت:
 «سوگند به حیات یهوه که بنی اسرائیل را از
 سرزمین مصر برآورده!»^۸ بلکه: «سوگند به
 حیات یهوه که اعقاب خاندان اسرائیل را از
 سرزمین شمال و از تمام سرزمین هایی که
 ۱۸:۳ اش^۹:۶ ایشان را به آنها رانده بود، برآورده، و آورده
 است تا در زمین خودشان ساکن شوند!»

کتابچه مربوط به انبیا ۹ برای انبیا.

عمومیت یافتن بی نظمی

دلم در اندر ونم شکسته،
 تمامی استخوان هایم خم شده؛
 همچون آدم مست هستم^g،
 همچون آدمی که مغلوب باده شده،
 به سبب یهوه

(توضیحات حرق ۳:۳-۵؛ ر.ک. توضیحات لو ۱:۱۵) او این کار را به واسطه نسل داده که انتظارش را می کشند، انجام خواهد داد (توضیحات حرق ۲۳:۳۴). این شخص که وسیله ای فرمانبردار پادشاه واقعی اسرائیل می باشد (۱:۱۲-سمو ۱:۱)، نظم کامل اجتماعی را تأمین خواهد کرد و عدالت خود خداوند برای دو بخش قوم (ر.ک. ۲۸:۲۷-۳۱؛ ۷:۳۳) دوباره برقرار شده، به دست او به اجرا درخواهد آمد، دو بخشی که سرانجام با هم متحد می شوند (ر.ک. توضیحات ۴:۵۰). طبق عهد جدید، این عدالت به واسطه مسیحی موعود به تمام اعضای قوم برگزیده اعطای خواهد شد (روم ۱:۷-۱:۲؛ ۳:۰؛ ۲:۵؛ ۱:۱؛ ۹:۳). در ۳:۳، این نام که یادآور آن پادشاه موعود است (یهوه - عدالت - ما) به اورشیل جدید داده شده است.

۶ ر.ک. توضیحات ۱:۱۶. ^f این بخش (آیات ۹-۱۰؛ ر.ک. توضیحات ۲:۸) متشکل است از عناصری متنوع و مربوط به زمان های مختلف، که نخستین آن (آیات ۹-۱۰)، شکایت نبی است. ارمیا از آنچه که بر او منکشف شده، منقلب و مبهوت است، یعنی از فساد اخلاقی قوم و خصوصاً بزرگان مذهبی (انبیا و کاهنان) که بهای سنگینی برای آن خواهند پرداخت.

۷ ر.ک. آنچه که باعث منقلب شدن نبی می شود، صرفاً محتوا مکاشفه نیست، بلکه خود مکاشفه نیز (ر.ک. مقدمه؛ دان ۱۰:۸). ^g این فساد اخلاقی نزد انبیا نیز بیداد می کرد (آیه ۱۴: ۲۳-۲۹).

۸ ر.ک. این قرائت متن عبری: «به سبب نفرین ...» قرائت وولگات: «به سبب لعنت ...» چند نسخه خطی و ترجمه های یونانی و سریانی: «به سبب این ...»

۹ k ترجمه احتمالی دیگر: «آن گاه که به حسابشان برسم (برای مجازاتشان)» ر.ک. آیه ۲. اسم موصوفی که در عبری به کار رفته، از ریشه همان کلمه ای می آید که دو بار در آیه ۲ به کار رفته (ر.ک. توضیحات ۸:۹) این کلمه را ۸ بار در ارمیا می باییم (۱۲:۸؛ ۱۰:۱؛ ۱۱:۱۱؛ ۱۲:۲۳؛ ۲۳:۲۳؛ ۲۱:۴۶؛ ۱۵:۱۰؛ ۴۴:۴۸؛ ۲۷:۵۰؛ ۱۸:۵۱) و همیشه در معنای مجازات و رسیدگی به حساب ترجمه شده است، ر.ک. ۳۱:۵۰؛ ۸:۴۹.

بدتر از انبیای سامره^۱^{۱۳} نزد انبیای سامره بطالتی دیدم:

ایشان به بعل نبوت کرده اند

و قوم من، اسرائیل را گمراه ساخته اند؛

^{۱۴} اما نزد انبیای اورشلیم

چیزهایی ترسناک دیده ام:

^{۳۱-۳۰:۵}

مرتکب زنا می شوند و در دروغ زندگی

^{۱۳:۱۸}^m می کنند،

به بدکاران دست می دهند،

^{۲۲:۲۳} به آن گونه که کسی از شرارت خود باز

نمی گردد،

ایشان همگی برای من چون سدوم

تث ^{۲۲:۳۲} می باشند

و ساکنان [شهر]، همچون عموره!

^{۱۵} به همین سبب، یهوه لشکرها بر علیه

انبیا چنین سخن می گوید:

اینک به ایشان افسنتین خواهم خوراند

و آب مسموم به ایشان خواهم نوشاند؛

زیرا بی دیتی از انبیای اورشلیم آمده

^{۱۴:۸} و تمام سرزمهین را فرا گرفته است.

اینان انبیای دروغین اند

^{۱۶} یهوه لشکرها چنین سخن می گوید:

به سخنان انبیایی که برای شما نبوت

می کنند، گوش فرا مدهید؛

ایشان شما را با توهمنات مشغول

می سازند،

^{۱۴:۱۴} و آنچه ادا می کنند، رؤیاهای دل^{۱۴:۲۱} خودشان می باشد،

نه [آنچه که] از دهان یهوه [بپرون

می آید].

^{۱۷} ایشان جرأت می کنند که به آنان کهکلام یهوه را خوار می شمارند بگویندⁿ:

«آرامش خواهید داشت!»

و به تمام آنان که مطابق لجاجت دل خود

^{۱۴:۶} سلوک می کنند، می گویند:

«هچچ بدی بر شما وارد خواهد آمد».

^{۱۷:۳} اما چه کس در شورای یهوه حضور^{۱۸} داشته^o

تا کلام او را ببیند و بشنود؟

چه کس به کلام^p او توجه نموده و آن را

شنیده است؟

خشم یهوه^q^{۱۹} اینک گردد باد یهوه؛ ترس بیرون آمده

و طوفان با شدت آغاز می شود،

و بر سر بدکاران فرو می ریزد

^{۲۲:۲۲:۱۱:۴}اش^{۲۹:۶}نام^{۳:۲}

در آیات ۱۳-۱۵، ارمیا بر و خامت خطای انبیای اورشلیم تأکید می گذارد؛ این انبیا فساد اخلاقی را به انحرافات مذهبی انبیای

سامره افزوده اند.

^{۲۵:۱۳}^m ر.ک. توضیحاتⁿ ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی. قرائت متن عبری: «... به آنانی که مرا خوار می شمارند بگویند: (یهوه سخن می گوید!

برای شما همه چنی آرامش خواهد بود)».

^{۱۰} نبی پیش از آنکه سخنگو باشد (آیه ۲۲: توفیقات ۱۵:۱)، باید در «شورای» خداوند خداوند حضور داشته باشد زیرا در

آنچا «طرح» خداوند تعیین می شود (آیه ۲۰: توفیقات ۷:۳؛ ر.ک. پاد ۲۲-۱۹:۲؛ اش ۶:۱؛ ایوب ۶:۱؛ ۱:۶؛ ۸:۱۵)

و در آنچا می توانند به طور مؤثر وساطت کنند (پید ۳۲-۲۳:۱۸؛ عا ۶-۷:۱؛ ر.ک. توفیقات ۱۵:۱؛ ۱:۱۸؛ ۲۰:۱۸). او آن

دوسنی است که می داند اربابش چه می خواهد بکند (پید ۱۷:۱۸؛ یو ۱:۱۵). چیزی نظیر این نزد مدعيان نبوت که مورد

اشارة ارمیا هستند، وجود ندارد.

^p مطابق متن خوانده شده. متن مکنوب: «کلام من».^q مجازاتی که گریبان خطاکاران را می گیرد، نه بارقه مهارنشده خشم الهی است، نه نتیجه عدالتی تغییر نایذیر، بلکه تحقق طرحی

است که به دقت تبیه شده و در کامل آن فقط بعداً میسر خواهد شد (یونانی: «در انتهای ایام»، آیه ۲۰: توفیقات هو

نهانگاه‌های خویش پنهان سازد

بی آنکه من او را ببینم؟ وحی یهوه.

آیا من آسمان و زمین را پر نمی‌سازم؟

مز ۱۳۹:۷-۱۲

- وحی یهوه.

«کاه با گندم چه وجه اشتراکی دارد؟»

^{۲۵} شنیدم آنچه را که انبیا می‌گویند و به

نام من دروغ را نبوت می‌کنند و می‌گویند:

^{۲۶} «خوابی دیدم! خوابی دیدم!» تا به کی

این چنین خواهد بود در دل انبیایی که دروغ

را نبوت می‌کنند و فربیت دل خود را نبوت

می‌کنند، ^{۲۷} که می‌پندازند با خواب‌هایی

که برای یکدیگر بازگو می‌کنند، نام مرا از

۱۴:۱۴ یاد قوم خواهند برد، همان‌گونه که

پدرانشان نام مرا برای بعل^t از یاد بردنند؟

^{۲۸} آن نبی که خوابی دارد، خواب را بازگو

کند، و آن که کلام مرا دارد، باشد که کلام

مرا با وفاداری بگوید.

کاه با گندم چه وجه اشتراکی دارد؟ -

وحی یهوه.

^{۲۹} آیا کلام من همچون آتش^{۱۱} نیست -

وحی یهوه - همچون چکشی که صخره را

خرد می‌سازد؟

^{۲۰} خشم یهوه باز نخواهد گشت

مگر آنکه طرح‌های دلش را به اجرا

درآورده باشد

و به آنها تحقق بخشیده باشد؛

در دنیا^{۱۲} روزها، این را به روشنی در ک

خواهید کرد.

می‌دوند بی آنکه فرستاده شده باشند

^{۲۱} این انبیا را من نفرستاده ام،

اما می‌دوند!

با ایشان سخن نگفته ام،

^{۲۳:۲۲}

اما نبوت می‌کنند.

^{۱۵:۲۷}

^{۲۲} لیکن ایشان اگر در شورای من حضور

داشته اند،

بادا که سخنان مرا به گوش قوم

^{۱۸:۲۳}

برسانند^{۱۳}

و ایشان را از راه بدشان

و از شرارت اعمالشان بازگردانند.

^{۵:۲۵}

یهوه عالم هستی را پر می‌سازد

^{۲۳} آیا من خدایی نزدیک هستم - وحی

حک ۱:۷ یهوه -

و نه خدایی دور^{۱۴}؟

^{۲۴} آیا کسی می‌تواند خود را در

توضیحات: ۱- قرن ۱۴:۳۳- ۲۰- ۲۳:۲۰- ۲۴- ۲۳:۲۰ (که در تکرار شده) در میان وحی‌های بر علیه انبیای دروغین، حاکی از این واقعیت است که ایشان از طرح الهی ناگاه اند، زیرا اعلام می‌کنند که آرامش بلا فاصله محقق خواهد شد.

^{۱۵} ر. ک. یو ۱:۱۳، آن هنگام که به هدفش رسیده باشد، یعنی به آرامش واقعی (توضیحات ۱۶:۵؛ روم ۵:۵) ترجمه یونانی: «و اگر سخنان مرا می‌شنیدند، آنگاه ایشان را از راه‌های بدشان باز می‌گردانند...» ر. ک. ۲- پاد ۵:۲۶ و توضیع معنای آزاد این عبارت: «آیا من خدای خانگی می‌باشم و نه خدای عالم هستی؟» یهوه خدای نیست که بتوان او را در مکان و زمان محدود، محبوس کرد؛ او خدای همه مکان‌ها و همه زمان‌ها است. اگر مانند ترجمه آرامی و قسمه‌ی، تأکید را بر جنبهٔ دنیا^{۱۵} بگذاریم، می‌توانیم چنین ترجمه کنیم: «آیا من فقط خدای لحظهٔ حال می‌باشم و خدای همه اوقات نمی‌باشم؟» ر. ک. تث ۳۲:۱۷.

^t تحت الفظی: «با بعل».

۱۱ ر. ک. ۱۴:۵؛ توضیحات ۱۵:۱۴؛ ۲۰:۹.

«یهوه چه پاسخ داده است؟» و «یهوه چه گفته است؟»^{۳۶} اما از «بار یهوه» دیگر ذکری به میان میاورید؛ زیرا بار برای هر کس، سخن خودش خواهد بود، چرا که معنی سخنان خدای زنده، یهوه لشکرها،^{۳۵} خدای ما را منحرف می‌سازد.^{۳۷} با نبی ۱۰:۱۰ چنین سخن خواهی گفت: «یهوه به تو چه پاسخ داده است؟» و «یهوه چه گفته است؟»^{۳۸} اما اگر بگویید: «بار یهوه». بسیار خوب! یهوه چنین سخن می‌گوید: از آنجا که می‌گویید: «بار یهوه»، حال آنکه من شما را فرستاده ام که بگویید: مگویید «بار یهوه»،^{۳۹} بسیار خوب! اینک من شما را بلند خواهم کرد^X و از «روی» خود به دور خواهم افکند، شما را و شهری را که به شما داده ام، به شما و به پدران شما.^{۴۰} بر شما ننگی ابدی وارد خواهم ساخت، شرمداری ابدی، فراموش نشدنی!^{۱۱:۲۰}

^{۳۰} به همین سبب، اینک من بر علیه انبیایی هستم - وحی یهوه - که سخنان مرا از یکدیگر می‌ذدند.^{۳۱} اینک من بر علیه انبیایی هستم - وحی یهوه - که زبان خود را برای ادای وحی‌ها به کار می‌گیرند.^{۳۲} اینکه بر علیه انبیایی هستم که خواب‌های دروغین نبوت می‌کنند - وحی یهوه - و آنها را بازگو می‌کنند، و قوم مرا با دروغ‌ها و لاف‌زنی هایشان گمراه می‌سازند، حال آنکه من نه ایشان را فرستادم و نه او امرم را بر عهده ایشان گذاردم، و ایشان به هیچ کار ۱۵-۱۴:۱۴ آین قوم نمی‌آیند - وحی یهوه.^{۲۲:۲۹:۸:۷}

«بار» واقعی یهوه^۷

^{۳۳} و چون شخصی از این قوم، یا نبی ای، یا کاهنی از تو سؤال کند و بگوید: «بار یهوه چیست»^W به ایشان بگو: «بار، شما هستید، و من شما را رد خواهم کرد - وحی یهوه».^{۳۴} و آن نبی، و آن کاهن، یا آن شخص از این قوم که بگوید: «بار یهوه»، من این شخص و خانه‌اش را مجازات خواهم کرد.

^{۳۵} این است آن گونه که باید با یکدیگر، در میان خود، سخن گویید:

۷ این بخش (آیات ۴۰-۳۳) حول بازی ای با کلمات می‌چرخد. واژه عبری که «بار» ترجمه شده، هم به معنی «وحی» است (که اعلام کننده ویرانی دشمنان و نجات اسرائیل می‌باشد، ر.ک. توضیحات اش ۱:۱۳) و هم به معنی «بار». خداوند کاربرد این اصطلاح را که مورد استفاده فراوان مخالفان ارمیا است، معنی می‌کند. هر که در این امر لجاجت کند، تبدیل به «بار» یهوه خواهد شد.

W ترجمه‌ما مبتنی است بر ترجمه‌های یونانی و وولگات. قرائت متن عبری: «بار چیست».

X سایر نسخ خطی عبری چنین قرائت می‌کنند. «شما را فراموش خواهم کرد» یا «شما را قرض خواهم داد».

سوی ایشان خواهم افکند و ایشان را به این سرزمین باز خواهم گرداند؛ آنان را بنا :۲۷:۲۲
 خواهم نمود و ویرانشان خواهم ساخت؛ ۳:۳۰
 ایشان را خواهم کاشت و بر خواهم کند.^a ۷ به ایشان دلی خواهم بخشد تا بشناسند که من یهوه هستم. ایشان قوم من خواهند بود، و من خدای ایشان خواهم بود؛ زیرا با تمام دلشان به سوی من بازگشت خواهند کرد. ۱۸:۲۶:۲۲:۳۰
 اما مانند انجیرهای بد که نمی توان خورد، آقدر که بد هستند - آری، یهوه چنین سخن می گوید - من به همین شکل رفتار خواهم کرد با صدقیا، پادشاه یهودا، با بزرگانش و بقیه اورشلیم، با آنان که در این سرزمین مانده اند و آنان که در سرزمین مصر سکونت دارند.^b ۹ من از ایشان برای تمامی ممالک زمین وحشتی^c خواهم ساخت، ۱۸:۲۹
 رسوایی و افسانه، استهزاء و لعنت در تمام مکان هایی که ایشان را به آجبا برانم.^d ۱۳:۴۹:۸:۴۴
 ۱۰ نزد ایشان شمشیر را خواهم فرستاد، قحطی و طاعون را، تا بالکل از روی زمینی که به ایشان و نیز به پدرانشان داده ام، ۵:۲۵ نابود شوند.

قوم آینده در تبعید آماده می شود^y

۴۶ ^۱ یهوه دو سبد انجیر به من نشان داد که در مقابل معبد یهوه گذاشته شده بود. این بعد از آن بود که نبود نصر، پادشاه بابل، یکنیاهو، پسر یهویا قیم، پادشاه یهودا، و نیز بزرگان یهودا، و آهنگران، و قفل سازان را از اورشلیم تبعید کرده و به بابل برده بود. ^۲ یک سبد [حاوی] انجیرهای بسیار خوب بود، مانند انجیرهای نوبر، و سبد دیگر، انجیرهای بسیار بد که نمی شد خورد، آنقدر که بد بودند. ^۳ یهوه مرا گفت: «ارمیا، چه می بینی؟» گفتم: «انجیر؛ انجیرهای خوب، بسیار خوب است و انجیرهای بد، بسیار بد، و نمی توان آنها را خورد آنقدر که بد است».

^۴ کلام یهوه به این مضمون به من فرا رسید: ^۵ یهوه، خدای اسرائیل، چنین سخن می گوید: به سان این انجیرهای خوب، به همان سان به تبعیدی های یهودا خواهم نگریست، برای خیریشان^z، هم آنان را که از این مکان به سرزمین کلدانیان فرستاده ام. ^۶ چشمانم را برای خیریشان به

لایس از ۵۹۷ ق.م. آنانی که در اورشلیم باقی مانده بودند، می بنداشتند که فقط تبعیدی ها خطا کار هستند و خودشان بی گناهند. رؤیای ارمیا مسائل را در جای درست خود قرار می دهد: خداوند برآنانی که ظاهراً مطروند، با نظر لطف می نگرد (ر.ک. اش ۵:۳؛ مز ۱۱:۲)، همانطور که بارها نظر لطف خود را نسبت به فرزندان کوچک تر خانواده نشان داده بود (یعقوب، یوسف، داود...). و انتظار زبان نازا را برآورده ساخته بود (۱-۱۳:۵؛ مز ۲:۹). با این حال، تمامیت قوم کماکان متعلق به خداوند باقی می ماند (سبد ها هر دو در مقابل معبد قرار دارند) و برای آنانی که باقی مانده اند نیز امیدی وجود خواهد داشت (ر.ک. ۱۵:۳۲؛ ۱۳:۳۳؛ ۱۸-۱:۳۳).

^Z تحتاللغظی: «برای خیریت»، برای خیریت خود او و برای خیریت ایشان. همین امر در آیه بعد نیز مصدق دارد. ر.ک. توضیحات ۱:۱۰.

^a b شاید منظور آن دسته از اهالی یهودا باشد که به هنگام نزدیک شدن نبود نصر، به مصر پناه برده بودند.

^c c ر ک ۱۵:۴:۲۹:۱۸:۳۴:۱۷:۲۱:۲۹ تو ۸:۲۹

^d d ر.ک. ۱۸:۲۵: ۲۶:۶:۲۹، ۱۸:۲۹: ۲۲، ۱۸:۲۹: ۲۲

خلاصه موعظه ارمیا پیش از تبعید^e

شما و به پدران شما، از دیرباز و برای همیشه داده است ساکن خواهید بود.^f و در ۱۸:۶:۷ پی خدایان دیگر نروید تا آنها را خدمت کنید و در برابر شان به سجده درآید، و مرا با عمل دست‌های خود به خشم می‌اورید.^g: آنگاه به شما بدی نخواهم نمود.^۷ اما شما به من گوش فرا ندادید. و حی یهوه - تا با عمل دست‌های خود، برای ۲۹:۳۲:۲۹:۳۱ تپیه روزی خویش، مرا به خشم آورید.

^۸ به همین سبب، چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها: از آنجا که به سخنان من گوش فرا ندادید،^۹ اینک می‌فرستم تا تمامی قبیله‌های شمال را - حی یهوه - ۱۵:۱ برای نبوکدنصر، پادشاه بابل، خدمتگزارم،^{۶:۲۷} بگیرم، و ایشان را بر علیه این سرزمین خواهم آورد، بر علیه ساکنانش و بر علیه تمام این ملت‌های اطراف؛ آنان را برای لعنت نذر خواهم نمود^۱ و به ویرانی و استهzaء و به خرابه‌های ابدی تبدیل خواهم نمود.^{۱۰} از میان ایشان فرباد شف و

^e قسمت اول این بخش (آیات ۱۱-۱)، شامل تمام عناصر مهم موعظه ارمیا پیش از تبعید است، و یک عنصر جدید نیز در آن ظاهر می‌شود؛ طول مدت مجازات محدود به ۷۰ سال است (ر. ک. توضیحات آیه ۱۱). قسمت دوم اعلام می‌دارد که پس از این مدت، ابزار اجرای غضب الهی خودش نیز مور مجازات قرار خواهد گرفت (ر. ک. توضیحات ۳:۲). در ترجمه یونانی، هویت این ابزار (آیات ۹ و ۱۲) مورد تصریح قرار نگرفته است. چنین به نظر می‌رسد که موضوع این قسمت دوم حدود ده سال بعد از تاریخ تعیین شده در آیه ۱، در موعظه نبی ظاهر می‌شود.

^f در اینجا منظور سال جلوس او می‌باشد (۶:۵). که در تخمین تقویمی ۲۹-۲۸:۵:۲ به ۷۰۵ ق.م. که در سلطنتش به حساب نیامده، اما در تخمین ۱۲:۵:۲ به حساب آمدۀ است. نبوکدنصر عملاً در ۶ سیستامبر ۷۰۵ ق.م. به قدرت رسید، یعنی پس از نیزد کرکیش (ر. ک. توضیحات ۲:۴۶)؛ او در این نیزد، در مقام ولیعهد، سپاهیان پدرش، نبویلص، را فرماندهی می‌کرد. مرگ پدرش در ماه اوت آن سال، او را واداشت تا با شتاب به بابل باز گردد و تاجگذاری کند. اما بدون درنگ، پیش روی خود را به سوی فلسطین از سر گرفت (ر. ک. توضیحات ۴:۲۰).

^g ر. ک. ۲:۱ و توضیحات، و ۲:۳۶.

^h منتظر احتمالاً اعمال بتپستانه است. ر. ک. آیه ۷ و ۱۴: ۳۰:۳۲: ۸:۴۴؛ در مورد «عمل دست‌های خود» ر. ک. ۱:۱۶. اشاره به آیینی است بسیار قدیمی که طی آن، مردم آنچه را که به کمک خدا به تصرف درآورده بودند (ر. ک. توضیحات ۲:۱:۵، ۲:۱:۵:۱، توضیحات ۱- سمو ۱۵:۱؛ توضیحات اش ۲:۳۴)، به خداوند، «مالک تمامی زمین» (میک ۱۳:۴) «وقف می‌کرندن»، یا به او «تقدیم می‌نمودند» (۲:۲۶، ۲۱:۵:۰).

ر. ک. آیه ۱۸: توضیحات ۱۸: ۱۶: ۱۳: ۴۹. ترجمه یونانی به جای آخرین تهدید این آیه، عبارت تهدیدآمیز مذکور در ۴۰: ۲۳ را قرائت کرده، چنین آورده: «ایشان را برای همیشه با خوارت خواهم پوشاند».

۲۵

اکلامی که در سال چهارم یهودی‌اقیم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، درباره تمام قوم یهودا به ارمیا فرا رسید - این در سال اول نبوکدنصر، پادشاه بابل بود - آنچه ارمیای نبی درباره تمامی قوم یهودا و به تمامی ساکنان اورشلیم، به این مضمون گفت:

^۳ از سال سیزدهم یوشیا، پسر آمون، پادشاه یهودا، تا به امروز^g، اینک بیست و سه سال است که کلام یهوه به من فرا رسیده و من بدون خستگی با شما سخن گفته‌ام، و شما گوش فرا نداده‌اید!^۴ یهوه تمام خدمتگزاران خود، انبیارا، بدون خستگی، به سوی شما گسیل داشته، و شما گوش نگرفتید و گوش خود را فرا ندادشید تا بشنوید.^۵ او به شما می‌گفت: هر یک از شما از راه بد خویش و از شرارت اعمال خود بازگشت کنید، و بر زمینی که یهوه به

۱۲ اما آن هنگام که این هفتاد سال به انجام رسید، پادشاه بابل و این ملت را -
۲۹ وحی یهوه - خطایشان را تنبیه خواهم نمود،
۲۱:۳۶:۲ و نیز سرزمین کلدانیان را؛ آن را ویرانه ای
۱۱:۸:۱۱ ابدی خواهم ساخت. ^{۱۳} الف تمامی سخنانی
را که بر علیه این سرزمین گفته ام و تمام
آنچه را که در این کتاب نوشته شده، بر آن

۱۶:۱۱:۳۳:۹ فریاد شادی را نابود خواهم ساخت، سرود
داماد و سرود عروس را، صدا آسیاب و
روشنایی چراغ را.
۱۱ تمام این سرزمین تبدیل به خرابه و
ویرانه خواهد شد^k، و ایشان در میان
ملت ها به مدت هفتاد سال^۱ در بندگی به
سرخواهند برد.

وحی ها بر علیه ملت ها

چنین سخن گفته است: «این جام باده
غضب^۰ را از دست من بگیر و به تمامی
ملت هایی که تو را به سوی ایشان می فرستم
بنویشان؛^{۱۶} ایشان خواهند نوشید و تلوتو
خواهند خورد و دیوانه خواهند شد، به
سبب شمشیری که به میان ایشان می فرستم.
^{۱۷} من جام را از دست یهوه گرفتم و به
تمامی ملت هایی^P که یهوه مرا نزد آنها

وارد خواهم ساخت.
۱۳ بآنچه که ارمیا بر علیه تمامی ملت ها
نیوت کرد^m.^{۱۴} زیرا که ملت های
نیرومند و پادشاهان بزرگ، ایشان را نیز
بندگی خواهند کرد؛ و به آنان مطابق
رفتارشان و مطابق عمل دست هایشان
۱۷:۱۷:۱۰:۲۸:۴:۱۳:۶:۴ عوض خواهم دادⁿ.
^{۱۵} زیرا یهوه، خدای اسرائیل، با من

ک. ر. آیه ۱۸:۶، ۴:۴:۲۲.

^۱ به گونه ای ناگهانی (و شاید چند سال بعد، ر.ک. توضیحات آیه ۱)، درخششی از امید در شبانگاه «ابدی» (آیه ۹) به چشم می خورد: به این ترتیب که مدت مجازات از طول عمر انسان فراتر نخواهد رفت (مز ۹:۹۰؛ ر.ک. توضیحات زک ۱۲:۱)، زیرا مالک تاریخ تفوق بابل را به همین مدت محدود ساخته است (ر.ک. توضیحات ۱:۱۰). در خصوص تفسیر این هفتاد سال توسط نویسنده تواریخ (۲:۲۱:۶)؛ ر.ک. توضیحات لاو ۲:۲۵ (ر.ک. ار ۱۷:۴ و توضیحات). دانیال نیز سرانجام به این رقم توجه نشان خواهد داد (ر.ک. دان ۹ و توضیحات).

^۰ در ترجمه یونانی، مجموعه وحی های بر علیه ملت ها (یعنی فصل ها ۴-۶:۵۱) در دنباله این آیه قرار داده شده و آیات ۱۵-۳۸ در انتهای این مجموعه قرار می گیرد. این ترتیب منطقی تر از ترتیب و توالی ابتدایی متن عبری به نظر می رسد. فصل های ۲۶-۴۵ و ۵۲-۴۵ متن عبری نیز طبعاً بخش آخر ترجمه یونانی را تشکیل می دهد.

ⁿ ر.ک. توضیحات آیه ۶. این آیه که در ترجمه یونانی نیست، مطلبی تازه ای در مورد مجازات کلدانیان بیان نمی دارد؛ در خصوص بخش اول آیه، ر.ک. ۷:۲۷ و برای بخش دوم، ر.ک. ۵:۵۰، ۶:۲۴، ۲۴:۵۱.

^۰ قرائت ترجمه یونانی: «این جام باده، باده لذت بخش را ...»؛ قرائت متن عبری: «این جام باده، (یعنی) غضب (یا زهر) را...» ترجمة ما میبینی است بر و لکات و سریانی. الیته کلمه «غضب» را می توان همچون توضیح متن تلقی کرد. اما به هر حال، جام شراب نماد مجازاتی است که خدا برای آنانی نگاه داشته که از اطاعت او سریچی می کنند.

^P برشاری ملت ها که در پی می آید، ظاهر اثر خود ارمیا نیست. احتمالاً این امر کار ویرایشی کاتبی متأخر است که می خواسته نوعی فهرست مطالب برای مجموعه وحی های مربوط به ملت ها، پیش از آغاز آنها، تهیه کند. سبک این برشاری از هیچ ادعای ادبی برخوردار نیست، اما نوعی هدف الهیاتی در آن مشاهده می شود، به این ترتیب که نویسنده می خواهد گستره جهانی عمل خداوند را آشکار سازد. از این رو، او سرزمین های واقع در چهار گوشه جهان را برمی شمارد.

شما می فرستم.^{۲۸} و اگر از گرفتن جام از دست تو و نوشیدن آن سر باز زندگی، به ایشان بگو، یهوده لشکرها چنین سخن می گوید: باید که بنوشید؛^{۲۹} زیرا اینک در شهری که به نام من نامیده شد^۷، شروع ۱۲:۴۹ می کنم به وارد ساختن مصیبت، و شما آیا بدون مجازات خواهید ماند؟^{۳۰} بی مجازات ۳۸:۲۵ خواهید ماند؛ زیرا من شمشیر را بر علیه تمام ساکنان زمین فرا می خوانم - وحی یهوده لشکرها.^۷

۳۰ و تو تمامی این سخنان را برای ایشان نبوت کن؛ به ایشان بگو:

یهوده از بالا می غرد،^{۱۶:۴} یوبل ۱۶:۴
از جایگاه مقدسش صدا می دهد^۸، ۲:۱۰
می غرد، می غرد بر علیه قلمرو خویش،^۹ ۲۵:۱۰
فریاد می کشد، فریاد آنانی را که انگور ۱۴:۵۱
را لگدمال می کنند،
بر علیه تمامی ساکنان زمین.^{۱۰}
۳۱ هیاهویی تا به انتهای زمین می رسد؛
زیرا یهوده با ملت ها محاکمه ای دارد،^{۱:۴} هو ۱:۴
او با تمامی بشر وارد داوری می شود،^{۵:۶} مژ
بدکاران را به شمشیر می سپارد
- وحی یهوده.^۶

۳۲ چنین سخن می گوید یهوده لشکرها:
اینک مصیبته خواهد گذشت

حرز ۳۲:۲۳ فرستاده بود، نوشاندم:^{۱۸} اورشلیم و شهرهای یهودا، پادشاهانش و بزرگانش، تا از آن خرابه و ویرانه و استهزا و لعنتی بسازم^۹، به سان [آنچه که] امروز [شده است]^{۱۹}: فرعون، پادشاه مصر، خدمتگزارانش، بزرگانش و تمام قومش؛^{۲۰} تمام [قوم] مختلف؛ تمام پادشاهان سرزمین عوص؛ تمام پادشاهان سرزمین فلسطینیان؛ (یعنی) اشقلون، غزه، عقرون، و بقیه اشدوه؛^{۲۱} ادوم، موآب، بني عمون؛ تمام پادشاهان صور، تمام پادشاهان صیدون، پادشاهان جزیره هایی که در آن سوی دریا هستند؛^{۲۲} ددان، تیما، بوز^۸، تمام «شقیقه - تراشیده ها»؛^{۲۴} تمام پادشاهان عربستان که در صحرا ساکنند؛^{۲۵} تمام پادشاهان زمری^{۱۰}، تمام پادشاهان عیلام تمام پادشاهان ماد؛^{۲۶} تمام پادشاهان شمال، آنان که نزدیکند و آنان که دورند، ۱۱:۳
یکی پس از دیگری و تمام ممالک زمین که بر سطح زمینند. و پادشاه شیشک^۷ پس از ایشان خواهد نوشید.^{۲۷}

۲۷ به ایشان بگو: چنین سخن می گوید یهوده لشکرها، خدای اسرائیل: بنوشید، مست شوید، قی کنید و بیفتید که دیگر برنخیزید، به سبب شمشیری که به میان

۹. ر. ک. ۲۲:۴۴ و توضیحات: توضیحات ۱۶:۱۸.

۱۰ این عبارت احتمالاً توضیحی است که بعد از رویدادها، به دست یکی از شاگردان ارمیا نوشته شده است؛ ر. ک. ۲۲، ۶:۴۴.

۸ در عربستان شمالی، در نزدیکی تیما.

۱۰ ر. ک. ۲۵:۹ و توضیحات.

۱۱ مکانی ناشناس، بعضی از دانشمندان آن را به صورت «گیمزی» اصلاح می کنند، در این صورت، این اشاره ای خواهد بود به «سیمیریان» که در متون خط میخی و نیز در بید ۳-۲:۱۰ مذکور است («جومر»)، قومی متعلق به کوهستان های ارمنستان.

بعضی دیگر نیز به صورت «زیمکی» اصلاح می کنند و می گویند که نامی است رمزی برای علام.

۷ طبق ترجمه آرامی، نامی است رمزی برای بابل.

۱۰ W یعنی «شهری که از آن من است»، ر. ک. توضیحات ۱۰:۷.

۱۱ X احتمالاً منظور آسمان و معبد آسمانی است، و نه فقط اورشلیم.

به سان قوچ های مرغوب خواهید افتاد.
 ۳۵ دیگر برای چوپانان پناهگاهی نخواهد
 بود،
 دیگر برای بزرگان گله نجاتی نخواهد بود!
 ۳۶ گوش فرا دهید به فریاد چوپانان،
 به زوزه بزرگان گله؛
 زیرا یهوه چراگاه آنان را ویران می سازد،
 ۳۷ مرتع های آرام از میان رفته اند
 به سبب شدت خشم یهوه.
 ۳۸ شیریچه ای بیشنه خود را ترک گفته
 است^a؛
 آری، سرزمین ایشان تبدیل به ویرانه شده،
 ۳۹ به سبب شمشیر ویرانگر، و به سبب خشم
 ۴۰ او

از ملتی به ملتی،
 و طوفانی عظیم پدید خواهد آمد
 ۴۱ از انتهای اعمق زمین.

۴۲ در آن روز، قربانیان یهوه وجود خواهد
 داشت، از یک گوشۀ زمین تا گوشۀ ای
 دیگر؛ نه بر آنان خواهند گریست، نه
 جمع آوری خواهند شد، و نه دفن خواهند
 ۴۳ گردید؛ بر سطح زمین تبدیل به تپاله
 خواهند شد.

۴۴ روزه بکشید، ای چوپانان، فریاد
 ۴۵ برآورید،
 [بر زمین] بغلطید، ای بزرگان گله؛
 زیرا روزهایتان برای ذبح به کمال رسیده
 است،

وحی های مربوط به نجات اسرائیل - یهودا

که به تو امر کرده ام که به آنان بگویی، بر
 علیه تمام [مردمان] شهرهای^b یهودا که مکا
 ۴۶ برای پرستش به خانه یهوه می آیند، بگو؛
 ۴۷ کلمه ای از آن کم ممکن. ^c شاید گوش فرا
 ۴۸ دهند و هر یک از راه های بد خویش
 ۴۹ بازگشت کنند؛ آنگاه از مصیبتی که در ذهن
 ۵۰ دارم که به سبب شرارت اعمالشان بر ایشان
 ۵۱ برسانم، پشیمان خواهم شد. ^d به ایشان

مخالفت مقامات معبد با پیشگویی های ارمیا^e

۲۶ در ابتدای سلطنت یهوباقیم، پسر
 ۲۷ یوشیا، پادشاه یهودا، این کلام از
 ۲۸ سوی یهوه به این مضمون [به ارمیا] فرا
 ۲۹ رسید: ^f یهوه چنین سخن می گوید: در
 ۳۰ صحن خانه یهوه بایست، و همه سخنانی را

لا ترجمه این جمله دشوار است. دو ترجمه مختلف از این قرار است: «مردم می روند به سان شیری که بیشه اش را ترک می گوید»؛ یا «بیشه خود را به سان شیری ترک می گوید» (بدون آنکه مشخص کنند چه کسی ترک می کند: خداوند؟ یا پادشاه ویرانگر؟) ترجمه ما با حذف یک حرف صدادار صورت گرفته، و در آن، باز هویت «شیریچه» نامعین است.

^g این فصل، چارچوب تاریخی را برای اتهاماتی که ارمیا بر مذہب دروغین وارد می آورد، به دست می دهد (ر. ک. توضیحات ۲۵:۱۳)، اتهاماتی که در آغاز سلطنت یهوباقیم (۶۰۹-۶۰۸ ق.م.)، ر. ک. توضیحات ۳:۱) اعلام شد. ارمیا که از اطمینان مطلق به رسالت الهی خود نیرو گرفته (آیه ۱۵)، با مقامات مذهبی به مقابله می پردازد (ر. ک. ۱۸:۱؛ ۲۰:۱۵). در اینجا است که مردم و مقامات مملکتی (آیه ۱۶) و مشایخ (آیات ۱۹-۱۷) واقع بینی بیشتری از خود نشان می دهند تا کاهنان و آنبا (آیات ۹-۸ و ۱۱) ر. ک. توضیحات ۱:۷.

^a تحت اللقطی: «علیه تمام شهرها»؛ قرائت ترجمه یونانی: «تمامی اهالی یهودا».

قوم گفت: «مرا یهوه فرستاده تا خطاب به این «خانه» و خطاب به این شهر، تمام سخنانی را که شنیدید نبوت کنم.^{۱۳} اینک رفتار و اعمال خود را اصلاح کنید، و به صدای یهوه، خدای خویش، گوش فرا دهید، و یهوه از مصیبتي که بر علیه شما گفته است، پیشمان خواهد شد.^{۱۴} و اما من، اینک من در دست های شما هستم؛ آن یوشع^{۱۵}:۹ من که در نظرتان نیک و منصفانه است، با من عمل کنید.^{۱۶} با این حال، این را خوب بدانید، اگر مرا به مرگ بسپارید، خونی بی گناه را بر خود، و بر این شهر، و بر ساکنانش خواهید نهاد. زیرا به راستی که مرا یهوه نزد شما فرستاده، تا تمامی این سخنان را به گوش های شما برساند».

^{۱۶} بزرگان و تمامی قوم به کاهنان و انبیا گفتند: «این مرد سزاوار مرگ نیست، زیرا با ما به نام یهوه، خدای ما، سخن گفته است»^{۱۷} آنگاه چند تن از میان مشایخ قوم برخاسته و به تمامی مجمع قوم گفتند: «میکاه اهل مورشت در روزگار حرقیا، پادشاه یهودا، نبوت می کرد و به تمامی قوم یهودا گفت:

چنین سخن می گوید یهوه لشکرهای
صهیون مزرعه ای خواهد بود که شخم
می زند،
اور شلیم توده ای از ویرانه ها خواهد بود،
و کوه «خانه» تبدیل به بلندی ای پر از

بگو: یهوه چنین سخن می گوید: اگر به من گوش نسپارید و مطابق شریعتی که در ۲۵:۷ برابرتان گذارده ام سلوک ننمایید،^۵ و به سخنان خدمتگزارانم، انبیا، گوش دهید، که بدون خستگی برای شما می فرستم و ۲۲،۱۲،۸:۴۴ شما به ایشان گوش فرا نداده اید،^۶ این «خانه» را همانند شیلوه خواهم کرد^b و از این شهر نفرینی^c برای تمامی ملت های زمین خواهم ساخت.

^۷ کاهنان و انبیا و تمام قوم شنیدند که ارمیا این سخنان را در خانه یهوه گفت.^۸ پس چون ارمیا از گفتن هر آنچه که یهوه به او امر کرده بود که به تمام قوم بگوید، فارغ شد، کاهنان و انبیا^d او را گرفتند و گفتند: «یقیناً خواهی مرد.^۹ چرا به نام یهوه نبوت کردی و گفتی: این «خانه» مانند شیلوه خواهد شد، و این شهر به ویرانه تبدیل شده، خالی از سکنه خواهد گردید؟^{۱۰} تمام قوم نزد ارمیا در خانه یهوه گرد آمدند.

^{۱۰} بزرگان یهودا با شنیدن این سخنان، از خانه پادشاه به خانه یهوه برآمدند^e، و در مدخل دروازه «نو» در خانه خداوند نشستند.^{۱۱} کاهنان و انبیا به بزرگان و به تمامی قوم گفتند: «این مرد سزاوار مرگ است؛ زیرا بر علیه این شهر نبوت کرده است، چنان که با گوش های خود شنیدید!^{۱۲} اما ارمیا به بزرگان و به تمام

b. ر. ک. توضیحات ۱۲:۷؛ توضیحات لو ۶:۲۱؛ توضیحات ۲۲:۲۱.

c. فرمولی مشابه با اعد ۲۱:۵؛ مفهوم آن به روشنی از ۲۲:۲۹ مشخص می شود (ر. ک. توضیحات)؛ ر. ک. ۹:۲۴.

d. در متن اصلی، بعد از «انبیا»، عبارت احتمالاً در حکم یک توضیح است. مردم در واقع نسبت به ارمیا نظر مساعد داشتند، ر. ک. توضیحات آیه ۱.

e. ر. ک. توضیحات ۱:۲۲.

چند تن را با او به مصر فرستاد.^{۲۳} ایشان اوریاهو را از مصر خارج ساختند و نزد یهودیان پادشاه آوردند؛ او وی را به شمشیر زد و جسدش را به گودال عمومی افکند.^{۱۷:۲۲}

^{۲۴} با این حال، اخیقامت، پسر شافان^۱، دست (کمک) به ارمیا داد و مانع شد که او به دستان قوم سپرده شود و به قتل برسد.^۲

فرمانبرداری یا مصیبت

^{۲۷} ^۱ در ابتدای سلطنت صدقیا^k، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، این کلام از سوی یهوده به این مضمون به ارمیا فرا رسید:^۲ یهوده این چنین با من سخن گفته است: برای خود بندها و تیرک های یوغ بساز و آنها را بر گردن خود قرار بده!^۳ سپس [پیامی] برای پادشاه ادوم و پادشاه موآب و پادشاه بنی عمون و پادشاه صور و پادشاه صیدون، به واسطه پیام آوران ایشان^m که به

درخت خواهد شد.^f

^{۱۹} آیا حرقیا، پادشاه یهودا، و تمامی یهودا او را به مرگ سپردند؟ آیا او از یهوده نترسید و روی یهوده را آرام نساخت، آن سان که یهوده از مصیبته که بر علیه آنان گفته بود، پشیمان شد؟ و ما، آیا باید به خودمان چنین بدی بزرگی بنماییم؟»

رقیب ارمیا همچون او مورد محافظت قرار نگرفت

^{۲۰} شخص دیگری نیز بود که به نام یهوده نبوت می کرد، (یعنی) اوریاهو، پسر شمعیاهو، از قربت یعاریم^g. او به همان مضمون ارمیا بر علیه این شهر و بر علیه این سرزمین نبوت کرد.^{۲۱} یهودیان پادشاه و همه شجاعانش و همه بزرگانش سخنان او را شنیدند، و پادشاه قصد آن کرد تا او را بکشد. اوریاهو چون از این آگاهی یافت، بترسید؛ او گریخت و به مصر رسید.^{۲۲} اما یهودیان پادشاه، الناتان، پسر عکبور^h، و

^f ر. ک. میک ۱۲:۳ و توضیحات. حتی یک قرن پس از روزگار میکاه، هنوز سخنان او در یادها بود.

^g یا «قربت بعل»، ر. ک. یوش ۱۵:۶۰؛ ۱۸:۱۴.

^h چهار سال بعد، الناتان خواهد کوشید تا نسخه خطی باروخ را از خطر نابودی رهایی دهد (۱۲:۳۶-۲۵) در مورد عکبور، ر. ک. ۲-پاد ۱۲:۲۲، ۱۴.

ⁱ به نظر می رسد که ارمیا روابط بسیار نزدیکی با خانواده شافان داشته است؛ شافان «کتاب» (یعنی منشی) یوشیا بود که «کتاب شریعت» را در سال ۶۲۲ ق.م. در معبد کشف شده بود، بلطفه برای پادشاه قرائت کرد و یوشیا نیز او را همراه با پسر ارام، اخیقامت، فرستاد تا از حلده نبیه مشورت بطلبید (۲-پاد ۲۲:۸-۱۴). ارمیا پس از آنکه به دست کلدانیان در ماه زوئیه ۵۸۷ ق.م. از حبس آزاد شد، به جدالیا، پسر اخیقامت پیوست (۴:۶؛ ر. ک. ۳:۶). پسر دیگر شافان، یعنی العاسه، بود که در حدود سال ۵۹۴ ق.م. نامه ارمیا را برای تبعیدی های ۵۹۷ ق.م. برد (۲:۳۰-۳:۲)؛ یکی از نوه های شافان نیز، به نام میکایاهو، در سال ۶۰۵ ق.م. آنچه را که از قرائت وحی های ارمیا توسط باروخ به یاد سپرده بود، به وزرا وی که تشکیل جلسه داده بودند گزارش داد (۳:۳۶-۱۱:۳۶).

^j به نظر می رسد که مردم، در این ماجرا، نسبت به ارمیا نظر مساعد داشتند (ایه ۱۶ و توضیحات آیه ۱).

^k نام صدقیا بر اساس چند نسخه خطی عبری و سریانی و ترجمه عربی آورده شد، ر. ک. آیات ۳ و ۱۲:۱۲. در بقیه سنت نسخ خطی، «یهودیان» آمده است. در مورد مسئله تاریخ، ر. ک. توضیحات ۱:۲۸.

^l عملی است نمایدین، ر. ک. توضیحات ۱:۱۳، توضیحات اش ۲۰:۳.

^m «ایشان» طبق قرائت یونانی است. قرائت عبری فقط «پیام آوران» دارد. حضور این «پیام آوران» (در واقع سفیران) یا به علت جلوس پادشاهی جدید بر تخت در اورشلیم بوده، یا صرفا به علت طرح هایی در زمینه ایجاد اتحادی علیه بابل.

ملتی که به یوغ پادشاه بابل گردن نهند و او را خدمت کنند، من ایشان را در زمینشان مستقر خواهم ساخت - وحی یهوه - آن را کشت خواهند کرد و در آن ساکن خواهند شد.»^{۱۲}

۱۲ و به صدقیا، پادشاه یهودا، به همان مضمون سخن گفتم: «به یوغ پادشاه بابل گردن نهید و او را خدمت کنید، هم او را و هم قومش را، وزنده خواهید ماند.»^{۱۳} به چه سبب تو و قومت، با شمشیر و قحط و وبا بمیرید، مطابق آنچه یهوه خطاب به ملتی که پادشاه بابل را خدمت نکند، گفته است؟^{۱۴} گوش مگیرید و سخنان انبیایی که به شما می‌گویند: پادشاه بابل را خدمت خواهید کرد. زیرا ایشان دروغ را برای شما نبوت می‌کنند.^۹ چرا که من ایشان را نفرستاده ام - وحی یهوه - و ایشان به دروغ به نام من نبوت می‌کنند تا من شما را برانم و هلاک شوید، شما و انبیایی که برای شما نبوت می‌کنند».^{۱۵}

۱۶ و با کاهنان و تمامی قوم به این مضمون سخن گفتم: «یهوه چنین سخن می‌گوید: گوش مگیرید به سخنان انبیایتان که برای شما نبوت کرده، می‌گویند: اینک اشیا خانه یهوه از بابل باز گردانده خواهد شد، و زود! زیرا که دروغ را برای شما نبوت می‌کنند.^{۱۷} به ایشان گوش مگیرید: پادشاه بابل را خدمت کنید و زنده خواهید ماند. چرا باید این شهر ویرانه شود؟^{۱۸} اما

اورشلیم، نزد صدقیا، پادشاه یهودا آمده اند بفرست.^۴ به ایشان امر کن که این را به سرورانشان بگویند: «چنین سخن می‌گوید یهوه اشکرها، خدای اسرائیل: به سرورانشان چنین بگویید:^۵ زمین و انسان و حیواناتی را که بر سطح زمین اند، من با قوت عظیم خود و بازوی دراز شده ام آفریده ام، و آن را به هر کس که به نظرم پسند آید، می‌دهم.^۶ و اینک من تمام این سرزمین ها را به دست های نبود نصر، پادشاه بابل، خدمتگزارم، تحويل داده ام؛ حتی حیوانات صحررا را نیز به او داده ام تا او را خدمت کنند.^۷ تمامی ملت ها او را، و پسر پسرش^۸ را خدمت خواهند کرد، تا آنکه زمان سرزمین او نیز فرا برسد و ملت های بی شمار و پادشاهان بزرگ او را به بردگی درآورند.^۸ لذا آن ملت یا مملکتی که او را خدمت نکند، (یعنی) نبود نصر، پادشاه بابل را، و به یوغ پادشاه بابل گردن نگذارد، من آن ملت را با شمشیر و قحط و وبا مجازات خواهم کرد - وحی یهوه - تا آن زمان که آن را به طور کامل به دست او نابود سازم.^۹ پس شما به انبیا و غیبگویان و بینندگان خواب^۰ و طالع بینان و جادوگرانشان گوش فرا ندهید که به شما می‌گویند: پادشاه بابل را خدمت خواهید کرد.^{۱۰} زیرا برای شما دروغ را نبوت می‌کنند^{۱۱} تا شما را از زمینتان دور سازند، تا من شما را برانم و هلاک شوید.^{۱۲} اما

^{۱۲} یعنی معادل حدود ۷۰ سال (ر. ک. توضیحات ۱۰:۲۹؛ ۱۱:۲۵). چشم انداز نجات در آیه ۲۲ تصریح شده است.

^۰ متن ما مطابق ترجمه ها است. قرائت عبری: «خواب های شما».

^{۱۰} ر. ک. توضیحات ۱۳:۲۵. توضیحات حرق ۱:۱۳.

^{۱۱} ر. ک. توضیحات ۱۳:۲۵.

«آنچه که باید بگویید، در همان ساعت به شما داده خواهد شد»^۷

۲۸ باری، در همان سال، در آغاز سلطنت صدقیا، پادشاه یهودا، در سال چهارم^۸، ماه پنجم، حنانيا، پسر عزّور، نبی ای که از جَبَعُون بود، با من در خانه یهوه، در حضور کاهنان و تمامی قوم، چنین سخن گفت: «چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها، خدای اسرائیل: من یوغ پادشاه بابل را خرد کرده‌ام!»^۹ پس از دو سال، تمام اشیاء خانه یهوه را که نبوکدنصر، پادشاه بابل، از این مکان گرفته و به بابل برده است، به این مکان باز خواهم آورد.

^۹ یکنیا^۹ پسر یهوباقیم، پادشاه یهودا را نیز تمام تبعیدی‌های یهودا را که به بابل رفته‌اند، ایشان را به این مکان باز خواهم آورد - وحی یهوه - زیرا یوغ پادشاه بابل را خرد خواهم ساخت!

ایشان اگر نبی هستند و اگر کلام یهوه با ایشان است، بادا که نزد یهوه لشکرها وساطت کنند^{۱۰} آن سان که اشیایی که در خانه یهوه و در خانه پادشاه یهودا^{۱۱} و در اورشلیم باقی مانده، به بابل نرسند.^{۱۲} زیرا چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها درباره ستون‌ها و دریا و پایه‌ها^{۱۳} و سایر اشیایی که در این شهر باقی مانده است.^{۱۴} و آنچه که نبوکدنصر، پادشاه بابل، نگرفته است آن گاه که یکنیا، پسر یهوباقیم، پادشاه یهودا، و تمام شریفان یهوه و اورشلیم را از اورشلیم به بابل تبعید کرد؛^{۱۵} آری، این چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها، خدای اسرائیل، درباره اشیایی که در خانه یهوه و در خانه پادشاه یهودا و در اورشلیم باقی مانده است:^{۱۶} به بابل برده خواهند شد^{۱۷}، و در آنجا خواهند ماند تا روزی که به آنها رسیدگی کنم - وحی یهوه. آنگاه آنها را برخواهم آورد و به این مکان باز خواهم گرداند».

^۷ نبی واقعی، شفاعت کننده نیز هست: ر. ک. توضیحات ۱۰:۱۵
^۸ ر. ک. توضیحات ۱۰:۲۶. این عبارت در آیه ۲۱ نیز تکرار شده است.
^۹ ر. ک. ۱-پاد ۷، ۲۱:۷، ۲۳، ۲۷ و توضیحات.
^{۱۰} ر. ک. ۲-پاد ۱۳:۲۵-۱۳:۲۵.

^{۱۱} متنی ۱۰:۱۰. ارمیا هیچگاه از وقت پیشی نمی‌گیرد: او که تماماً تسلیم خداوند است، منتظر می‌ماند تا پاسخی در منزلت نبی پدهد، یعنی پاسخی به نام خداوند (ر. ک. توضیحات ۱۵:۱۷). و صیر می‌کند تا کلام خداوند بار دیگر بر او نازل شود (آیه ۱۲، ر. ک. ۷:۴۲). او نخست فقط به آنچه که رفیقش تحت عنوان کلام الهام شده اعلام می‌دارد گوش فرا می‌دهد. آیا ممکن است خداوند از مصائبی که او را مأمور اعلامش داشته بود، چشم پوشی کند (فصل ۲۷)؟ ارمیا آرزو می‌سازد که چنین شود (آیه ۶، ر. ک. توضیحات ۱۲:۱۷)، گرچه با نهایت ادب، اعتراضی مطابق با عقل سلیم مطرح می‌سازد (آیات ۹-۷). آنچا که انبیا تا کنون مصیبت را اعلام داشته‌اند - گاه نیز نجات را، اما فقط پس از عبور از بوئنه آزمایش (ر. ک. توضیحات ۱۹:۲۳؛ توضیحات ۱۲:۲۴)، مردم ناخوداگاه در مقابل کسی که نجاتی فوری را اعلام می‌دارد، جننه احتیاط را رعایت می‌کنند (آیه ۹). اما ارمیا که وسیله‌ای مطیع در دستان خداوند است، به محض اینکه کلام را دریافت می‌دارد (آیات ۱۲-۱۴، ر. ک. متنی ۱۰:۱۰)، شروع به حمله می‌کند، اما نه بر اثر انگیزش‌های شخصی، بلکه بر اثر انگیزش کسی دیگر (آیات ۱۵-۱۶، ر. ک. توضیحات ۱۱:۱۸؛ توضیحات ۷:۲۰؛ متنی ۱۰:۲۰).

^{۱۲} در این آیه، دو تاریخ متناقض ذکر شده است: یکی «در آغاز سلطنت» یعنی سال ۵۹۷ ق.م. است، و دومی «سال چهارم» یعنی ۵۹۴ ق.م. است: ترجمه یونانی فقط شامل تاریخ دوم است که به نظر ارجح می‌آید. با توجه به اینکه فصل ۲۸ دنباله فصل ۲۷ است، شاید لازم باشد تاریخ مذکور در ۱:۲۷ را اصلاح کرد.

^{۱۳} این نبوت حنانيا، نبوت ارمیا در ۲۷:۲۲ را نقض می‌کند.

خواهم ساخت» ارمیای نبی به راه خود رفت.^a

^{۱۲} پس از آنکه حنانیای نبی تیرک را از روی گردن ارمیای نبی خرد کرد، کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید:^b «برو و به حنانیا بگو: یهوه چنین سخن می‌گوید: تو تیرک‌های چوبی را شکستی؛ بسیار خوب! من به جای آنها تیرک‌های آهنین خواهم ساخت.^c زیرا چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها، خدای اسرائیل: من برگردن تمام این ملت‌ها یوغی آهنین گذارده‌ام تا نبوکدنصر، پادشاه بابل را خدمت کنم، و او را خدمت خواهد کرد؛ و حتی حیوانات صحرارا به او داده‌ام».

^{۱۳} ارمیای نبی به حنانیای نبی گفت: «حنانیا، خوب گوش کن: یهوه تورا نفرستاده است، و تو این قوم را به واسطه دروغ مطمئن ساخته‌ای.^d به همین سبب، یهوه چنین سخن می‌گوید: اینک من تورا به دور از سطح زمین می‌فرستم؛ امسال خواهی مرد، چرا که در مورد یهوه پیمان شکنی را موعظه کرده‌ای.^e

^{۱۴} حنانیای نبی در همان سال، در ماه هفتم، مرد.^f

^{۱۵} ارمیای نبی به حنانیای نبی، در حضور کاهنان و در حضور تمام قوم که در خانه ۳۶:۱۰ پا یهوه حاضر بودند، گفت: ^{۱۶} ارمیای نبی گفت: «آمین! بادا که یهوه چنین کند! بادا که یهوه سخنانی را که نبوت کردن جامه عمل بپوشاند و اشیاء خانه یهوه و تمام تبعیدی‌ها را از بابل به این مکان باز آورد.^{۱۷} با این حال، این سخن را که به گوش‌های تو و به گوش‌های تمام قوم می‌گوییم، بشنو: ^{۱۸} انبیایی که پیش از ما بوده‌اند، پیش از من و تو، از دیرباز خطاب به سرزمنی‌های بی‌شمار و بر علیه ممالک عظیم، درباره جنگ و قحطی ^{۱۹} و طاعون نبوت کرده‌اند. آن نبی که درباره آرامش نبوت می‌کند، زمانی همچون نبی‌ای که به راستی از سوی یهوه فرستاده شده مورد تصدیق قرار می‌گیرد که سخن آن نبی روی دهد.

^{۲۰} حنانیای نبی تیرک را روی گردن ارمیای نبی برگرفت و آن را خرد کرد.^{۲۱} حنانیا در حضور تمام قوم گفت: «یهوه چنین سخن می‌گوید: این چنین است که پس از دو سال، یوغ نبوکدنصر، پادشاه بابل را از روی گردن تمام ملت‌ها خرد

۱) قرائت برخی نسخ خطی دیگر: «جنگ و مصیبت و طاعون». دو اصطلاح آخر در ترجمه یونانی نیست. و وولگات چنین قرائت می‌کند: « المصيبة و القحطى ».
Z حنانیا نیز عملی نمادین انجام می‌دهد و اگر به امر خداوند گفته شده بود، می‌باشد آینده را تعیین کند (ر.ک. توضیحات ۲:۲۷).

^a یادداشتی در متن ماسورتی چنین آورده: «وسط کتاب بر اساس شمارش آیات».

^b قرائت عبری: «تو به جای آن، تیرک‌های آهنین خواهی ساخت». ترجمه‌ما مطابق است با ترجمه یونانی.
^c ر.ک. توضیحات ۱۳:۶. ۲۵:۱۳.

^d این موضوعی است که در تثنیه ۱۳:۶ به همین شکل مورد اشاره قرار گرفته و در ترجمه یونانی وجود ندارد؛ ر.ک. ۲۹:۳۲.

^e یعنی دو ماه بعد از نبوت ارمیا؛ ر.ک. آیه ۱.

بکارید و از میوه‌هایش بخورید؛^۶ زن بگیرید و پسران و دختران تولید کنید؛ برای پسرانتان زن بگیرید و دخترانتان را شوهر دهید؛ باشد که پسران و دختران تولید کنند؛ در آنجا کثیر شوید و کاهش میابد!^۷ و طالب کامیابی سرزمینی^j باشید که شما را به آن تبعید کرده‌ام و نزد یهوه^k برای آن دعای خیر کنید، چرا که کامیابی^l عز^m:۱۰ باشد.ⁿ

^۸ زیرا یهوه لشکرها، خدای اسرائیل، چنین سخن می‌گوید: مگذارید انبیاتان که مت:۷ در میان شما هستند فریبتان دهند، و نه غیبگویانتان؛ و به خواب‌هایی که می‌بینند گوش فرا مدهید.^۹ زیرا ایشان به نام من به دروغ نبوت می‌کنند؛ من ایشان را نفرستاده‌ام^۱ - وحی یهوه.

^{۱۰} زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید: به محض اینکه هفتاد سال برای بابل تکمیل شود^m شما را ملاقات خواهم کردⁿ و باز^{۱۴:۳۳} گرداندن شما به این مکان، سخن نیکوی

نامه به نخستین تبعیدی‌ها^f

نامه ار ۲۹ و این است مضمون نامه‌ای که ارمیای نبی از اورشلیم برای آنچه که از مشایخ تبعید باقی مانده بود، و برای کاهنان و انبیا و تمام قومی که نبیوکدن‌نصر از اورشلیم به بابل تبعید کرده بود، فرستاد.^{۱۵:۲۴}^۲ پس از آنکه یکنیای پادشاه، و بانوی بزرگ، و خواجه سرایان، و بزرگان یهودا و اورشلیم، و آهنگران، و قفل سازان از اورشلیم خارج شدند.^۳ [آن] به دست العاسه، پسر شافان^g، و جَمَرَیا، پسر حلقیا^h [برده شد] که صدقیا، پادشاه بابل گسیل داشته بود. [نامه] می‌گفت:

در این فاصله، مستقر شوید!

^۴ چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها، خدای اسرائیل، با تمام تبعیدی‌هایی که از اورشلیم به بابل تبعید کرده‌ام:^۵ خانه‌ها بسازید و در آنها ساکن شوید؛ باغ‌ها

^f این نامه احتمالاً اندکی بعد از تبعید سال ۵۹۷ ق.م. ارسال شد. تبعیدی‌ها میان نامی‌دی و امید به بازگشتی آتی سرگردان بودند. این امید را انبیایی بر می‌انجیختند و تداوم می‌بخشیدند که در میان ایشان می‌زیستند. ارمیا به ایشان می‌گوید که تبعید طولانی خواهد بود و اینکه باید شرایط جدید زندگی را پیذیرند و در مورد آینده، برداشتی سیاسی و ملی گرایانه افراطی نداشته باشند. او ضمن اینکه چشم انداز بازگشتی آتی را حفظ می‌کند (آیات ۱۰-۱۶)، ایشان را فرا می‌خواند تا فکر نکنند که هموطنانشان که در سرزمین باقی مانده‌اند، افرادی ممتازند (آیات ۲۰-۲۱)، بلکه بدون افکاری پنهانی در وطن جدیدشان مستقر شوند (آیات ۷-۴) و از این امر خوب آگاه باشند که کلام خداوند برای ایشان است (آیه ۲۰). این نامه به منزله آغاز مرحله مهمی است که همانا منتشر یهودیان پراکنده است. این فصل بیانگر این است که میان اورشلیم و تبعیدی‌ها ارتباط بسیار وجود داشت.

^g ر.ک. توضیحات ۲۶:۲۴.

^h حلقیا احتمالاً آن کاهنی است که در سال ۶۲۲ ق.م. «کتاب شربعت» را در معبد یافت (ر.ک. ۲-پاد ۲۲).

ⁱ تمام اینها براین نکته تأکید می‌گذارد که استقرار قوم در سرزمین تبعید چقدر باید مهم و پایدار بوده باشد؛ ارمیا دست کم دو نسل را پیش بینی می‌کند؛ ر.ک. ۷:۲۷.

^j قرائت عبری: «شهر». ترجمه ما می‌بینی است بر قرائت یونانی.

^k ارمیا تا آجای پیش می‌رود که طالب شفاعت برای حکومتی مشترک می‌شود؛ ر.ک. ۱-نیمو ۲-۱:۲.

^l ر.ک. توضیحات ۱۳:۲۵؛ توضیحات ۲۵:۲۵؛ توضیحات حرق ۱:۱۳.

^m ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۱.

ⁿ مانند ۲۷:۲۲.

اهالی یهودا که در سرزمین مانده‌اند،
به نویه خود مجازات خواهند شد^۱
^{۱۶} زیرا چنین سخن می‌گوید یهوه خطاب
به پادشاهی که بر تخت سلطنت داود
نشسته، و خطاب به تمام قومی که در این
شهر ساکن‌اند، (یعنی) برادرانتان که با
شما به تبعید نرفته‌اند؛^{۱۷} یهوه لشکرها
چنین سخن می‌گوید: اینک من شمشیر و^{۱۰:۲۴}
قحطی و طاعون را نزد ایشان خواهم
فرستاد.^{۱۸} ایشان را با شمشیر و با قحطی
و با طاعون دنبال خواهم کرد، و ایشان را
مایه وحشت برای تمامی ممالک زمین^{۱۷:۳۴}
خواهم ساخت، و نفرین^۱ و ویرانی و
استهzaء^{۱۹} و رسایبی^۷ در همه ملت‌هایی که
ایشان را به آنجا براهم،^{۱۹} از آنجا که به
سخنان من گوش نگرفتند - وحی یهوه - حال
آنکه خدمتگزارانم، انبیا را بدون خستگی
نزد ایشان فرستادم؛ و شما گوش^{۵:۲۶}
نگرفتید!^w! - وحی یهوه.

۰ تحتاللفظی: «راه خواهید رفت». با توجه به شور و شوق مذهبی این مضمون، می‌توان حدس زد که منظور، اشاره به مراسم زیارتی است. نظر مفسران یهودی نیز می‌تواند درست باشد که این عبارت را این گونه برداشت می‌کنند: «طريق مرا دنبال خواهید کرد».
P «بخت شما را تغییر خواهم داد». این ساختاری است سامي که از واژگان سیاسی عاریت گرفته شده و معنی آن، استقرار مجدد سلسله سلطنتی یا بازسازی شهر است. این فرمول نزد ارمیا مکرراً به کار رفته (۳:۳۰؛ ۱۸:۱؛ ۲۳:۳۱؛ ۲۳:۳۲؛ ۴:۳۲؛ ۷:۳۳؛ ۴:۳۳؛ ۱۱:۱)،^{۲۶} ۴:۳۰؛ ۳:۳۰؛ ۶:۳۹؛ ۴:۴۷؛ ۴:۴۸؛ ۳:۳۹؛ ۶:۴؛ R. ک. بول (۱:۴). در جاهای دیگر، منظور همان «تغییر بخت و سرنوشت» است (تث ۳:۳؛ حرق ۱۶:۳؛ ۵:۳؛ ۱۴:۲۹؛ ۵:۳؛ ۱۴:۹؛ ۲:۲۵؛ ۳:۹؛ ۱۴:۶؛ هو ۱۱:۶؛ ۲:۲۵؛ ۳:۹؛ ۱۴:۹؛ عا ۱۱:۶؛ ۲:۲۵؛ ۳:۹؛ ۱۴:۲۹؛ ۷:۵۳؛ ۷:۵۴؛ R. ک. توضیحات یول (۱:۴)، یا «بازگرداندن اسیران» (مز ۱۴:۷؛ ۷:۵۳؛ ۷:۵۴؛ R. ک. توضیحات یول (۱:۴)، یا «بازگرداندن محبوسان» (مرا ۱۴:۲) به کار رفته است. اگر روی معنای کلمات آن بازی کنیم، می‌توانیم گاه این گونه نیز ترجمه کنیم: «بازگشتن با اسیران» مز ۴:۱۲۶ (R. ک. آیه ۱) و توضیحات نا ۳:۲.

Q این آیه مقدمه‌ای است بر وحی ای که در آیات ۱۹-۲۱ تداوم موضوع را قطع می‌کند و در ترجمه یونانی نیز نیامده، با این حال در استدلال نامه نقش خاص خود را ایفا می‌کند (R. ک. توضیحات آیه ۱).

R این وحی به همان موضوعی می‌پردازد که در رؤیای دو سبد ذکر شده (فصل ۲۴): احتمالاً مربوط به همان دوره نیز می‌شود.

S تکرار تصویر مذکور در ۸:۲۴.

T R. ک. توضیحات ۶:۲۶؛ ۱۸:۴۲؛ ۱۲:۴۴.

U R. ک. توضیحات ۱۸:۱۸.

V تحتاللفظی: «و ناسزا»؛ R. ک. ۹:۲۴.

W ترجمه‌ما می‌تئی است بر قرائت عبری. ترجمه سریانی و نسخ خطی یونانی چنین قرائت می‌کنند: «اما ایشان گوش نمی‌گیرند».

خدای اسرائیل: از آنجا که تو به نام خویش، نامه‌هایی به تمام قومی که در اورشلیم هستند، و به صَفَنْیَای کاهن، پسر مَعَسِیَا^b، و به تمام کاهنان فرستاده‌ای تا بگویی: ^{۲۶} یهوه تورا به جای یهودیان کاهن، به مقام کاهنی قرار داده تا در خانهٔ کاهن، به نبوت کند: اینکه برو هر دیوانه‌ای که نبوت کند نظرات کنی، او را در گُنده و زنجیر^c بگذاری؛ ^{۲۷} پس چرا ارمیای عناتوتی را توبیخ نکرده‌ای که برای شما نبوت می‌کند؟ ^{۲۸} زیرا اینکه او به ما در بابل کتبًا خبر داده ^{۷:۳۲} که: طولانی خواهد بود! خانه‌های بسازید و در آنها ساکن شوید؛ باغ‌ها بکارید و از میوه‌هایش بخورید...»

^{۲۹} صَفَنْیَای کاهن این نامه را به سمع ارمیای نبی خواند. ^{۳۰} کلام یهوه به این مضمون بر ارمیا فرا رسید: ^{۳۱} این پیام را برای تمامی تبعیدی‌ها بفرست: «یهوه دربارهٔ شمعیا‌های نحلامی، چنین سخن می‌گوید: از آنجا که شمعیا‌های برای شما نبوت کرده، حال آنکه من او را نفرستاده بودم، و به واسطهٔ دروغ به شما اطمینان ^{۹:۲۹} داده است^d، ^{۳۲} بسیار خوب، یهوه چنین سخن می‌گوید: اینکه شمعیا‌های نحلامی و نسلش را تنبیه خواهم نمود: هیچ یک از

از انبیای دروغین بر حذر باشید!^X

^{۱۰} و اما شما، به کلام یهوه گوش بسپارید، ای تمامی تبعیدی‌هایی که از اورشلیم به بابل فرستاده‌ایم. ^{۲۱} چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها در بارهٔ اخاب، پسر قولیا، و صدقیاهو، پسر مَعَسِیَا که به نام من برای شما دروغ را نبوت می‌کنند: اینکه ایشان را به دست نبودن نصر، پادشاه بابل تسلیم می‌کنم و او ایشان را در برابر چشمان شما خواهد زد. ^{۲۲} و از ایشان لعنتی برای تمام تبعیدی‌های یهودا که در بابل هستند خواهند ساخت؛ خواهند گفت: «بادا که یهوه تورا مانند صدقیاهو و مانند اخاب بسازد که پادشاه بابل ایشان را در آتش کتاب کرد!^{۲۳} زیرا که ایشان حماقتی در اسرائیل^{۲۴} مرتکب شده‌اند چرا که با زنان یاران خود مرتکب زنا شده‌اند^e و به نام من سخنانی بیان کرده‌اند بی‌آنکه من آن را ^{۱۵:۱۵} به ایشان امر کرده باشم. من این را می‌دانم و شاهد آن می‌باشم! وحی یهوه.

اعتراض کننده به این نامه، مورد لعنت قرار می‌گیرد

^{۲۴} و به شَمَعِیا‌های نَحَلَامِی بگو: ^{۲۵} «چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها،

X متنی ۱۵:۷. مذمت‌هایی که به انبیایی دروغین خطاب شده، همان مذمت‌های ۹:۲۳-۴۰ می‌باشد (ر.ک. توضیحات ۱۹:۲۳).

y این آیه معنای فرمول «نفرین و لعنت و رسایی» (ر.ک. آیه ۱۸ و توضیحات) را به خوبی روشن می‌سازد. نیز ر.ک. اش ۱۵:۶۵: ۱۵:۷؛ برای برکت، ر.ک. پید ۲۰:۴۸.

z این اصطلاح در بید ۷:۳۴؛ تث ۱۵:۷؛ ۱۱:۲۲؛ ۱۵:۷؛ ۱۲:۱۳ یافته شود.

a در خصوص فساد اخلاقی انبیا، ر.ک. توضیحات ۱۰:۲۳.

b ر. ک. توضیحات ۶:۲۰ و توضیحات ۱:۲۱. بر اساس آیات ۲۶ و ۲۹، این پیام خطاب به شخص او بوده است. لذا به نظر می‌رسد که اشاره به سایر گیرندگان، در محل درست خود قرار نداشته باشد؛ این اشاره در ترجمه یونانی نیز نیامده است.

c ر. ک. توضیحات ۲:۴۰.

d ر. ک. توضیحات ۲۵:۱۳.

^۴ پس این است سخنانی که یهوه خطاب به اسرائیل و خطاب به یهودا گفته است:

یادآوری مجازات

^۵ «یهوه چنین سخن می‌گوید:

فریاد وحشت شنیده ایم؛

ترس است، نه آرامش!

^۶ پس بپرسید و بنگرید:

آیا ذکور می‌زاید؟

چرا می‌بینم جمله مردان را

دست‌ها بر کمر، بسان زنی که می‌زاید؟

چرا جمله رخسارها

به کبودی گراییده است؟

^۷ وای که بزرگ است آن روز^k،

مانند آن نیست!

برای یعقوب زمان پریشانی است

اما از آن رهایی خواهد یافت.

۱۵:۸

۱۳:۱۸

دان ۱:۱؛

مکاف ۱۸:۱۶

۸:۱۴

خوبی‌شانش در میان این قوم ساکن خواهد شد و نیکویی را که به قوم خود خواهم نمود خواهد دید - وحی یهوه - چرا که در مورد یهوه پیمان شکنی را موقعه کرده است^e.

احیای قوم اسرائیل^f

مقدمه

^۱ کلامی که از سوی یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید: ^۲ چنین سخن می‌گوید یهوه، خدای اسرائیل: تمامی سخنانی را که به تو گفته‌ام، در کتابی بنویس^g; ^۳ زیرا روزهایی می‌آید - وحی یهوه - که در آن بخت قوم خود، اسرائیل و یهودا را تغییر خواهم داد^h - یهوه می‌گویدⁱ - و در آن ایشان را به سرزمینی که به پدرانشان داده‌ام باز خواهم گرداند و ایشان مالک آن خواهد شد.

۵ ر. ک. توضیحات ۱۶:۲۸

^f فصل‌های ۳۱-۳۰ شامل تعدادی وحی است که همگی به توصیف آیندهٔ عالی قوم خدا می‌پردازد؛ ایشان گرچه در حال حاضر پراکنده و در سختی هستند، اما به فلسطین باز خواهند گشت و در شرایطی کاملاً جدید، پیرامون صهیون گرد خواهند آمد (۶:۳۱، ۱۲) به نظر می‌رسد که قدیمی ترین این وحی‌ها خطاب به اسرائیل شمالی یا افرایم بوده باشد (ر. ک. ۳:۳، ۵-۶، ۱۸)، که «نخست‌زاده» خدا (۳:۳۱)، و نسل راحیل است (۹:۹، ۲۰) و در آرزوی بازگشت به سامره می‌باشد (۵:۳۱): لذا این وحی‌ها متوازی است با ۱۱-۱۸ و احتمالاً مربوط به همان دوره می‌گردد (ابتداً خدمت ارمیا). محتمل است که این وحی‌ها، پس از ویرانی اورشلیم، بر اساس شرایط جدید مجدد قرار گرفته باشد، یعنی اینکه به یهودا نیز نسبت داده شده باشد (ر. ک. ۳:۳۰، ۲۷-۲۳:۳، ۳۱) و با اضافه شدن عناصری جدید، غنای بیشتری یافته باشد (ر. ک. ۳۱-۳۸:۴۰)، که بعضی از آنها یادآور سبک و اندیشه‌اشعیا ۴۰-۳۷:۳۲، ۱۰:۱۰، ۱۰:۳۱، ۱۰:۳۱؛ این فصل‌ها بر خصوصیت اجتناب ناپذیر رنج تاکید می‌گذارد. این رنج برای تربیت قومی نافرمان (۱۴:۳۰، ۱۴:۳۱، ۱۹:۳۱، ۱۹:۳۲) ضروری است (۱:۳۰، ۱:۳۱، ۱:۳۱)، اما علاوه بر این، در این فصل‌ها بر عمق محبت الهی (۳:۳۱)، و فیضی که اراده خدا را در اعماق وجود انسان ثبت می‌کند (۳۱:۳۱-۳۴:۳۱) نیز تأکید می‌شود.

^g نظیر ۲:۲، ارمیا دستور می‌باید تا سخنان خدا را به نوشته درآورد؛ آیات ۳-۱ احتمالاً مقدمه‌ای است از سوی ویراستاران بر «کتاب تسلیات» (فصل‌های ۳۱-۳۰)، اما مقدمه‌اولیه در ۴:۳۰ یافت می‌شود.

۱۴:۴۹ ر. ک. توضیحات

۱۴:۶ ر. ک.

۷-۵ حاوی یادآوری کلی است در مورد «آن روز بزرگ» تأثیب (ر. ک. توضیحات آیه ۷): نبی شرایط اسف بار اسرائیل شمالی پس از پراکنده شدنشان در سال ۷۲۲ را به این شکل تفسیر می‌کند. «دردهای زاییان» پیش درآمدی است ضروری بر استقرار مجده؛ ر. ک. آیات ۱۲-۱۷: ۲۳: ۲۳ توضیحات ۱۹: ۲۳؛ ۲۱: ۶.

^k اشاره‌ای است به «روز خداوند»، یعنی روز ظهور پر جلال خداوند که نیروهای آسمانی گردش را گرفته‌اند، روز تجلی (تعوفانی) که تابودی هر آنچه را که با قدوسیت خداوند ناسازگار است در پی دارد؛ ر. ک. یو ۱: ۱۵؛ ۲: ۱؛ توضیحات عا ۱۸:۱؛ صفحه ۱۴:۱.

۱۸،۱۰:۵ فقط تو را قلع و قمع خواهم کرد،
بلکه تو را بر طبق عدالت اصلاح خواهم
نمود^۰.

۱۸:۱۴ خروج:۷:۳۴ و تو را بی مجازات نخواهم گذارد.
۱۲ اعد:۱۴ زیرا یهوه چنین سخن می گوید:
شکستگی ات درمان ناپذیر است^p
و رزمنت، لاعلاج!
۱۳ هیچ کس از دعوای تو دفاع نمی کند،
و برای جراحت مرهمی نیست،
زحمت التیام نمی یابد^۹.

۱۱:۴۶ ۱۴ جمله عاشقانت^t تو را از یاد برده اند،
دیگر به فکرت نیستند.
چرا که تو را زده ام، آن سان که دشمن ایوب^{۱۹:۲:۱۱}
می زند،

۱۲:۷ با مكافاتی بی رحمنه،
به سبب بزرگی خطایت،
چرا که گناهانت سنگین بود.
۶:۵ ۱۵ از چه روی به سبب شکستگی ات
فریاد برمی آوری،
به سبب درد درمان ناپذیرت؟
۱۲:۳۰ این را به تو کردم
به سبب بزرگی خطایت،
از آنجا که گناهانت سنگین بود!
۱۶ ۲۵:۱۰ اما آنان که تو را می درند، دریده
خواهند شد،

رهایی یافته برای خدمت کردن^۱

^۸ پس در آن روز - وحی یهوه لشکرها -
یوغ را از روی گردشان خواهم شکست و
لاآش:۲۶:۲۵؛
بندهاشان را خواهم گسست^m. دیگر
حرز:۳۴:۲۷؛
بیگانگان را برده گی نخواهند کرد،ⁿ بلکه
نا:۱۳:۱۴؛
یهوه، خداشان و داد پادشاهشان را که
مز:۱۰:۷؛
برایشان برخواهم انگیخت، خدمت
خواهند کردⁿ.

زخم و شفا^{۲۸-۲۷:۴۶}

۱۰ اش:۲۴:۲ و تو، ای خدمتگزارم یعقوب، مترب
- وحی یهوه - و ای اسرائیل، مهراس!
۱۷:۱ زیرا اینک تو را از دوردست ها رهایی
۱۱:۴۲ خواهم داد،
و اعقابت را از سرزمهینی که در آن
اسیرند.
یعقوب بازگشته، در آرامی خواهد
زیست،
میک:۴:۴ آسوده، بی آنکه کسی او را مضطرب
صف:۳:۳ سازد.
۸:۱ ۱۱ زیرا من با تو هستم - وحی یهوه - تا تو
را برهانم،
نا:۱۱:۹ زیرا در میان تمامی ملت ها که تو را در
آنها پراکنده ساخته ام.
۱۵:۹ قلع و قمع خواهم کرد;

۱. ر. ک. توضیحات خروج ۱۲:۳؛ لو ۷۴:۱.

۲. قرائت عبری: «از گردن: بندهایت». این اصطلاحات از ۲۰:۲ و ۱۱:۲۸ اخذ شده، اما با مفهومی جدید، به این ترتیب که
خداآند خودش، در زمان مناسب، آزادی واقعی را خواهد آورد؛ ر. ک. اش ۱۳:۱؛ نا ۲۷:۱۰.

۳. ر. ک. سبک ارمیا و انبیا به طور کلی تشکیل یافته باشد.

۴. ترجمه های احتمالی دیگر، «تو را خواهم آموخت تا نظم را محترم بداری»؛ یا «تو را به اندازه اصلاح خواهم نمود» (ر. ک.).

۵. توضیحات ۰:۲۴؛ ۶:۲؛ ۹:۹؛ ۱۱:۱۸؛ ۸:۹؛ ۱۰:۳۳؛ ۱:۱۸؛ ۱۷:۵؛ ایوب ۱:۱۰-۱۹.

۶. ر. ک ۳۰:۱۵؛ ۱۵:۱۵؛ ۹:۱۸؛ میک ۱:۱۰؛ اش ۱:۱۷؛ ۱۹:۱۱؛ ۱۷:۱۴؛ ۱۰:۱۱. لاعلاج: ر. ک ۱۷:۱۴؛ نا ۳:۱۹.

۷. این ترجمه ای است احتمالی.

۸. اشاره ای است به متحداش؛ ر. ک. توضیحات ۲۰:۲۲.

و خنده های بلند.
آنان را کثیر خواهد ساخت و کاهش
خواهند یافت،
ایشان را جلال خواهم داد و خوار
نگاهداشت.

۲۰ پسرانش همچون روزگاران کهنه
خواهند بود،
و اجتماععش در حضور من استوار خواهد اش: ۱۶

و جمله ستمگرانش را مجازات خواهم نمود.

۲۱ «رئیسش» از او صادر خواهد شد
و «حاکمیت» از بطن او برtron خواهد زکی.^{آمد،}

و من او را نزدیک خواهم ساخت، و او به
سوی من پیش خواهد آمد؛
زیرا کدام است آن کس که زندگی
خوبیش را به خطر اندازد
تا به سوی من پیش آید^۱ - وحی یهوه.
۲۲ شما قوم من خواهید بود، و من خدای
شما خواهیم بود.

١:٣١
لاؤ٢٦:١٢
٢٩:١٢
٢-١١:٧

اش ۴:۲۰؛ نام ۱۰: خواهند رفت؛

آنان که تورا تاراج می کنند، تاراج
خواهند شد،

۱۱:۲۰ تمام آنان که تو را غارت می‌کنند،
ایشان را به غارت خواهم سپرد.

۶:۳۳ ^۷زیرا که زحمت را التیام خواهم بخشد
و تو را از جراحت هایت شفا خواهم داد.

یہوہ - حی و رحی

۱۹:۱۴ تورا که «رانده شده» می خواند، و «صهیونی^۸ که کسی را درباره آن دغدغه حاطر نیست!»

احیای قوم خداوند...

^{۱۸} یہو چنین سخن می گوید:

۱۱:۹۱) اینک بخت خیمه های یعقوب را تغییر خواهم داد

و بر اقامت گاه هایش ترحم خواهم فرمود؛
شهر بر تیه خود بازسازی خواهد شد^t

و قصر مکان خود را باز خواهد یافت.
۱۹ از آنها سر ودهای ستایش، سروون

قرائت یونانی: «طعمهٔ ما». شاید این کلمه اصطلاح اویله‌ای باشد که در اثر غم هجران تبعیدیوں یهودا دستخوش تغییر شده، ر.ک. مز ۱۳۷؛ در این صورت، این تغییر علامتی است از بازخوانی متن اصلی از سوی اهالی یهودا؛ ر.ک. توضیحات ۱:۳۰ در زبان عبری، شکل کلمات «طعمهٔ ما» و «صهیون» بسیار مشابه است. باید اذعان داشت که اشاره به صهیون در چنین مجموعه‌ای، باعث تعجب است.

۱۰- ک. توصیحات ۲۰:۶ تحت الفظی: «چه کسی دل خود را در گرو خواهد گذارد تا به من نزدیک شود». - افعال «پیش آمدن» و «نزدیک شدن» جزو واژگان عبادت است (ر.ک. لاو ۵:۹؛ اعد ۱۹:۸)، اما برای شرفیابی به حضور پادشاه نیز به کار می‌رود.^۲ سمو ۱۵:۵؛ ر.ک. پید ۱۹:۴؛ اش ۱۸:۴؛ اش ۱۶:۴؛ برای نزدیک شدن و تقریب جستن به شخصیتی والامقام، رعایت تشریفات لازم ضروری است (ر.ک. استر ۱۱:۴). هر آن کس که جرات کند به خدا نزدیک شود، «زنده‌گی خود را در گروه می‌گذارد»، زیرا هر کس که خدا را بینند، در معرض خطر مرگ قرار می‌گیرد (ر.ک. خروج ۳:۳؛ داور ۲:۶-۲۳؛ اش ۵:۶)، مگر آنکه خود خدا او را «نزدیک سازد» تا تواند در مشورت‌های دربار آسمانی، شرکت حجود، ر.ک. زک ۷:۴.

ای باکرۀ اسرائیل^۷:
بار دیگر، خود را با دف‌هایت خواهی
آراست
و با رقص‌هایی شادمانه بیرون خواهی
آمد،
بار دیگر تاکستان‌ها خواهی کاشت
بر کوه‌های سامرۀ:
آنان که [آنها] را می‌کارند، از نوبرش
برخوردار خواهند شد.
زیرا روزی می‌آید که
نگهبانان بر کوه افراییم فریاد خواهند
زد:
«برخیزید! به صهیون برآیم
به سوی یهوه، خدای ما!»

آمدن خداوند به صهیون با قومش
^۷ زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید:
برای یعقوب فریاد شادمانی سر دهید،
نخستین ملت‌ها را با هلهله بستایید!
بگذارید صدایتان را بشنوند، و بستایید
و بگویید:
«یهوه قوم خود را نجات داده است^Z،
بقیه اسرائیل را!»
اینک من ایشان را از سرزمین شمال
خواهم آورد

... پس از طوفان^۷
۳۲:۵ ۳۳:۲۳ اینک تنده بار یهوه؛ وحشت بیرون
آمده، طوفان بیداد می‌کند،
بر سر بدکاران قهر خود را تخلیه
می‌کند.
۳۴ شدت خشم یهوه بر خواهد گشت
تا به انجام نرسانده باشد و تحقق
نبخشیده باشد
طرح‌های دلش را؛
در ادامه این را درک خواهید کرد.
۷:۱۳ ۳۳:۳۱ خدای تمامی خانواده‌های اسرائیل
خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود.
۳۱ ۳۳:۳۲ ۳۸:۳۲ ۲۰:۱۱ یهوه چنین سخن می‌گوید:
۱۶:۲ خود را محبت نموده ام؛
در بیان فیض یافته است؛
اسرائیل به سوی آسودگی خود راه می‌رود.
۳ ۳۴:۱ ۴:۱ ۱۵:۱۰ ۸:۷ ۲:۱۱ یهوه از دور بر او ظاهر شده است^W.
با محبتی ابدی تو را محبت نموده ام؛
از این رو تو را با وفاداری جذب
کرده‌ام^X.
۴ بار دیگر تو را بنا خواهم کرد و بنا
خواهی شد،

۷ تکراری تقریباً لغوی از ۲۰-۱۹:۲۳ (ر.ک. توضیحات). ویراستاری که این بخش را در اینجا قرار داده، احتمالاً می‌خواسته
یادآوری کند که نجاتی که خدا عنایت می‌فرماید، به معنی رفع داوری نیست.
W ترجمه‌ما مبتنی است بر قرائت یونانی. این جمله از زبان مردمان بیان می‌شود، گویی نوع مکافهۀ گروهی دریافت می‌دارند.
اما در قرائت عبری، این جمله از زبان نبی بیان می‌شود: «یهوه از دور بر من ظاهر شده است». چنین قرائتی می‌تواند به این
معنی باشد که نبی، وحی خود را در مورد نجات مشروعیت می‌بخشد.
X ر.ک. به ساختاری مشابه در مز ۱۱:۳۶ و ۱۲:۱۰۹.

۷ «بنا کردن» در اینجا معنایی دوگانه دارد: همان گونه که خدا در گذشته زن را از دندۀ مرد بنا کرد (پید ۲۲:۲)، همان گونه نیز
باکرۀ اسرائیل را بنا خواهد کرد تا از او شخصی کامل بسازد؛ در ضمن، او این کار را با «بازسازی» سرزمین انجام خواهد داد.
Z ترجمه بر اساس قرائت یونانی. - قرائت عبری: «ای یهوه، قوم خود را نجات ده!» (ر.ک. توضیحات متی ۹:۲۱).

به سوی گندم و به سوی شراب نو، و به سوی روغن تازه،
سوی گوسفندها و گاوها؛
به سوی گانشان همچون باغی آبیاری شده خواهد بود
و دیگر درماندگی را نخواهند شناخت.
آنگاه دختر جوان به رقصیدن شادمان مز ۱۲:۱۴۸ اش ۱۱:۵۸

سوگ ایشان را به وجود بدل خواهم ساخت،
و ایشان را تسلی خواهم بخشید و پس از
تصییشان، ایشان را شاد خواهم ساخت.
گلوی کاهنان را از چربی سیراب خواهم ساخت^b
و قوم از احسان‌های من سیر خواهند شد - وحی یهوه.

گریه و تسلی

یهوه چنین سخن می‌گوید:
گوش کنید! در رامه ناله‌ها به سمع مت ۱۸:۲

می‌رسد،
گریه‌هایی تلخ:
راحیل است که برای پسروانش می‌گرید؛
از تسلی یافتن سر باز می‌زند،
زیرا که ایشان دیگر نیستند.
یهوه چنین سخن می‌گوید:
صدای خود را از گریستان باز دار

از انتهای اقصای زمین ایشان را گرد خواهم آورد، با کوران و لنگان،
زن باردار و زائورا، همگی را با هم:
جماعتی بزرگی که به اینجا خواهد آمد!^a
با گریه رفته بودند،
و با تسلیات ایشان را باز خواهم آورد؛
ایشان را به سوی آب‌های روان هدایت خواهم کرد
از راهی متحد
که در آن نخواهند لغزید.
چرا که من برای اسرائیل پدر هستم^۳،
و افراییم نخست‌زاده من است.

ابلاغیه رسمی: اسرائیل بازسازی شده است

بسنی ۱۰: بشنوید، ای ملت‌ها، کلام یهوه را،
آن را در جزیره‌های دوردست اعلام
دارید؛ بگویید:
او که اسرائیل را پراکنده ساخته،
ایشان را گرد خواهد آورد،
و آنان را حفظ خواهد کرد، همچون
چوپانی گله اش را».^۴

خرو ۱۳: زیرا یهوه یعقوب را رهایی داده،
آنان را از دست کسی نیرومندتر از
ایشان بازخرید کرده است.^۵

با غریو شادی، به بلندی‌های صهیون
می‌رسند،
و به سوی احسان‌های یهوه سرازیر
خواهند شد،

a ر ک ۱۹:۳؛ تث ۳۲:۶؛ اش ۱:۲؛ ۱۰:۲؛ ۶:۱؛ ۱۶:۶۳؛ ۷:۶۴؛ ۱۶:۱؛ ۱:۱۱. (نخست‌زاده) ر ک خرو ۴:۲.
b کاهنان تمام چربی‌های قربانی را بر قربانگاه می‌سوزانند و بخشی از گوشت قربانی نیز به ایشان می‌رسید.

ترجم خواهم نمود، بر او ترجم خواهم
نمود^e - وحی یهوه.
مکا ۴:۲۱ و چشمانت را از ریختن اشک؛
۷:۱۵ تواد^f زیرا که عملت اجرتش را خواهد داشت -

۱۳:۱۴ وحی یهوه
ایشان را سرزمین دشمن باز خواهند آمد.
۱۷ ۱۱:۲۹ آری، برای آینده ات امید هست -
وحی یهوه-
پسران به زمینشان باز خواهند آمد!
۱۸ می شنوم، می شنوم افراییم را که
اندوهگین است:
۲۱:۳ «مرا اصلاح کردي، و اصلاح پذيرفتم
به سان گا و نرجوان تربیت نشده.
۱۹:۱۵ ۱۴:۱۷ ۴:۸۰ مژ
مرا باز آور و باز خواهم گشت،
۲۱:۵ چرا که تو یهوه، خدای من هستی!
۱۹ آری، پس از آنکه منحرف شدم، توبه
کردم،
و چون تعلیم یافتم، بر ران خود زدم.^c
شرمسار بودم و حتی سرخ شدم
چرا که ننگ جوانی ام را حمل
می کردم».
۲۰ پس آیا افراییم برایم پسری گرانقدر
است و فرزندی عزیز،
اش ۳:۳۱ ۱:۱۵ ۹:۶۳ ۳۲:۳ که هر بار که بر علیه او سخن می گویم،
مرا ۳:۳۱ باز باید او را به یاد آورم^d?
به همین سبب است که احشایم برای او
می لرزد؛

احیای یهودا
۳:۳ چنین سخن می گوید یهوه لشکرها،
خدای اسرائیل: آن زمان که بخت ایشان را
تعییر دهم، بار دیگر این سخن را در سرزمین
یهودا و در شهرهایش خواهند گفت:
بادا که یهوه تورا برکت دهد،
ای مسکن عدالت،
ای کوه تقدس!^e

^c ر. ک. حرق ۱۷:۲۱ . ۱۵:۱۵ ^d ر. ک.
^e می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «او را محبت می نمایم، آری، محبت می نمایم». محبت خدا نسبت به اسرائیل، محبت پدری است که نسبت به پسر مسرف و گمشده اش، ترجمی عمیق دارد.
^f معنای فعل عربی مهم است. ریشه آن به معنی «فهم بودن» است، اما مفسران یهودی آن را در معنای «گشتن دور خود» استنباط کرده اند.

g منظور از «احاطه کردن» اظهار عشق کردن می باشد. این اصطلاح که کاربردش باعث حیرت است، احتمالاً به این معنی است که از این پس این زن است (یعنی قوم اسرائیل) که به دنبال جلب نظر مرد (یعنی خدا) خواهد بود، حال آنکه تا کنون این خداوند بوده که به دنبال جلب نظر قومش بوده است.

۲۹ در آن روزها دیگر خواهند گفت:
پدران انگور ترش خوردند
و دندان پسران کند شد.^۱

۳۰ بلکه هر کس به سبب خطای خود ^{تث:۲۴:۲۴-۱۶:۲۴}
خواهد مرد:
هر کس که انگور ترش بخورد،
دندان خودش کند خواهد شد.

ارمیا

۳۳-۲۴:۳۱

۲۴ در آنجا یهودا و تمامی شهرهایش
جملگی استقرار خواهند یافت، ^h کشتکاران
و آنان که با گله‌ها حرکت می‌کنند.^۱

۲۵ زیرا جان تشنگان را سیراب خواهم
ساخت، و هر جان درمانده را سرشار خواهم
نمود.

۲۶ در اینجا، بیدار شدم و چشم‌ام را
گشود؛ و خوابم برایم دلپذیر بود.^۱

m عهد جدید

۳۱ اینک روزهایی می‌آید - وحی یهوه -

که با خاندان اسرائیل و با خاندان یهودا ^{۲-۶:۳}

عهدی جدید خواهم بست، ^{۳۲} نه همچون ^{۱۵:۹}

عهدی که با پدرانشان بستم، در آن روز که

دستشان را گرفتم تا از سرزمین مصر خارج ^{۱۰:۱۱}

سازم، عهدی که ایشان گسترنده، با اینکه

من ارباب ایشان بودم - وحی یهوه. ^{۳۳} بلکه

این است آن عهدی که بعد از این روزها با

خاندان اسرائیل خواهم بست - وحی یهوه -

شریعت خود را در درون ایشان خواهم نهاد

n نظام نوین، عدالت نوین

۲۷ اینک روزهایی می‌آید - وحی یهوه -

که خاندان اسرائیل و خاندان یهودا ^k را با

بذر انسان‌ها و با بذر حیوانات بذرپاشی

خواهم کرد. ^{۳۸} آنگاه، به همان گونه که بر

آن برای برکت‌دن و کوفتن و پیران کردن

و برای هلاک نمودن و مصیبت رساندن

نظرارت کردم، به همان گونه نیز برآنان

برای بنا کردن و کاشتن نظرارت خواهم نمود

- وحی یهوه.

منظور احتمالاً این است که ساکنان تمام شهرهای یهودا (یعنی کشاورزان) و آنان که در صحراها زندگی می‌کنند (کوچ نشینان)، هر دو در کنار هم در آرامش زندگی خواهند کرد. ترجمه دیگر که احتمالش کمتر است، می‌توان چنین باشد: «در آنجا در کنار هم ساکن خواهند شد - (در) یهودا و تمام شهرهایش - کشاورزان و کوچ نشینان».

۱ احتمالاً منظور گروه‌های کوچ نشین می‌باشد.
z خواب برای نبی دلپذیر بود زیرا مکافسه مربوط به آینده پر شکوه یهودا، در خواب به او اعطای شده بود.

۲ فرائت ترجمه یونانی: «اسرائیل و یهودا». ^k
۱ اهالی یهودا، خصوصاً تبعیدی‌ها، این برداشت را داشتند که مجبور ند جور گناهان پدرانشان را بکشند (آیه: ۲۹؛ ر.ک. حرق ۲:۱۸). ارمیا تصدیق می‌کند که می‌توانست چنین بوده باشد (ر.ک. خروج ۵:۲۰؛ ۷:۳۴)، اما اعلام می‌دارد که برای آینده، هر گونه مجازات‌گروهی یا متأخر متسوخت است. حرقیال از این نیز فراتر رفته، می‌گوید که جزا و پاداش اساساً امری فردی است (جزق ۱۸).

۳ عهد جدیدی که خدا پس از آنکه حاکمانه (آیه b۳۲) شکستن عهد قدیم از سوی قوم را ببخشد (آیه ۳۴)، مبنی است نه بر تغییر رهنمودهای اعطای شده در سینا و تعهداتی که قوم در آنجا بر عهده گرفتند، ته برایینی جدید و کاملاً روحانی؛ بلکه مبنی است بر اینکه رهنمودها و تعهدات گذشته اینک در عمق وجود ایشان ثبت خواهد شد (ر.ک. اش ۷:۵۱؛ ۱۷:۴۸؛ ۱:۱۳؛ ۵:۴؛ ۳:۵۵؛ امث ۹:۶-۱:۶؛ غزل ۸:۲؛ روم ۲:۸؛ ۲۱:۹ و توضیحات). ساختار شخصیت فرد چنان اجبا و نوخواهد شد که بدون اینکه نیاز به تعلیم شخصی دیگر داشته باشد، اراده خداوند را خواهد شناخت و آن را به جا خواهد آورد (ر.ک. زک ۹:۱۳ و توضیحات: ۱- یو ۲۰:۲، ۲۰:۲۷ و توضیحات: ۹:۳ و توضیحات). عیسی به هنگام بنیان نهادن قربان مقدس که نشانه تحقق عهد جدید می‌باشد، به همین نبوت اشاره می‌فرماید (لو ۲۰:۲-۱؛ قرن ۱۱:۲۵). آیات ۳۱-۳۴ به طور کامل در عبر ۸:۸ در بخشی که مربوط به توصیف عهد جدید می‌باشد، نقل قول شده است.

از اینکه در حضور من ملت باشد.
^{۳۷} یهوه چنین سخن می‌گوید:
 اگر کسی بتواند آسمان‌ها را در آن بالا
 اندازه بگیرد
 و در این پایین بنیادهای زمین را کاوش
 کند،
 آنگاه من نسل اسرائیل را رد خواهم
^P نمود
 به سبب تمام آنچه که کرده‌اند^۹. وحی
 یهوه.

شهر محفوظ و مقدس آینده
^{۳۸} اینک روزهایی می‌آید. وحی یهوه -
 که شهر برای یهوه بازسازی خواهد شد، از
 برج حَنَئِل^r تا دروازه زاویه^s. ^{۳۹} رسیمان
 اندازه گیری باز صاف نگاه داشته خواهد
 شد تا تپه جارب، و به سوی جوست دور
 خواهد زد. ^t و تمامی دره اجсад و
 خاکستر چرب^۱، و تمام مزارع تا آبکند
 قدرون، تا زوایه دروازه اسبان، در مشرق^{۱۱}،
^{۱۷:۴} یول
 برای یهوه وقف خواهند شد: دیگر بر
 خواهند کند، دیگر هیچ گاه ویران
 خواهند ساخت!^۷

و آن را بر دلشان خواهم نوشت؛ من خدای
^{۲۳:۷} ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند
^{۳۸:۳۲} ^{۲۸:۳۶} ^{۸:۸} زک^۴ و دیگر نه کسی همسایه خود را
 تعلیم خواهد داد و نه کسی برادر خود را و
 نخواهد گفت: «یهوه را بشناسید»: زیرا
^{۷:۲۴} ایشان همگی مرا خواهند ساخت، از
^{۹:۱۱} ^{۴:۵} ^{۹:۴} کوچکترین تا بزرگتریشان - وحی یهوه. چرا
^{۲۰:۵} که خطایشان را خواهم بخشید، و دیگر
 گناهشان را به یاد نخواهم آورد.

دلیستگی تزلزل ناپذیر خداوند به اسرائیلⁿ
^{۳۵} یهوه چنین سخن می‌گوید،
^{۱۶:۱} او که خورشید را قرار داد تا روز را
 روشن سازد،
 و ماه و ستارگان را تا شب را روشن
 سازند،
 او که دریا را می‌شکافد^۹، و موج‌هایش
 به غرش می‌آیند؛
^{۱۸:۳۲} ^{۲۷:۸:۵} یهوه لشکرها نام او است:
^{۳۶} ^{۱:۳} ^{۱۲:۶} ^{۴:۳۰} اگر این قوانین روزی از حضور من
 منسوخ می‌شد - وحی یهوه -
 آنگاه نسل اسرائیل نیز برای همیشه باز
 می‌ایستاد

ⁿ دلیستگی تزلزل ناپذیر خداوند به قومش، از یک سو مرتبط شده به قدرت خالق که با اصطلاحات عبادی و آیینی تبیین شده (آیه ۳۵)، و از سوی دیگر با گسترهٔ عالم هستی مقایسه شده که برای روح انسان غیرقابل دسترس است (آیه ۳۷: ر.ک. اش. ۱۲:۶؛ امث. ۴:۳۰).

^۹ سنت یهود در اصطلاح «دریا را می‌شکافد» اشاره‌ای مشاهده می‌کند به گذر از دریای قلزم (ر.ک. ایوب ۱۲:۲۶).

^p ترجمه‌ما می‌بینی است بر قرائت یونانی. - قرائت عبری: «تمام نسل اسرائیل را...»

^q یعنی «تمام آنچه که پدران کرده‌اند».

^r ر.ک. توضیحات نج ۱:۳.

^s ر.ک. توضیحات ۲- پاد ۱۴:۱۳.

^t ر.ک. لاو ۱۶:۱ و توضیحات: متلور بقایای قریانی‌ها است. در مورد این دره، ر.ک. توضیحات ۲۳:۲

^{۱۱} ر.ک. توضیحات ۲- پاد ۱۶:۱۱. این اصطلاح که الهام یافته از ۱۰:۱ می‌باشد (ر.ک. ۱۴:۱۲، ۷:۱۸: ۱۷-۱۴: ۱۴، ۱۵:۹: ۱۵:۹: ۱۱: دان ۴:۳) به این معنی است که شهری که بازسازی شده و وقف خداوند گردیده، برای همیشه محفوظ و مصون از تعرض خواهد بود.

کامیاب نخواهید شد^a!»
۴ ارمیا گفت^b: «کلام یهوه به این
 مضمون به من فرا رسید: ^۷اینک حنمیل،
 پسر شلوم، عمومیت، نزد تو خواهد آمد تا
 بگوید: مزرعهٔ مرا که در عناتوت است بخر،
 زیرا تو برای خریدن، حق باز خرید داری». ^{۲۱:۱۱}
^۸ حنمیل، پسر عمومیم، مطابق کلام یهوه نزد
 من در صحن محافظان آمد و مرا گفت:
 «مزرعهٔ مرا که در عناتوت، در سرزمین
 بنیامین است بخر، زیرا که تو حق اکتساب
 و حق بازخرید داری؛ آن را بخر». من پی
 بردم که این کلام یهوه است؛ ^۹من از
 حنمیل، پسر عمومیم مزرعه‌ای را که در
 عناتوت است خریدم و نقره را برایش وزن
 کردم، (یعنی) هفدهه مثقال نقره. ^{۱۰} قبله را
 نوشتم و آن را مهر و موم کردم؛ شاهدانی
 گرفتم و نقره را در ترازو وزن کردم.
^{۱۱} سپس قبله خرید را گرفتم، آن را که مهر ^{۴۴:۳۲}
 و موم شده بود و حاوی شروط و مفاد بود^c،
 و آن دیگری را که باز بود. ^{۱۲} قبله خرید را
 در حضور حنمیل، پسر عمومیم، و در حضور ^{۵۹:۵۱}

۳۳ ^{۱:۳۰} عملی نادین در بیان احیای یهودا^w
^{۲۹:۵۲} کلامی که از سوی یهوه در سال
 دهم صدقیا، پادشاه یهودا، بر ارمیا
 فرا رسید؛ این در سال هجدهم نبوکدنصر
 بود. ^۳ در آن زمان، لشکر پادشاه بابل
 او رشیم را در محاصره داشت، و ارمیا
 نبی در صحن نگهبانان که در حانه پادشاه
 یهودا بود در حبس به سرمه برد، ^۳ یعنی
 آنجا که صدقیا، پادشاه یهودا او را محبوس
 نموده بود و گفته بود: «چرا نبوت می‌کنی و
 می‌گویی؛ یهوه چنین سخن می‌گوید؛ اینک
 این شهر را به دست پادشاه بابل خواهم
 سپرد و او آن را خواهد گرفت»^x ^۴ و صدقیا،
 پادشاه یهودا، از دست کلدانیان رهایی
 خواهد یافت، بلکه یقیناً به دست پادشاه
 بابل سپرده خواهد شد. او با وی دهان با
 دهان سخن خواهد گفت و چشمانش
 چشمان وی را خواهد دید^y. ^۵ و صدقیا را
 به بابل خواهند برد و در آنجا خواهد ماند^z
 تا آنکه به کار او رسیدگی کنم^۶. و حی
 یهوه. اگر بر ضد کلدانیان بجنگید،

^w در بحیوحة محاصره او رشیم (۵۸۷-۵۸۸ ق.م.) ارمیا دعوت می‌شود تا دست به معامله‌ای ظاهرًا غیرمعقول بزند؛ یکی از خوبیشان نزدیکیش مجبور بود به دلایلی که بر ما پوشیده است، قطعه‌ای زمین بفروشد. لذا ارمیا از حق (یا وظیفه) فدیه خود استفاده می‌کند و زمین را مالک می‌شود. این معامله که هیچ نفع شخصی در بر ندارد، عنصری است از پیشگویی نبوتی او، و عملی است نمادین که روشنگر وحی ای در مورد نجات می‌باشد؛ طبق این وحی، علی رغم زمان‌های دشواری که یهودا پشت سر می‌گذارد، زندگی به زودی در آنجا به حالت عادی باز خواهد گشت.

^x ر. ک. توضیحات ۳:۳۴.

^y تحت الفظی؛ (بازدید کردن) واین بازدید میتواند دو معنا داشته باشد، یا بازدید رضایت بخش جهت ازad کردن یا دخالت تنبیه‌ی که آخرش مرگ میباشد. طبق اعداد ۲۹:۱۶ که ظاهرا در این متن معنی دوم دارا میباشد.

^z عبارت پایانی این آیه در ترجمه یونانی نیست؛ بازتاب ۵:۵ را در این عبارت می‌بینیم (ر. ک. توضیحات). ر. ک. ۲۲:۲۷؛ ۱۰:۲۹.

^a این توضیح که طبق آن، ظاهراً صدقیا ارمیا را به علت پیامش در مورد او رشیم محبوب کرد، با سایر مندرجات کتاب سازگار نیست. طبق این مندرجات، ارمیا را به این علت بازداشت کردنده که او را خائن می‌پنداشتند، و صدقیا در کل نظر مساعدی نسبت به نبی داشت. به نظر مرسد که آیات ۵-۲ اثر ویراستار باشد.

^b بعد از مقدمه (آیات ۱-۵)، به روایت خود ارمیا می‌رسیم.

^c این عبارت فرعی که در ترجمه یونانی نیست و ممکن است توضیح قاری باشد، ظاهراً می‌خواهد بگوید: «امان از این تشریفات اداری!» مگر آنکه خواسته باشد صرفاً بر جدی بودن سند خرید که با دقیق ترین روش قانونی انجام شده، تأکید بگذارد.

سرزمین مصر و تا به امروز در اسرائیل و در میان مردمان، نشانه‌های^e و عجایب قرار اع^{۳۶:۷} داده‌ای، و برای خود نامی ساخته‌ای همان گونه که امروز [می باشد].^{۲۱} تو قوم خود، اسرائیل را از سرزمین مصر با نشانه‌ها و عجایب، و با دست نیرومند و بازوی دراز شده، و با وحشت عظیم بیرون آورده.^f تو این سرزمین را به ایشان داده‌ای که برای پدرانشان قسم خورده بودی که به ایشان بدهی، سرزمینی که در آن شیر و عسل جاری است.^{۲۳} ایشان وارد آن شدند و آن را به مالکیت درآوردند، اما ایشان به صدای تو گوش نگرفته‌اند، و مطابق شریعت تو سلوک نکرده‌اند؛ از آنچه ایشان را امر فرموده بودی که انجام دهنده، هیچ انجام نداده‌اند. و تو بر ایشان تمام این مصیبت را واری آورده.^{۲۴} نج^{۳۰:۹} «اینک خاکریزها به شهر می‌رسند تا آن را بگیرند، و با شمشیر و قحط و طاعون، شهر می‌رود که به دست کلانیان که با آن می‌جنگند، سپرده شود. آنچه تو گفتی به انجام می‌رسد، و تو آن را می‌بینی.^{۲۵} و ای خداوند یهوه، این تو هستی که مرا گفتی: مزرعه را به بهای نقره بخر و شاهدان بگیر، حال آنکه شهر به دست کلانیان سپرده می‌شود!»^{۲۶} کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید:^{۲۷} «اینک من، یهوه، خدای تمامی اع^{۱۶:۱۷} می‌بیدم^{۲۸:۶} زک^{۸:۶} مانند^{۲۷:۵} ر.ک. آیه^{۲۱:۵} تو پیحات^{۲۱:۵} ر.ک. خرو^{۱۰:۲} میز^{۷:۷} با توجه به تفاوت‌های اصطلاحات میتوان گفت نشانه کردن (ر.ک. خرو^{۴:۳۰} و^{۳۰}) یا نشانه‌ها را ارائه دادن (اش^{۷:۱۴} تث^{۲:۱۳}) و یا نشانه‌ها در میان ظاهر ساختن خرو^{۰:۱}.^{۲۹}

شاهدانی که قبله خرید را امضا کرده بودند، و در حضور تمام اهالی یهودا که در صحن نگهبانان نشسته بودند، به باروک پسر نیریا، پسر معسیا سپردم.^{۱۳} سپس در حضور ایشان، این حکم را به باروک دادم:^{۱۴} «چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها، خدای اسرائیل: این قبله‌ها را بر گیر، این قبله خرید را که مهر و موم شده و این قبله را که باز است، و آنها را در ظرفی از خاک رس قرار بده تا روزهایی طولانی دوام بیاورند.^{۱۵} زیرا چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها، خدای اسرائیل: بار دیگر در این سرزمین خانه‌ها و مزرعه‌ها و تاکستان‌ها خواهند خرید». نج^{۳۰:۹}

^{۱۶} پس از آنکه قبله خرید را به باروک، پسر نیریا سپردم، این دعا را به حضور یهوه کردم:^{۱۷} «آه، ای خداوند یهوه، اینک تو آسمان و زمین را با قدرت عظیمت و با بازوی دراز شده‌ات^d ساخته‌ای؛ چیزی برای تو غیرممکن نیست.^{۱۸} تو به هزاران وفاداری نشان می‌دهی و خطای پدران را در بطن پسران ایشان پس از ایشان تسویه می‌کنی، تو، خدا، عظیم، قهرمان، که نامت^{۲۶:۱۹} می‌کنی، تو، خدا، عظیم در مشورت^{۲۷:۳۲} یهوه لشکرها است،^{۱۹} که عظیم در مشورت^{۲۸:۳۳} اش^{۱۶:۷} و غنی در کارهای بزرگ می‌باشی، که^{۲۱:۵} چشمانت به روی هر رفتار بنی آدم گشوده است، تا به هر یک مطابق رفتارش و^{۱۰:۱۷} ایو^{۱۱:۳۴} مطابق ثمرة اعمالش بدھی.^{۲۰} تو در

d مانند^{۲۷:۵} ر.ک. آیه^{۲۱:۵} تو پیحات^{۲۱:۵}.

e ر.ک. خرو^{۱۰:۲} میز^{۷:۷} با توجه به تفاوت‌های اصطلاحات میتوان گفت نشانه کردن (ر.ک. خرو^{۴:۳۰} و^{۳۰}) یا نشانه‌ها را ارائه دادن (اش^{۷:۱۴} تث^{۲:۱۳}) و یا نشانه‌ها در میان ظاهر ساختن خرو^{۰:۱}.^{۲۹}

f ر.ک. تو پیحات آیه^{۱۷}.

g مانند^{۱۱:۵} ر.ک. خرو^{۸:۳} و تو پیحات.

h قائل ترجیمه یونانی: «به من فرا رسید».

دهم، (اما) ایشان گوش نگرفتند تا درس را بگیرند.^{۳۴} آنان «آشغال‌های» خود را در خانه‌ای که به نام من خوانده شده، قرار داده‌اند^k، تا آن را نجس سازند.^{۳۵} ایشان مکان‌هایی بلند را برای بعل ساخته‌اند که با^{۱۱:۵} تث^{۱۲:۷} ۲۶:۲۶ مکان‌هایی بلند را برای بعل ساخته‌اند که با^{۱۱:۵} تث^{۱۲:۷} ۲۶:۲۶ در وادی ابن-حنتوم می‌باشد، تا پسران و دخترانشان را برای مولک^۱ بگذرانند، امری لاو^{۲۱:۱۸} که به ایشان امر نفرموده بودم و به فکر خطور نکرده بود، (یعنی) ارتکاب این (کار) نفرت انگیز تا یهودا را به گناه وادراند!

^{۳۶} و اینک چنین سخن می‌گوید یهوه، خدای اسرائیل، خطاب به این شهر که درباره اش می‌گوید^m: «با شمشیر و قحط و طاعون به دست پادشاه بابل سپرده شده است». ^{۳۷} اینک ایشان را از تمام سرزمین‌هایی که در خشم و در غضب و در غیظ عظیم خود، ایشان را به آنها رانده‌ام، گرد خواهم آورد؛ ایشان را به این مکان باز خواهم آورد و ایشان را در امنیت^{۶:۲۳} ساکن خواهم ساخت.^{۳۸} ایشان قوم من^{۴:۱۱} خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود. حر^{۲۷:۳۷} ۲۷:۲۳

^{۳۹} به آنان یک دل خواهم داد و در یک راهⁿ سالک خواهم ساخت، تا در تمامی روزها از من بترسند، برای سعادتشان و سعادت پسرانشان پس از ایشان.^{۴۰} با آنان عهدی دائمی خواهم بست^۰ و به واسطه آن از^{۵:۵۰}

بشر هستم؛ آیا امری نزد من غیرممکن می‌باشد؟^{۲۸} به این سبب، یهوه چنین سخن می‌گوید: اینک این شهر را به دست کلدانیان و به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل خواهم سپرده، و او آن را خواهد گرفت.^{۲۹} کلدانیان که بر علیه این شهر می‌جنگند وارد خواهند شد، و آن را به آتش خواهند کشید و آن را به آتش خواهند سوزاند، و نیز تمامی خانه‌هایی را که بر پامشان برای بعل بخور سوزانده‌اند و برای خدایان دیگر هدایای ریختنی ریخته اند، تا^{۱۳:۱۹} ۲۵:۳ مرا به خشم آورند.^{۳۰} زیرا که پسران اسرائیل و پسران یهودا از جوانی خود، کاری جز شرارت در نظر من نکرده‌اند. زیرا که پسران اسرائیل با اعمال دست خود کاری جز به خشم آوردن من نکرده‌اند.^{۳۱} وحی یهوه.^{۳۱} آری، برای من این شهر موجب خشم و غضب بوده، از آن روزی که آن را بنا کردنده تا به امروز^{۲۰:۷} ۲۷:۲۳، ۱۸:۱۷^{۲۳:۲۲} آن را از مقابل روی خود دور خواهم ساخت،^{۳۲} به سبب تمام شرارتی که پسران اسرائیل و پسران یهودا برای خشمگین ساختن من کرده‌اند، ایشان و پادشاهان و بزرگانشان و کاهنانشان و انبیایشان، و مردمان یهودا و ساکنان اورشلیم.^{۳۳} ایشان پشت خود را به من کرده‌اند و نه روی خود را؛ کوشیدم تا ایشان را بدون خستگی تعلیم

^۰ مانند ۶:۲۵ (ر.ک. توضیحات). این عبارت پایانی در ترجمه یونانی نیست.
ز.ر.ک. ۲۰:۲؛ حرق ۱۶:۳-۵، ۴۵:۲۳.

^k ر.ک. توضیحات ۷:۱۰ - در اینجا نیز منظور از «کنافات»، بتها می‌باشد؛ ر.ک. توضیحات ۱۶:۱۸.

^۱ ر.ک. توضیحات ۲ پاد ۲۳:۱۰.

^m قرائت ترجمه یونانی: «می‌گویی». ر.ک. آیه ۲۴.

ⁿ ر.ک. توضیحات ۱۷:۹. قرائت ترجمه یونانی: «راهی دیگر و دلی دیگر». ر.ک. ۳۳:۳۱؛ حرق ۱۱:۱۹؛ ۳۶:۲۶.

^۰ ر.ک. توضیحات اش ۲۴:۵.

احیای پرجالل در آینده^۵

۳۳ اکلام یهوه برای بار دوم به ارمیا فرا رسید، آن هنگام که او هنوز در

صحن محافظان در بازداشت بود، تا [به ۱۲:۸-۲:۳۲] او] بگوید: چنین سخن می‌گوید یهوه که زمین^۶ را ساخته و آن را شکل بخشیده تا آن را برقرار سازد؛ یهوه نام او است!^۳ مرا بخوان و تو را پاسخ خواهم داد، و به تو امور^{۱۵:۵-۰:۵} بزرگ و کاوش ناپذیر را اعلام خواهم داشت، (اموری) که نمی‌دانی.^۴ زیرا چنین اش^{۶:۹} سخن می‌گوید یهوه، خدای اسرائیل درباره خانه‌های این شهر و خانه‌های پادشاهان یهودا که فرو کوفته شده تا خاکریزها و سنگرها بربای شود،^۵ تا با کلدانیان بجنگند و شهر^۷ را از احساد مردمانی که من در خشم و غضب خود زده‌ام پر کنند، زیرا روی خود را از این شهر با سبب تمام شرارت‌ش پنهان^{۱۷:۳۱-۳:۳۲} ساخته‌ام؛^۸ اینک رخم ایشان را التیام خواهم بخشید و شفا خواهم داد؛ آنان را شفا خواهم داد و برایشان گنج‌های آرامش و امنیت را مکشوف خواهم ساخت.^۹ من بخت یهودا و بخت اسرائیل را تغییر خواهم داد، و ایشان

۳۲،۱۱:۲۹ دنبال کردن ایشان برای خیریت رساندن به ایشان باز نخواهم ایستاد؛ و ترس خود را در دل ایشان قرار خواهم داد^P، تا از من دور ۱۷:۳ نشوند.^{۱۰} شادی خود را در این خواهم نهاد که به ایشان نیکوبی کنم، و آنان را استوار در این سرزمین خواهم کاشت^۹، با تمام دلم و با تمام جانم.^{۱۱} زیرا که یهوه چنین سخن می‌گوید: همان گونه که بر این قوم تمام این مصیبت عظیم را وارد ساختم، به همان گونه تمام خبریتی را که درباره اش با ایشان سخن می‌گوییم، خواهم آورد.^{۱۲} در این سرزمینی که درباره اش می‌گویید:^{۱۳} سرزمینی است ویران، بدون انسان و حیوان که به دست کلدانیان سپرده شده، مزرعه‌ها خواهند خرید.^{۱۴} به بهای نقره مزرعه‌ها خواهند خرید، قباله‌ها خواهند نوشت، آنها را مهر و موم خواهند کرد، شاهدان خواهند گرفت در سرزمین بنیامین، در حوالی اورشلیم، در شهرهای یهودا، در شهرهای کوهستان، در شهرهای دشت، و در شهرهای نگب. زیرا بخت ایشان را تغییر خواهم داد - وحی یهوه.

P ر. ک. ۲۲:۵، ۲۲:۴؛ توضیحات ۱۹:۲؛ توضیحات ۱۰:۱۰.

۹ ر. ک. توضیحات ۱۰:۱۶-۲۴؛ عا ۱۵:۹.

۱۰ قرائت ترجمهٔ یونانی: «می‌گویی»، مانند آیه ۳۶ (ر. ک. توضیحات).

۸ این فصل شامل مجموعه‌ای از وحی‌های مربوط به نجات است و توصیف کننده سعادتی است که برای اسرائیل نگاه داری شده، یعنی: کامیابی شهرهایش (آیات ۱-۱۳)، استقرار مجدد و قطعی سلطنتی که به دست داود آغاز شده و نیز استقرار مجدد کهانت لاویان (آیات ۱۴-۲۲)، برگزیدگی تغییرناپذیر قوم و سلسله داود (آیات ۲۳-۲۶). بخشی از این متون ممکن است اثر ویراستاران باشد.

۹ تحت اللفظی: «که آن را می‌سازد». ترجمهٔ ما مبتنی است بر قرائت ترجمهٔ یونانی. در نظر قیمه‌ی و سایر مفسران یهود، آنچه یهوه می‌سازد، اورشلیم است، ر. ک. آیات ۱۰-۱۱.

۱۰ تحت اللفظی: «تا آنها را ... پر کنند». متن دشوار است و تاحدی غیرقابل بازسازی؛ ترجمهٔ ما مبتنی است بر حدس و گمان. تصور می‌رود که محصره شدگان برای دفاع از شهر، بخشی از خانه‌های شهر را ویران کردن (ر. ک. اش ۱۰:۲۲) این کار نتیجه‌ای جز افزایش ندارد.

^{۱۲} چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها: در این مکان که بیابانی است بدون انسان و حیوان، و در تمام شهرها، بار دیگر چراغاهای خواهد بود که در آنها چوپانان گله‌های خود را خواهند خواباند.^{۱۳} در شهرهای کوهستان، در شهرهای دشت، در شهرهای نگب، در سرزمین بنیامین، در حوالی اورشلیم و در شهرهای یهودا، گوسفندان بار دیگر از زیر دست آن کس که آنها را می‌شمارد، عبور خواهند کرد، یهوه می‌فرماید.

^{۱۴} اینک^x روزهایی می‌آید - وحی یهوه - که آن سخن نیکوکوبی را که خطاب به خاندان اسرائیل و درباره یهودا گفته ام به انجام خواهم رساند:

^{۱۵} در آن روزها و در آن زمان، برای داود جوانه عدالت خواهم رویاند، و او انصاف و عدالت را در سرزمین به اجرا درخواهد آورد.

^{۱۶} در آن روزها، یهودا نجات خواهد یافت و اورشلیم در امنیت ساکن خواهد شد؛ و آن را این چنین خواهند نامید: «یهوه - عدالت - ما^y.»

^{۱۷} زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید: داود هرگز از کسی که بر تخت سلطنت خاندان اسرائیل بنشیند، بی بهره خواهد ماند.

^{۱۸} و کاهنان لاوی هرگز در برابر من، از کسی که من قربانی سوتختی تقدیم کند و

اش:۱؛ هو:۲؛ باز:۴؛ مت:۵

۲۶:۱؛ ۲۶:۲؛ ۲۶:۴

۲۶:۵۱

را همچون ابتدا بنا خواهم نمود.^{۱۹} آنان را از هر خطای که به واسطه آنها نسبت به من مجرم شده اند طاهر خواهم ساخت، و تمام خطاهایی را که به واسطه آنها نسبت به من مجرم شده اند و به من بی وفا گردیده اند، خواهم بخشید.^{۲۰} [اورشلیم] برایم نامی صف:۳ شادمانه و افتخار و جلال خواهد گشت نزد تمام ملت‌های زمین که از تمام سعادتی که به ایشان^۷ می‌دهم آگاهی یابند؛ ایشان در برابر تمام سعادت و تمام آرامشی که به آنان می‌دهم، خواهند ترسید و خواهند لرزید.

^{۱۰} یهوه چنین سخن می‌گوید: در این مکان که درباره اش می‌گویید: «بیابانی است بدون انسان و بدون حیوان»، بار دیگر شنیده خواهد شد، و در شهرهای یهودا و در کوچه‌های اورشلیم که ویران شده اند، بدون انسان و بدون سکنه و بدون حیوان^w، [شنیده خواهد شد]^{۱۱} فریاد شادمانی و فریاد وجود، و ترانه داماد و ترانه عروس، و ترانه آنان که

می‌گویند:^{۱۲} توا:۵؛ ۱۳:۲؛ ۳۱:۲۹
۱۴:۴؛ ۲۴:۴؛ ۲۴:۷
«یهوه لشکرها را بستاید، زیرا که نیکو است، یهوه، و وفاداری اش ابدی!» و (فریاد) آنانی که قربانی ستایش به خانه یهوه می‌آورند. زیرا بخت این سرزمین را تغییر خواهم داد، و مانند ابتدا [خواهد بود] یهوه می‌فرماید.

^v بر اساس آیه ۷، منظور اسرائیل و یهودا است.
^w ر.ک. ۶۲:۵۱.

^x آیات ۲۶-۱۴ در ترجمه یونانی نیست.
^y در خصوص این دو آیه، ر.ک. ۶-۵:۲۳ و توضیحات.

نخواهم گرفت! زیرا که بخت ایشان را
تغییر خواهم داد و برایشان رحم خواهم
فرمود.

آنچه که در انتظار صدقیا است^z

۳۴ کلامی که از سوی یهوه به ارمیا ۱:۳۲
فرا رسید، آن گاه که نبوکدنصر،
پادشاه بابل، و تمام لشکر او، و نیز تمام
مالک زمین که تحت سلطه او بودند، و
تمام قوم‌ها، بر علیه اورشلیم و تمام
شهرهای تابع آن می‌جنگیدند:^۲ چنین
سخن می‌گوید یهوه، خدای اسرائیل: برو و
به صدقیا، پادشاه یهودا بگو؛ به او بگو:
یهوه چنین سخن می‌گوید: اینک این شهر
را به دست پادشاه بابل خواهم سپرد و او آن
را به آتش خواهد سوزاند.^۳ تو خودت از
دست او رهایی نخواهی یافت، زیرا یقیناً
گرفته شده و به دست او سپرده خواهی شد.
چشمانیت چشمان پادشاه بابل را خواهد
دید، و او را با تودهان به دهان سخن
خواهد گفت.^۴ و به بابل خواهی رفت.^۵ با
این حال، ای صدقیا، پادشاه یهودا، به کلام
یهوه گوش فرا ده!^۶ یهوه درباره تو چنین
سخن می‌گوید: تو با شمشیر نخواهی مرد؛^۷
در آرامش خواهی مرد. و همان گونه که
برای پدرانت [عطایات] سوزانند، (یعنی
برای) پادشاهان قدیمی که پیش از تو

۱۶:۱ هدية آردی بسوزاند و هر روزه قربانی کند،
بی بهره نخواهد ماند.^۸
۱۹ کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا
رسید: ^۹ یهوه چنین سخن می‌گوید: اگر
۲۰ بتوانید عهد مرا با روز و شب دیگر در
فسخ کنید، آن گونه که روز و شب دیگر در
۲۱ زمان خود نباشد، ^{۱۰} آنگاه عهد من نیز با
بنسی ۲۴:۲۵ خدمتگزارم داود فسخ خواهد شد، آن گونه
که دیگر بسری نداشته باشد که بر تخت او
سلطنت کند، (و نیز عهدم) با خدمت
کنندگانم لاویان کاهم.^{۱۱} همان سان که
۲۲ نمی‌توان لشکر آسمان و ریگ دریا را
شمرد، به همان سان اعقاب خدمتگزارم
۲۳ داود را کشیر خواهم ساخت و (نیز) لاویان
را که خدمت کنندگان من می‌باشد.
۲۴ کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا
رسید: ^{۱۲} آیا نمی‌بینی که این مردم چه
می‌گویند: «آن دخاندانی که یهوه
برگزیده بود، آنها را رد کرده است!»
۲۵ بدینسان قوم مرا تحقیر می‌کنند، به گونه‌ای
که در برابر ایشان دیگر قومی نیست.
۲۶ یهوه چنین سخن می‌گوید: اگر عهد مرا
۲۷ با روز و شب، و اگر قوانین آسمان و زمین
را من برقرار نکرده باشم، ^{۱۳} آنگاه اعقاب
یعقوب و خدمتگزارم داود را نیز خواهم
کرد، به گونه‌ای که از این اعقاب، بزرگانی
برای اعقاب ابراهیم و اسحاق و یعقوب
۱۴:۲۹ ۱۱:۷:۳۳
۲۰:۳۱

^z این بخش (۷-۱:۳۴) شامل وحی ای است خطاب به شخص صدقیای پادشاه در طول محاصره اورشلیم در سال‌های ۵۸۷-۵۸۸ ق.م. موقعیت نظامی به بن بست رسیده: اکثر شهرهای یهودا پیش از این به تصرف نیروهای مهاجر در آمد، و فقط دژهای حصاردار لاکیش و عزیقه هنوز مقاومت می‌کنند. صدقیا دیگر هیچ امیدی به حفظ تاج و تخت خود و دفع حملات بابلی ها ندارد، اما لااقل زندگی اش در امان خواهد بود. این وحی مشابه است با وحی هایی که ارمیا خطاب به عبدملک (۱۵:۳۹-۱۸) و با باروک (ر.ک. ۴۵) بیان خواهد داشت.

^a مقدمه فصل ۳۲ که احتمالاً متأخر است، از همین اصطلاحات استفاده می‌کند.

کرده بودند - چه مرد و چه زن - باز پس آوردن، و ایشان را برده ساختند - چه مرد و چه زن.^{۱۲}

کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید: ^{۱۳} چنین سخن می‌گوید یهوه، خدای اسرائیل: من در روزی که پدران شما را از سرزمین مصر و از خانه^a بردگان بیرون آوردم، با پدران شما عهدی بستم و گفتم: «در پایان هفت سال، هر یک از شما برادر عبرانی خویش را که خود را به او فروخته، رها سازد؛ او شش سال تورا خدمت کند، سپس تو او را از نزد خود آزاد خواهی کرد». اما پدران شما به من گوش نگرفتند و گوش نسپارندن. ^{۱۵} شما امروز باز گشته و کاری را کردید که در نظر من درست است و هر یک آزادی همسایه خود را اعلام داشت؛ شما در برابر من، در خانه ای که به نام من خوانده شده، عهدی بستید. ^{۱۶} سپس با تغییر عقیده دادن و با آنها تبادل کردید که هر یک برده خود را که از شخصیت آزاد کرده بودید، باز آورید - چه مرد و چه زن - و ایشان را واداشتید تا برگان شما شوند - چه مرد و چه زن.^{۱۷}

به این سبب، یهوه چنین سخن می‌گوید: شما به من گوش نگرفتید تا هر یک از شما آزادی برادر خود و هر یک از شما آزادی همسایه اش را اعلام کنید؛ اینکه من برای شما آزادی را اعلام می‌دارم - وحی یهوه - به نفع شمشیر و طاعون و قحط، و از

بوده اند^b، همان‌گونه برای تو نیز خواهند سوزاند و برای تو مرثیه خواهند خواند (که): «افسوس! ای سرور!» چنین است کلامی که من گفته ام - وحی یهوه.

^۹ ارمیای نبی تمامی این سخنان را در اورشلیم به صدقیا، پادشاه یهودا گفت.

^۷ در آن زمان، لشکر پادشاه بابل بر علیه اورشلیم و تمامی شهرهای^c یهودا که هنوز مقاومت می‌کردند، بر علیه لاکیش و بر علیه عزیقَ، می‌جنگید؛ زیرا اینها تنها شهرهای حصارداری بودند که از میان شهرهای یهودا باقی مانده بودند.

در مورد برگان عبرانی که آزاد شده و بار دیگر گرفته شده بودند ^۸ کلامی که از سوی یهوه به ارمیا فرا رسید، پس از آنکه صدقیا پادشاه عهدی با تمام مردم اورشلیم بست تا آرادی ایشان را اعلام دارد:^d هر کس می‌باشد بردهٔ عبرانی خود را - چه مرد و چه زن - آزاد سازد، به گونه‌ای که هیچ کس برادر خویش، (یعنی) فردی از اهالی یهودا را در بندگی نگاه ندارد.^e تمام بزرگان و تمام قوم که داخل این عهد شده بودند، پذیرفتند که هر کس برده خود را - چه مرد و چه زن - آزاد کند، به گونه‌ای که دیگر ایشان را در بندگی نگاه ندارد؛ ایشان پذیرفتند و آنان را آزاد کردند.^f پس از آن، تغییر عقیده دادند، و برده‌ها را که آزاد

^b ر.ک. ۲-توا ۱۴:۱۶؛ ۱۹:۲۱. این وعده‌ها شاید حالت شرطی داشتند (ر.ک. ۹:۲۱؛ ۱۷:۳۸؛ ۵:۳۲)؛ که بازتابی است از این امر، دعوتی نیز هست به عدم مقاومت، و در ابتدای آیه پیشین، حالتی از پند و اندرز احساس می‌شود.

^c ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمهٔ یونانی که با مضمون متن سازگارتر است (ر.ک. توضیحات ۱:۳۴)؛ قرائت عبری: «تمامی شهرها».

درسی از رکابیان^f

^۱ کلامی که در روزگار یهودی‌ها قیم، ^۲ پسر یوشیا، پادشاه یهودا، از سوی یهوده به این مضمون بر ارمیا فرا رسید: ^۳ «نzd خاندان رکابی‌ها برو؛ با آنان سخن بگو و ایشان را به خانهٔ یهوده، به یکی از اتاق‌ها بیاور و به ایشان شراب بنوشان». ^۴ من یازنیا، پسر یرمیا یهوده، پسر حبصیا، و نیز برادرانش و تمام پسرانش و تمام خاندان رکابی‌ها را گرفتم، ^۵ و ایشان را به خانهٔ یهوده، به اتاق پسران حنان، پسر یجدلیا یهوده، مرد خدا^g، آوردم، آن اتاق که مجاور اتاق بزرگان است و بر بالای اتاق معسیا یهوده، پسر شلوم، محافظ آستانه می‌باشد.^h در مقابل ایشان لگن‌های پر از شراب و جام‌ها گذاردم، و ایشان را گفتم: «شراب بنوشید».

^۶ گفتند: «شراب نخواهیم نوشید، زیرا یوناداب، پسر رکاب، پدر ما، به ما این حکم را داده: هرگز شراب نموشید، نه شما و نه پسرانتان؛^۷ خانهٔ مسازید، کشت مکنید، تاکستان مکارید، و آن را نداشته باشید؛ بلکه در طول زندگی تان زیر خیمه ساکن باشید، تا بر روی زمینی که در آن

^{۸:۳۲} شما وحشتی برای تمامی ممالک زمین خواهم ساخت.^۹ ^{۱۰} و مردمانی که از عهد من تخطی ورزیده‌اند و مفاد عهدی را که در برابر من بسته‌اند به اجرا در نیاورده‌اند، ایشان را مانند آن گاو نر جوانی خواهم ساخت که دو نیم کردند و از میان قطعات آن عبور نمودند؛^{۱۱} بزرگان یهودا و بزرگان اورشلیم، خواجه سرایان و کاهنان، و تمام مردم سرزمین^e که از میان قطعات گاو نر جوان عبور کردند،^{۱۲} ایشان را به دست دشمنانشان و به دست آنانی که در قصد جانشان می‌باشند خواهم سپردم، و ^{۱۳:۷} اجسادشان خوراک پرنده‌گان آسمان و حیوانات زمین خواهد شد.^{۱۴} در خصوص صدقیا، پادشاه یهودا، و بزرگانش، ایشان را به دست دشمنانشان و به دست آنانی که در قصد جانشان می‌باشند، و به دست لشکر پادشاه بابل که اخیراً از شما دور شده، خواهم سپردم.^{۱۵} اینک امر خواهم کرد ^{۱۶:۳۷} -وحی یهوده- و ایشان را به سوی این شهر باز خواهم آورد؛ بر علیه آن خواهند جنگید و آن را خواهند گرفت و به آتش خواهند سوزاند. و از شهرهای یهودا سرزمینی ویران و خالی از سکنه خواهم ساخت.

d. ر. ک. پید ۱۵:۱۰، ۱۷. شخصی که مهدی با خدا می‌بست، «با عبور از میان قطعات حیوان قربانی شده»، در واقع می‌گفت که در صورت شکستن عهد، قبول می‌کند که دچار سرنوشت آن حیوان شود.

e. ر. ک. توضیحات ۱۸:۱.

f. فصل ۳۵ به شرح گفت و گویی میان ارمیا و رکابیان می‌پردازد، گفت و گویی که دارای ارزش و نقش عملی نمادین می‌باشد: رکابیان به اصول نیاکان خود وفادار می‌مانند و قاطعاً از تخطی از آنها سر باز می‌زنند (آیات ۱۱-۸)، در حالی که اسرائیلیان با بی‌شرمی، خداوند و اوامر ش را نادیده می‌گیرند. - رکابیان با دقت بسیار آرمان‌های مذهب اسرائیل را آن گونه که مورد اجرای پدران کوچ نشین و قبایل صحرانشین بود، جامه عمل می‌بوشندند و از آنها دفاع می‌کردند، یعنی تمدن کنعانی و شهرهایش و کشتیهاشان را در می‌کردند، خصوصاً تاکستان و شمره آن را. ایشان برای خداوند غیرتی سازش ناپذیر داشتند (ر. ک. ۲- پاد ۱۵:۱۰-۱۶).

g. ر. ک. توضیحات ۲- پاد ۹:۱.

h. ر. ک. توضیحات ۲- پاد ۱۰:۱۲.

را بدون خستگی برای شما گسیل داشتم تا
بگویم: هر یک از شما از راه بد خود باز
گردید، و اعمال خود را اصلاح کنید، و به
دنیال خدایان دیگر نروید تا آنها را خدمت
کنید، و بر زمینی که به شما و به پدران
شما داده‌ام، ساکن خواهید بود. اما شما
گوش نسبارید و نشنیدید!^{۱۶} این چنین،
پسران یوناداب، پسر رکاب، حکمی را که
پدرشان داده بود اجرا کرده‌اند، و این قوم
به من گوش فرا نداده‌اند!^{۱۷} به این سبب،
چنین سخن می‌گوید یهوه، خدای لشکرها،
خدای اسرائیل: اینک بر یهودا و بر تمام
ساکنان اورشلیم، تمام مصیبتی را که بر
علیه آنان گفته‌ام خواهم آورد، زیرا که با
ایشان سخن گفتم و ایشان گوش فرا
ندادند؛ ایشا را خواندم و ایشان پاسخ
ندادند!^{۱۸}

و ارمیا به خاندان رکابی‌ها گفت:
«چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها، خدای
اسرائیل: از آنجا که از حکم یوناداب،
پدرتان، اطاعت کرده و تمامی احکامش
را به جا آورده‌ید، و مطابق آنچه که به شما
حکم کرده بود عمل نمودید،^{۱۹} بسیار
خوب! چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها،
خدای اسرائیل: یوناداب، پسر رکاب، هرگز
از کسی که در تمامی روزها در حضور من
باشد، بی بهره نخواهد ماند».

ساکنید، روزهای طولانی زندگی کنید.^{۲۰} ما
از تعالیم یوناداب، پسر رکاب، پدرمان، در
هر آنچه که به ما حکم کرد، اطاعت
کرده‌ایم: در طول زندگی مان شراب
نمی‌نوشیم، نه ما، نه زنانمان، نه
پسرانمان، و نه دخترانمان.^{۲۱} خانه‌ها برای
سکونت نمی‌سازیم، نه تاکستان داریم، نه
مزروعه‌ای برای کشت،^{۲۲} و زیر خیمه
ساکنیم. ما اطاعت کرده، در هر چیز مطابق
آنچه که یوناداب، پدر ما، ما را حکم کرده،
عمل می‌کنیم.^{۲۳} اما زمانی که نبوکدنصر،
پادشاه بابل، بر علیه سرزمین برآمد، گفتیم:
بیایید، به اورشلیم داخل شویم تا از لشکر
کلدانیان و لشکر ارام^{۲۴} رهایی یابیم. و
ساکن اورشلیم شدیم».

کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا
رسید: ^{۲۵} چنین سخن می‌گوید یهوه
لشکرها، خدای اسرائیل: برو و به مردمان
یهودا و به ساکنان اورشلیم بگو: آیا عبرت
نمی‌گیرید تا به سخنان من گوش فرا
دهید؟ - وحی یهوه.^{۲۶} سخنان یوناداب،
پسر رکاب را اجرا می‌کنند: او به پسرانش
حکم کرد که شراب نتوشند، و ایشان تا به
امروز شراب نتوشیده‌اند، و حکم نیای خود
را اطاعت کرده‌اند؛ و من بدون خستگی با
شما سخن گفته‌ام. و شما گوش فرا
نداده‌اید!^{۲۷} من تمام خدمتگزارانم، انبیا

^۱ لشکریان ارامی احتمالاً در خدمت ارتش بابلی‌ها (کلدانی‌ها) درآمده بودند.

ز اصطلاحات مشابه با: ۱۱:۱۸؛ ۳:۳۶؛ ۵:۲۵؛ ۳:۳۶؛ ۷:۷؛ زک ۴:۱. در مورد توبه، ر.ک. توضیحات اع ۱۹:۳؛

توضیحات روم ۴:۲.

k. ر.ک. توضیحات حرق ۹:۲.

یهوه خطاب به این قوم گفته است». ^۸
باروک، پسر نیریا، در همه امور، مطابق آنچه که ارمیای نبی امر کرده بود، عمل نمود و از کتاب، سخنان یهوه را در خانه یهوه خواند.

^۹ باری، در سال پنجم یهویاقیم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، در ماه نهم، روزه ای در حضور یهوه برای تمام جمعیت اورشلیم و تمام جمعیتی که از شهرهای یهودا به اورشلیم می آمدند، اعلام کردند.
^{۱۰} باروک از کتاب، سخنان ارمیا را در خانه یهوه، در اتاق جَمْرَیاہوی کتاب، پسر شافان، در صحن فوقانی، در مدخل دروازه «نو» در خانه یهوه خواند؛ او در سمع تمام قوم [خواند].

^{۱۱} میکایاہو، پسر جَمْرَیاہو، پسر شافانⁿ، با شنیدن تمام این سخنان یهوه که در کتاب نوشته شده بود، ^{۱۲} به خانه پادشاه، به اتاق کاتب، فرود آمد، و اینک در آنجا همه بزرگان نشسته بودند، (یعنی) الیشاماع کاتب، دلایاہو، پسر شَمَعیاہو، و الناتان، پسر عکبور، وجمریاہو، پسر شافان و صدقیاہو، پسر حَنَنیاہو، و تمام بزرگان. ^{۱۳} میکایاہو همه سخنانی را که شنیده بود به ایشان گزارش داد، آن هنگام که باروک از کتاب به سمع قوم می خواند.

^{۱۴} همه بزرگان، یهودی^o، پسر نَنَنیاہو، پسر شَلَمیاہو، پسر کوشی را نزد باروک

در پیرامون دو نسخه اول وحی های ارمیا (۴۰۵-۴۰۶ ق.م)

۳۶

^۱ باری، در سال چهارم یهویاقیم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، این کلام از سوی یهوه به این مضمن بارمیا فرا رسید: ^۲ برای خود طومار کتابی ^k تهیه کن، ^۳ و در آن تمامی سخنانی را که برعلیه اورشلیم^۱، و برعلیه یهودا، و برعلیه تمام ملت ها گفته ام بنویس، از آن روزی که با تو سخن گفتم، از روزگار یوشیا تا به امروز.
^۳ شاید خاندان یهودا تمام مصیبی را که در فکر دارم به ایشان برسانم بشنوند، تا هر یک از راه بدش بازگشت کنند و من خطاپیشان و گناهشان را بیامزرم.

^۴ ارمیا باروک، پسر نیریا را فرا خواند، و باروک تحت فراخوانی ارمیا، تمام سخنانی را که یهوه به او گفته بود، در طومار کتاب نوشت.

^۵ ارمیا این حکم را به باروک داد: «من منع شده ام^m، و نمی توانم به خانه یهوه بروم. ^۶ تو برو، و از طوماری که تحت فروخوانی من نوشته ای، تمام سخنان یهوه را، در روز روزه، به سمع مردم، در خانه یهوه بخوان؛ آنها را به سمع تمام اهالی یهودا که از شهرهایشان می آیند بخوان.
^۷ شاید استغاثه ایشان به حضور یهوه برسد و هر یک از راه بدش بازگشت کنند؛ زیرا ^۸ عظیم است خشم و عظیم است غضبی که

^{۱:۱۵:۳۵:۷:۳۶}
^{۲:۳۲:۳۶:۷:۳۶}

^۱ در متن عبری، به جای «اورشلیم»، «اسرائیل» قرائت شده؛ ر.ک. نسخه خطی مهم از ترجمه یونانی (ر.ک.).

ر.ک. توضیحات نخ^{۶:۱۰}: یا شاید در اینجا اشاره به ممنوعیتی است که بر ورود ارمیا به معبد وضع شده بود، ر.ک. ^{۶:۱۰}.

^m پدر او از جمله مدافین ارمیا بود (آیه ۲۵، ر.ک. آیات ۱۰ و ۱۹)؛ ر.ک. توضیحات ^{۲۴:۲۶}.

^o به احتمال قوی این شخص (پسر کوشی) یعنی حبشه که در نسل سوم یهودی شد.

مقابل او، منقلی افروخته^P قرار داشت.
 ۲۳ پس به محض اینکه یهودی سه یا چهار ستون خوانده بود، [پادشاه] آنها را با قلمتراش کتاب می برید و آنها را در آتش منقل می انداخت، تا اینکه تمام طومار کاملاً در آتش منقل ناپدید شد. ^{۲۴} پادشاه و تمام خدمتگزارانش که همه این سخنان را شنیدند، نلرزیدند و جامه های خود را پاره نکردند. ^{۲۵} با وجود این، الناتان و دلایاهو و جَمَرِیاہو نزد پادشاه وساطت کردند تا طومار را نسوزانند؛ اما او به ایشان گوش نگرفت. ^{۲۶} آنگاه پادشاه به یرحیمیل، پسر پادشاه^۹، و به سرایاهو، پسر عزَرَیل، و به شَلَمِیاہو، پسر عَبَدَیل دستور داد تا باروک کاتب و ارمیای نبی را بگیرند. اما یهوده ایشان را پنهان ساخت.
 ۲۷ پس از آنکه پادشاه طومار حاوی سخنانی را که ارمیا تحت فروخوانی باروک نوشته بود سوزاند، کلام یهوده به ارمیا فرا رسید: ^{۲۸} طومار دیگری برای خود تهیه کن و بر روی آن تمامی سخنانی را که روی طومار اول بود و به دست یهودیاقیم، پادشاه یهودا سوزانده شد، بنویس. ^۹ و بر علیه یهودیاقیم، پادشاه یهودا بگو: یهوده چنین سخن می گوید: تو این طومار را سوزاندی و گفتی: چرا در آن نوشته‌ی پادشاه بابل یقیناً خواهد آمد؛ او این سرزمین را ویران خواهد کرد و از آن انسان و حیوان را نابود ^{۹:۹}
^{۲۳:۱۱}

فرستادند تا [به او] بگویند: «آن طومار را که از آن به سمع قوم خواندی، با خود بردار و بیا.» باروک، پسر نیریاہو، طومار را با خود برداشت و نزد ایشان رفت.
 ۱۵ ایشان به او گفتند: «بنشین و آن را به سمع ما بخوان». باروک به سمع ایشان خواند. ^{۱۶} پس چون تمامی این سخنان را شنیدند، لرزیدند و به یکدیگر نگاه کردند و گفتند: «قطعاً ما را لازم است تا تمامی این سخنان را به پادشاه گزارش دهیم». ^{۲۴:۳۶}
 ۱۷ و از باروک پرسیده، گفتند: «برای ما مشخص نما که چگونه تمامی این سخنان را نوشتی». ^{۱۸} باروک ایشان را گفت: «او با صدای بلند این سخنان را بر من فرو می خواند، و من با مرکب در کتاب می نوشتم». ^{۱۹} بزرگان به باروک گفتند: «برو و خود را مخفی ساز، همچنین ارمیا را و هیچ کس نداند شما کجا هستید». ^{۲۰} و بعد، پس از آنکه طومار را در اتاق الیشاماع کاتب قرار دادند، نزد پادشاه به دربار رفتند، و تمام ماجرا را به سمع پادشاه گزارش دادند.
 ۲۱ پادشاه یهودی را فرستاد تا طومار را بردارد، و وی آن را از اتاق الیشاماع کتاب برداشت. یهودی آن را به سمع پادشاه و به سمع همه بزرگانی که نزد پادشاه ایستاده بودند، خواند. ^{۲۲} پادشاه در خانه زمستانی نشسته بود - ماه نهم بود - و در

^P قرائت ترجمه یونانی و آرامی و سریانی: «آتشی در منقلی افروخته». در عبری، یک حرف بی صدا ظاهراً به طرز بدی انتقال یافته است.

^۹ «پسر پادشاه» قرائتی است تحت اللفظی، اما الزاماً این شخص پسر پادشاه وقت نبوده، زیرا طبق ۲- پاد ۳۶:۲۳، این پادشاه هنوز از مرز سی سالگی نگذشته بود.

خدمت ارمیای نبی فرموده بود، گوش نسپرند.^۳ صدقیا پادشاه یهوگل، پسر شلمیا، و صنایاهوی کاهن، پسر معسیا^۷، را نزد ارمیا فرستاد تا [به او] بگوید: «برای ۲:۴۲:۱۶:۷-۶:۱۳:۵-۱:۱۹:۶-۲ ما نزد یهوه، خدای ما، دعا کن.^۸»^۹ در آن هنگام، ارمیا در میان قوم آمد و شد می کرد؛ او را [هنوز]^{۱۰} به زندان نینداخته بودند.

توقف محاصره ... این توقف کوتاه مدت خواهد بود

^۵ با این حال (یا: در این میان؟)، سپاه فرعون از مصر بیرون آمده بود، و کلدانیان که اورشلیم را در محاصره داشتند، با شنیدن این خبر، از اورشلیم دور شدند. عکلام یهوه به این مضمون به ارمیای نبی فرا رسید:^۷ یهوه، خدای اسرائیل، چنین سخن می گوید: به پادشاه یهوهدا که شما را نزد من فرستاده تا از من مشورت بگیرد، چنین بگویید: اینک سپاه فرعون که برای یاری شما حرکت می کرد، به سرزمین خود،^{۲:۲۱} مصر، باز خواهد گشت.^۸ کلدانیان مراجعه کرده، بر علیه این شهر خواهند جنگید و آن را گرفته، به آتش خواهند سوزاند.^۹ یهوه چنین سخن می گوید: خود را فریب مدهید و مگویید: کلدانیان به یقین از ما دور خواهند شد؛ زیرا نخواهند رفت.^{۱۰} حتی

خواهد ساخت؟^{۱۱} به این سبب، چنین سخن می گوید یهوه بر علیه یهویاقیم، پادشاه یهودا: برای او هیچ کس نخواهد بود که بر تخت سلطنت داود بنشیند، و جسدش به گرمای روز و به سرمای شب با^{۲:۲۵:۲} افکنده خواهد شد.^{۱۲} او، و اعقابش، و خدمتگزارانش را به مجازات خطاپیشان خواهم رساند، و بر ایشان، و بر ساکنان اورشلیم، و بر مردمان یهودا، تمام مصیبتی را که درباره اش با ایشان سخن گفته ام،^{۱۷:۳۵} بدون آنکه ایشان گوش سپرده باشند، وارد خواهم آورد.

^{۱۳} ارمیا طومار دیگری بر گرفت و آن را به باروک کاتب، پسر نیریاهاو، سپرد؛ و وی، تحت فروخوانی ارمیا، تمام سخنان طوماری را که یهویاقیم، پادشاه یهودا، به آتش سوزانده بود، در آن نوشت. و بسیاری سخنان مانند آنها باز به آنها افروده شد.

صدقیا به ارمیا گوش نمی سپارد، اما ارتباطش را با او قطع نمی کند^{۱۴}

^{۱۵} صدقیا پادشاه، پسر یوشیا، بر جای گنیاهاو^{۱۶} پسر یهویاقیم، سلطنت کرد؛ او را نبوکدنصر، پادشاه بابل، در سرزمین یهودا پادشاه ساخته بود.^{۱۷} اما نه او، و نه خدمتگزارانش، و نه مردم سرزمین^{۱۸}، به سخنانی که یهوه به واسطه

۱۹:۲۲ ر. ک. توضیحات. البته پسر او بر جایش نشست، اما فقط سه ماه سلطنت کرد (ر. ک. توضیحات ۳:۱).

۲۰:۲۱ ر. ک. توضیحات ۳:۱.

۲۱:۱ ر. ک. توضیحات ۳:۱.

۲۲:۱ ر. ک. توضیحات ۱:۱۸.

۲۳:۱ ر. ک. توضیحات ۱:۲۱.

۲۴:۱ ر. ک. در زمینه روابط میان ارمیا و صدقیا، ظاهرًا پیش از وقه در محاصره، ر. ک. توضیحات ۳:۴ و ۲۱:۱۰-۱۱.

کلامی هست؟» ارمیا گفت: «آری!» سپس گفت: «تو به دست های پادشاه بابل سپرده خواهی شد». ^{۱۸} ارمیا به صدقیا پادشاه گفت: «در چه امری در حق تو و در حق خدمتگزارانت و در حق این قوم گناه کرده ام که مرا به زندان انداخته ای؟ ^{۱۹} پس کجایند انبیای شما که نبوت کرده اند و گفته اند: پادشاه بابل بر علیه شما و بر علیه این سرزمین نخواهد آمد؟ ^{۲۰} و اینک، ای سرورم پادشاه، لطف کرده، بشنو! باشد که استعدایم به پیشگاهت برسد: مرا به خانه^{۱۱} یهوناتان کاتب باز مگردن، مبادا که در آنجا بمیرم!» ^{۲۱} صدقیا پادشاه امر کرد که ارمیا را در صحن نگهبانان تحت نظر نگاه دارند و هر روز از کوچه^{۱۲} نانوایان به او گرده ای نان کوچک بدنهند، تا آن هنگام که تمامی نان شهر به انتهای برسد. ارمیا در صحن نگهبانان ماند.

۲۸، ۱۳، ۶: ۳۸

اگر تمام لشکر کلدانیان را که بر علیه شما می جنگند شکست بدھید و از ایشان جز مجروحانی رو به مرگ باقی نماند، هر یک در خیمه خود بر نخواهند خاست و این شهر را به آتش خواهند سوزاند.

ارمیا را به جرم خیانت بازداشت کرده، در سیاهچال حبس می کنند

^{۱۱} پس چون لشکر کلدانیان، با نزدیک شدن سپاه فرعون، دور شد، ^{۱۲} ارمیا بر آن شد تا از اورشلیم خارج شده، به سرزمین بنیامین برود و در آنجا در میان خویشانش به ^{۸:۳۲} امور تقسیم (ارت) رسیدگی کند. ^{۱۳} چون در دروازه^{۱۴} بنیامین بود، جایی که رئیس نگهبانان به نام یرئیا، پسر شلمیا، پسر حنیبا بود، وی ارمیای نبی را گرفت و گفت: «نزد کلدانیان می روی!» ^{۱۵} ارمیا گفت: «درست نیست! نزد کلدانیان نمی روم». یرئیا به او گوش نکرد؛ او ارمیا را گرفت و نزد بزرگان بود. ^{۱۶} بزرگان بر ارمیا خشم گرفتند و او را زندن و در خانه^{۱۷} یهوناتان کاتب حبس کردند، زیرا آنجا را تبدیل به زندان نموده بودند. ^{۱۸} بدینسان، ارمیا به سیاهچالی با سقفی گنبدی شکل وارد شد. ارمیا روزهای بسیار در آنجا ماند.

گفتگوی پنهانی با صدقیا و انتقال به صحن نگهبانان

^{۱۷} صدقیا پادشاه فرستاد و او را برگرفت و پادشاه در خانه^{۱۸} خویش، در نهان از او سؤال کرد و گفت: «آیا از جانب یهوه

۱: ۲۱. ر. ک. توضیحات.

۹: ۲۱. ر. ک. توضیحات. ارمیا از همان آغاز محاصره، همین پیغام را اعلام می کند.

عبدملک کوشی داد: «از اینجا سه مرد بر گیر و ارمیای نبی را پیش از آنکه بمیرد، از آب انبار بیرون آور». ^{۱۱} عبدملک مردانی با خود برداشت و به خانه پادشاه، به لباس خانه ^{۱۲} درآمد؛ از آنجا پارچه‌های کنه و رخت‌های قدیمی بر گرفت و آنها را با طناب‌ها به آب انبار برای ارمیا فرستاد. ^{۱۲} عبدملک کوشی به ارمیا گفت: «این پارچه‌ها و رخت‌ها را از روی طناب‌ها زیر بغلت بگذار». ارمیا چنین کرد. ^{۱۳} ارمیا را با طناب‌ها کشیدند و از آب انبار بر آوردند. ارمیا در صحن نگهبانان ساکن شد. ^{۱۴} ارمیا در صحن نگهبانان ساکن شد. ^{۱۵}

آخرین دیدار با صدقیا

^{۱۶} صدقیا پادشاه فرستاد تا ارمیای نبی را بیاورند، [و او را] نزد خود، به ورودی سوم خانه یهوه [آورد]. پادشاه به ارمیا گفت: «چیزی دارم از تو بپرسم، از من هیچ چیز را مخفی مدار». ^{۱۷} ارمیا به صدقیا گفت: «اگر آن را به تو بگوییم، آیا مرا نخواهی کشت؟ و اگر به تو مشورت بدhem، به من گوش نخواهی سپرد!» ^{۱۸} صدقیا پادشاه در نهان این سوگند را برای ارمیا یاد کرد: «به حیات یهوه که این زندگی را به ما داده است! تورا نخواهم کشت و تورا به دست های این مردان که قصد جانت را دارند نخواهم سپرد». ^{۱۹}

^۳ یهوه چنین سخن می‌گوید: این شهر به یقین به لشکر پادشاه بابل سپرده خواهد شد و او آن را خواهد گرفت».

^۴ بزرگان به پادشاه گفتند: «بادا که این مرد کشته شود، چرا که مردان جنگی را که در این شهر مانده‌اند، و نیز تمام قوم را، با گفتن چنین سخنانی به ایشان، دلسرد می‌کند^۲. در واقع، این مرد در پی نجات این قوم نیست، بلکه در پی تیره بختی شان می‌باشد». ^۵ صدقیا پادشاه گفت: «اینک او در دست شما است، زیرا پادشاه ^۶ نمی‌تواند کاری بر علیه شما بکند^۳. ^۷ ایشان ارمیا را گرفتند و او را در آب انبار ملکیاهو، پسر پادشاه ^۸، در صحن نگهبانان افکندند؛ ایشان ارمیا را با طناب به داخل فرو فرستادند. در آب انبار آب نبود، اما گل بود، و ارمیا در گل فرو رفت.

^۹ عبدملک کوشی، خواجه سرایی در خانه پادشاه، آگاهی یافت که ارمیا را در آب انبار افکنده‌اند. هنگامی که پادشاه بر دروازه بنیامین نشسته بود. ^{۱۰} عبدملک از خانه پادشاه خارج شد و به این مضمون با پادشاه سخن گفت: «ای سرورم، پادشاه، این مردان در هر آنچه که با ارمیای نبی انجام داده‌اند، بدکرده‌اند؛ او را در آب انبار اندخته‌اند و در آنجا بی‌درنگ از گرسنگی خواهد مرد، زیرا در شهر دیگر نان نیست». ^{۱۱} پادشاه این فرمان را به

^a تحت اللقطی: «دستها را سست می‌کند (یا: شل می‌کند)» (ر.ک. ۲۴:۶؛ ایوب ۱۲:۲۱). در ترجمهٔ یونانی، این عبارت اخیر توضیحی است از جانب راوی. لذا چنین قرائت می‌شود: «زیرا پادشاه نمی‌توانست کاری بر عليه ایشان انجام دهد».

^b در مورد «پسر پادشاه» ر.ک. توضیحات ۲۶:۳۶. مطابق ۲- پاد ۱۸:۲۴، صدقیا می‌باشد در این زمان ۳۰ ساله بوده باشد.

^c کلمه اصلاح شده طبق ۲ پا ۱۰:۲۲.

نخواهی رست، بلکه به دست پادشاه بابل
گرفتار خواهی آمد؛ اما درباره این شهر، آن
به آتش خواهد سوخت».

^۴صدقیا به ارمیا گفت: «میادا کسی از
این سخنان آگاهی یابد، و تو نخواهی مرد.
^۵اگر بزرگان بشنوند که با تو سخن
گفته ام و بیایند و تو را بیایند و به تو
بگویند: ما را از آنچه به پادشاه گفته ای و
از آنچه پادشاه به تو گفته، اطلاع بد؛ از ما
چیزی را مخفی مکن و تو را نخواهیم کشت
^۶- به ایشان بگو: استدعای خود را نزد
پادشاه مطرح کردم تا مرا به خانهٔ یهوناتان
باز نگرددند تا در آنجا بمیرم».

^۷(پس) تمام بزرگان آمده، ارمیا را
یافتدند و او را مورد پرسش قراردادند. او
ایشان را طبق همان مضمونی که پادشاه
تصریح کرده بود اطلاع داد، و ایشان او را
راحت گذاردند، زیرا گفتگو شنیده نشده
بود. ^۸ارمیا در صحن نگهبانان (یا: صحن
زندان) ماند تا روزی که اورشلیم گرفته
شد.

پس چون اورشلیم گرفته شد...

پس از تصرف اورشلیم (و پیش از آن)

^۱در سال نهم صدقیا، پادشاه یهودا،
۳۹ در ماه دهم^۴، نبوکدنصر، پادشاه
بابل به تمامی لشکریش به مقابل اورشلیم
رسیدند و آن را به محاصره درآوردند. ^۲در

^{۱۷}ارمیا به صدقیا گفت: «یهوه، خدای
لشکرها، خدای اسرائیل چنین سخن
می‌گوید: اگر بپذیری که به بزرگان پادشاه
بابل تسليم شوی، زندگی ات در امان
خواهد بود، و این شهر به آتش نخواهد
سوخت؛ تو زندهٔ خواهی ماند، هم تو و هم
خویشانت». ^{۱۸}اما اگر به بزرگان پادشاه
بابل تسليم نشوی، این شهر به دست
کلدانیان سپردهٔ خواهد شد و آن را به آتش
خواهند سوراند؛ و تو از دست ایشان رهایی
نخواهی یافت». ^{۱۹}صدقیا پادشاه به ارمیا
گفت: «من به سبب اهالی یهودا که به
کلدانیان پیوسته اند نگرانم؛ شاید مرا به
دست ایشان بسپارند و مرا استهزا کنند».
^{۲۰}ارمیا گفت: «[تورا] نخواهند سپرد.
پس به صدای یهوه در آنچه تو را می‌گوییم
^{۲۱}گوش فرا ده؛ برای توحیریت خواهد شد و
زندگی ات در امان خواهد بود. ^{۲۲}اما چنان
چه از تسليم شدن سر باز بزنی، این است
آنچه که یهوه به من نشان داده؛ تمام
زنانی که در خانهٔ پادشاه یهودا مانده‌اند،
نزد بزرگان پادشاه بابل بردهٔ خواهند شد و
خواهند گفت:

تورا فریفتند و بر تو غالب شدند،
آن دوستان صمیمی ات^d!

و^e

همین که پای هایت در لجن فرو رفت،
پا به فرار گذاشتند!

^{۲۳}جمله زنان و پسرانت را نزد کلدانیان
خواهند بر؛ خودت (نیز) از دست ایشان

^d تحت الفظی: «مردان صلح تو ش (۲۰:۲۰)، ر. ک. توضیحات ۱۴:۱۳). منظور آن محفل کوچکی است که همه امور با ایشان در میان گداشته می‌شد.

^e در ۴:۵۲ و ۲- پاد ۲۵:۱ چنین تصریح شده: «(لذا در پایان دسامبر ۵۸۹ ق.م.) ر. ک. توضیحات ۲- پاد ۱:۲۵). در خصوص آیات ۱ و ۲ که در حکم پرانتز هستند، ر. ک. پاد ۲- ۷-۴:۵۲ و پاد ۴-۱:۲۵.

دیوارهای اورشلیم را فرو کوبیدند.^۹ بقیه^{۵:۶} جمعیتی را که در شهر مانده بودند، و خائنانی را که به او پیوسته بودند، و بقیه صنعت‌گران را، نبوزردان، فرمانده محافظان به بابل تبعید کرد.^{۱۰} اما مردمان حقیر را که چیزی نداشتند، نبوزردان^k، فرمانده محافظان بخشی از ایشان را در سرزمین یهودا باقی گذارد و در آن روز، به ایشان تاکستان و مزرعه داد.

^{۱۱} نبود نصر، پادشاه بابل، در باره ارمیا به نبوزردان، فرمانده محافظان چنین دستور داد:^{۱۲} «او را بگیر و به او توجه کن و هیچ آسیبی به او مرسان، بلکه با او آن‌گونه رفتار کن که به تو گوید». ^{۱۳} پس نبوزردان، فرمانده محافظان^۱، و نبوشزبان، خواجه بزرگ، و نرجل - شر - اصر، مجوس بزرگ، و تمام افسران بزرگ پادشاه بابل^m، ^{۱۴} فرستادند و ارمیا را از صحن محافظان برگرفتند و او را به جُلیا، پسر ^{۱:۳۳} اخیقام، پسر شافانⁿ سپرندند تا او را به خانه خود ببرد. پس او در میان قوم ساکن شد.

سال یازدهم صدقیا، در ماه چهارم، روز نهم ماه^f، شکافی در دیوار شهر زده شد.^{۱۵} نگاه جمله بزرگان پادشاه بابل وارد شدند و در دروازه «میانی»^g استقرار یافتند، (یعنی) نرجل شر آصر و سَمْجَرَنِیو^h، و سر سکیم، خواجه بزرگⁱ، و نرجل شر آصر، مجوسی بزرگ، و سایر بزرگان پادشاه بابل.

^{۱۶} چون صدقیا، پادشاه یهودا، و تمامی مردان جنگی این را دیدند، گریختند و شبانه از راه باغ پادشاه، از دروازه میان دو دیوار^j از شهر خارج شدند و راه عربه را در پیش گرفتند.^{۱۷} سپاه کلدانیان ایشان را دنبال کردند و در صحراه اریحا به صدقیا رسیدند. پس او را گرفتند و نزد پادشاه ^{۲۰:۴۴} نبود نصر، بابل در ربله، در سرزمین حمات آوردند، و او داوری‌ها بر وی اعلام نمود.^{۱۸} پادشاه بابل در مقابل چشمان صدقیا، پیسان او را در ربله گردان زد؛^{۱۹:۵۲} پادشاه بابل همچنین کلیه اشراف یهودا را گردان زد.^{۲۰} سپس چشمان صدقیا را درآورد و او را با زنجیر برنجین دولايه بست تا او را به بابل ببرد.

^{۲۱} کلدانیان خانه پادشاه و خانه خای خواص را به آتش سوزانند و سپس

^f پایان ژوئن ۵۸۷ ق.م.

^g احتمالاً منظور دروازه‌ای است در داخل شهر که معمولاً در مقابل آن، محوطه‌ای عمومی قرار داشت.

^h قرائت عبری: «نرجل - شر - اصر سمجّر».

ⁱ ن.ک. دان ^{۳:۱} و توضیحات. طبق آبه ^{۱۳}، این مقام را نوشربان دارا بود.

^j ز.ک. توضیحات ^۲- پاد ^{۴:۲۵}، و برای آیات بعدی تا آیه ^{۱۰}، سایر توضیحات از ^{۱۶:۵۲} و ^{۱۶:۷} و ^{۲:۲۵}. پاد ^{۱۲-۴:۲۵}.

^k این نام فقط در متن عبری تکرار شده است.

^۱ طبق ^{۱۲:۵۲} (پاد ^{۸:۲۵})، اوی قاعدتاً باید یک ماه پس از زمان گشوده شدن شکاف، به اورشلیم رسیده باشد (آیه ^۲).

^m آیه ^{۱۳} تقریباً همان عنوانین آیه ^۳ را تکرار می‌کند. در شکل نخستین متن، آیه ^{۱۴} می‌بایست درست بعد از آیه ^۳ آمده باشد،

به این شکل: «و سایر بزرگان پادشاه بابل، و فرستادند و ارمیا را ...» آیات ^{۱۳-۴} در ترجمه یونانی نیست.

ⁿ ر.ک. توضیحات ^{۲۴:۲۶}.

نجات عَبْدِ مَلِكٍ^۰

المصیبت برای این مکان سخن گفته بود،^۳ و آن را به انجام رساند؛ یهوه مطابق آنچه گفته بود عمل کرده است. این برای شما روی داده به آن سبب که به یهوه گناه کرده اید و به صدایش گوش نگرفته اید.^۴ و اینک، من امروز تو را از زنجیرهایی که بر دستت است رهایی می دهم. اگر راضی هستی که با من به بابل بیایی، بیا و به تو توجه خواهم نمود؛ اما اگر راضی نیستی که با من به بابل بیایی، خود را هیچ مرزیان.^{۱۲:۳۹} بین، تمام سرزمین در برابر تو است؛ هر جا که تو را پسند آید و هر جا که برایت مناسب است که بروی برو». ^۵ و چون هنوز باز نمی گشت^۳، [گفت]: «باز گرد نزد جُدُلیا، پسر اخیقام، پسر شافان، که پادشاه بابل او را بر تمام شهرهای یهودا حاکم^۶ مقرر کرده و با او در میان قوم سکونت بگزین، یا به هر جا که برایت مناسب است که بروی، برو». فرمانده محافظان به او توشه و هدیه ای داد و او را مرخص کرد.^۶ ارمیا نزد جُدُلیا، پسر اخیقام، به مصافه رفت و با او ساکن شد، در میان قومی که در سرزمین باقی مانده بودند.^۷ تمام رؤسای نظامیان که در صحراء^{۲-۲۳:۲۵} بودند، هم ایشان و هم مردانشان، آگاهی یافتند که پادشاه بابل، جُدُلیا، پسر اخیقام را حاکم سرزمین ساخته و به او مردان و

^{۱۵} در طول مدتی که ارمیا در صحنه محافظان در بازداشت بود، کلام یهوه به این مضمون به او فرا رسید: ^{۱۶} «برو به عَبْدِ مَلِكَ كَوْشِي بَگُو: يَهُوَ لِشَكْرَهَا، خَدَائِي اسْرَائِيلَ چَنِين سخن می گوید: اینک سخنانم را درباره این شهر به انجام خواهم رساند، برای تیره بختی و نه برای سعادت؛ در آن روز، آنها در مقابل چشمانت خواهند بود.^{۱۷} اما در آن روز تورا نجات خواهم داد. وحی یهوه - و تو به دست مردمانی که از ایشان می هراسی سپرده نخواهی شد؛ ^{۱۸} چرا که به یقین تو را رهایی خواهد داد و به شمشیر نخواهی افتاد، و زندگی ات را به غنیمت خواهی برد؛ زیرا به من اعتماد کرده ای - وحی یهوه.

دریاره جُدُلیا

^{۱۹} کلامی^۹ که از سوی یهوه به ارمیا فرا رسید، بعد از آنکه نبوزردان، فرمانده محافظان، او را از رامه باز پس فرستاد، و گفت که او را برگیرند، آن هنگام که او در میان تمامی تبعیدیان اورشلیم و یهودا که به بابل می فرستادند با زنجیر بسته شده بود.^{۲۰} فرمانده محافظان ارمیا را بر گرفت و به او گفت: «یهوه، خدایت، درباره این

۰. ر. ک. ۱۳-۷:۳۸

۱. ر. ک. ۹:۲۱

۹ مشخص نشده که این کلام چه بوده است. لذا بعضی دیگر چنین ترجمه کرده اند: «کلام از جانب یهوه بر ارمیا فرا رسید، بعد از آنکه ...».

۱۰ این قرائت متن عبری نامفهوم است و در ک آن مستلزم توصل به حدسیات بسیار می باشد. طبق ترجمه یونانی و آرامی و ولگات، و با جایگایی دو کلمه، بعضی دیگر این عبارت را این چنین ترجمه کرده اند: «اگر نمی خواهی با من بمانی، ...»^{۱۰} این شخص نماینده گروه طرفدار بابلی ها است که موقتاً برای اداره امور مناطق تصرف شده گمارده شده است.

از تمام مکان‌هایی که به آنها رانده شده بودند، بازگشتند؛ چون به سرزمین یهودا، نزد جدلیا به مصfe رسیدند، شراب و میوه به مقدار زیاد برداشت کردند.

قتل جدلیا

^{۱۳} یوحنان پسر قاریح و تمامی رؤسای نظامیان که در صحراء بودند، نزد جدلیا به مصfe رفتند؛^{۱۴} و به او گفتند: «آیا می‌دانی که بعلیس، پادشاه بنی عمون، اسماعیل پسر نتنيا را فرستاده تا به جان تو سوء قصد کند؟» جدلیا پسر اخیقامت ایشان را باور نکرد.^{۱۵} یوحنان پسر قاریح به جدلیا در نهان در مصfe گفت: «به من اجازه بده تا بروم اسماعیل پسر نتنيا را بزنم، بدون آنکه کسی بداند. چرا باید به جان تو سوء قصد کرد؟ چرا باید تمامی اهالی یهودا که نزد تو گرد آمده اند پراکنده شوند، و چرا باید بازمانده یهودا هلاک گردند؟»^{۱۶} جدلیا پسر اخیقامت به یوحنان پسر قاریح گفت: «این کار را ممکن، زیرا در مورد اسماعیل دروغ می‌گویی».

^{۲۵:۲۵} ^۱ باری، در ماه هفتم^X، اسماعیل ^۲-پاد ^{۲۵:۲۵} پسر نتنيا پسر ایشاماع، که از نسل شاهان بود، با ده مرد نزد جدلیا پسر اخیقامت

زنان و فرزندان سپرده، و (نیز) آن مردمان حقیر سرزمین را که به بابل تبعید نشده بودند.^{۱۷} ایشان نزد جدلیا به مصfe رفتند؛ ایشان اسماعیل پسر نتنيا را، و یوحنان، پسر قاریح، و سرایا پسر شحومت، و پسران عیفای نطوفاتی، و یزئیا را پسر معکاتی، بودند، هم ایشان و هم مردانشان.^{۱۸} جدلیا پسر اخیقامت، پسر شافان برای ایشان و نیز برای مردانشان این سوگند را یاد کرد: «از خدمت کردن به کلدانیان متربید؛ در سرزمین بمانید، و پادشاه بابل را خدمت کنید، و از آن برای شما خیریت خواهد رسید.

^{۱۹} من نیز اینک در مصfe ساکن تا تحت اوامر کلدانیان باشم که نزد ما خواهد آمد. اما شما شراب و میوه و روغن برداشت کنید و آنها در ظرف‌ها بگذارید^{۲۰}، و در شهرهایی که اشغالشان کرده اید ساکن شوید».

^{۲۱} تمامی اهالی یهودا که در موآب، نزد بنی عمون و در ادوم بودند، و آنانی که در همه سرزمین‌ها بودند، ایشان نیز آگاهی یافتند که پادشاه بابل بازمانده‌ای را در یهودا باقی گذاشته است^{۲۱} و برای ایشان جدلیا، پسر اخیقامت، پسر شافان را در مقام حاکم قرار داده است.

^{۲۲} همه اهالی یهودا^{۲۲}

^{۱۷} در مورد این آیه، ر.ک. توضیحات ۲-پاد ۲۳:۲۵

^{۱۸} منظور تدارک دیدن ذخیره است.

^{۱۹} در اینجا منظور آن «بازمانده‌ای» نیست که قرار است جوانه قوم و عده باشد (ر.ک. ۷:۳۱؛ ۳:۲۳؛ ۲:۴)؛ توضیحات اش (۲:۴).

^{۲۰} طبق فصل ۲۴، این بازمانده قوم و عده در میان تبعیدیان سال ۵۹۷ ق.م. می‌باشد؛ ر.ک. توضیحات حجی ۱:۱۲.

^{۲۱} ماه‌های سپتامبر-اکتبر (ر.ک. توضیحات زک ۵:۷). سال این رویداد تصریح نشده است. اگر این امر در همان سال تصرف شهر روی داده باشد (۵۸۷ ق.م.) و با توجه به اینکه جدلیا در ماه پنجم از سوی نیوزردان به این مقام گمارده شد (ر.ک. توضیحات ۱۳:۳۹)، در این صورت او بیش از دو ماه در این منصب نمانده است، ر.ک. توضیحات ۲-پاد ۲۵:۲۵

^۸اما در میان ایشان ده مرد بودند که به اسماعیل گفته‌ند: «ما را به قتل مرسان، زیرا ما را آذوقه‌ای پنهان در صحرا هست، (یعنی) گندم و جو و روغن و عسل». آنگاه او از کشنده ایشان در میان برادرانشان چشم پوشید. ^۹آب انباری که اسماعیل تمام اجساد مردانی را که زده بود در آن انداخت، آب انبار بزرگی ^a بود، همان که آسا پادشاه بر علیه بعشا، پادشاه اسرائیل ساخته بود؛ همین بود که اسماعیل پسر نَتَّیاهاو از قربانیان پر کرد. ^{۱۰} اسماعیل تمام بازماندهٔ قوم را که در مصfe بودند، و نیز دختران پادشاه را که بوزَدان، فرماندهٔ محافظان به جدلیا پسر اخیقام سپرده بود، به اسارت برد؛ اسماعیل پسر نَتَّیا ایشان را به اسارت برد و به راه افتاد تا نزد بنی عمون برود.

^{۱۱} وقتی یوحنا پسر قاریح و همهٔ رؤسای نظامیان که با او بودند، از تمام بدی که اسماعیل پسر نَتَّیا کرده بود مطلع شدند، ^{۱۲} جمیع مردان خود را بر گرفتند و رفتند تا با اسماعیل پسر نَتَّیا بجنگند. ایشان او را در نزدیکی «آبهای» بزرگ جبعون یافتند. ^{۱۳} پس تمام قومی که با اسماعیل بودند، با دیدن یوحنا پسر قاریح و همهٔ رؤسای نظامیان که با او بودند، به وجود آمدند.

به مصfe رفت، و در آنجا، در مصfe، با یکدیگر ضیافت تدارک دیدند. ^۲ اسماعیل پسر نَتَّیا برخاست، همچنین آن ده مرد که با او بودند؛ ایشان جدلیا پسر اخیقام پسر شافان را به شمشیر زدند، و او را به قتل رساندند، هم او را که پادشاه بابل حاکم سرزمین مقرر کرده بود. ^۳ تمامی اهالی یهودا که با در مصfe بودند، و همچنین تمام کلدانیانی که در آنجا بودند، (یعنی) مردان جنگی را، اسماعیل ایشان را زد.

^۴ و در فردای آن روز که جدلیا را به قتل رسانده بودند، بدون آنکه کسی از آن باخبر شود، ^۵ مردانی از شکیم و شیلوه و سامرہ، که تعدادشان هشتاد نفر بود، با ریش تراشیده و جامه‌های چاک زده و [بدن‌های] پوشیده از جراحات، آمدند و با خود هدیه آردی و بخور داشتند تا آنها را به خانهٔ یهوه ^۶ ببرند. ^۷ اسماعیل پسر نَتَّیا به استقبال ایشان از مصfe بیرون آمد؛ ایشان گریه گنان راه می‌پیمودند ^۷. چون به آنان رسید، او به ایشان گفت: «نزد جدلیا پسر اخیقام بیایید». ^۸ پس وقتی به میان شهر رسیدند، اسماعیل پسر نَتَّیا، ایشان را گردن زد و به وسط آب انبار [انداخت]، ^۹-مکا:۱۹ هم او هم مردانی که با او بودند.

y منظور شاید معبد ویران شده اورشليم یا عبادتگاهی در مصfe باشد. این راهپیمایی نیز شاید زیارتی سنتی و با تاریخی ثابت بوده، یا به مناسبت ویرانی معبد اورشليم انجام می‌گرفته است. وارد ساخن جراحت برخویشتن یکی از آیینهای بت پرستی کنعانیان و همسایگانشان بود که انرا به افتخار خدایانشان به جا می‌آوردند (۱:۵:۴۷-۱:۵:۲۸؛ پادشاهان ۱:۱۸:۲۸). این عمل در شریعت متع شده بود (لاو ۱:۹:۵؛ ۲:۲۸:۱؛ تث ۱:۱۴؛ ۴:۲۱؛ ۵:۱۴:۷).

z طبق متن عبری، این اسماعیل بود که گریان می‌رفت. ترجمه ما منطبق است با ترجمه یونانی.

a قرائت عبری: «به دست جدلیا» (که این متن ظاهراً مخدوش است).

b ر.ک. ۱- پاد:۱۵؛ ۲:۱۸:۱۶ و توضیحات.

برسد! برای تمام این بازمانده نزد یهوه، خدایت، دعا کن^f; چرا که از آن عده بسیار [که بودیم]^g، تعداد اندکی باقی مانده ایم، چنان که آن را با چشمانست خودت می بینی. تث ۶۲:۲۸
۳:۳۷ باشد که یهوه، خدایت، راهی را که باید دنبال کنیم و آنچه را که باید انجام دهیم، برای ما مشخص سازد!^h

ارمیای نبی به ایشان گفت: «شنیدم. اینک نزد یهوه، خدایتان، مطابق سخنانتان دعا خواهم کرد، و هر کلامی که یهوه در پاسخ شما بگوید، آن را برایتان مشخص خواهم ساخت؛ هیچ چیز را از شما پنهان خواهم کرد». ⁱ و ایشان به ارمیا گفتند: «بادا که یهوه بر علیه ما شاهد راست و امین باشد اگر در هر امری مطابق کلامی که یهوه، خدایت، برای ما به تو بفرستد عمل نکنیم.^j چه نیک باشد و چه بد، صدای یهوه، خدایمان را که تورا نزد او می فرستیم ۲۰:۳۸ خواهیم شنید، تا با اطاعت از صدای یهوه، خدایمان، برای ما سعادت حاصل شود».

^j پس بعد از ده روز، کلام یهوه بر ارمیا فرا رسید.^k او یوحنا پسر قاریح و تمام رؤسای نظامیان را که با او بودند، و نیز تمام قوم را، از کوچکترین تا بزرگترین، فرا خواند.^l به ایشان گفت: «چنین سخن

^h تمام قومی که اسماعیل از مصfe به اسارت می برد، روی برگردانیدند و رفتند تا به یوحنا پسر قاریح پیووندند.^m اما اسماعیل پسر ننتیا با هشت مرد از دست یوحنا گریخت و نزد بنی عمون رفت.ⁿ یوحنا پسر قاریح و تمام رؤسای نظامیان که با او بودند، تمام بازمانده قوم را که اسماعیل پسر ننتیا از مصfe به اسارت برده بود، بعد از آنکه جدلیا پسر اخیقام را زده بود، برگرفتند، (یعنی) مردان جنگی، زنان، کودکان و خواجهگان را که از جمعون می برندند.^o ^p ایشان به راه افتادند و در جیروت - کمهام^q که در کنار بیت لحم است، توقف کردند؛ قصد این بود که به مصر بروند، ^r به دور از کلدانیان که از ایشان می ترسیدند، زیرا اسماعیل پسر ننتیا، جدلیا پسر اخیقام را که پادشاه بابل او را حاکم مقرر کرده بود، زده بود.

فرار به مصر علی رغم کلام خداوند

۴۳

آنگاه تمامی رؤسای نظامیان و نیز یوحنا پسر قاریح و عزربیا^s پسر مَعسیا و تمام قوم، از کوچک ترین تا بزرگ ترین، پیش آمده، ^t به ارمیای نبی گفتند: «بادا که استدعای ما به حضور تو

^c متن عبری را می توان به این دو صورت قرائت کرد: «... که او با خود باز آورده بود» یا «... که او با اسماعیل پسر ننتیا از مصfe برده بود». با اندکی تغییر در ترتیب حروف، به این شکل نیز می توان قرائت کرد: «آنان که اسماعیل پسر ننتیا از مصfe به اسارت برده بود».

^d این دو کلمه در عبری مبهم می باشند. طبق ترجمه های آرامی و سیماک و ولگات، می توان به این شکل ترجمه کرد: «... و در اردوگاه کمهام که ...»

^e قرائت متن عبری: «بنینا پسر هوشعیا» ر.ک. ۸:۴۰ ترجمه مطابق است با ترجمه یونانی. ر.ک. توضیحات ۱:۱۵.

^g ارمیا با اینکه برای بیان کلام خدا تخصیص یافته بود (ر.ک. توضیحات ۹:۱)، اما نبی توانست به خواست خود، از کلام خدا برخوردار شود، بلکه باید منتظر می ماند تا خداوند پاسخ دهد؛ ر.ک. توضیحات ۱۸:۱۱؛ توضیحات ۱:۲۸.

افرادی که نگاه‌هایشان را به مصر می‌دوزند تا به آنجا داخل شوند و در آنجا اقامت گزینند، با شمشیر و قحط و طاعون خواهند مرد؛ و در آنجا، در میان ایشان کسی نخواهد بود که از مصیبتی که بر ایشان وارد خواهم آورد، زنده باقی بماند و مرا^{۲۳:۱۱} ایشان خواهد بود که از او^{۲۲:۲۱} می‌گوید یهوه لشکرها، خدای اسرائیل؛ به آن سان که خشم و غضبیم بر ساکنان اورشلیم فرو ریخت، به همان سان غضبیم، آن گاه که به مصر داخل شوید، بر شما فرو خواهد ریخت؛ و شما نفرین و ویرانی و لعنت و رسایی^۶ خواهید بود، و دیگر این مکان را نخواهید دید».^{۱۹}

[ارمیا گفت]: «ای بازمانده یهودا، این است کلام یهوه برای شما: به مصر داخل مشوید. خوب بدانید که امروز به شما با قاطعیت هشدار دادم!^{۲۰} شما به خود زیان رسانید آن هنگام که مرا نزد یهوه، خدایتان فرستادید و گفتید: برای ما نزد یهوه، خداییمان، دعا کن، و هر آنچه یهوه خدای ما بگوید، آن را برای ما مشخص ساز و آن را به انجام خواهیم رساند.

^{۲۱} امروز آن را برای شما مشخص ساختم، و شما به صدای یهوه، خدایتان را در هیچ^{۴:۴۳} امری که مرا برای آن به سوی شما فرستاد، گوش نگرفتید.^{۲۲} پس این را خوب بدانید: شما در آن مکانی که می‌خواهید داخل شوید تا در آن اقامت گزینید، با شمشیر و قحط و طاعون خواهید مرد!».^{۲۳}

می‌گوید یهوه خدای اسرائیل، که مرا نزد او فرستادید تا استدعایتان را در پیشگاه او مطرح کنم.^{۱۰} اگر بخواهید در این سرزمین ساکن شوید، شما را بنا خواهم کرد و ویران نخواهم نمود؛ شما را خواهم کاشت و بر نخواهم کند؛ زیرا از بدی که به شما کردم پشیمانم.^{۱۱} از پادشاه بابل که از او می‌ترسید، مهراسید؛ از او مترسید - وحی یهوه - زیرا من با شما هستم تا شما را نجات دهم و از دست او برها نمی‌کاری خواهم کرد که مورد ترحم قرار گیرید؛ او بر شما رحم خواهد کرد و خواهد گذاشت^h که بر روی زمین خود ساکن شوید.^{۱۲} اما اگر بگویید: در این سرزمین ساکن نخواهیم شد - به خاطر گوش نسپردن به صدای یهوه، خدایتان.^{۱۳} اگر بگویید: نه! به سرزمین مصر داخل خواهیم شد؛ در آنجا جنگ نخواهیم دید و صدای کرنا نخواهیم شنید و تنگی نان نخواهیم داشت؛ و در آنجا است که ساکن خواهیم شد^{۱۴} بسیار خوب! پس ای بازمانده یهودا، کلام یهوه را بشنوید: چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها، خدای اسرائیل؛ اگر به راستی نگاه‌های خود را به مصر بدوزید تا به آنجا داخل شوید، و اگر به آنجا داخل شوید تا در آنجا اقامت گزینید،^{۱۵} شمشیری که از آن می‌ترسید، در آنجا، در سرزمین مصر به شما خواهد رسید، و قحطی که نگرانش می‌باشد، در آنجا، در مصر به پایهای شما خواهد چسبید، و در آنجا خواهید مرد!^{۱۶} تمام

قرائت متن عبری: «او شما را باز خواهد آورد»، ر.ک. ۱۵:۱۶. ترجمه ما منطبق است با ترجمه های آکيلا و سربانی و وولگات، اما این ترجمه ها ضمیر افعال را به اول شخص آورده اند.
۱ همانند ۱۲:۴۳؛ ر.ک. ۹:۲۴. ۲ ۱۸:۲۹؛ ر.ک.

کلام خداوند در مصر

کلام یهوه در تحقّق‌حیس به این مضمون^۸ به ارمیا فرا رسید: ^۹ سنگ‌های بزرگ در دستان خود برگیر و آنها را در مقابل چشمان مردمان یهودا، با سیمان در سنگفرشی^k که در ورودی خانهٔ فرعون، در تحقّق‌حیس هست، در زمین فرو کن.^{۱۰} و به ایشان بگو: چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها، خدای اسرائیل: اینک خواهم فرستاد تا نبوکدن‌نصر پادشاه بابل،^{۹:۲۵} خدمتگزار خویش را برگیرم، و او تخت سلطنت خود را بر بالای این سنگ‌ها که در خاک کرده‌ام خواهد گذارد، و ساییان خود را بر آنها برقرار خواهد ساخت.^{۱۱} او آمده، سرزمین مصر را خواهد زد:^{۱۲}

آن کس را که برای مرگ است، به مرگ!^{۱۳:۴۶}
آن کس را که برای اسارت است، به اسارت!^{۱۲:۱۶}
آن کس را که برای شمشیر است، به شمشیر!^{۱۱:۱۱}

او خانه‌های خدایان مصر را به آتش خواهد کشاند و آنها را خواهد سوزاند و [خدایان] را به اسارت خواهد برد؛ او^{۱۳:۳۰} سرزمین مصر را شیش گیری خواهد کرد، به همان گونه که چوپان جامهٔ خود را شیش گیری می‌کند، و از آنجا در آرامش بیرون خواهد رفت.^{۱۴} او ستون‌های یادبود

۴۳ پس چون ارمیا از بیان تمامی سخنان یهوه، خدای ایشان را به

مردم فارغ شد، (سخنانی) که یهوه، خدای ایشان، او را برای آنها نزد ایشان فرستاده بود - (یعنی) تمامی این سخنان را -^۳ زربا پسر معسیا، و یوحنا پسر قاریح، و جمیع مردان متکبر به ارمیا گفتند: «آنچه به ما می‌گویی دروغ است. یهوه، خدای ما، تو را نفرستاده تا بگویی: به مصر داخل مشوید تا در ان اقامت گزینید.^{۱:۴۲} بلکه باروک پسر نیریا است که تو را بر علیه ما تحیریک می‌کند، تا ما را به دست کلدانیان بسپارد تا ما را هلاک سازند یا ما را به بابل تبعید کنند».

اما یوحنا پسر قاریح، و تمامی رؤسای نظامیان و تمام مردم از شنیدن صدای یهوه برای سکونت در سرزمین یهودا سر باز زندن.^{۴:۴۴} یوحنا پسر قاریح و تمامی رؤسای نظامیان، تمام بازماندهٔ یهودا و آنانی را که از (نژد) جمیع ملت‌ها بازگشته بودند، (ملت‌هایی) که نزد آنها رانده شده بودند، گرفتند،^۶ (یعنی) مردان و زنان و کودکان و دختران پادشاه و همهٔ کسانی را که نبوزردان، فرماندهٔ محافظان نزد جُدلیا پسر اخیقام پسر شافان گذارده بود، و نیز ارمیای نبی و باروک پسر نیریا یاهورا.^۷ ایشان وارد سرزمین مصر شدند، زیرا صدای یهوه را نشنیدند؛ ایشان تا به تحقّق‌حیس رسیدند.^{۱۳:۴۲}^{۲۶:۲۵}

از با توجه به ۱۱:۴۰، منظور بازگشت از نزد ملت‌های مجاور است، نه آن بازگشت بزرگ از تبعید. ترجمهٔ این عبارات مبتنی است بر حدسیات. ارمیا مأموریت می‌یابد تا شالوده‌ای را بنا نهاد که نبوکدن‌نصر، ابزار مجازات الهی، تخت سلطنتش را بر آن قرار خواهد داد. رویدادی که با این «عمل نمایین» اعلام می‌شود، از هم اکنون شروع به تحقق یافتن می‌کند؛ ر. ک. توضیحات ۱:۱۳.

^۱ این پیشگویی عملاً به هنگام جنگ نبوکدن‌نصر بر علیه مصر، در زمان فرعون آماسیس، در سال‌های ۵۶۸ تا ۵۶۷ ق.م. جامهٔ عمل پوشید؛ ر. ک. حرق ۲۹:۱۹-۲۰.

سوزاند و اکنون خراب و ویران^m شده‌اند، ۲۳-۲۲:۴۴ همان گونه که امروز [شده است].ⁿ

و اینک، چنین سخن می‌گوید یهوه، خدای لشکرها، خدای اسرائیل: از چه سبب این شرارت بزرگ را بر علیه خودتان حب ۱۰:۲ مرتکب می‌شوید تا خود را، مرد و زن و کودک و شیرخواره را در بین یهودا از میان بردارید، بی‌آنکه از شما بازمانده‌ای باقی بماند،^o چون با اعمال دست خود را به خشم می‌آورید^p و برای خدایان دیگر در سرزمین مصر که برای اقامت به آنجا داخل شده‌اید بخور می‌سوزانید، تا خود را از میان بردارید و در بین تمامی ملت‌ها زمین، تبدیل به نفرین و رسوابی^q گردید؟ آیا شرارت‌های پدرانتان و شرارت‌های پادشاهان یهودا و شرارت‌های بزرگانشان و شرارت‌های خودتان و شرارت‌های زنانتان را که در سرزمین یهودا و در کوچه‌های اورشلیم به عمل آمده، فراموش کرده‌اید؟^r آیشان تا به امروز نه ندامتی نشان داده‌اند و نه ترسی، و مطابق شریعت من و مطابق فرایض من که در برابر شما و در برابر پدرانتان قرار داده بودم، سلوک نکرده‌اید.^s به همین سبب، چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها، خدای اسرائیل:

بیت-شمیش^m را که در سرزمین مصر است، خردخواهد ساخت، و خانه‌های خدایان مصر را به آتش خواهد سوزاند.

۴۴ ^{۱:۳۵} کلامی که بر ارمیا خطاب به تمامی اهالی یهودا که در سرزمین مصر، و در سرزمین مجلدⁿ، در تھفنهیس و نوف^o و در سرزمین فتروس^p ساکن بودند، به این مضمون فرا رسید: ۲ چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها، خدای اسرائیل: شما تمام مصیبتی را که بر اورشلیم و بر تمام شهرهای یهودا وارد آوردم دیدید، و اینک امروز آنها ویران هستند و در آنها سکنه‌ای نیست.^۳ این به سبب شرارتی است که مرتکب شده‌اند تا مرا به خشم آورند، چرا که رفته‌اند و برای خدایان دیگر که نمی‌شناختند، نه ایشان و نه شما و نه پدران شما^q، بخور سوزانندن.^r من بدون خستگی خدمتگزاران انبیا را نزد شما فرستادم تا بگویند: این کار نفرت انگیز را که از آن متفنگ انجام مدهید.^s اما ایشان نشنیدند و گوش نسپارندند تا از شرارت خود بازگشت کنند و از سوزاندن بخور برای خدایان دیگر باز ایستند.^t آنگاه غضب و خشم من فرو ریخت و شهرهای یهودا و کوچه‌های اورشلیم را

^m نامی است عبری به معنی «خانهٔ خورشید». این شهر که به مصری «اون» خوانده می‌شود (ر.ک. پید ۴۵:۴۱؛ حرق ۳۰:۱۷) و به یونانی «هليوبوليس»، در اطراف معبد بزرگ خدای خورشید بنا شده بود.

ⁿ شهری واقع در شرق تھفنهیس (یونانی: دافنه)، در منتهای ایه شمال مصر. ر.ک. حرق ۲۹:۶؛ ۳۰:۱۰.

^o ر.ک. توضیحات ۱۶:۲؛ توضیحات اش ۱۲:۴۹.

^p مصر علیا: ر.ک. توضیحات پید ۱۰:۱۴؛ اش ۱۱:۱۱؛ توضیحات حرق ۲۹:۱۴.

^q ر.ک. توضیحات ۷:۹ در ترجمه یونانی فقط آمده: «... که شما نمی‌شناخنید»، ر.ک. ۹:۷.

^r ر.ک. آیه ۲۵:۱۱، ۲۲:۲۵.

^s مانند ۶:۲۵ (ر.ک. توضیحات)

^t ر.ک. آیه ۱۲:۱۲؛ ۹:۲۴؛ ۱۸:۴۲.

به نام یهوه به ما گفتی، آن را گوش خواهیم ۱۷:۶ گرفت. ^{۱۷} بلکه می خواهیم هر کلامی را که از دهان خودمان خارج می شود، آن را به جا آوریم، (یعنی اینکه) برای ملکه آسمان‌ها ^۷ بخور سوزانیم و برای او هدایای ریختنی بریزیم، همان گونه که ما و پدرانمان، پادشاهانمان و بزرگانمان، در شهرهای یهودا و در کوچه‌های اورشلیم می کردیم؛ در آن زمان نان کافی داشتیم، و سعادتمند هو ۷:۲۰ بودیم و مصیبت را نمی دیدیم. ^{۱۸} اما از آن هنگام که از سوزاندن بخور برای ملکه آسمانها و از ریختن هدایای ریختنی برای او باز ایستادیم، محتاج همه چیز شده ایم و ^{۱-۱۱:۱۱} به طور کامل با شمشیر و قحط از میان می رویم! ^{۱۹} و زنان گفته‌ند: «وقتی برای ملکه آسمان‌ها بخور می سوزانیم و برای او هدایای ریختنی می ریزیم، مگر بدون آگاهی شوهرانمان است که برای او شیرینی‌هایی می سازیم که به شکل او هستند»^X؛ و برای او هدایای ریختنی می ریزیم؟ ^{۲۰} ارمیا به تمام قوم، به مردان و زنان و تمام کسانی که به او پاسخ داده بودند، گفت: ^{۲۱} «مگر بخوری که در شهرهای ۱۳:۱۱ یهودا و در کوچه‌های اورشلیم سوزاندید، شما و پردازان، پادشاهان و بزرگانتان، همچنین مردم سرزمین، همین نیست که یهوه به یاد آورده و به فکرش رسیده است؟ ^{۲۲} و چون یهوه دیگر نمی توانست شرارت ۶:۱۵ اعمالتان و مکروهاتی را که مرتکب ۴:۴۴

اینک روی خود را به سوی شما برای ۱۰:۲۱ مصیبت نگاه خواهم داشت، تا شما را از تمام یهودا از میان بردارم. ^{۱۲} من بازمانده یهودا را که نگاه‌هایش را به سوی سرزمین مصر دوخته تا به آنجا داخل شده، در آنجا اقامت گریند، برخواهم گرفت؛ ایشان در سرزمین مصر به کلی نابود خواهند شد، و با شمشیر خواهند افتاد؛ ایشان، از کوچک ترین تا بزرگ ترین، با قحط به کلی نابود خواهند شد؛ با شمشیر و با قحط خواهند مرد، و تبدیل به نفرین و نابودی و لعنت و رسوای ^{۱۳} خواهند گشت. ^{۱۳} من تمام آنانی را که در سرزمین مصر ساکن اند مجازات خواهم کرد، همان گونه که اورشلیم را با شمشیر و قحط و طاعون مجازات نمودم. ^{۱۴} از بازمانده یهودا، از آنانی که به سرزمین مصر داخل شده اند تا در آن اقامت گریند، کسی نه رهایی خواهد یافت و نه زنده خواهد ماند. و اما درباره بازگشت به سرزمین یهودا که ایشان آرزو دارند به آنان بازگردند و در آن ساکن شوند، نه، به آنجا باز نخواهند گشت، به جز چند تن که رهایی خواهند یافت. ^{۱۵} تمام مردانی که می دانستند زنانشان برای خدایان دیگر بخور می سوزاندند و تمام زنان حاضر - (یعنی) جماعتی عظیم - ^{۲۱، ۸، ۳:۴۴} ^{۲۳} تمامی قومی که در سرزمین مصر، در فتروس ساکن بودند، به این مضمون به ارمیا پاسخ دادند: ^{۱۶} «در مورد کلامی که

^{۱۱} تحت اللقطی: «تبدیل به خرابه و ویرانه و لعنت شده است». مانند ۱۸:۴۲ (ر.ک. توضیحات)

۷ ر.ک. توضیحات ۱۸:۷.

^۷ مطابق چند نسخه خطی یونانی و سریانی؛ در عبری نیست.
^X یا: «برای اینکه با او همچون خدا رفتار کیم». در ترجمه یونانی نیست.

سرزمین مصر، هیچ کس نخواهد گفت: به
حیات خداوند یهوه (سوگند)!^d اینک ۲۷
بر ایشان نظر خواهم داشت برای مصیبت و
نه برای سعادت؛ جمیع مردمان یهودا که در
سرزمین مصر هستند، به طور کامل با
شمیشی و با قحط از میان خواهند رفت، تا
اینکه کاملاً قلع و قمع شوند.^۸ چند تن که
از شمشیر خواهند رست - (یعنی) تعداد
اندکی از افراد - از سرزمین مصر به سرزمین^{۱۳:۲۷}
یهودا باز خواهند گشت. و تمام آنان که از
یهودا باقی می‌مانند، (یعنی) آنانی که به
سرزمین مصر داخل شده اند تا در آن اقامت
گزینند، خواهند دانست که کلام چه کسی
تحقیق می‌یابد کلام من یا کلام ایشان!^۹
و نشانه برای شما - وحی یهوه - که^{۲۹:۱۹-۲}
شما در این مکان مجازات خواهم کرد، تا
بدانید که سخنان من بر علیه شما برای
تیره روزی تان به یقین خواهد یافت، این
است: ^{۳۰} یهوه چنین سخن می‌گوید: اینک
فرعون حُفْرَع، پادشاه مصر را به دست^{۲۶:۴۶}
دشمنانش و به دست آنانی که قصد جانش
را دارند^e خواهم سپرد، همان گونه که
صدقیا، پادشاه یهودا را به دست^{۵:۳۹}
نوبکنصر، پادشاه بابل، دشمن او که قصد
جانش را داشت، سیردم».

۱۰:۹:۹ می شدید تحمل کند، سرزمیتان تبدیل به خرابه و ویرانه و لعنت شده^a، و خالی از سکنه، آن چنان که امروز [شده است].

۲۳ از آنجا که بخور سوزاندید و بر علیه ۱۶:۱ یهوه گناه ورزیدید، و از آنجا که صدای یهوه را نشنیدید و مطابق شریعت و فرایض ۲۵:۳ و احکام او سلوک نکردید، به همین سبب است که این مصیبت بر شما وارد آمده، آن ۱۸:۲۵ چنان که امروز [شده است].

۲۴ ارمیا به تمامی قوم و به همه زنان گفت: «ای تمامی شما اهالی یهوه که در سرزمین مصر هستید، کلام یهوه را بشنوید: ۲۶:۴۴ ۲۵ چنین سخن می گوید یهوه لشکرها، خدای اسرائیل: شما زنان^b، به دهان خویش آن را اعلام کرده و با دست خود آن را به انجام رساندید و گفتید: می خواهیم نذرهایمان را ادا کنیم، (نذرهای) که کرده ایم، تا برای ملکه آسمان ها بخور بسوزانیم و برای او هدایای ریختنی^c بریزیم. پس نذرهای خود را ادا کنید و هدایای ریختنی تان را به عمل آورید!^d

۱۷:۴۴ ۱۳:۱۹:۱۸:۷ ۵:۱ ۲۶ اما کلام یهوه را بشنوید، ای همه شما اهالی یهوه که در سرزمین مصر ساکن اید: ۴:۲ اینک این را به نام عظیم خود^e سوگند می خورم: نام من دیگر از دهان هیچ یک از مردمان یهوه ذکر نخواهد شد: در تمام،

V. . ک. آیہ ۶ و توضیحات: ۲۴: ۹: ۴۲: ۱۸:

زورب: آیده و نویسید. ۱۹۷۷: ۱۸۸-۱۸۹.

۲۹. مکہ اسلامیہ کے نام سے تحریکیں۔ ملکہ اسلامیہ کا تفسیر ۱۸:۷۔

b قرائت چند نسخه خطی فقه

۶ حقرّ به دست آماسیس در سال ۵۷۰ ق.م. از سلطنت خلع شد، یعنی دو سال پیش از حمله نبود کندر، به مصر (ر.ک.).
۷ الفانین در مصر علیا، که کمی متأخرتر است، بیانگر اختلاط عبادت دو الهه با عبادت بهوه می باشد.
۸ ر.ک. ۱۶:۱۲. مهارجین علاوه بر عبادت «ملکه آسمان‌ها» (ر.ک. آیات ۱۷-۱۹) که همان ایشتار با آنات می باشد، بهوه را
نیز عبادت می کردند؛ در خصوص آیین‌های مشابه در فلسطین، ر.ک. توضیحات ۲:۲۰. اسناد یهودی به دست آمده در

نجات باروک^f

۴۵

^۱ کلامی که ارمیای نبی به باروک
^۲ پسر نریا گفت، آن هنگام که وی،
 در سال چهارم یهویاقیم پسر یوشیا، پادشاه
^۳ یهودا، چون ارمیا بر او میخواند، این
 سخنان را در کتابی نوشت: «چنین سخن
 می‌گوید یهوه، خدای اسرائیل، در مورد تو،
 ای باروک. ^۴ تو می‌گویی: وای بر من، چرا
 که یهوه محنت را به درد من می‌افزاید! از
^۵ آن است آنچه به او خواهی گفت: یهوه
 چنین سخن می‌گوید: آنچه بنا کردم، اینک
 آن را خراب خواهم ساخت؛ آنچه کاشتم، آن
 را بر خواهم کند^g. ^۶ اما تو برای خوبش
^۷ چیزهای بزرگ می‌طلبی! آنها را مَطْلَب^h: ^۸ روم ۱۶:۳

زیرا اینک مصیبتی بر تمامی بشر خواهم
 آورد - ای یهوه - اما جان تورا، ب هر جا که ^۹ ۲۹:۲۵:۱۹:۶

بروی، به تو به غنیمت خواهم بخشیدⁱ. » ^{۱۰} ۱۹:۱۰

وحی‌های مربوط به ملت‌ها (دباله)

۴۶

^۱ کلام یهوه به ارمیا نبی بر علیه
 ملت‌ها چنین بود. ^۲ ۱۳:۲۵

مصر

شکست در گرکمیش^j

^۲ برای مصر. بر علیه لشکر فرعون نکو،
 پادشاه مصر، که بر رود فرات در گرکمیش
 بود و نبوکدنصر، پادشاه بابل، در سال

چهارم یهویاقیم پسر یوشیا، پادشاه یهودا، ۱:۳۶
 شکست داد.

^۳ سپرهای بزرگ و کوچک را آماده ^{۱۱:۵۱}

سازید
 و به جنگ بروید.
^۴ اسب‌ها را زین کنید،
 سوار شوید، ای اسب سواران!
 در صفوخ خود، کلاه‌خود بر سر،

^f محتوای این وحی به وحی‌هایی که ارمیا خطاب به صدقیا (۱۸:۳۹) و عبدملک (۷-۱:۳۴) بیان کرد، تزدیک است: پس شاید مربوط به همان تاریخ باشد (۵۸۶-۵۸۸ ق.م.) در این صورت، مقدمه‌ای که آن را مربوط به سال ۶۰۵ ق.م. می‌سازد، می‌تواند الحاقیه‌ای از سوی ویراستار تلقی شود. - باروک کاتب ظاهرآ جاه طلبی‌هایی سیاسی در سر می‌پروراند (آیه ۵:۵ ر.ک. ۳:۴۳). به دنبال رویدادهایی که یا در سال ۶۰۵ ق.م. رخ داد (در زمان قرائت علی وحی‌های ارمیا، فصل ۳۶) یا در سال‌های ۵۸۶-۵۸۷ ق.م. (در زمان مهاجرت اجباری به مصر، فصل ۴۳)، او می‌دید که حیات سیاسی اش نابود می‌شود.

ارمیا با بیان قصد الهی، اورا تسلی می‌دهد و می‌گوید که لااقل جانش در امان خواهد بود. ^g در متن عبری، این عبارت به دنبال این جمله می‌آید: «و این در تمام زمین (به عمل خواهی آورد)». این عبارت در ترجمه یونانی نیست. آن را می‌توان مربوط به «سرزمین» اسرائیل دانست (ر.ک. ترجمه آرامی) که خداوند در حال ویران کردنش بود و آن را پس از بنا و کاشتن، ریشه کن می‌ساخت.

^h انتقاد ارمیا بر ضد باروخ جدی می‌باشد: وقتی دشمن در شرف حمله کردن می‌باشد چگونه می‌تواند امیازهای بزرگ برای خود بطلبید. ⁱ ر.ک. توضیحات ۹:۲۱.

^j گرکمیش شهری مهم در بین الهرین بود و امروزه جرابلوس نامیده می‌شود و شهری مرزی میان سوریه و ترکیه می‌باشد. در اینجا بود که در سال ۶۰۵ ق.م. مصری‌ها و آشوری‌ها از بابل‌ها متحمل شکستی شدند که دیگر نتوانستند از آن سر برآورند: ر.ک. توضیحات ۱:۲۵.

او گفت: بر خواهد آمد و زمین را خواهد پوشاند،^k
و شهرها و ساکنان را هلاک خواهد ساخت!^l

ای اسیان جنگی، حمله کنید،^۹
ای ارابه‌ها، بیداد کنید،^{۲:۳:۵}
ای شجاعان، پدیدار شوید،^۹
ای مردمان کوش و فوت،^۹
که سپرها را به کار می‌گیرید،^۹
و شما، ای لودیان^p که کمان را
می‌کشید!^۹

اما امروز، روز خداوند یهوه لشکرها
است،^{۱۰}
روز انتقام که در آن از خصمان خویش
انتقام می‌گیرد.^{۱۰}

شمیشیر می‌درد و سیر می‌شود،^{۱۱:۱۲:۱۲}
از خون آنان سیراب می‌گردد!^{۱۱:۲۷:۱۲:۱۲}

زیرا خداوند یهوه را قربانی ای^r است
در سرزمین شمال، در کنار رود فرات.^{۱۱:۲۷:۱۲:۱۲}

ای باکره، ای دختر مصر^t.^{۸:۵۱}
مرهم‌ها را بیهوده اسراف می‌کنی:
جراحت تو التیام نمی‌پذیرد!^{۹:۵۱}

سرنبزه‌ها را صیقل دهید^k،
جوشن‌ها را بردوش نهید.^l

اما چه می‌بینم?^۵
ایشان هر اسانند،
عقب می‌نشینند!^۶

شجاعانشان له شده‌اند،^۷
پریشان حال می‌گریزندⁿ
بی‌آنکه باز گردد.^{۹:۲}

وحشت از هر سو!^m
و حی یهوه.^{۹:۴۹:۲۵:۶}

نه مرد چابک می‌تواند بگریزد^{۱۵:۲}
و نه مرد شجاع می‌تواند رهابی یابد؛^{۱۵:۲}

در شمال، در کرانه رود فرات،^{۱۲:۴۶}
ایشان می‌لغزند؛ ایشان می‌افتد.^{۱۲:۴۶}

کیست آن کس که همانند نیل بر^{۲:۴۷}
دان^{۱۰:۱۱} می‌آید^{۷:۸}

[و] آبهایش به سان رودها به تلاطم
می‌آید^۹؟

این مصر است که همانند نیل بر^۸
می‌آید^۹

و آب‌هایش به سان رودها به تلاطم
می‌آید.^۹

^۱ قرائت یونانی: «نبی‌های تیز، به پیش»، ر.ک. مز ۳۵.

^۲ پوششی چرمی مجهر به قطعات فلزی.

^۳ این اصطلاح در ارمیا تکرار شده: ۲۵:۶ و ۳:۲۰ و ۳:۲۰ و ۳:۲۰.

^۴ تحتاللفظی: «به پناهگاه می‌گریزند». اما سنت یهوه آن را در این معنا تفسیر می‌کند: «فرارکنان می‌گریزند».

^۵ این تصویر یادآور طغیان‌های رود نیل و شاخه‌های متعدد آن می‌باشد. نبی ادعاهای سلطه جویانه مصر را به این شکل تعبیر می‌کند.

^۶ «فوت» احتمالاً همان لیبی است: «لود» مکانی مسکونی ناشناخته‌ای است در آفریقا. ر.ک. توضیحات اش ۱۹:۶۶.

^۷ در برخی نسخ چینین آمده: «به دست می‌گیرند و می‌کشند». عبارت اخیر احتمالاً حالتی تکراری دارد و می‌توان آن را حذف کرد.

^۸ واژه عربی اشاره دارد به خواراکی که از گوشت قربانی تهیه می‌شود (ر.ک. صفحه ۷:۱). قربانی شامل دو بخش می‌شد: یکی عمل قربانی و ذبح کردن و دیگری خوردن آن. در اینجا، نگارنده پس از توصیف جنبه ذبح شدن قربانی با شمشیر، با اراده تصویری انسان گونه انگارانه از جنبه خوردن قربانی، نشان می‌دهد که خود خداوند در این امر بی‌تفاوت نیست.

^۹ برای ارمیا، روغن التیام بخش بلسان، با جلعاد مترادف است.

^{۱۰} تحتاللفظی: «ای باکره مصر دختر». ر.ک. توضیحات آیه ۴:۲۴.

به این سبب که یهوه آن را سرنگون ساخته است.

^{۱۶} قوم مختلط^a تو می‌لغزند و می‌افتد؛
به یکدیگر می‌گویند:
به پا خیزیم! به سوی قوم خود باز گردیدم
و به سوی زادگاه خویش،
به سبب شمشیر ویرانگر.

^{۱۷} به فرعون، پادشاه مصر، این نام را اش^b بدهید:

«هیاوه... که می‌گذارد ساعت بگذرد!^c
^{۱۸} به حیات خویش سوگند! - وحی
پادشاه»

که نامش یهوه لشکرها است.
آری، به سان تایور در میان کوهساران،
و همچون کرمل که در دریا پیشروی
می‌کند،
او می‌آید!^d

۱۲ ملت‌ها از شرم‌ساری تو‌آگاهی
یافته‌اند،

زمین از فربادهای تو پر است؛
زیرا مرد شجاع بر مرد شجاع می‌لغزد
ناآ:۶ و هر دو با هم می‌افتد!

هجوم بر مصر^{۱۳}

کلامی که یهوه به ارمیای نبی گفت،
آن گاه که^۷ نبوکدنصر، پادشاه بابل آمد تا

سرزمین مصر را بزند.

^{۱۴} آن را مجده اعلام کنید،

^{۲:۵۰} آن را نوف^w انتشار دهید؛

بگویید: راست بایست، آمده باش،

زیرا شمشیر در پیرامون تو^x می‌درد.

^{۱۵} آپس از چه سبب گریخته است?^y

«قوچ»^z تو از چه سبب ایستادگی نکرده
است؟

^{۱۳} این بخش احتمالاً متأخرتر از بخش پیشین است.

^۷ می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «کلامی که یهوه به ارمیای نبی خطاب کرد: باشد که نبوکدنصر، پادشاه بابل، باید تا سرزمین مصر را بزند»، یا «کلامی که یهوه به ارمیای نبی خطاب کرد: هنگامی که نبوکدنصر باید تا مصر را بزند، آن را در مصر اعلام کنید...».

^w در سنت کتاب مقدس، «مجده» شهری است در مرز مصر (خروج ۲:۱۴). تعیین محل آن دشوار است (احتمالاً در شمال شرقی القسطره، بر سر راه فلسطین). «نوف» (این تلفظ عبری نامی مصری است به معنی «دبیر سفید»؛ به یونانی: ممفیس) مرکزی اداری است، واقع در ۲۰ کیلومتری جنوب قاهره (ر. ک. هو ۶:۹). در متن عبری، نام تحقیقیس (به یونانی: دافنه) نیز آمده، اما در نسخ خطی یونانی حذف شده است.

^x قرائت یونانی: «محل‌های انبو جنگل‌هایت را می‌درد».

لا حروف بی صدای متن ماسورتی می‌تواند این معنی را نیز بدهد: «... برد شده است؟» ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی. آپس نام قوچی است مقدس در نوف (ممفیس) که به تدریج متراffد شد با «پتاه» خدای محافظت‌کننده شهر، و همچنین با اوزیریس.

منظور همان «آپس» است.

^a منظور اختلاط مردان لود و فوت و کوش است که قبل از آنها نام برده شده است.

^b قرائت عبری: «او را در آنجا نام می‌نهند». ما مطابق ترجمه یونانی و وولگات، فعل را در وجه امری قرائت می‌کنیم؛ و واژه «شم» (یعنی نام) را به جای «شم» (یعنی در آنجا) ترجمه می‌کنیم.

^c اشاره به قرار ملاقات تاریخ است که در پندر آن روزگار، از سوی ستارگان تعیین می‌شد. منظور این است که فرعون اجازه داد

تا آن لحظه‌ای که می‌بایست ضربه را وارد کند، بگذرد.

^d مشخص نیست منظور چه کسی است: دشمن (یعنی نبوکدنصر)؟ یا خدا؟ متن این نکته را تصویری نمی‌کند. «کوهساران» احتمالاً تصویری است از استحکام مداخله مورد نظر.

چرا که ایشان از ملخ‌ها بیشتر می‌باشد،
کسی نمی‌تواند ایشان را بشمارد.
^{۲۴} از شرمساری پوشیده شده، دختر مصر:
او به دست قوم شمال سپرده شده است!

یهوه سخن می‌گوید
^{۲۵} یهوه لشکرها، خدای اسرائیل گفته
است: اینک من آمون نو^۱ را مجازات خواهم
کرد، فرعون و مصر را خدايانش و
پادشاهانش^k را فرعون و آنانی را که بر او
اعتماد دارند. ^{۲۶} ایشان را به دست آنانی
که قصد جانشان را دارند خواهم سپرده، به
دست نبودنصر، پادشاه بابل، و به دست
خدمتگزارانش. بعد از آن، مصر همچون
روزهای کهن مسکونی خواهد شد!^۱ و حی
یهوه.

^{۲۷} و تو، ای خدمتگزارام یعقوب، مترس،
و هراس به خود راه مده، ای اسرائیل اش
زیرا اینک تورا از (سرزمین) دور نجات
خواهم داد،
و اعقابت را از سرزمینی که در آن
اسیرند.

^{۱۹} بار و بنه تبعیدت را بیند،
ای زن سکونت کننده، ای دختر مصر،
^{۲۰} زیرا که نوف تبدیل به ویرانه خواهد
شد،

خواهد سوت، بدون سکنه.

^{۲۱} مصر گوساله ماده ای عالی بود،
از شمال، خرمگسی بر او آمده است.

^{۲۲} حتی مزدورانش در میان او،
همانند گوساله‌های پرواری بودند؛
اما ایشان نیز پشت می‌کنند،
همگی با هم می‌گریزند

^{۲۳} زیرا که روز تیره بختی شان بر ایشان فرا
رسیده است،

زمان مجازاتشان!

^{۲۴} **گوش کنید!** گوی ماری که سوت
می‌زند؛

چرا که با قدرت می‌آیند^f،
و با تبرها بر او می‌آیند
همچون هیزم شکنان؛
^{۲۵} جنگل او را فرو می‌کوبند^g

- و حی یهوه -

حال آنکه نفوذناپذیر بود^h:

e تحت اللفظی: «ساکنۀ مصر دختر» ر.ک. ۱۸:۴۸.

f تحت اللفظی: صدایش همچون صدای ماری است که حتی بدون اینکه صدایی بکند، می‌گریزد.

g وجه فعل عربی مهم است: آن را می‌توان هم در وجه امری ترجیمه کرد و هم در وجه انجباری.

h می‌توان این گونه نیز ترجیمه کرد. جنگل او را می‌برند ... آری، ایشان بی شمار می‌باشد» ترجیمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی.

i تحت اللفظی: «مصر، آن دختر» (ر.ک. ۳۱:۴ و توضیحات). منظور این اصطلاح، ساکنان مصر است (ر.ک. آیه ۱۹: ۱۸:۴۸). شخصیت بخشیدن به مصر به صورت یک زن، این امکان را می‌دهد تا تصویر شرمساری تشدید شود؛ مصر همانند دختری عربان است!

j «آمون» خدای تیس یا نواست (با اشکال مختلف انسانی و حیوانی). می‌پنداشتند که او تمام خدایان دیگر را در بر دارد.

k ظاهراً این عبارت به متن عربی اضافه شده، چون در ترجمه یونانی نیست.

l این وحی اعلام کننده احیای مصر است. وحی‌های اش ۱۶:۱۹ و ۲۵-۲۶ و حرق ۱۳:۲۹ نیز که مربوط به همین دوره می‌باشد، همین نکته را اعلام می‌دارند. این توضیحی است درباره جایگاه سایر ملت‌ها در طرح الهی (نیز ر.ک. ار ۴۷:۴۸؛ ۴۹:۶).

غوطه ور می سازد
شهر و آنان را که در آن ساکن اند.
مردمان فریاد برمی آورند؛ زوزه سر
۱۶:۸ می دهند
جمله ساکنان سرزمین.
۳ در برابر کوبش سُ اسپانش
در برابر خروش ارباب هایش،
در برابر غرش گردونه هایش،
پدران دیگر به سوی پسرانشان ۲:۳:۵
برنی گردانند،
زیرا که دست ها بیش از حد سست شده
است!P

^۴ این به سبب آن روزی است که می آید
برای نابودی تمام فلسطینیان،
برای ستاندن از صور و صبدون
هر آنچه که از متحدین [برایشان] باقی
مانده؛
چرا که یهوه فلسطینیان را نابود می سازد،
با زمانده جزیره کفتور^۹ را.
^۵ غزه سر خود را تراشیده^{۱۰}،

یعقوب بازگشته، در آرامی خواهد زیست
آسوده خاطر، بی آنکه کسی او را
مضطرب سازد
^۶ لاؤ:۲۶؛
^۷ حز:۳۴؛
^۸ ایو:۱۱؛
^۹ تو، ای خدمتگزارام یعقوب، مترب!
- وحی یهوه. زیرا من با تو هستم،
چرا که در میان تمامی ملت ها به قلع و
قمع خواهم پرداخت
در جاهایی که تو را رانده ام؛
اما تو را قلع و قمع نخواهم کرد،
بلکه تو را مطابق عدالت اصلاح خواه
نمود!m^{۱۱}
^{۱۰} نا:۳:۱؛
^{۱۱} مز:۸:۹؛

فلسطینیان^{۱۲}

^{۱۳} چنین بود کلام یهوه به ارمیای
نسی، در مرد فلسطینیان، پیش از
آنکه فرعون غزه را بزنند.^{۱۴} یهوه چنین
سخن می گوید:

اینک آب ها از شمال بر می آید
و به سیلابی غوطه ور کننده بدل می شود
سرزمین و آنچه را که آن را پر می کند،
^{۱۵} مز:۵-۴؛
^{۱۶} اش:۲:۳۰؛
^{۱۷} نا:۱:۸؛

m این امر با آنچه که در انتهای آیه ۲۶ آمده متناقض نیست، بلکه مرحله ای را که درست پیش از آن اعلام شده، از سر می گیرد.
وانگهی، آیه های ۲۷-۲۸ در ار ۳۰-۱۱ نیز یافت می شود و یادآور سبک اش فصل های ۴۰-۵۵ می باشد. لذا در
اینجا، پس از اعلام واقعیت احیای مصر، احیای اسرائیل، یعنی قوم خدا، مطرح می شود. آنچه در اینجا مورد تأکید است، طرح
الهی برای احیای ملت ها است و اسرائیل در میان این طرح قرار می گیرد.

^{۱۳} ر. ک. توضیحات پوش

^{۱۴} مشکل بتوان تعیین کرد که این نکته به کدام رویداد تاریخی اشاره می کند احتمالاً اشاره به یک رشته از شکست های مصر به
دبیل شکستشان در کرکمیش است، زیرا نبوکدن نصر ایشان را تعاقب کرد و اشقولون و سایر شهرها را به تصرف در آورد (آیه
۵). اما می دانیم که در سال های بعدی، فلسطین از سوی مصری ها اشغال شده بود (آیه ۱ و شاید آیه ۵). لذا در این بخش، یا
بحث درباره هجوم بابلی ها نیست، یا در این زمینه فقط در آیات ۲ تا آیه a۴ سخن می گوید، و در آیات b۴ تا ۷ به عمل
مصری ها اشاره می کند.

^{۱۵} ر. ک. توضیحات ۲۴:۶

^{۱۶} q احتمالاً منظور جزیره کرت، موطن اولیه فلسطینیان است (ر. ک. تث ۲:۲۳؛ عا ۹:۷). پس از عبارات مترادف «فلسطینیان»
می باشد.

^{۱۷} ت تحت الفظی: «تیغ بر سر غزه می آید». این اشاره ای است به رسوم تشییع جنازه (ر. ک. ۴:۴۸؛ اش ۳:۲۴؛ عا ۸:۱۰).

وای بر نبو^x، چرا که ویران شده است!
قریه تاییم^y از شرمساری پوشیده شده؛
گرفته شده است؛
پوشیده از شرمساری، له شده است، آن
دژ!
۲ جلال موآب دیگر نیست!
در حشبون بر علیه او بدی را
می‌اندیشند^z:
«بیایید، آن را از میان ملت‌ها بر کنیم!»
تو نیز ای مَدْمَن، خاموش خواهی شد^a،
از پس تو شمشیر پیش می‌آید!
۳ به یاهوی حُورُوناییم^b گوش دهید:
ویرانی و پریشانی عظیم!
۴ موآب خرد شده!
اش ۱:۲۵

آشَقَلُون مفقود شده؛
ای اشدواد، ای بازمانده عناقیم^c،
تا به کی خود را مجروح خواهی ساخت?
۶ آه! ای شمشیر یهوه،
تا به کی آرام خواهی گرفت؟
به غلاف خود باز گرد،
بیاسا و آرام بگیر!
۷ چگونه بیارامد^d
آن گاه که یهوه به او امر می‌کند؟
به سوی آشَقَلُون و کرانه دریا،
در آنجا است که برای او قرار ملاقات
تعیین کرده است.^e

موآب

۴۸ ^۱ برای موآب^w. چنین سخن
می‌گوید یهوه لشکرها، خدای
اسرائیل:

۸ قرائت یونانی: «عناقی هایی که جان سالم بدر برده‌اند». عناقی‌ها که به خاطر قامت بلندشان مشهور بودند، مدتی مديدة در فلسطین باقی ماندند (ر. ک. ۱۶:۶؛ تث ۱۴:۱).
۹ اشاره دیکری به رسوم تشییع جنازه (ر. ک. ۱۶:۶؛ تث ۱۴:۱؛ بر. ک. ۴۱:۴؛ و تفسیر^y).
۱۰ در این سخن خدا هیچگونه کج دهنی و کج خلقی بر ضد دشمن دیرینه اسرائیل وجود ندارد.
۱۱ قرائت عبری: «آیا می‌توانی بیارامی...؟» ترجمه ما می‌تئی است بر ترجمه‌های کهنه (یونانی، سریانی، و لکات).
۱۲ موآب سرزمینی است مجاور یهودا، واقع در شرق دریای مرده. خصوصت میان موآب و یهودا به اوائل تاریخ اسرائیل باز می‌گردد (ر. ک. اعد ۲۲ تا ۲۴؛ نیز بر. ک. پید ۱۹:۳۸-۳۰؛ تث ۲۳:۷-۴:۲۳). اما میان این دو همیشه روابطی برقرار بوده (ر. ک.).
۱۳ روت). به هنگام تبعید، ساکنان یهودا توanstند در آنجا بنشینند (ر. ک. ار ۴:۰-۱۱). تاریخ آن، به علت موقعیت جغرافیایی اش، بدون فاجعه‌ای مهم سیری شد (ر. ک. آیه ۱۱). به نظر نمی‌رسد که این وحی ناشی از رویداد خاصی باشد، بلکه می‌تواند ناشی از اشتباق نمی‌برای بسط دیدگاه‌های الهیاتی اش باشد تا شرح دهد که خدا، سوره همه ملت‌ها است.
۱۴ وانگهی، این فصل حاوی شمار زیادی عاریت‌های ادبی (خصوصاً از اش ۱۵ و ۱۶) و تکرارها است.
۱۵ شهری است واقع بر نشیب کوه نبو، در شرق رود اردن.
۱۶ از این شهر در بیوش ۱۹:۱۳ و اعد ۳۷:۳۲ و نیز در سنگ یادبود معروف «مشا» پادشاه موآب نام برده شده است. محل آن را نمی‌توان با قطعیت تعیین کرد.
۱۷ در عبری نوعی بازی با کلمات وجود دارد: «حشبون» و «طرح اندیشیدن» دارای آوایی همسان می‌باشد. حشبون تپه‌ای است واقع در ۳۰ کیلومتری شرق اریحا، بر «راه شاه».
۱۸ در اینجا نیز میان «مدمن» و «خاموش و ساکت شدن»، بازی با کلمات به چشم می‌خورد. تعیین محل قطعی مدمن میسر نیست.
۱۹ نام آن شاید تغییر شکلی از نام «دیبون» باشد که شهری است در وسط موآب. در این صورت، باز با کلمات بازی شده است.
۲۰ ر. ک. توضیحات اش ۱۰:۲۵.
۲۱ شهری است که تعیین محل قطعی آن میسر نیست. این شهر شاید در بخش جنوبی موآب واقع بوده است. از آن در سنگ یادبود «مشا» نام برده شده است.
۲۲ این محل (پید ۱۳:۱۰-۱۰:۳۰) در منتهای الیه جنوب شرقی دریای مرده قرار داشت. در متن عبری، کلمه «کوچکان» آمده.
۲۳ ترجمه ما می‌تئی است بر ترجمه یونانی و اش ۱۵:۵. اگر متن عبری را مدد نظر قرار دهیم، باید متذکر شد که طبق ترجمه آرامی و نظر مفسران یهودی، «کوچکان» عنوانی است هجوامیز برای اشاره به بزرگان یا رؤسا.

۱۰ ملعون باد آن کس که کار یهوه را با
سهل انگاری انجام دهد!
ملعون باد آن کس که خون را از شمشیر^{۱۰:۴۶}
خود دریغ دارد!^{۹:۳:۱۵}
۱۱ موآب از جوانی اش آسوده خاطر بود،^{۱۱:۱۱}
بر درد خود می آرمید؛
او را از ظرفی به ظرفی دیگر خالی^{۱۲:۱}
نمی کردن،
و به تبعید نرفته بود.
لذا طعمه او باقی مانده بود،
و عطرش تغییر نیافته بود.
۱۲ به همین سبب، اینک روزهایی
می آید - وحی یهوه - که بر او خالی کنندگان
ظرف خواهم فرستاد که او را از ظرفی به
ظرف دیگر منتقل خواهند کرد؛ ظرف های
او را خالی کرده، و سبوهاش^k را خرد
خواهند کرد.^{۱۳} و موآب از کموش شرسار
خواهد شد، همان گونه که خاندان اسرائیل
از بیت نئیل^۱، امیدش شرسار شد.
۱۴ چگونه توانید گفت: ما شجاع هستیم
و مردان دلیر در جنگ؟^{۲۳:۲}

^d آری، بر فراز لوحیت،
از آن با گریه ها بالا می روند^e؛
آری، در سراسبی حوروناییم،
هیاهوی اضطراب به گوش می رسد.
^f بگریزید، جان خود را نجات دهید،
همچون گورخر^f در بیابان باشد.
^g از آنجا که به کارها و گنجهایت تکیه
کرده،^{۴:۴۹} تو نیز گرفتار خواهی شد.
^{۲:۴۹} کموش به تبعید خواهد رفت^g،
کاهنان و بزرگانش، همگی با هم.
^h شخصی ویرانگر^h وارد هر شهر خواهد
شد
و هیچ شهری رهایی نخواهد یافت؛
دشت نابود خواهد شد و جلگهⁱ ویران
خواهد گشت،
چنان که یهوه گفته است.
^j بال ها بدهید به موآب،
چرا که آرزو دارد پرواز کند؛
شهرهایش به ویرانه بدل خواهد شد،
خالی از سکنه خواهد بود.^{۲۸:۴۸}

^d شهر دیگری در جنوب موآب که تعیین محل آن مقدور نیست (ر.ک. توضیحات اش ۵:۱۵).
^e این آیه را به کمک اش ۱۵:۵ و ترجمه یونانی برگردانده ایم. متن عبری را این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «سربالای لوحیت، گریه کنان گریه ها سر می دهد؛ در سراسبی حوروناییم، صدای دشمنان شیشه می شود که مصیبت را فریاد می کنند».
^f مراد این است که بهتر است چون وحشی ها زندگی کرد، مانند گورخر در بیابان، تا اینکه به دست دشمن افتاد. کلمه «گورخر» را در متن عبری، می توان عربی «نام یک شهر» نیز خواند.
^g کموش خدای ملی موآب بود که به واسطه سنگ یادبود «مشا»، پادشاه موآب، به خوبی مورد شناسایی قرار گرفته است.
^h اشاره به نبوک نصر است.

ⁱ کلمه «جلگه» اغلب دلالت دارد به منطقه اصلی سرزمین موآب، واقع در شمال ارnon.
^j قرائت متن عبری: «به موآب گلی بدهید». به نظر نمی رسد که این قرائت مفهومی داشته باشد. طبق قرائت یونانی، می توان ترجمه کرد: «برای موآب مقره ای بنا کنید». این قرائت احتمالاً به متن اولیه وفادارتر است.
^k برخی از مناطق موآب برای نشاندن تاک مساعد بود (ر.ک. اش ۱۶:۶-۱۲).
¹ بر اساس توازی با کموش، در اینجا آشکار است که بیت نئیل به عنوان نام یک خدا گرفته شده است. نبی در تمام وحی های علیه ملت ها می خواهد نشان دهد که خدا نه فقط سرور تمام این اقوام بیگانه است، بلکه خدایانی نیز که تکریم می کنند (علاوه بر کموش و بیت نئیل، آپیس در ار ۱۵:۴۶؛ ملکم در ار ۱:۴۹؛ مردوک در ار ۲:۵۰)، چیزی جز بت نیستند، یعنی «نیستی». فقط یهوه خدا است. این نکته یکی از عناصر اصلی در بیام این بخش از کتاب است.

۲۰ موآب پوشیده از شرم‌ساری است، چرا
که له شده؛

۳۹:۴۸ زوزه بکشید و فریاد برآورید!

در آرنون^۵ اعلام نمایید

که موآب ویران شده است!

۲۱ داوری ای به سوی سرزمین جلگه

می‌آید، سوی حُولون و سوی يهصه، بر

میفاعت، ۲۲ بر دیبون، بر نبو، بر

بیت دبّلتایم، ۲۳ بر قربه تایم، بر

بیت جامول، بر بیت معون، ۲۴ بر قربوت، بر

بصره و بر تمامی شهرهای سرزمین موآب،

دور و نزدیک.

۲۵ کوبیده شده، شاخ موآب^۶

و بازویش خرد شده است!

- وحی یهوه.

۲۶ او را مست سازید، زیرا بر یهوه کبر

فروخته است؛ بادا که موآب در قی خود در

غلطد و او نیز موجب تمسخر عموم گردد.

۲۷ آیا اسرائیل موجب تمسخر عموم

نگردید؟ آیا در میان دزدان یافت شد که

درباره او فقط با تکان دادن سر سخن

می‌گویند؟

۲۸ شهرها را ترک گوید و در صخره ها

مسکن گزینید،

m متن عبری مخدوش است؛ می‌گوید: «موآب ویران شده و شهرهایش برآمد». ما این آیه را به کمک مصرع سوم از آیه ۱۸، اصلاح کرده‌ایم.

n تحتاللفظی: «ای جمیع شما ای احاطه اش کرده اید...»

۵ این کلمه، وجه مشخصه سوگواری‌ها است. همین کلمه است که در عبری، نام کتاب «مراٹی» را به آن داده است.

p تحتاللفظی: «عصای قوت».

q تحتاللفظی: «چوبیدست جلال».

r تحتاللفظی: «ساکنه دیبون دختر»؛ ر. ک. ۱۹:۴۶.

s رودخانه موآب که از جلگه آن عبور می‌کند و بستریش میان دو کرانه بلند قرار دارد و به دریای مرده می‌ریزد.

t مراد این است که موآب قوت خود را از کف داده است.

u برنخی دیگر از نسخ خطی آورده‌اند: «ناله سر خواهند داد».

۱۵ ویرانگر موآب بر علیه او برآمده است،

m و نخبه جوانی اش به کشتارگاه فرود

می‌آید،

۳:۱۲ - وحی پادشاه که نامش یهوه لشکرها ۳:۴:۵۰ است. ۳:۷:۵۱ ۱۵:۵۱

۱۶ نزدیک است فرا برسد، تیره بختی موآب،

و مصیبتش با شتاب عظیم می‌آید.

۱۷ بر او دل بسوزانید، ای جمیع شما همسایگانⁿ او،

جمیع شما که نامش را می‌دانید؛

۳۹:۴۸ ۱۷ بگویید: «چگونه^۰ خرد شده آن عصای سلطنتی^p،

آن چوبیدست پر جلال^q؟»

۱۸ از جلال فرود آی، در کثافت بنشین،

ای زن سکونت کننده، ای دختر دیبون^r؛

زیرا ویرانگر موآب بر علیه تو برآمده،

قلعه‌های مستحکمت را ویران ساخته است.

۱۹ بر راه بایست و کمین کن،

ای دختر ساکن و در عَروِیر؛

از فراری و رهایی یافته سؤال کن،

بگو: «چه رخ داده؟»

^x ۳۳ شادی و شعف دور شده.
از باغ های مبؤه سرزمین موآب.
شراب خمره ها را خشکانده ام،
لگد کننده دیگر لگد نمی کند،
فریاد لگد کننده دیگر فریاد لگد کننده
نیست!^y

^z ۳۴ هیاهوی^z حشبون تا به العاله^a می رسد:
تا به یاهص^b صدا می دهنده،
از صوغر تا به حُورُونایم،
و عجلت شلیشا^c؛
زیرا حتی آب های نمریم^d تبدیل به
ویران خواهد شد.

^e ۳۵ از نزد موآب نابود خواهم ساخت.
و حی یهوه -
آن کس را که به مکان بلند بر می آید
و برای خدایان بخور می سوزاند.

^f ۳۶ به همین سبب است که دل من، برای
موآب
اش ۱۱:۱۶
ام ۱۹:۴

همچون کیوتی باشید که آشیانه اش را
در جداره های گردنه ای باز می سازد.
^g ۲۹ از تکبر موآب آگاهی یافته ایم،
او که بسیار متکبر است،
از بلندی اش، تکبرش، خودبینی اش
و دل مغرووش.

^h ۳۰ من می شناسم - وحی یهوه - خشم او را،
پرگویی های نامناشیش را،
و کارهای باطلش را.

ⁱ ۳۱ به همین سبب است که بر موآب فریاد
می کشم،
و برای کل موآب فریاد بر می آورم،
و درباره مردمان قیرحارس^j، ناله سر
می دهم.
^k ۳۲ به گریه های یعزیز برای تو می گریم،
ای تاکستان سیمه؛
شاخه های تو از دریا فراتر می رفت،
مز ۱۲:۸۰
و به یعزیز^l می رسید.
بر برداشت محصولت و برخوشه چینی ات
ویرانگری فرود آمده است.

۷ این شاید پایخت موآب بوده باشد. طبق ترجمه یونانی، نام آن «شهر نوین» است (قیرحادس)؛ «قیرحارس» در عبری به معنی «شهر تک سفال ها» می باشد و این حاکی از بازی ای است که نویسنده با کلمات کرده، می گوید که برای سفال های خرد شده، ناله سر می دهد.

۸:۱۶ در برخی از نسخ خطی آمده: «و به دریای یعزیز می رسد». ما مطابق با برخی نسخ خطی عبری و ترجمه یونانی و اش

X نبی به شور و شعف جشن خوشه چینی اشاره می کند که در آنها مردم مست شراب می شدند (ر.ک. یول ۱۶:۱).

۸:۲۰ مراد از «فریاد لگد کننده» فریاد فاتحی است که موآب را لگدمال می کند؛ این فریادی است وحشیانه که هیچ شباهتی به فریاد شادمانه لگد کنندگان انگور برای تهیه شراب ندارد. در خصوص این تصویر، ر.ک. ۳۰:۲۵؛ مرا ۱۵:۱؛ یول ۱۳:۴؛ اش

۳-۲:۶۳؛ مکا ۱۴:۱۹-۲۰. ۱۵:۱۹.

Z تحت اللقطی: «از فریاد کمک».

a شهری واقع در ۳ کیلومتری شمال شرقی حشبون.

b شهری واقع در ۲۵ کیلومتر به سوی جنوب.

C شهرهای صوغر و حورونایم در جنوب غربی قلمرو موآب قرار داشت. عجلت شلیشا به معنی «گو dalle ماده سه ساله» است. این

یا صفتی است برای حورونایم، یا نام شهری است: این در هر حال، اشاره به دامداری در این ناحیه دارد.

d واحه ای است در جنوب شرقی دریای مرده.

۴۲ موآب نابود شده، دیگر قومی نیست،
چرا که بر یهوه کبر فروخته است.
۴۳ وحشت، گودال و تله
بر تو، ای ساکن موآب!
و حی یهوه.
۴۴ هر که از برابر وحشت بگریزد، در عا۱۹:۵:۱۶-۱۷:۲۴
گودال خواهد افتاد،
و هر که از گودال برآید، در تله گرفتار
خواهد شد.
زیرا این را بر موآب وارد خواهم ساخت،
در سال مجازاتش
و حی یهوه.
۴۵ گریزندگان، بدون قوت،
در سایه حشیون متوقف خواهند شد؛
اما از حشیون آتشی بیرون می آید
و شعله ای از شهر سیحون؛
شقيقه های موآب را خواهد درید
و جمجمه پسران هیاهو را.
۴۶ وای بر تو، ای موآب!
قوم کموش هلاک شده است!
زیرا که پسانت به اسیری برده شده اند،
و دخترانت به اسارت!
۴۷ اما در دنباله ایام، سرنوشت موآب را
تغییر خواهم داد - و حی یهوه.
در اینجا داوری موآب متوقف می شود.

به همین سبب است که سودهایی که به دست آورده اند، از میان
دست آورده بودند،
از میان رفته است.^e
۳۷ زیرا همه سرها تراشیده شده
و همه ریش ها بریده شده؛
بر همه دست ها جراحات (هست)،
و بر همه کمرها، پلاس.
۳۸ بر تمامی بام های موآب و بر
میدان هایش،
همه چیز مرثیه است؛
زیرا موآب را خرد کرده ام
همانند ظرفی که کسی نمی خواهدش
و حی یهوه.
۳۹ چه له شده است! زوزه سر دهید!
چگونه پشت خود را برگردانده است،
موآب، شرمدار!
موآب به تمسخر و وحشت بدَل شده
برای تمام همسایگانش.
۴۰ زیرا یهوه چنین سخن می گوید:
اینک همچون عقاب بر بال های باد سوار
است،
بال های خود را به سوی موآب می گشاید.
۴۱ شهرها گرفته شده
و مکان های مستحکم^f برده شده است؛
و دل شجاعان موآب، در آن روز،
به سان دل زنی است که درد زایمان
می کشد.

e برگردان ما می‌تئی است بر ترجمه یونانی. بعضی دیگر چنین ترجمه کرده اند: «به سبب سودهایی که به دست آورده اند، از میان می روند».

f قرائت عبری: «قریوت» (یعنی شهرها) و «مساوات» (یعنی گنج ها)

g «شقيقه» و «جمجمه» شاید اشاره دارند به دامنه غربی و جلگه این سرزمین.

h طرح این تغییر سرنوشت و احیا به همان چشم اندازی تعلق می یابد که در ار ۲۶:۴۶ آمده است.

عمون

۴۹

^۱ برای بنی عمون،

چنین سخن می‌گوید یهوه:

آیا اسرائیل را پسری نیست،

آیا وارثی ندارد؟

از برای چه ملکم^j از جاد^k میراث برد

و قومش در شهرهایش ساکن شده است؟

۲ به همین سبب، اینک روزهایی می‌آید

- وحی یهوه -

در ربّ بنی عمون

هیاهوی جنگ را به گوش‌ها خواه

رساند.

۱۳:۴۲:۵۰

آن به تلی^l متروک بدَل خواهد گشت،۱۴:۱:۶۰ دخترانش^m به آتش کشیده خواهد شد،و اسرائیل از وارثانشⁿ میراث خواهد

گرفت

- وحی یهوه.

^۳ زوجه سرده، ای حشبون^۰، چرا که
ویرانگری P برآمده است؛

فغان برآورید، ای دختران ربّه،
۱۸:۷:۴ پلاس در بر کنید، سوگواری نمایید،
۷:۴۸ و در محوطه های محصور^۹ بگردید؛
زیرا ملکم^b به تبعید خواهد رفت،
کاهنانش و بزرگانش، جملگی با هم.
^۴ چگونه با دشت خود را جلال می‌دهی،
ای دختر مرتد
که به گنجهایت اعتماد می‌کنی و
می‌گویی:

«چه کس می‌تواند بر علیه من بیاید؟» ۱۳:۲۱
^۵ اینک هراس^r را از تمامی حوالی
بر تو خواهم آورد
- وحی خداوند یهوه لشکرها؛
هر یک در جلو خویش رانده خواهید
شد،

^۱ عمونی‌ها که سرزمینشان در شرق دریای مرده قرار داشت و پایتختشان شهر ربّه عمون بود (عمان امروزی)، دشمنان سنتی اسرائیل بودند (ر. ک پید ۳۸:۱۹؛ نت ۱۹:۲ وغیره و اشارات مکرر در ارمیا). در اینجا، نبی ایشان را به سبب اشغال قلمرو جاد نکوهش می‌کنند: این رویداد ممکن است بعد از ۷۲۱ ق.م. رخداد باشد (حالت خصمانه ایشان به هنگام سقوط یهودا به سال ۵۸۷ ق.م. نیز مشهود است؛ ر. ک. ۲-۱۴:۲۴).

^j قرائت ماسورتی: «ملکم» (یعنی پادشاه ایشان). متن اولیه قطعاً به ملکم اشاره دارد، چنان که ترجمه‌های یونانی و وولگات و سریانی نیز چنین قرائت کرده‌اند. ملکم خدای ملی عمونی‌ها بود (ر. ک. ۱-پاد ۱۱:۱۱، ۷، ۵:۴۶ ۲-پاد ۲۳:۲۳). این نام از کلمه «ملک» (یعنی پادشاه، مشتق شده است. عبارت «از جاد میراث برده» به این معنی است که آن را به تصرف درآورده است، احتمالاً در ۷۲۱ ق.م.).

^k جاد منطقه‌ای واقع در شرق رود اردن و در برابر اریحا بود. قبیله جاد به هنگام ورود قوم اسرائیل به کنعان، در آنجا ساکن شد (ر. ک. اعد ۲۴:۲۱؛ ۳۴:۳۲؛ ۲۴:۳۵-۳۶؛ یوش ۱۳:۲۸-۲۲). این سرزمین همواره مورد تهدید همسایگانش قرار داشت؛ نخست از سوی «مش»، پادشاه موآب (ر. ک. سگ یادبود مشا) در قرن ۹ ق.م. و بعد از سوی حزاپل، پادشاه ارامیان در قرن ۸ ق.م.

^۱ این کلمه دلالت بر تپه‌ای مصنوعی دارد که از ویرانه‌های شهرهای پیشین تشکیل یافته. ر. ک. ۱۸:۳۰؛ توضیحات یوش ۲۸:۸.

^m مراد شهرهای تابع آن است.

ⁿ یعنی اسرائیل میراث خود، جاد را از عمون که آن را تسخیر کرده بود، باز به دست خواهد آورد.

^۰ حشبون یکی از شهرهای موآب بود که احتفالاً به تصرف عمونی‌ها درآمده بود.

P قرائت عبری: «... زیرا که عای ویران شده است». ما بر اساس ۱۸:۴۸ متن را اصلاح کرده‌ایم، به هر حال، «عای» به معنی «ویرانه» می‌باشد.

^q منتظر محوطه‌ای است محصور میان دیوارهای از سنگ‌های نتراشیده.

^r «هراس» می‌تواند، در ضمن، یکی از القاب خدای پدران باشد (ر. ک. پید ۴۲:۳۱، ۵۳:۴۲). در این صورت، جمله مفهومی اندکی متفاوت می‌یابد و باید این کلمه را نام خاص نقی کرد و آن را اشاره به خدا دانست.

۹ اگر انگورچینان نزد تو آیند،
چیزی برای چیدن نخواهد گذارد؛
اگر دزدان شب هنگام باشند،
به دلخواه خویش ویران خواهند ساخت.
۱۰ آری، عیسورا من کاویده‌ام،
و نهانگاه‌هایش را عربان ساخته‌ام؛
۱۱ نمی‌تواند خود را پنهان سازد.
وعه نسلش نابود شده، هم چنان که
برادرانش،
و همسایگانش: او دیگر نیست!
۱۲ یتیمان‌ت را وگذار، من خود آنان را
زنده نگاه خواهم داشت،
و باشد که بیوگانت به من اعتماد کنند!
۱۳ زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید: ببین؛
آنانی که محکوم به نوشیدن جام نبودند،
باید که بنوشند^۱، و آیا تو می‌توانی بدون
تنبیه باقی بمانی؟ بدون تنبیه باقی نخواهی
ماند، بلکه باید که بنوشی. ۱۴ آری، به خود
سوگند می‌خورم^a - وحی یهوه - بصره^b بدل
به ویرانی و رسوایی و خرابه و لعنت^c
۱۵:۱۹ ۱:۳۴

۱۸:۳۳ و کسی برای گرد آوردن فراریان نخواهد
بود!
۱۹ اما پس از این سرنوشت بنی یهوه را
تغییر خواهم داد^d
- وحی یهوه.

ادوم ادوم متروک می‌شود^t ^۷ برای ادوم.^u

چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرهای:
آیا در تیمان دیگر حکمت نیست?
آیا مشورت از مردان هوشمند روی بر
تافه؟
آیا حکمت‌شان زایل شده است?
۸ بگریزید، پشت خود را بر گردانید
و خود را عمیق در زمین پنهان سازید،
ای ساکنان ددان^v
۲۲:۴۹ زیرا که بر عیسوس^w شوربختی اش را
می‌آورم،
آن زمان را که مکافاتش می‌دهم^x.

^s این طرح تغییر سرنوشت جزو همان چشم اندازی می‌باشد که در ۲۶:۴۶ توصیف شده است.
^t بخش‌هایی از آیات ۷ تا ۱۶ در عو ۶-۱ آمده است.

^u ادوم با قوم اسرائیل نسبت برادری دارد (ر.ک. پید ۴:۲۵؛ ار ۱۱:۴۰-۴۱؛ سمو ۸:۱۴؛ پاد ۲:۲۶-۹؛ پاد ۲:۲۰-۸؛ ۲۲:۶؛ ۱۶:۶). در اینجا وحی به رفتار ادومنیان به هنگام سقوط اورشلیم اشاره دارد (ر.ک. توضیحات عو ۱۱).

^v شهری در ادوم، واقع در جنوب آن و در شمال عربستان. امروزه، ال الا (!) نامیده می‌شود.

^w مراد همان ادوم است.
^x تحتاللفظ: «لحظه‌ای را که از او حساب خواهم خواست» ر.ک. ۳۱:۵۰ و توضیحات: ۱۲:۲۳ و توضیحات.
در برخی ترجمه‌های دیگر، بر اساس سنت یهود، چنین برگردانده‌اند: «... و کسی نخواهد بود که بگوید: ۱۱- نگران یتیمان
می‌باش...»

^z نبی به اسرائیل اشاره می‌کند که با اینکه قوم نخست زاده بوده و از سوی خدا مبارک شده، باز باید جام سقوط اورشلیم و تبعید
را بنوشنده: ر.ک. ۱۵:۲۹-۲۹.

^a ر.ک. ۲۲:۵ و توضیحات.

^b پایتخت ادوم: ر.ک. پید ۳۶:۳۳؛ اش ۶:۳۴.

^c ر.ک. ۹:۲۴ و ۹:۲۵.

^{۱۸} یهوه می‌گوید، به سان زمان واژگونی ^{۴۰:۵۰} سدهوم و غموره و [شهرهای] مجاور، هیچ صفحه ^{۹:۲} بشری در آن ساکن نخواهد شد، و هیچ بنی ^{۳۳:۴۹} آدمی در آن اقامت نخواهد گزید.

^{۱۹} اینک، به سان شیری که از انبوهی ^{۴۶-۴۴:۵۰} اردن به سوی چراگاهی دائمی بر می‌آید، در ^{۵:۱۲} یک آن ایشان^f را از آنجا^g گریزان خواهم ساخت، و در آنجا کسی را برقرار خواهم داشت که برگزیده ام.^h

^{۲۰} زیرا کیست همچون من؟
چه کس مرا [برای عدالت] به محکمه
خواهد کشاند؟
کدامین چوپانⁱ است که تواند در برابر
من ایستاد؟

^{۲۱} به همین سبب، به سرنوشتی که یهوه برای ادوم تعیین کرده، گوش فرا دهید،
به طرح هایی که او برای ساکنان تیمان
ریخنه:
آری، گوسفندان - حتی نحیف ترین آنها
- کشیده خواهد شد،

^{۲۲} آری، چراگاهشان به سبب آنها حیران
خواهد شد.

^{۲۳} با صدای سقوط ایشان، زمین به لرزه
می‌آید،

خواهد شد، و تمامی شهرهایش تبدیل به خرابه‌های ابدی خواهد گشت.

ادوم مورد حمله قرار می‌گیرد

^{۱۴} از جانب یهوه خبری شنیدم
و پیام آوری به میان ملت‌ها گشیل شد:
«گرد آید و بر علیه او بیاید؛
برای جنگ بر پا ایستید!»

^{۱۵} زیرا که اینک تورا در میان ملت‌ها
کوچک ساخته‌ام،

خوار در میان مردمان.

^{۱۶} نخوت تورا فریته،

تکبر دلت^d:

^{۲۰} تو که در شکاف‌های صخره ساکنی،
تو که بلندی‌های تبه را اشغال می‌کنی.
آن هنگام که آشیانه ات را به سان عقاب
برافرازی،
از آنجا تورا فرود خواهم آورد - و حی
یهوه.

ادوم ویران می‌شود.

^{۱۷} ادوم تبدیل به ویرانه خواهد شد؛ هر که
از کنار او عبور کند، حیران خواهد شد و در
^{۱۸:۲۲} ^{۱۳:۵۰} مقابل تمام این جراحاتش سوت خواهد زد.^e

d تحت‌اللفظی: «لرزه‌ای که می‌دهی، تورا می‌فریبد، آن بی‌شرمی دلت». e ر.ک. ۸:۱۹؛ توضیحات ۱۸:۱۶.

f قرائت عبری: «... او را». ترجمه یونانی و آرامی و سریانی، مشابه ۴۰:۵۰. منظور ساکنان ادوم است.

g مراد ادوم است: ر.ک. آیه ۱۷.

h برخی دیگر ترجمه کرده‌اند: «جوانان جنگ آور را بر علیه او خواهم شتاباند» با تغییر یک حرف صدادار در متن، می‌توان چنین قرائت کرد: «به برگزیده ام (یعنی اسرائیل، یا فرمانروایی خاص) بر او حاکمت خواهم بخشید».

i یعنی: «کدامین پادشاه». j ر.ک. توضیحات ۴۵:۵۰.

و جمله مردان جنگی اش در آن روز از
پای در خواهد آمد

- وحی یهود لشکرها،
۲۷ حصار دمشق را به آتش خواهم کشید،
و آن، کاخ های بنهاد را نابود خواهد
ساخت.

عرب ها

۲۸ برای قیدار^۹ و ممالک حاصور^{۱۰} که
نبوکدنصر، پادشاه بابل مغلوب ساخت.

یهود چنین سخن می گوید:
بر پا ایستید! به سوی قیدار برآید

و بنی مشرق^۸ را ویران سازید.

۲۹ بادا که خیمه ها و گله هاشان را
بگیرند،

پرده ها و تمامی بار و بنه شان را؛
بادا که شترانشان را بر دارند
و بر آنان فریاد زنند: «وحشت از هر
سو!

۳۰ بگریزید، به شتاب بگریزید
و خود را عمیق در زمین پنهان سازید،
ای ساکنان حاصور - وحی یهود -
زیرا نبوکدنصر، پادشاه بابل،

پژواکش در دریای نیزارها شنیده
می شود.^k

۴۰:۴۸ ۲۲ اینک او به مانند عقاب بر می آید، بر
باد سوار است،

و بال هایش را بر بصره می گشاید،
و دل دلاوران ادوم، در آن روز،

۴۱:۴۸ همچون دل زنی در حال زایمان می باشد.

دمشق

۲۳ برای دمشق.^۱

حمات و ارفاد^m از شرمساری پوشیده
شده اند،

زیرا که خبر بدی شنیده اند؛

دلشان از نگرانی ذوب می شود،

نمی تواند آرام گیرد.ⁿ

۴۳:۵۰ ۲۴ دمشق، ناتوان، برمی گردد تا بگریزد،
وحشت او را فرو می گیرد،

اضطراب و درد او را در گرفته، همچون

زنی که می زاید.

۴۳:۵۰ ۲۵ زیرا آن شهر پرشکوه رها شده،

۴۳:۵۰ آن شهر شادمانی!^{۱۰}

۴۰:۵ ۲۶ به این سبب، جوانانش در
میدان هایش خواهند افتاد،

^k تحتاللفظی: «فریادی! سر و صدای او در دریای نیزار شنیده می شود» (ر.ک. خروج ۱۹:۱۰).
۱ این وحی قطعاً به دنبال پیروزی نبوکدنصر در ۶۰ ق.م. در کرکمیش، بر مصریان و آشوریان بیان شده است. اندکی پس از آن بود که وی شروع به تصرف شهرهای ارامی کرد.

^m حمات که امروز نیز به همین نام خوانده می شود، بر رود آرونت قرار دارد، و ارفاد نیز در ۳۰ کیلومتری شمال حلب.

ⁿ تحتاللفظی: «ایشان مضطرب اند. در دریا، وحشت وجود دارد». برخی دیگر، با تغییر در یک حرف بی صدا در من، چنین ترجمه کرده اند: «ایشان به سان دریا متلاطم اند. چه وحشتی! ممکن نیست که آرام ماند» (ر.ک. اش ۲۰:۵۷).

^{۱۰} ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های قدیمی. قرائت عبری: «شهر شادمانی من» اما در هیچ جا اشاره ای نیست به اینکه دمشق چگونه می توانسته شادمانی خداوند باشد.

^p در ۵۹ ق.م. نبوکدنصر دست به حملاتی پراکنده به اعراب زد. این وحی احتمالاً بازتابی است از این امر.

^q نام قبیله ای چادرنشین در شمال عربستان (ر.ک. ار ۱۰:۲).

^r تحتاللفظی: «بیشه احشام» در اینجا اشاره به نامی است گروهی مربوط به قبایل عرب نیمه اسکان یافته.

^s تحتاللفظی: «بنی قیدیم» قیدیم که به معنی مشرق است، دلالت بر منطقه ای واقع در شرق عربستان دارد. منظور مردمان بیابان نشین است.

^{۳۵} چنین سخن می‌گوید یهوه اشکرها:
اینک کمان عیلام را خرد خواهم اش^{۶:۲۲}
ساخت^x، آن اصل قدرتش را.
^{۳۶} از چهار گوش آسمان
چهار باد بر عیلام خواهم آورد.
ایشان را به تمامی این بادها پراکنده
خواهم ساخت، و ملتی نخواهد بود
که طردشده‌گان عیلام بر آنجا نرسند.
^{۳۷} عیلام را از برابر دشمنانش^{۱۷:۱}
وحشت زده خواهم ساخت
و از برابر آنان که قصد جانش را دارند؛
بر ایشان مصیتی خواهم آورد،
شدت خشم را - وحی یهوه.
^{۱۳:۱۲} از پس ایشان تیغ را خواهم فرستاد،
تا آن هنگام که قلع و قمعشان کنم.
^{۳۸} سپس تخت سلطنت خود را بر عیلام
خواهم نهاد و از آنجا پادشاه و بزرگانش را نابود
خواهم ساخت - وحی یهوه.
^{۳۹} اما در دنباله ایام، واقع خواهد شد که
سرنوشت عیلام را تعییر خواهم داد^۸ - وحی^{۴۷:۴۸}
یهوه.

بر علیه شما قصدی اندیشیده
و طرحی بر علیه شما^۱ ریخته است.

^{۳۱} بر پا ایستید! به سوی ملتی آسوده
خاطر برآید
که در امنیت ساکن است^{۱۱} - وحی یهوه -
که نه دروازه‌ای دارد و نه چقته،
و در انزوا ساکن است.

^{۳۲} شترانشان به غنیمت خواهند رفت،
وانبوه گله هاشان طعمه خواهند بود.
ایشان را به هر بادی پراکنده خواهم
ساخت،

^{۱۰:۳۱} این «شقیقه تراشیدگان»^۷ را؛
^{۸:۴۹} از هر سو شوربختی شان را خواهم آورد
- وحی یهوه.

^{۳۳} حاصور تبدیل به مغاره شغالان خواهد
شد، ویرانه‌ای همیشگی،
هیچ بشری در آنجا ساکن نخواهد شد،
^{۱۸:۴۹}
^{۴۰:۵۰} و هیچ بنی آدمی در آن اقامات خواهد
گردید.

عیلام^w

^{۳۴} این چنین بود کلام یهوه به ارمیای نبی
برای عیلام، در آغاز سلطنت صدقیا، پادشاه
یهودا:

^۶ عبارت «بر علیه شما» اضافه‌ای است که در چند نسخه خطی عبری وجود دارد.

^{۱۱} ر.ک. داور ۱۸:۲۷ و ۱۱:۳۸؛ حزق.

^۷ ر.ک. توضیحات ۲۵:۹.

^w عیلام سرزمینی است واقع در شرق بابل که از هزاره سوم وجود داشته و پایتختش شوش بوده است. به هنگام اعلام این وحی (در ۵۹۷ ق.م.) عیلام از گذشته‌ای پرافتخار برخوردار بوده و استقلال خود را که در زمان آشوریان از دست داده بود، باز یافته بود، اما دیگر نقشی ایغا نکرد. اشاره نبی به این سرزمین شاید علت الهیاتی داشته؛ او احتملاً می‌خواسته نشان دهد که قدرت خدا جهان شمول بوده، همه مردمان را در بر می‌گیرد.

^x مهارت کمانداران عیلامی در تاریخ تبدیل به ضرب المثل شده است. تصویر ایشان کراراً در تقوش پارسی یافت می‌شود. ع در اینجا باز همان پیامی را که در ار ۴۶:۲۶ و ۴۹:۶ آمده، باز می‌یابیم.

که سرزمینش را به ویرانی خواهد سپرد،
و در آنجا دیگر سکنه‌ای نخواهد بود:
از انسان گرفته تا حیوان،
گریخته‌اند؛ از آنجا رفته‌اند!^f

سقوط بابل و رهایی اسرائیل^z

^۱ کلامی که یهوه خطاب به بابل و
۵۰ خطاب به سرزمین کلدانیان، به
واسطه خدمت ارمیای نبی گفت.^a

بابل

^۲ آین را در میان ملت‌ها اعلام نمایید،

^{۱۴:۴۶} آن را منتشر سازید، مخفی مکنید،

بگویید:

بابل گرفته شده!

^{۱:۴۶} اش

بل^b از شرم‌ساری پوشیده شده!

مرودک^c له شده!

^{۱:۴۷} اش

بت‌هایش از شرم‌ساری پوشیده شده!

«کشافتش»^d له شده‌اند!

^{۹:۳۸} اش

^{۹:۲۱} اش

زیرا که از شمال^e ملتی بر علیه او

^{۹:۵} اش

می‌آید

اسرائیل	
^۴ در آن روزها و در آن زمان	- وحی یهوه -
بنی اسرائیل خواهند آمد،	ایشان و پسران یهودا، جملگی با هم ^g ;
^{۹:۳۱} گریان، ره خواهند سپرد	و یهوه، خدا ایشان را خواهند طلبید ^h .
^۵ هو ⁱ	^۶ روى خود را به سوی صهیون خواهند گرداند
^۶ و درباره آن خبر خواهند گرفت:	^۱ «بیاید به یهوه بپیوندیم

Z بخش نبوت‌ها بر علیه ملت‌ها، با مجموعه‌ای از وحی‌های خطاب به بابل به پایان می‌رسد که دو فصل طولانی را در بر می‌گیرد. این دو فصل که از کیفیت ادبی بالایی برخوردار بوده و به سیک‌های مختلف نوشته شده، دائمًا حول دو موضوع می‌گردد: سقوط بابل و نجات اسرائیل پراکنده. اگر این متن را ارمیا در زمانی که بابل در راه قدرتش بود نوشته باشد، قصده این بوده که به واسطه آنها، ویرانی بابل و احیای اسرائیل را به دست آورد. اما این امکان نیز هست که این وحی‌ها به دست یکی از شاگردان ارمیا، در زمانی که سقوط بابل نزدیک به نظر مرسید نوشته شده باشد. در هر حال، این وحی‌ها از یک سو آشکار کننده تأملی بشری آنکه از واقع بینی است، یعنی انتقاد بیناییان از هر گونه توسعه طلبی سیاسی و خودمحورانه و به ضرر سایر اقوام؛ و از سوی دیگر، نگرش الهیاتی عمیقی است در این خصوص که خدا به خاصان خود نزدیک است، حتی در موقع بحرانی تاریخشان، تا ایشان را نجات بخشد.

a آنچه که عمل می‌کند، کلام خدا است؛ ارمیا فقط ابزاری است برای آن.

b «بل» در اصل به معنی «مالک» است مانند «بعل» این عنوان به خدایان متعددی اطلاق شده اما خصوصاً به مردوک.

c «مردوک» خدای شهر بابل است؛ از زمان حمورابی به بعد، او خدای ملی تمام مملکت بابل گردید.

d اصطلاح عربی که در اینجا به کار رفته، به معنای «چیزی شدیداً نفرت انگیز» می‌باشد (احتمالاً با «مدفعه» مرتبط است). آن را کراراً در کتاب حزقيال باز می‌یابیم (نیز ر.ک. لاو^j:۲۶، باد^k:۱۵ و توضیحات:۱: پاد^{۲۶:۲۱}، پاد^{۲:۲۱}).^{۱:۲۱}

e مصیبت از شمال می‌آید (ر.ک. توضیحات:۶:۴) در اینجا فقط معنای استعاری مدنظر است، زیرا دشمن، یعنی پارسیان، عملاً از جنوب شرقی می‌آیند.

f ر.ک. ۹:۹. در عبری، معنای خاص «رفن» همان «گریختن» است، و در معنای مجازی، «مردن».

g در خصوص رؤیای اتحاد اسرائیل و یهودا، ر.ک. ار^{۶:۲۳}:۱۸:۳، اش^{۶:۳۱}:۱۱، اش^{۱۳:۱۱}:۱۳، هو^{۲:۲}:۲۸-۱۵:۳۷، هو^{۶:۹}:۱۰، هو^{۶:۹}:۱۳.

h بی‌با این تصویر، توبه ای که از دور مشاهده می‌کند (ر.ک. ۲۱:۳-۲۵).^{۱:۲۱} ترجمه ما با تغییری در یک حرف صدادار در کلمه دوم متن عبری صورت گرفته است. قرائت متن عبری: «بیاید و ایشان می‌بیونندن». برخی دیگر، بر اساس آکیلا و با اعمال تغییری در حروف صدادار کلمه اول، چنین ترجمه کرده‌اند: «ایشان می‌آیند و به یهوه می‌بیونندن».

این چنین است که گرفته خواهد شد.^m
تیرهاشان به سان تیرهای جنگاوری ماهر
استⁿ که دست خالی باز نمی گردد.
۱۰ کلده به یغما گذارده خواهد شد،
جمله غارتگرانش به سیری خواهند رسید
و حی یهوه.
۱۱ می توانید شادی کنید، می توانید مر^{۲۱:۴}
هلله کنید،
ای غارتگران میراث من!^o
می توانید همچون گوساله ای ماده در
سبزه زار بجهید،
و همچون اسبان نر شیوه بشکید!
۱۲ مادر شما تماماً از شرمدار پوشیده
شد؛
خجل زده است آن زن که شما را زایید!
اینک او واپسین ملت ها است،
بیابان است و زمین خشک و صحراء!
۱۳ به سبب خشم یهوه، آن دیگر مسکون
خواهد شد،
تماماً ویرانه خواهد گشت؛
هر آن کس که از کنار بابل بگذرد،
حیران خواهد شد
و در برابر تمام جراحاتش سوت خواهد
زد.^p
۱۴ بر علیه بابل، گردآگرد آن، صفات آرایی
کنید،

۴۰:۳۲ با عهدی دائمی و فراموش نشدنی».
۱۷:۵ ۶ گوسفندان لگمشده؛ این چنین بودند
قوم من؛
چوپانانشان ایشان را سرگردان
می کردند،
برروی کوه ها، ایشان را گرد خودشان
می گردانند؛
از کوه به تپه می رفند
و آغل خود را از یاد می بردند.
۷ هر که ایشان را می یافتد،
می دریدشان،
و دشمنانشان می گفتند: «ما مقصر
نیستیم،
چرا که به یهوه گناه ورزیده اند،
به آن مسکن عدالت و امید پدرانشان.^k

بابل

۱۶:۵۰ ۸:۱۴ ۲۳:۳۱
۴۵:۵۱ اش:۴۸:۲۰
زک:۲:۱۱-۱۰:۲۱
۱۶:۵۱
۴۱:۵۰ ۱۴:۲۵ ۴۸:۲۷:۵۱
که از سرزمین شمال [آمده اند]
بر خواهم انگیخت و بر خواهم آورد؛
ایشان بر علیه او صفات آرایی خواهند
کرد؛

تحت الفظی: «احشام کوچک» (يعني گوسفند و بز).

k این جمله احتمالاً از سوی نبی ادا شده، نه از سوی دشمنان.

۱ این تصویر بازگو کننده شجاعت و شور و شوقی است که نبی آرزو دارد در تبعیدیان برای خروج از اسارت ببیند.

m تحت الفظی: «از آنجا گرفته خواهد شد».

n این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «... جنگاوری است که از فرزندان محروم می سازد».

o يعني بابلی ها در فلسطین.

p ر. ک. توضیحات ۱۸:۱۶.

سپس این آخرین، نبوکدنصر، پادشاه بابل، استخوان هایش را خرد کرد.^{۱۸} به همین سبب، چنین سخن می گوید یهوه لشکرها، خدای اسرائیل: اینک من پادشاه بابل و سرزمینش را مجازات خواهم کرد، همان اش^{۱۹} سان که پادشاه آشور را مجازات نمودم.^{۲۰} من اسرائیل را به چراگاهش باز خواهم گرداند؛ بر کرم و در باشان^{۱۱} خواهد چرید، در کوهساران افراییم و جملعاد^۷ سیر خواهد شد.^{۲۱} در آن روزها و در آن زمان - وحی - به دنبال خطای اسرائیل خواهند گشت، و خطای نخواهد بود، و (به دنبال) گناهان یهودا، و نخواهند یافت؛ چرا که [با زمانده] را که باقی می گذارم، خواه آمرزید.^{۲۲}

بابل

^{۲۱} به سرزمین مراتاییم^X برآی، بر علیه او برآی و بر علیه ساکنان فقود.^{۲۳}

ای همگی شما که کمان را می کشید؛ تیرها را به سوی او پرتاب کنید و آنها را دریغ مدارید، زیرا که به یهوه گناه ورزیده است.^۹ ^{۷:۵۰}
^{۱۵} بر او فرباد بزنید، در گردآگردش!^{۱۶:۴} ^{۱۶:۲۰}
^{۲۰:۵} دست خود را دراز می کند^{۱۱}، ستون هایش^{۲۳:۴۴} یوشع^{۶:۵}،^{۶:۵۱} فرو می ریزد،^{۲۳:۴۳} حصارهاش تخریب شده است.^{۹:۵}
^{۲۹:۵۰} زیرا این انتقام یهوه است؛ از او انتقام بگیرید،^{۶:۵۱} مطابق آنچه کرده با او انجام دهید!^{۱۶} از بابل محظوظ آن کس را که بذر می پاشد و آن کس را که به هنگام درو، داس را به کار می برد!^{۲۸:۵۰} ^{۳۸:۲۵}
^{۴۵:۹:۵۱} به سبب شمشیر ویرانگر،^{۱۴:۱۳} بادا که هر کس به سوی قوم خود باز گردد،^{۲۹:۵} هر کس به سرزمین خود بگریزد.

اسرائیل

^{۱۷} اسرائیل گوسفندی گمشده بود که شیرها تعاقب شی می کردند.^{۶:۵۰} ^{۱۵:۲} اش^{۲۹:۵} پادشاه آشور، اول از همه، آن را درید.^۸

Q این جمله در ترجمه یونانی نیست؛ احتمالاً حالت توضیحی دارد.
 ۱۲ احتمالاً یعنی «تسليیم می شود».

۱۳ اشاره با سقوط سامرده در ۷۲۲ ق.م. و تبعیدی است که متعاقب آن رخ داد.

t اشاره با سقوط اورشلیم در ۵۹۷-۵۸۷ ق.م. و تبعیدی است که متعاقب آن رخ داد.

۱۴ باشان به کوه های کرانه شرقی رود اردن دلالت دارد که به سبب چراگاه هایش شهرت داشت (ر.ک. میک ۱۴:۷؛ مز ۱۳:۲۲).

۱۵ جملاد در جنوب باشان واقع بود که این نیز در شرق رود اردن قرار داشت.

۱۶ این بدان معنی نیست که مرخی از آمرزش برخوردار خواهند شد به این دلیل که این بخت را داشته اند که زنده باقی بمانند،

۱۷ بلکه فقط می خواهد بگوید که آمرزش و زنده ماندن مرتبط اند (ر.ک. اش ۶-۴:۴؛ صفحه ۱۳:۳).

X در اصل «مراتیم» که در زبان اگدی یعنی «مناطق ساحلی» و دلالت دارد بر منطقه دهانه رودهای دجله و فرات. قرائت سنتی یهود معنای جغرافیایی «مراتیم» را از دست داده و آن را تبدیل به کلمه «مراتاییم» کرده، یعنی «ارتداد مضاعف» یا «تلخی (مرات) مضاعف».

y «فقود» دلالت دارد به بخشی از منطقه مرايتیم. در حرق ۲۳:۲۳ به ساکنان این دیار اشاره شده است.

<p>آن را قلع و قمع کنید تا چیزی از آن باقی نماند! <small>۲۱:۵۰</small></p> <p>۲۷ همه گاوهای نز آن را بکشید، بادا که به کشتارگاه فرود آید! وای بر آنان، زیرا روزشان فرا رسیده، زمان مکافاتشان!</p> <p>اسرائیل</p> <p>۲۸ گوش کنید! گریزندگان و رهایی یافتگان از سرزمین بابل، می آیند تا در صهیون اعلام دارند انقام یهوه، خدای ما را، انقام معبدش را.</p> <p>بابل</p> <p>۲۹ کمانداران را بر علیه بابل احضار کنید، تمام آنان را که کمان را می کشند؛ در تمام پیرامون آن، بر علیه آن اردو زنید، کسی نگریزد!</p> <p>۳۰ مطابق رفتارش به او باز پس دهید، مطابق هر آنچه کرده، با او انجام دهید؛ زیرا نسبت به یهوه متکبر بوده است، نسبت به قدوس اسرائیل!</p>	<p>۲۰ بکش و قلع و قمع کن آنچه را که از آن باقی مانده <small>۲۶:۵۰ ۲۷:۵۱</small></p> <p>- وحی یهوه - و مطابق آنچه تو را امر کرده ام، عمل نما.</p> <p>۲۲ هیاهوی رزم در سرزمین و بلای عظیم! چگونه فرو کوییده و خرد شده آن چکش تمامی زمین؟ چگونه تبدیل به ویرانه شده، بابل، در میان ملت ها؟</p> <p>۲۴ برایت دامی گستردم و گرفتار شده ای، ای بابل، بی آنکه متوجه شوی؛ یافت شده و گرفته شده ای، از آنجا که یهوه را تحریک کرده ای.</p> <p>۲۵ یهوه زرادخانه خود را گشود و [از آنجا] ابرارهای غضب خود را بیرون کشیده است؛ زیرا خداوند یهوه را کاری است در سرزمین کلانیان.</p> <p>۲۶ همگی، بدون استثناء به آنجا بیایید، انبارهایش را بگشایید، آن را همچون بافه ها توده کنید،</p>
--	--

Z تحتاللفظی: «به ممنوعیت نذر کن» یعنی «وقف خدا کن»؛ ر.ک. توضیحات ۹:۲۵.

a ترجمه‌های دیگر: «دام‌ها گستردی» یا «در دام خودت گرفتار شدی». قرائت ترجمه یونانی برای اجتناب از نسبت دادن عملی خائنانه به خدا: «دامی خواهند گستراند».

b قرائت عبری: «بدون انتها به آنجا بیایید». ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه سریانی.

c ابرار بمعنی اسلحه ر.ک. ۲. سمو ۲۷:۱.

d تحتاللفظی: «آن را به ممنوعیت (یا لعنت) نذر کنید»؛ ر.ک. توضیحات ۹:۲۵.

e اصطلاحی که مراد از آن یا بازرگان قوم است، یا تخبگان نظامی.

f یعنی روز مرگشان؛ ر.ک. ۲۱:۴۶.

g تحتاللفظی: «انتقام کاخش» یعنی کاخ خدا که در آسمان است، و نیز بر زمین، یعنی همان معبد که در ۵۸۷ ق.م. به دست بابل‌ها به آتش کشیده شد.

تا به زمین آسودگی بدهد
و ساکنان بابل را بلرزاند.

^{۳۰} به همین سبب، جوانانش در
^{۴:۵۱} میدان هایش خواهند افتاد،
و جمله مردان جنگی اش در آن روز از

بابل

^{۳۵} شمشیر بر علیه کلدانیان - وحی یهوه -
۱۲:۱۲ و بر ساکنان بابل،

پای در خواهند آمد

- وحی یهوه.

^{۳۱} اینک من بر ضد تو هستم^h، ای
^{۲:۲۶}
^{۸:۲۹} «تکبر»،

- وحی خداوند یهوده لشکرها -

زیرا روز تو فرا رسیده،
زمانی که تو را مكافات دهم.ⁱ

^{۳۲} آنگاه «تکبر» خواهد لغزید، خواهد
افتاد،

^{۶:۴:۵۱} و کسی نخواهد بود که او را بر خیزاند!
۱۴:۲۱ شهرهایش را به آتش خواهم کشاند،
آن همه پیرامونش را خواهد درید.

یهوه، نجات دهنده اسرائیل

^{۳۳} چنین سخن می گوید یهوده لشکرها:
بنی اسرائیل ستم کشیده اند،

و پسран یهودا نیز به همان شکل؛

همه آنان که ایشان را اسیر ساخته اند،
ایشان را نگاه می دارند،

^{۱۷:۱۴} و از آزاد ساختنشان سر باز می زند.

^{۳۴} اما فدیه دهنده^j ایشان توانمند است،
یهوده لشکرها نام او است؛

^{۳۶،۱۹:۵۱} او از امر ایشان نیک دفاع خواهد کرد،

h تحتاللفظی: «من بر ضد تو».

i تحتاللفظی: «لحظه ای که از تو حساب خواهم خواست»؛ ر.ک. ۱۲:۲۳ و توضیحات.

z.ر.ک. اش ۱۴:۴۱، ۱۴:۴۳.

k با اعمال تغییری در یک حرف صدادار، می توان مانند ترجمه های کهن (سریانی، آرامی و وولگات) ترجمه کرد: «غیب گویانش».

m اصطلاحی است طعنه آمیز که دلالت دارد بر «بتهایا». کاربرد عبارت «خویشن را جلال می دهنند» منطبق است با ترجمه های کهن. قرائت عبری: «مانند دیوانگان رفتار می کنند».

n منظور از این تصاویر این است که بابل تبدیل به بیابان شده است.

ساخت^۱، و در آنجا کسی را برقرار خواهیم داشت که برگزیده ام.
زیرا کیست همچون من؟
چه کسی مرا برای عدالت به محکمه ایو^۲:۹:۱۹
خواهد کشاند؟
کدامیں چویان است که تواند در برابر ۲:۴۱
من ایستاد؟
۴^۵ به همین سبب، به سرنوشتی که یهوه^۶:۲۹،۱۲:۵۱
برای بابل تعیین کرده، گوش فرا دهد،
به طرح هایی که او برای ساکنان
کلدانیان ریخته:
آری، گوسفندان - حتی نحیف ترین آنها^۷
- کشیده خواهند شد.
آری، چراگاهشان به سبب آنها حیران
خواهد شد.
۴^۶ با صدای گرفته شدن بابل، زمین به ۲۹:۵۱
لرزه می آید،
و پژواکش در میان ملت ها شنیده می شود.
۵۱
^۱ یهوه چنین سخن می گوید:
اینک بر علیه بابل^۸
و بر علیه ساکنان لب - قمایی^۹
روح شخصی ویرانگر را بر می انگیزان؛^{۱۱:۴}
۲^{۱۰}:۲۵:۲۲
باد دهنگان^{۱۱} غله را به بابل خواهیم
فرستاد که آن را باد خواهند داد
۷:۱۵

اندر نسل در آن سکونت نخواهند گزید.
۴^۰ به سان زمانی که خدا سدهم و غمorer و^{۱۶:۲۰}
[شهرهای] مجاور را واژگون ساخت - و^{۱۸:۴۹}
اش^{۱۹:۱۳} یهوه - هیچ کس در آن ساکن نخواهد شد، و^{۳۳،۱۸:۴۹}
هیچ بنی آدمی در آن اقامت نخواهد گزید.
۴^۱ اینک قومی از شمال فرا می رسد^{۱۱:۳:۵}.
ملتی بزرگ و پادشاهان بی شمار
او دوردست ترین نقطه زمین سر بر
می آورند.
۴^۲ کمان و زوبین^{۱۰} را به دست دارند،
سنگدل و بی رحم اند،
بانگشان همچون دریا می خروشد،
بر اسیان بر آمده اند،
به سان مردی واحد برای نبرد صفات آرایی^{۲۲:۵}
کرده اند،
بر علیه تو، ای دختر بابل!^{۲۴:۴۶}
۴^۳ آن هنگام که پادشاه بابل خبر را
شنید،
دستانش سست شد^P
اضطراب او را فرا گرفت،
و لرزه، همچون زنی که می زاید.^{۱۰-۹:۴:۲۴:۶}
۴^۴ اینک، به سان شیری که از انبوهی^{۷:۴}
اردن^۹ به سوی چراگاهی دائمی بر می آید،
در یک آن ایشان را از آنجا گریزان خواهم^{۱۱:۴}

آیات ۴۱-۴۳ تقریباً عیناً ۲۲:۶-۲۴:۶ را تکرار می کند.
۰ به عبارتی دقیق تر، اشاره به سلاحی است به شکل داس که دسته بلند دارد.
P ر. ک. ۴:۳۸:۳:۴۷

آیات ۴۴-۴۶ با تغییرات اندک، ۲۱-۱۹:۴۹ را تکرار می کند.

^{۱۰} یعنی از بابل؛ ر. ک. آیه ۴۲.

^۸ برخی چنین ترجمه می کنند: «به یقین کوچکان در گله ایشان را خواهند کشید». اگر چنین ترجمه ای را مدنظر قرار دهیم، منظور از «کوچکان در گله» طبق سنت یهود، می تواند پارسی ها باشند که جوان ترین بسیاری از یهودیان ستمدیده، خصوصاً برای ۲۰:۴۹، که می روند تا انتقام خود را بگیرند.

^۹ نظر داوید قیمه‌ی، این اشاره‌ای است به یهودیان ستمدیده، خصوصاً برای ۲۰:۴۹، که می روند تا انتقام خود را بگیرند.

^{۱۰} یعنی «دل دشمنان» این نوعی عبارت رمزی است که بر اساس کلمه «کلده» ساخته شده است.

^{۱۱} این کلمه را با همین حروف بی صدا، می توان «بیگانگان» نیز ترجمه کرد. ترجمه ما مبنی است بر ترجمه های آکیلا، سربانی و ولگات.

۲۹:۵۰:۲۴:۵۱ مز:۷۵ مکا:۱۴:۱۳ ۱۶:۲۵ مکا:۱۸:۹،۲:۱۸	حق او را به او خواهد پرداخت! با بابل جامی زرین بود در دست یهوه، تمام زمین را سرمیست می ساخت؛ ملت ها از باده او نوشیدند، به همین سبب دیوانه شده اند. ناگاه با بابل افتاده و خرد شد. بر او زوزه بکشید!	و زمینش را ویران خواهند ساخت؛ زیرا که در روز مصیبت اورا از هر سو احاطه خواهند کرد. ^۳ بادا که کماندار، کمان خویش را بکشد
۲۲:۸ مکا:۱۸:۵ يون:۱:۲ مکا:۱۸:۵	بر روید و برای دردش به دنبال مرهم بگردید ^a ؛ شاید که شفا یابد! می خواستیم با بابل را شفا دهیم، اما شفا نیافت!	و جوشنش را در بر کند ^۷ ! جوانانش را معاف مدارید، تمامی لشکرش را قلع و قمع کنید.
۱۲:۳۰ ۱۱:۴۶ ۴۵:۵۱ مکا:۱۸:۶ مز:۳۷:۶	راهیش کنیم، هر یک به سرزمین خود برویم؛ چرا که داوری اش تا به آسمان ها می رسد و تا به ابرها بالا می رود ^b .	^۴ بادا که بیفتد، قربانیان شمشیر، در سرزمین کلدانیان، شمشیر خورده، در کوی هایش. ^۵ جزیرا که سرزمینشان از جنایات آکنده است
۲۹:۵۰ اش:۸-۴:۵۴ ۴:۱۷-۱۵:۱۹ ۱۱:۵۱ ۱۱:۵۱	^۶ بر ضد قدوس اسرائیل ^w ؛ ^۷ الف زیرا که اسرائیل بیوه ^x نیست، ^۸ ب و نه یهودا [یهوه] از خدای خویش، از یهوه لشکرها. ^۹ از میان با بابل بگریزید و هر یک جان خود را نجات دهید، به سبب خطای او هلاک مشوید ^z . چرا که زمان انتقام ^y برای یهوه است:	^۵ بر ضد قدوس اسرائیل ^w ؛ ^۶ الف زیرا که اسرائیل بیوه ^x نیست، ^۷ ب و نه یهودا [یهوه] از خدای خویش، از یهوه لشکرها. ^۸ از میان با بابل بگریزید و هر یک جان خود را نجات دهید، به سبب خطای او هلاک مشوید ^z . چرا که زمان انتقام ^y برای یهوه است:

^۷ متن عبری که در کش دشوار است، چنین قرائت می کند: «کماندار کمان خویش را نکشد و جوشنش را در بر نکند»، در این معنا که هیچ مقاومتی فایده نخواهد داشت. ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

^w ما دو مصرع آخر را در آغاز آورده ایم چرا که دنباله منطقی آیده ^۴ است.

^x این تنها نمونه در کتاب مقدس است که در آن کلمه «یهوه» مذکور است. این کلمه به نام اسرائیل مربوط می شود و این نام همیشه مذکور است. مفهوم «ورد نظر این است که خدا نموده و اسرائیل تنها نیست: خدا با او است.

^y لر. ک. ۴۶:۱۰:۱۰:۱۵:۵:۲۸ و آش:۸:۳۴:۲:۶۳:۴:۶۳.

^z تحت اللطفی: «در فساد او به خاموشی نگراید».

^a وجه امری این افعال خطاب به متحدين و مزدوران با بابل بیان شده است.

^b این اصطلاحات مبهم هستند. دو تعبیر برای آنها متصور است: «صدای خرد شدنش چنان عظیم است که عالم هستی را پر می سازد»؛ یا «هرمت آن فقط می تواند در اثر داوری خدا به انجام برسد، خدایی که ساکن در آسمان ها است و امانتش تا به ابرها می رسد» (ر. ک. مز:۳۶:۶:۵۷:۱۱:۵:۱۰۸).

^c این آیه مضمون ۲:۵۰، ۲:۲۸ را همچون بندگران تکرار می کند. این عبارات بیانگر عمق ایمان اسرائیل است، ایمانی که مکاشفه عمل نجات خدا است و نیز شهادت است. ر. ک. مز:۹:۲۸:۷۳:۱۵:۹.

<p>خواهم ساخت، و بر علیه تو فریاد لگدکننده را سر خواهند داد». ۳۰:۲۵</p> <p>سرود او زمین را با قوت خویش ساخته، اش ۱۸:۴۵</p> <p>هر گاه آوا دهد، خوش آب ها در آسمان پدید می آید؛ ابرها را از اقصای زمین بر می آورد، و برق ها را برای باران به وجود می آورد، و باد را از خزانه های خویش می کشد. هر بشری ابله است، به سبب نبود دانش، ۱۷</p> <p>هر ریخته گری شرمدار است از تندیس خویش؛ زیرا دروغ را می ریزد، در آن نفسی نیست. بطالت هستند، اثربخش، ۱۸</p> <p>در زمان مکافاتشان هلاک خواهند شد. ۲۷:۵۰</p>	<p>خود را به سپرها^d مجهر نمایید! یهوه روح پادشاه مادی ها^e را برانگیخته، زیرا بر علیه بابل طرحی ریخته تا آن را نابود سازد؛ ۲۹:۵۱</p> <p>زیرا که این انتقام یهوه است، انتقام معبدش. ۱۰:۴۶:۶:۵۱</p> <p>بر علیه حصارهای بابل نشانه ای بر پا دارید^g، ۲۷:۵۱</p> <p>بیشتر کشیک بدھید، قراولان بگمارید، کمین گاه ها بر پا کنید؛ زیرا یهوه مصمم شده و آنچه را که بر علیه ساکنان بابل گفته، به عمل می آورد. ۴۵:۵۰:۱۱:۵۱</p> <p>ای تو که در کنار آب های عظیم^h ساکنی، که از گنج ها غنی هستی، انتهایت رسیده، پایان سودهایت. پیدا ۱۳:۶:۶:۱۴:۲۲</p> <p>یهوه لشکرها آن را به خویشتن سوگند خورد: ۵:۲۲</p> <p>«تو را از انسان ها، همچون ملخ ها، پر</p>
--	--

^d معنی این اصطلاح قطعی نیست. همراه با یونانی و وولگات و سنت یهود، می توان چنین قرائت کرد: «تیردان ها را پر کنید».

^e «مادیها» (ر.ک. پیدا ۱۰:۲-۲:۱۷:۶:۱۷-۲:۱۰) پاد (۱۷:۱۳:۶:۱۷-۲:۱۰) قبلاً به سقوط نینوا در ۶۱۲ ق.م. کمک کردند. در ۵۸۵ ق.م. بر لدیها پیروزی یافتند و بعد قدرتشان رو به افول گذاشت. لذا این وحی را می توان مربوط به اوائل تبعید دانست.

^f ر.ک. توضیحات ۲۸:۵۰.

^g این روشی بود به نشانه حمله. به این منظور، پرچمی را تکان می دادند؛ تصور می شد که این حرکت، اثربخشی دارد.

^h منظور فرات و شبیاث است. این اصطلاح نمادین، اشاره دارد به تمام ثروت های مادی بابل، یعنی ثروت کشاورزی و بازرگانی و غیره. ر.ک. آیه ۳۶ و توضیحات.

ⁱ نگرش نبی که مبتنی بر ایمان است، بازتاب نگرشی است که در تمام انجیل در مورد ثروت به چشم می خورد؛ ثروتی که بدون توجه به خدا جمع آوری شده باشد، به هیچ دردی نمی خورد (ر.ک. مثلاً مت ۲:۶، ۱۹، ۲۴، ۲۰:۲۱-۲۰:۲۱؛ ۱۶:۲۵؛ یع ۵:۱-۵ و غیره).

آیات ۱۵-۱۹ تکرار ۱۰-۱۲:۱۰ است. اگر این سرود در اینجا آورده شده، به این سبب است که ارتباط الهیاتی عمیقی با محتوای وحی های علیه بابل دارد، به این معنی که نشان می دهد خدا سرور امپراطوری های بزرگ و تاریخ است (خصوصاً تاریخ اسرائیل)، همان گونه که سرور خلقت می باشد.

تو که تمام زمین را ویران می ساختی؛
دست خود را بر علیه تو دراز خواهم کرد،
تورا از بالای صخره ها خواهم غلطاند
و از تو کوهی سوخته خواهم ساخت.
^{۶:۱۵}
^{۸-۷:۸}
^{۹:۱۸}

از تو نه سنگ زاویه خواهند گرفت
و نه سنگ شالوده؛
زیرا که ویرانه ابدی خواهی بود
- وحی یهوه.
^{۱۶:۲۸}

نشانه ای در سرزمین بر پا کنید،
در میان ملت ها کرنا بنوازید.
ملت ها را بر علیه او وقف کنید،
ملکت ها را بر علیه او احضار نمایید،
آرارات، میتی، اشکناز^۰ را،
بر علیه او کاتیان تعیین کنید،
اسیان را بار کنید، همچون ملغ هایی با
موهای براق.
^{۴:۶}
^{۹:۵۰}
^{۶-۵:۴}
^{۱۲:۵۱}
^{۲۳:۴۶}

ملت ها را بر علیه او وقف کنید،
پادشاه مادر،
حاکمان و جمله والیانش را،
تمام سرزمین تحت سلطه اش را.
زمین می لرزد و مرتعش است،
زیرا طرح یهوه بر علیه بابل به انجام
می رسد:
تبديل نمودن سرزمین بابل به مکانی
ویران، خالی از سکنه،
^{۱۱:۵۱}
^{۳۷:۵۱}

^{۱۹} سهم یعقوب این چنین نیست:
زک^{۱۲:۲} همه چیز را «او» شکل بخشیده،
و اسرائیل^k قبیله میراث او است،
و یهوه لشکرها نام او است.
^{۵۷:۵۱}

مرثیه بابل

تو برای من چکش بودی،
سلاح جنگی.
با تو ملت ها را چکش زدم،
با تو مملکت ها را ویران ساختم،
با تو اسب و اسب سوار را چکش زدم،
با تو ارابه و ارابه ران را چکش زدم،
با تو وزن و مرد را چکش زدم،
با تو سالخورده و طفل را چکش زدم،
با تو مرد جوان و دختر جوان^۱ را چکش
زدم،
^{۱۷:۳۶}
^{۱۸:۱۳}
^{۱۷:۳۶}
^{۲۳:۵۰}

با توجیهان و گله را چکش زدم،
با تو کشتگر و گاووش را چکش زدم،
با تو حاکم و والی را چکش زدم.
^{۲۸:۵۱}
^{۵۶:۵۱}

اما در مقابل چشمان شما، کاری
خواهم کرد که بابل و به تمام ساکنان کلده
همه بدی را که به سهیون کرده اند،
بپردازند - وحی یهوه.^m
^{۱۳:۲۱}
^{۸:۱۳}
^{۲۲:۲۸}

اینک بر ضد تو هستم،
ای «کوه ویرانی»ⁿ - وحی یهوه -
^{۱۱:۳۱}

^k ما کلمه «اسرائیل» را بر اساس متن مشابه آن در ار ۱۰ و نسخ خطی متعدد، اضافه کرده ایم.
^۱ می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «پسран نوجوان و دختران نوجوان». معنی کلمات عبری بیانگر سنی میان کودکی و بزرگسالی است.

^m این آیه یکپارچگی وحی را می گسلد. به نظر می رسد که توضیحی متأخر به دست کاتب الهام یافته ای باشد.

ⁿ نویسنده این تصویر را که با موقعیت جغرافیایی بابل سازگار نیست، از تجربه ای که از شهرهای فلسطین دارد، ارائه داده، شهرهایی که بر بلندی ها بنا شده است.

^۰ «آرارات» یا به آشوری مملکت اورارت، همان ارمنستان است؛ «میتی» ناحیه ای بود در ارمنستان واقع در بیرامون دریاچه وان، و جزو متحده آشوری ها بر علیه بابل در ۶۱۶ ق.م. بود. «اشکناز» قومی چادرنشین سکایی، از ریشه ای ایرانی بودند که در پایان سده هفتم ق.م. به آسیای صغیر نفوذ کردند و بعد تا به سوریه و فلسطین منتشر شدند.

<p>اسرائیل</p> <p>۳۴ مرا دریده، مرا فرو برد، نبوکدنصر، پادشاه بابل، مرا ظرفی تهی ساخته است؛ مرا فرو بلعیده همچون اژدها، شکم خود را پر ساخته است. مرا از خوشی هایم رانده است.</p> <p>۳۵ زن ساکن در صهیون^t خواهد گفت: بادا که خشونتی که به جسم من^u روا داشته شده، بر بابل باشد؛ و اورشلیم خواهد گفت: و خون من بر ساکنان کلده باشد!</p> <p>۳۶ به همین سبب، یهوه چنین سخن می‌گوید:</p> <p>اینک از امر تو دفاع خواهم کرد؛ یقیناً انتقامت را خواهم گرفت، دریای او را خشکانید و چشمی اش را خشک خواهی ساخت.^v</p> <p>۳۷ بابل بدل به توده ای سنگ خواهد شد، غاره شغالها، ویرانه و ریختند^w، [مکانی] خالی از سکنه.</p>	<p>شجاعان بابل از جنگیدن دست</p> <p>کشیده اند؛ در دژها می‌مانند، شجاعتشان به انتهای رسیده، زن شده اند؛ مسکن هاشان سوخته، چفت درهایش خرد شده است.</p> <p>۳۱ پیک پیشاپیش پیک می‌دود، قادص پیشاپیش قاصد^P، تا به پادشاه بابل اعلام نمایند</p> <p>۳۲ که شهرش از یک سوتا سوی دیگر گرفته شده است. گذرگاهها اشغال شده، باروها به آتش سوخته^q، و مردان جنگی وحشت زده شده اند.</p> <p>۳۳ زیرا چنین سخن می‌گوید یهوه لشکرها، خدای اسرائیل^r؛ دختر بابل به سان خرمگاه است در زمان لگدمال کردنش؛ پس از زمانی کوتاه، زمان درو او فرا می‌رسد.^r</p>
--	--

p این اصطلاحات را می‌توان به سه طریق تعبیر کرد: ۱) پیک‌ها و قاصدان پیغام را به یکدیگر تحویل می‌دهند؛ ۲) پیک‌ها و قاصدان در کاخ پادشاه به یکدیگر می‌رسند؛ ۳) پیک‌ها و قاصدان، در حالت پریشانی، به هر سو می‌دوند.

q متن دشوار است. برخی بر این عقیده اند که شاید چند کلمه در متن جا افتاده. با تغییر جای دو حرف بی صدا، می‌توان این گونه ترجمه کرد: «زورق‌ها (سوار کشته شدن در رود فرات) به آتش کشید شده اند». بعضی دیگر ترجمه کرده اند: «باروها به آتش کشیده شده اند»، یا «نی‌ها به آتش کشیده شده اند».

r قرائت عبری: «پس از اندک زمانی، زمان درو» ترجمه ما مطابق است با ترجمه‌های یونانی و سریانی و آرامی. این تصویر یادآور ویرانی بابل است: بابل مانند خرمگاه تسطیح شده، لگدمال حیواناتی خواهد شد که برای برگرفتن دانه از باقه‌ها بر آن خواهند گذشت.

s برخی دیگر چنین ترجمه کرده اند: «شکم خود را از خوشی‌های من پر ساخته و مرا رانده است». u ر.ک. ۱۹:۴۸.

t طبق ترجمه‌های یونانی و آرامی، می‌توان این گونه نیز تعبیر کرد: «بادا که دردها و مصیبت‌های من بر بابل وارد آید». v «دربا» و «چشمی» احتمالاً به رودهای بابل اشاره دارد. در هر حال، منظور به طور نمادین، ثروت و غنیمت بابل است؛ ر.ک. توضیحات آیه ۱۳.

w تحت الفظی: «ویرانه و سوت زدن»؛ ر.ک. ۱۹:۸؛ توضیحات ۱۸:۱۶.

جایی که هیچ بنی بشری از آن
نمی‌گذرد.

^{۴۳} بابل و بابل را مجازات خواهم نمود،
آنچه را که بلعیده از دهانش بیرون
خواهم آورد،

و ملت‌ها دیگر به سوی او حرکت
نخواهند کرد،

^{۵۸:۵۱} حتی حصار بابل نیز خواهد افتاد!
^{۳۸:۲۵:۹:۵۱} ^{۱۶:۱۳:۵۰} ^{۴۵} از میان او بیرون آیید، ای قوم من،
و هر یک جان خود را نجات دهید
از شدت غصب یوه!

^{۴۶} دلتان سست نگردد!

از خبرهایی که در سرزمین شنیده خواهد
شد، مهرازید؛

یک خبر در یک سال خواهد رسید،
سپس، سال بعد، خبر دیگری:

خشونت در سرزمین،
حاکم بر علیه حاکم!

^{۴۷} زیرا اینک روزهایی فرا می‌رسد
که در آنها بتهای بابل از مجازات
خواهم نمود؛

تمام سرزمینش از شرمداری پوشیده
خواهد شد

و همهٔ قربانیانش در میانش خواهند
افتاد.

^{۴۸} آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آنها
یافت می‌شود

بابل

^{۳۸} ^{۱۵:۲} ^{۱۰:۴} ^{۵:۲۱} ^X جملگی با هم به سان شیربچگان
می‌غرنده^X،

به سان بچه‌های شیران ماده غرش
می‌کنند.

^{۳۹} در آن حال که خود را گرم می‌کنند،
ضیافتی برایشان تدارک می‌بینم،

^{۶:۶۴،۵۷:۵۱} ^{۱۳:۱۳} ^{۱۲:۲۱} مستشان خواهم کرد تا کودن شوند^۷
و به خوابی ابدی بخسند

^Z و دیگر بیدار نشوند^Z
- وحی بهوه.

^{۴۰} ^{۲۷:۵۰} ایشان را همچون بردها به کشتارگاه
فروند خواهم آورد،

همچون قوچ‌ها و بزها.

سوگواری بر بابل

^{۴۱} ^{۲۱:۵۱} ^{۲۶:۲۵} ^{۱۷:۴۸} ^a شیشک^a چگونه گرفته شده و گرفتار

آن جلال تمامی زمین؟
چگونه تبدیل به ویرانه شده،

بابل، در میان ملت‌ها؟
^{۴۲} ^{۷:۲۱} دریا بر علیه بابل برآمده،

او را با خروش موج‌هایش پوشانده
است.

^{۴۳} شهرهایش بدل به ویرانه شده،
زمینی خشک، صحراء،

^{۴۰،۱۲:۵۰} ^a جایی که کسی در آن ساکن نمی‌شود،

^X منظور اهالی بابلی است.

۱) تحتاللفظی: «... تا فراوان گردند» یا «... تا بسیار شاد شوند». مطابق ترجمه‌های یونانی و سریانی و وولگات، می‌توان چنین تعییر کرد: «... تا کودن شوند»، یا «... تا سرحد مرگ مست شوند».

^Z این تصویر بیانگر تمام تاریخ بابل است که به گونه‌ای سیرنایذیر، ممالک را یکی پس از دیگری از میان برداشت؛ اما این امر نتیجه‌ای جز فراهم ساختن موجبات نابودی خودش نداشت.

^a نوعی کلمه رمزی برای بابل.

<p>سازد، از جانب من بر او ویرانگران فرا خواهند ایو.^a</p> <p>رسید - وحی یهوه. ^۴هیاهوی را که از بابل می آید، بشنوید! صدای عظیم خُرد شدن سرزمین کلدانیان را!^b ^۵زیرا یهوه بابل را ویران می سازد و صدای بلندش را ساکت می سازد؛ موج هایش^c به سان آبهای عظیم^d می خروشد، قیل و قال صدایشان طنین می افکند.^e ^۶زیرا شخصی ویرانگر بر علیه بابل می آید؛ شجاعانش گرفته شده و کمان هایش خرد شده است. چرا که یهوه، خدای تقاض است: او به دقت می پردازد!^f ^۷بزرگان و حکیمانش را مست خواهم^g ساخت، حاکمان و والیان و دلاورانش را، و به خوابی ابدی خواهند خوابید، و دیگر بیدار نخواهند شد - وحی پادشاه که نامش یهوه لشکرها است.^h ^۸چین سخن می گوید یهوه لشکرها:</p>	<p>بر بابل فریاد شادی سر خواهند داد، زیرا که از شمال ویرانگران بر او خواهند.ⁱ</p> <p>رسید - وحی یهوه. ^۹بابل نیز باید که بیفتند برای قربانیان اسرائیل، به همان سان که برای بابل افتادند قربانیان تمامی زمین^b. ^{۱۰}ای رهایی یافتگان از تبعیغ، بروید، توقف مکنید، از دور دست ها یهوه را به یاد آورید، و بادا که اورشلیم به خاطرتان برسد.^j ^{۱۱}چون ناسزا می شنیدیم، شرم مسار می شدیم، خجالت رویمان را می پوشاند، زیرا که بیگانگان می آمدند بر علیه مکان های مقدس خانه یهوه.^k ^{۱۲}به همین سبب، اینک روزهایی می آید - وحی یهوه - که در آن بت هایش را مكافات خواهم رساند و قربانیان در تمامی سرزمینش ناله سر خواهند داد. ^{۱۳}گرچه بابل خود را تا به آسمان بالا برد و گرچه دزهای رفیعیش را دست نیافتنی</p>
---	---

^a این آیه را می توان به گونه های مختلف ترجمه کرد. مطابق ترجمه آرامی می توان گفت: «در بابل قربانیان اسرائیل افتاده اند»، یا «برای بابل قربانیان تمام زمین افتاده اند» مطابق و لگات: «همان سان که بابل زخمیان رو به مرگ اسرائیل را افکند، به همان سان زخمیان رو به مرگ تمامی زمین برای بابل خواهند افتاد». ترجمه تحت الفظی دیگر: «بابل نیز باید که بیفتند، ای شما قربانیان اسرائیل، به همان سان که قربانیان تمام زمین برای بابل افتادند». برخی نیز با بخش کردن یک حرف بی صدا و تغییر جای مصوع ها، چنین ترجمه کرده اند: «قربانیان تمامی زمین برای بابل افتاده اند: بابل نیز به نوبه خود باید برای قربانیان اسرائیل بیفتند».

^b با تغییر حروف صدادار در این کلمه، می توان آن را «هیاهو» ترجمه کرد. ترجمه ما مطابق قرائت عبری است.

^c تحت الفظی: «از قیل و قالش به او آسودگی داده خواهد شد».

یهوه، این تو هستی که این سخنان را درباره این مکان گفته ای، که آن را نابود خواهند ساخت، آن سان که در آن دیگر سکنه ای^{۳:۵۰} ساخته باشد، نه انسان و نه حیوان، بلکه ویرانه ای ابدی خواهد بود.^{۴۳} و چون از خواندن این کتاب فارغ شدی، سنگی به آن بیند و آن را به میان فرات بینداز؛^{۴۴} بگو：^{۴۵} مکا^{۲۱:۱۸} به این شکل است که بابل غرق خواهد شد، و از مصیبته که بر آن وارد خواهم آورد، دیگر سر بر نخواهد افرشت^{۴۶}. در اینجا سخنان ارمیا پایان می پذیرد.^۱

ضمیمه

تحقیق نبوت‌های ارمیا بر علیه اورشلیم و یهودا^h

۵۲ صدقیا به هنگام آغاز سلطنتش،^۱ بیست و یک ساله بود، و یازده سال در اورشلیم حکومت کرد. مادرش حموطال نام داشت، دختر پیرمیاهو؛ وی از لبنة^۱ [بود].^۲ او آنچه را که در نظر یهوه بد بود، انجام داد، مطابق هر آنچه یهودی‌اقیم کرده

حصارهای بابل، آن وسیع،^{۴۷:۵۱}
بالکل با خاک یکسان خواهد شد؟^{۱۵:۵۰}
و دروازه‌هایش بلندش را
و آتش خواهند کشید.
بدینسان قوم‌ها خود را برای هیچ خسته
می‌کنند^{۱۹:۱۴} و ملت‌ها خود را برای آتش درمانده
بنسی^{۱۹:۱۴} می‌سازند.

نبوت بر علیه بابل به شکل عملی نمادین^e

[این است] دستوری که ارمیای نبی^{۵۹}
به سرایا پسر نریا پسر معسیا داد، آن هنگام
که وی با^f صدقیا، پادشاه یهودا، در سال
چهارم سلطنتش، به بابل رفت. سرایا
مسئول اردوگاه بود.^{۶۰} ارمیا تمام مصیبته
را که می‌بايست بر بابل وارد آید، در
كتابی نوشته بود، (یعنی) تمام این سخنان
مکتوب را درباره بابل.^{۶۱} ارمیا به سرایا
گفت: «وقتی به بابل برسی، دقت کن که
تمام این سخنان خوانده شود.^{۶۲} بگو: ای

^e این عمل نمادین (ر.ک. توضیحات ۱:۱۳) که مربوط به ۵۹۴ ق.م. می‌گردد، یعنی ۵۵ سال پیش از سقوط بابل، نمایانگر ایمان نبی به تحقق کلام خداوند است.

^f قرائت یونانی: «از سوی صدقیا». شاید این قرائت ارجح باشد زیرا این سفر صدقیا در جای دیگر مورد تصدیق قرار نگرفته است.

^g در متن عبری، در اینجا این عبارت وجود دارد: «درمانده می‌باشند». این عبارت در ترجمه یونانی نیست؛ در ضمن، با آنچه که قبل از آن آمده، ارتیاطی ندارد؛ احتمالاً تکرار بخش پایانی آیه ۵۸ است تا آیات ۵۸-۵۹ را (که حالتی الحافی دارد) به بخش پیشین آن مرتبط سازد. تحت اللغوی: «تا اینجا سخنان ارمیا» ر.ک. ۴۷:۰۴۸. این جمله که در هفتادتیان نیامده، بیشتر بانتهای آیه ۵۸ متأسیت دارد که در ان، وحی‌های ارمیا به پایان مرسد.

^h در این فصل، روایت کتاب پادشاهان (۲-پاد ۱۸:۲۴ تا ۳۰:۲۵) با اندک تغییراتی، تکرار شده است. این مطالب در اینجا آورده شده تا تحقیق نبوت‌های ارمیا را نشان دهد. در ضمن، همین مطالب، به نوبه خود، بر نگارش نهایی ار ۳۹ تأثیر گذارد است.

ⁱ شهری واقع در ساحل مدیترانه (ر.ک. یوشع ۲۹:۱۰ وغیره).

گرفتند و او را نزد پادشاه بابل به ربله، در سرزمین حماتⁿ، برآوردهند، و یهودا و داوری‌ها اعلام داشت.^{۱۰} پادشاه بابل پسران صدقیا را در مقابل چشمان او گردن زد، و نیز تمام بزرگان یهودا را در ربله گردن زد.^{۱۱} سپس چشمان صدقیا^{۱۲} را در آورد و او را با زنجیر برنجین دولايه بست، حر^{۱۳:۱۲} را تا به روز مرگش در خانه محافظان نگاه داشت.

^{۱۲} در ماه پنجم، روز دهم ماه - که سال نوزدهم نبوکدنصر^p، پادشاه بابل بود - نبوزردان، فرمانده محافظان که جزو اطرافیان پادشاه بابل بود^۹، وارد اورشلیم شد.^{۱۳} او خانه یهود و خانه پادشاه و تمام

خانه‌های اورشلیم را سوزاند؛ او تمام حر^{۱۶:۳۹}^{۱۸:۳۹} خانه‌های بزرگان را به آتش سوزاند.

^{۱۴} سپس تمام لشکر کلدانیان که با فرمانده محافظات بودند، کلیه حصارهایی را که اورشلیم را در احاطه داشت، فروکوبیدند.^{۱۰:۱}
^{۱۵} بقیه جمعیتی که در شهر باقی گذاشته شده بودند، و خائنانی که جانب پادشاه بابل را گرفته بودند، و باقی صنعت‌گران

بود.^{۱۷-۱۳:۲۲} به سبب خشم یهود بود که در اورشلیم و یهودا چنین شد، آن سان که سرانجام او^{۳۱:۳۲} ایشان را از روی خود دور کرد.^j صدقیا بر علیه پادشاه بابل قیام کرد.

^{۱۶} باری، در سال نهم سلطنت [صدقیا]^k، در ماه دهم^k، روز دهم ماه، نبوکدنصر، پادشاه بابل، هم او و هم تمامی لشکرش، بر علیه اورشلیم آمد؛ ایشان در مقابل [شهر] اردو زدند و در تمام پیرامونش، بر علیه آن تجهیزات بنا کردند.^{۱۷} شهر تا سال یازدهم صدقیا پادشاه در حالت محاصره بود.^{۱۸} در ماه چهارم، روز نهم ماه، آن هنگام که قحطی در شهر بیداد می‌کرد و دیگر برای مردمان سرزمین نان نبود،^{۱۹} شکافی به شهر زده شد، و تمام مردان جنگی گریختند و شبانه، از راه «دروازه» میان دو دیوار^{۲۰}، که نزدیک باغ پادشاه است، از شهر خارج شدند. آن هنگام که کلدانیان شهر را در محاصره داشتند - و ایشان راه عربه^m را در پیش گرفتند.^{۲۱} لشکر کلدانیان به تعقیب پادشاه برآمدند و در بیابان اریحا به صدقیا رسیدند؛ در آنجا تمام سپاهش به دور از او پراکنده شدند.^{۲۲} پادشاه را

۱۰. ک. ۲. پا:۱۷:۲۰:۱۸:۱۷:۲۳:۲۴:۲۳. در این باب اخیر به این اشاره شده است که نبوت ارمیا به تحقق رسیده است. k پایان دسامبر ۵۸۹ ق.م.

۱۱ دروازه‌ای واقع در جنوب که فراریان ترس کمتری از برخورد با دشمن داشتند، زیرا که دشمن احتمالاً شکاف را در دیوار شمالی شهر به وجود آورده بودند.

m یعنی به سمت دره اردن.

n ربله شهری است واقع بر روی خانه آورونت (العاصی)، در سوریه.

۱۲ این صحنه خشنونت بار، در آن روزگار در خاور نزدیک، امری متداول بود. این عمل را در نقش برجسته‌های آشوری مشاهده می‌کنیم، خصوصاً نقش برجسته‌ای مربوط به سرگن.

p لذا در پایان ژوئیه ۵۸۷ ق.م.: ر.ک. توضیحات ۱:۲۵.

۱۳ قرائت ماسورت‌ها: «نبوزردان رسید و در مقابل پادشاه بابل در اورشلیم ایستاد». این امر در مضمون متن روشن نیست. ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه‌های یونانی و وولگات که احتمالاً متن اولیه را بهتر برگردانده‌اند.

سرستون پنج ذراع بود. بر روی سرستون، در پیرامون آن، رشته‌ای و انارهایی وجود داشت؛ همه از برنج بود. ستون دوم و انارها نیز این چنین بود.^{۲۳} نود و شش انار وجود داشت که آزادانه آویزان بود. جمع انارها بر روی رشته، در تمام اطراف آن، یکصد بود.^{۲۴} فرمانده محافظان، سرایا، رئیس کاهنان، و صَفَنْیاهو، کاهن دوم، و سه^{۱:۲۱} محافظ آستانه را گرفت.^{۲۵} از شهر خواجه‌ای^{۲۶} گرفت که بر مردان جنگی گماشته شده بود، و (نیز) هفت مرد از آنان که روی پادشاه را می‌دیدند و در شهر یافت بودند.^{۲۷} چون نبوزردان، فرمانده محافظان، ایشان را گرفت، نزد پادشاه بابل، به ریله، برد.^{۲۸} پادشاه بابل، در ربله، در سرزمین حمات، دستور داد تا آنان را بزنند و بمیرانند.^۷

یهودا به دور از زمین خود تبعید شد.^{۲۹} این است رقم جمعیتی که نبوکدنصر تبعید کرد:

سال هفتم:^W
اهالی یهودا: ۳/۲۳ (نفر):
۳۰ سال هجدهم نبوکدنصر^X:
از اورشلیم: ۸۳۲ (نفر):
۳۰ سال بیست و سوم نبوکدنصر^Y,

را نبوزردان، فرمانده محافظان، به تبعید برد.^{۱۶} اما^۵ از مردمان پست سرزمین، نبوزردان، فرمانده محافظان، بخشی را به عنوان رَزَبان و کشتگر واگذارد.

^{۱۷} ستون‌های برنجین خانهٔ یهوه، و پایه‌ها و «دریای برنجین» که در خانهٔ یهوه^۱ بود، کلدانیان آنها را خُرد کردند و تمام برنج را به بابل برندند.^{۱۸} همچنین دیگ‌ها و بیلچه‌ها و چاقوها و جام‌های پاشیدن و کاسه‌ها و تمام اشیا برنجین را که برای عبادت بود، گرفتند.^{۱۹} فرمانده محافظان همچنین لگن‌ها و آتشدان‌ها و جام‌های پاشیدن و دیگ‌ها و شمعدان‌های چند شاخه و کاسه‌ها و پیاله‌ها، و هر آنچه را که از طلا بود و هر آنچه را که از نقره بود، گرفت.^{۲۰} در مورد آن دو ستون و «دریای» واحد و دوازده گاو برنجین که زیر [دریا]^{۲۱} بود و پایه‌هایی که سلیمان پادشاه برای خانهٔ یهوه ساخته بود، کسی نمی‌توانست وزن برنج تمام این اشیا را برآورد کند.

^{۲۱} در مورد ستون‌ها، ارتفاع هر ستون هجده ذراع بود؛ ریسمانی دوازده ذراعی، پیرامون آن را می‌پیمود؛ ضخامت (ستون) چهار انگشت بود؛ آن میان تهی بود.^{۲۲} بر بالای آن سرستونی برنجین بود، و ارتفاع هر

^۲ در متن عبری، در آغاز آیه، عبارت «مردمان پست قوم» آمده؛ این عبارت در بخش‌های موازی (ار ۹:۳۹ و ۲-پاد ۱۲:۲۵) وجود ندارد و با مضمون متن متناقض است. این احتمالاً تحت تأثیر آیه بعدی اضافه شده است.

^۳ متن عبری تکرار می‌کند: «نبوزردان، فرمانده محافظان».

^t ر. ک. ۱-پاد ۷:۲۱، ۲۱:۷، ۲۳، ۲۷ و توضیحات.

^۴ منتظر شخصی مهم در دربار پادشاه میباشد. ر. ک. ۳:۳ و ۲:۲۵ پاد ۱۹:۲۵، ۱۳:۲ و ۱:۱۸.

^۵ ترجمه یونانی فقط آورده: «بزنند». در پایان آیه نیز موضوع تبعید، و نیز آیات ۲۸-۳۰ را از قلم اندخته است.

^W احتمالاً منتظر سال هفتم نبوکدنصر است، یعنی سال ۵۹۷ ق.م. که تاریخ تختیین تبعید ساکنان اورشلیم می‌باشد.

^X یعنی سال ۵۸۷ ق.م. تاریخ دومین تبعید ساکنان اورشلیم. ر. ک. توضیحات ۱:۲۵.

^Y یعنی سال‌های ۵۸۲-۵۸۱ ق.م. از شرایط این تبعید سوم که در روایت کتاب‌های پادشاه ذکر نشده، آگاهی نداریم. اما می‌دانیم که در این سال بود که نبوکدنصر، موابیان و عمویان را به تبعید برد.

بر افراشت، و او را از زندان بیرون آورد.^{۳۲} او با وی با نیکویی سخن گفت و برای او جایگاهی رفیع تر از جایگاه پادشاهانی که با او در بابل بودند^۳، تعیین کرد.^{۳۳} او جامه های زندانی وی را عوض کرد، و [یهوباکین] در تمامی روزهای زندگی اش، دائمًا خوراک خود را در حضور او می خورد.^{۳۴} معیشت او، روزانه، تا به روز وفاتش، در تمامی روزهای زندگی اش، دائمًا از سوی پادشاه بابل تأمین می شد.

نبوزَرَان فرمانده محافظه، (اینها را)

تبعد کرد:

اهالی یهودا: ۷۴۵ (نفر):

جمعًا: ۴,۶۰۰ (نفر).^z

سرنوشت نسل داود^a

^{۳۱} باری، در سال سی و هفتم تبعید یهوباکین، پادشاه یهودا^b، در ماه دوازدهم، (روز) بیست و پنجم ماه، اویل - مرودک، پادشاه بابل، در سال آغاز سلطنتش، سر یهوباکین، پادشاه یهودا را

Z در مقایسه با رقم «ده هزار تبعیدی» (رقم گرد شده) که در ۲-پاد ۱۴:۲۴ آمده، این ارقام هم دقیق تر می نماید و هم محدودتر، باید در نظر داشت که یهودا سزمین کوچکی بود و فقط صاحبان مصب ها و حرفة ها به تبعید رفتند.

a با اینکه مؤخره کتاب ارمیا حزن آلود است، اما با چهار آیه امید بخش خاتمه می یابد (آیات ۳۴-۳۱) زیرا یکی از اعقاب داود از افتخار و امتیاز برخوردار می شود؛ ر. ک. توضیحات ۲-پاد ۲۵:۳۰.

b یعنی در ۵۶۰-۵۶۱ ق.م.

c ترجمه ما تحت اللفظی است. برخی دیگر چنین ترجمه کرده اند: «... که با او سرنوشتی مشابه داشتند».

۲۰۱۶